

تالیفات « فقه برای غرب نشینان (جمع آوری شده طبق فتاوی معظم له) »

مقدمه مترجم

یک مسلمان متعهد و متقی باید در داخل حدود و مرزهای الهی زیست کند و این حدود و مرزها، همان حلال و حرام و روا و نارواست و وظیفه یک فقیه تعیین آنها بر اساس کتاب و سنت دیگر ادله شرعی و عقلی است. حوزه فقاقت، بسیار گسترده و فراگیر می باشد و هیچ کردار و رفتار و گفتاری بدون حکمی از احکام پنجگانه نیست. ولذا انسان در هر کجا زندگی کند، در شرق، غرب، بلاد اسلامی و یا خارج آنها، باید حیات خود را در همان چهار چوب بگنجد و اگر او فردی هوشیار و متعبد باشد هیچ مشکلی برایش پیش نخواهد آمد، زیرا فقهای ما بر پایه سماحت و سهولت شریعت مقدس اسلام برای همه زمینه ها و در همه شرایط و اوضاع و احوال، راه حل مشروع و معقول ارائه می دهند و هرگز انسان را در بن بست قرار نداده و بلا تکلیف رها نمی کنند.

هجرت مسلمانان از بلاد اسلامی به کشورهای غربی، اروپا و آمریکا و غیره در قرن اخیر شتاب بیشتری گرفته است. آنان در اثر عواملی که مجال بحث از آنها نیست تنها و یا فوج فوج زادگاهش را ترک گفته و در آن بلاد اقامت و سکنی گزیده اند و ویژگی آن محیط ها و حاکمیت شرایط خاص برای مسلمانان مسائلی پدید آورده که مکرر سؤالاتی را موجب شده که پاسخ می طلبند.

نویسنده این سطور که چندین سفر تبلیغی به برخی کشورهای اروپایی داشتم و با مسلمانان مهاجر عرب، ترک، آذری، افغانی، ایرانی و غیر هم دیدارها داشتم با انبوهی از آن سلسله مسائل مواجه بودم و حتی در برخی موارد به سبب اختلافی بودن مسئله، از برخی مراجع تقلید استفتا به عمل آورده و پاسخ متناسب دریافت می کردم و آنها را منتقل می نمودم.

سال گذشته بعد از مسافرت تبلیغی و تجدید دیدار، به زیارت برادر بزرگوارم حجة الاسلام و المسلمین آقای سید جواد شهرستانی صهر آیت الله العظمی سید علی سیستانی (دام ظلّه العالی) شرفیاب شدم و در محضر ایشان کتاب "الفقه للمغربین" را دیدم و نسخه ای گرفتم. پس از مطالعه ملاحظه کردم که غالب مندرجات آن رساله، سؤالاتی بود که در طول چندین سفر از من هم کرده بودند و احیاناً پاسخهای کلی می دادم و به لحاظ عدم اطلاع از فتاوی مراجع، در برخی موارد احتیاج به استفتاء احساس می شد. این کتاب علاوه بر آنکه آن سلسله مسائل مورد ابتلاء و پرسش را دارد با فتاوی مرجع تقلید شیعیان حضرت آیه الله العظمی سیستانی هم تطابق داشت. تصمیم گرفتم برای تعمیم فایده، کتاب را به فارسی برگردانم تا همه از برکات رساله مزبور بهره مند گردند.

خدا را سپاس که در عرض چند ماه این نیت جامه عمل پوشید و ترجمه کامل آماده طبع شد. از خدای متعال مسئلت دارم که آن را به کرمش قبول فرماید و ذخیره آخرت قرار دهد.

در خاتمه سخن، از همکاری و همکاری سرکار خانم حاجی حسینی که در سامان دادن این کار، مرا یاری رساندند و در تسریع ترجمه و تنظیم کتاب، نقش سازنده داشتند تشکر می کنم و برای ایشان نیز مزید توفیق و اجر، مسئلت دارم، انّ نعم المجیب. تهران - سید ابراهیم سید علوی

۱۳۷۸/۸/۵

رجب المرجب ۱۴۲۰

مقدمه نویسنده کتاب

بسیار خوشحالم که کتاب "فقه برای غرب نشینان" را که با فتاوی حضرت آیت الله العظمی سید علی سیستانی - مدظله العالی - برابر است تقدیم خوانندگان گرامی کنم.

این کتاب کوششی است آغازین در زمینه بیان برخی احکام فقهی برای مردمانی که پیش آمده تا میهن خود را ترک نموده و از علایق و وابستگی های وطن مألوف، بریده و در کشورهای غیر اسلامی و در زیر حاکمیت قوانین، آداب عادات و رسوم نظامهای احیاناً نا مانوس و مغایر با شیوه های شناخته شده در بلاد اسلامی، زندگی کنند و همین امر، ناسازگاری ها و شکافهایی را در زندگی آنان به وجود آورده و مشکلات خاصی را آفریده است و پاسخهایی مناسب می طلبد.

این رویداد، نیاز به نگارش کتابی را می رساند که به مسائل حیاتی مسلمانان مهاجر به مغرب زمین، پاسخ دهد، بنابر این کتاب حاضر خط مشی ویژه ای دارد و اهداف خود را در یک مقدمه و دو باب و هر کدام دارای چندین فصل پی می گیرد و مسائلی را مطرح می کند که احیاناً نا آشنایند و قضایایی را دنبال می نماید که کاملاً تازه اند و در رساله ها و کتب فقهی معمولی، کمتر آنها را نمی توان یافت.

مباحث این کتاب، روزه هایی را برای خوانندگان باز می کند و احیاناً ممکن است استفتائات و سؤالاتی تازه پیش آورد. و مایه خوشحالی است که خوانندگان با فضیلت، آنها را به آدرس ما بفرستند تا همراه پاسخ آنها، در چاپ های بعدی کتاب، منتشر شود.

این کتاب (فقه برای غرب نشینان) در واقع سومین کوشش ماست به دنبال دو تلاش قبلی تحت عناوین: "فتاوی آسان" و "منتخبی از مسایل برگزیده". نگارنده در هر سه کتاب کوشیده است تا طالبان را به فقه و احکام اسلامی پیوند دهد و آن معلومات را برای کسانی که در آن رشته تخصص ندارند دوست داشتنی کند. اگر به این هدف رسیده باشم خدا را سپاس فراوان می گویم و الا تنها کوششی

است در انجام وظیفه. و توفیق از خداوند است و بس.

نگارنده توانست فصولی از کتاب حاضر را به سمع و نظر والد گرامی که به قصد معالجه، مدتی در لندن اقامت داشت برساند و از نظرات معظم له بهره برد. خدا این عمل از ما بپذیرد.

ضمناً از کلیه کسانی که مرا در تکمیل و بهسازی این کتاب یاری کرده اند سپاسگزارم و به ویژه از حضرت آیت الله العظمی سیستانی - مدظله العالی - که قبول زحمت فرموده برخی استفتاءها را ملاحظه کردند و همچنین از دفاتر معظم له در نجف اشرف، قم و لندن که یاری ها کردند و محبت ها مبذول داشتند و در تطبیق و مقابله فتاوا زحمت کشیدند، نهایت تشکر را دارم.

خدا همه ما را به سوی آنچه رضا و خشنودی اش در آن است هدایت فرماید و به توفیق آنچه که شایسته است نایل آورد. آمین. "...ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصرأ كما حملته على الذين من قبلنا، ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين"

عبدالهادی المحمد تقی حکیم

۲۷/رمضان ۱۴۱۸

طرح مؤلف و تمهید

در صبح یک روز آفتابی زمستان رجب سال ۱۴۱۶ برابر کانون اول ۱۹۹۵ هواپیما به سوی لندن پایتخت انگلستان به پرواز در آمد. هواپیما از شرق به سوی غرب و از میهن آفتاب به پایتخت ابرها پرواز می کرد، گرمای خورشید که از شیشه های هواپیما به درون می آمد چیزی بود که دیگر با آن وداع می گفتم همچون وطن و میهن خودم که آن را هم با یک حرارت معنی داری ترک می نمودم. هواپیما در وسط آسمان قرار گرفت و پروازش آرام و خوش بود، همانند آن بود که چیزی روی قطب استوار، قرار گیرد. ترجیح دادم که با خواندن برخی سوره ها از روی قرآن کوچکی که از زمان کودکی همراه دارم اندکی وقت را پر کنم.

من در خانه بزرگمان در نجف اشرف چشم خود را گشوده و جدم را دیده بودم که صبح هر روز و بعد از ظهر و عصر و به هنگام سفر و دیگر اوقات قرآن می خواند و همچنین پدرم را می دیدم که همیشه در جیب خود قرآنی داشت و در سفر و حضر از آن جدا نبود. قرآن را گشودم و آیاتی را با صدایی آهسته و آرام تلاوت می کردم تا بدان وسیله روح و روان و درون و خونم را شستشو دهم و دهانم را از آلودگی های مادی و از بدی ها، پاک کنم و از خدای - عزوجل - یاری بطلبم که این پاره آهنی را که در میان آسمان و زمین معلق است از رخداد سوء حفظ فرماید.

ظهر نزدیک شده بود و کم کم وقت نماز فرا می رسید. از روی صندلی خود بلند شدم و به سوی دستشویی راه افتادم. تجدید وضو کرده، شانه از جیب خود در آوردم، موی سر و صورت را مرتب کردم و با شیشه کوچک عطر، خود را خوشبو کردم که چنان عادت داشتم زیرا خوانده بودم که معطر بودن و بوی خوش به کار بردن مستحب است و پیامبر اکرم محمد (ص) عطر را دوست می داشت و نیز خوانده بودم که نماز با عطر و بوی خوش برابر هفتاد نماز است. پس از آنکه از وضو، شانه کردن مو و استعمال عطر فراغت جستم درب دستشویی را باز کردم و بیرون آمدم و دوباره بر روی صندلی خود نشستم.

تا نشستم شروع کردم آیه هایی را که از کودکی حفظ داشتم تلاوت کردم و می اندیشیدم کجا باید نماز بخوانم و چگونه سمت قبله را بشناسم و آیا ایستاده نماز بخوانم و یا نشسته؟! این افکار مرا به خود مشغول کرد. به حافظه ام رجوع کردم و از اطلاعات دینی ام کمک گرفتم و سخن فقها، به یادم آمد که انسان تا می تواند باید ایستاده نماز گزارد و اگر ناتوان بود و ممکن نشد می تواند نشسته نماز بخواند. و همینطور از حکمی به حکمی دیگر و از مرتبه ای به مرتبه دیگر بر حسب قدرت و استطاعت پیش می رفتم چون می دانستم نماز به هیچ وجه ساقط نمی شود.

وقتی به این نتیجه رسیدم چشم خود را در هواپیما گراندم تا جایی را بیابم که ممکن است در آنجا ایستاده، نماز گزارد. در گوشه ای جایی دیدم که می شد آنجا نماز خواند، در دل خود گفتم جا آماده شد باید سمت قبله را بشناسم و تا زمانی که هواپیما آرام و مثل ایستاده است، فریضه را به جا آورم، به نظرم رسید که از خدمه هواپیما بپرسم تا قبله را بشناسم. مهماندار جای آورد و آن را روی میز کوچک صندلی که در جلو هر مسافر قرار داشت. از فرصت استفاده کرده با انگلیسی شکسته بسته گفتم: - سؤالی دارم.

- بفرمایید.

- بی زحمت ممکن است سمت قبله را برای من بفرمایید؟

- متأسفم، خواسته شما را نفهمیدم.

- سمت قبله، سمت مکه مکرمه؟

- آیا شما مسلمان هستید؟

- بله، می خواهم نماز ظهر بخوانم.

- اجازه بدهید از خلبان هواپیما بپرسم.

مهماندار رفت کابین تا قبله را از خلبان بپرسد. در این فرصت به ذهنم آمد که برای نماز زیر اندازی هم لازم دارم تا روی آن نماز بخوانم. او برگشت و جواب سؤالم را داد، از وی خواستم پارچه ای، قطعه روزنامه ای بیاورد که روی آن نماز بخوانم.

او ملاقه ای برای من آورد، آن را روی کف هواپیما پهن کردم و نماز ظهر و سپس نماز عصر را دو رکعت به طور قصر و شکسته خواندم، آنگاه تسبیح حضرت زهرا را سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله خواندم و شکر خدا به جا آوردم و دوباره به روی صندلی خود نشستم ولی حالی دیگر داشتم و احساس آرامش می کردم. بیشتر می پنداشتم که نماز در

هواپیما، کاری سخت و امری خسته کننده می باشد و مرا به زحمت خواهد انداخت و انگشت نما خواهد کرد اما اشتباه می کردم بر من آشکار شد که نماز برای من احترام ویژه ای به وجود می آورد و به من شکوه و هیبتی خاص می بخشد حتی در نظر غیر مسلمانان که همراه من سفر می کنند و از آن جمله خدمه و مهمانداران هواپیما.

غرق در این افکار بودم که بلندگوی هواپیما به صدا در آمد و اعلام کرد که می خواند غذا بدهند، فوری مهمانداران پیش آمده از مسافران می پرسیدند با ملاحظه لیست غذا، چه نوع غذا و طعامی را ترجیح می دهند. نوبت به من رسید یکی از خانم های مهماندار پرسید: چه غذایی را دوست می دارید: ماهی و یا مرغ؟!

من ماهی را انتخاب کردم اما نه بدان جهت که آن را بیشتر دوست دارم و آن را بر مرغ ترجیح دادم لیکن بدان سبب که مرغ را نمی توانم بخورم زیرا آن را از دست غیر مسلمان می گیرم و برای من محرم نیست که آیا آن تذکبه و ذبح شرعی، شده است یا نه؟ و این همان مشکلی است که تا در مغرب زمین هستم با این مشکل مواجه می باشم.

من در یک کشور اسلامی زاده شده ام و در آن رشد کرده و بزرگ گشته ام. من هر گاه در صحت ذبح گاو، گوسفند و یا مرغ و امثال آن شک می کردم و یا در حلال بودن ماهی که از بازار می خریدم دو دل می شدم به آن شک اعتنا نداشتم زیرا از بازار مسلمانان می خریدم و آن را با خاطری جمع و آسوده، می خوردم لیکن وضع در کشور غربی کاملاً فرق می کند من نمی توانم گوشتی را که یک شخص غیر مسلمان می فروشد بخورم مگر آن که تذکبه شرعی آن را برابر فقه و شریعت اسلامی احراز کرده باشم و این، چندان کار آسانی نیست.

به هر حال مهماندار غذا را آورد و آن طعامی بود لذیذ و اشتها آور، ماهی سرخ شده با روغن آفتابگردان با اندکی سیب زمینی سرخ شده و کمی برنج و سالاد و سبزی و دو دانه زیتون سبز و چند دانه انگور و انجیر سیاه و مقداری شیرینی و لیوانی آب سرپوش دار با مخلفاتی از نمک، شکر و ادویه و دو تکه نان و فاشق، چنگال و کارد و دستمال کاغذی.

خیلی گرسنه بودم. نخست حمد و سپاس خدا گفتم، آنگاه چنگال را در دل ماهی پخته، فرو بردم تا آن را از نگاهدارم و با کارد خردش کنم و به قطعات کوچکتر در آورم تا خوردن آن آسانتر باشد ولی قبل از خوردن به یاد یک چیز دیگر افتادم.

آیا این ماهی پولک دار است؟ و آیا آن را زنده از دریا و آب، بیرون کشیده اند؟ و آیا آن، در تور ماهیگیر مرده است و آیا گیرنده و شکار کننده آن مسلمان بوده است یا کافر، نام خدا به هنگام صید برده شده یا نه؟ و آیا روغنی که ماهی را با آن تاب داده اند، روغن پاک بوده است یا نه؟ و آیا پزنده آن مسلمان بوده یا نه؟

این فکر بسیار خسته کننده بود که در آن ساعت مرا به خود مشغول کرد و لحظه ای از خوردن ماهی خوشمزه و گرم بازداشت در حالی که من گرسنه بودم اما مهم نبود زیرا پس از آن که ماهی پولک دار باشد و از آب زنده بیرون کشیده شود و یا در تور ماهیگیر بمیرد آن را بخورم اعم از آنکه آن را مسلمان صید کند یا کافر، بسم الله بگویم و یا نگویم. مقداری از آن ماهی را با چنگال در بشقاب خود گذاشتم و

دوباره مسائل را از خاطرم گذر دادم و به یاد آوردم که رساله عملیه مرجع تقلید را وقتی که آماده سفر می شدم خواندم و آن مشکلی نبود. در دل خود گفتم روغن آفتابگردان چطور، آیا آن پاک است؟ فوری به خود پاسخ دادم آری، همه چیز برای تو پاک است تا به نجاست و آلودگی آن، علم پیدا کنی. و چون نجاست آن روغن را نمی دانم پس پاک است. و وقتی روغن پاک است و ماهی پخته شده با آن

حلال و پاک، پس همه اش پاک است و خوردن آن حلال می باشد. می ماند پزنده آن، که آیا او مسلمان بوده و یا از اهل کتاب بوده که پاکند و یا این که او نه مسلمان بوده و نه از اهل کتاب؟ البته این مسئله مهم است اما من نمی دانم که آیا پزنده به این غذا دست زده است یا نه؟ قاعده فقهی "همه چیز برای تو پاک است تا بدانی که آن، نجس و آلوده است" را یاد آوردم. مراجعه به این قاعده چنین

نتیجه می دهد که خوراک ماهی هواپیما پاک و خوردن آن برای ما حلال است به این نتیجه که رسیدم، نفسی عمیق کشیدم و با خیال راحت چنگال را برداشتم و قطعات ماهی را که خرد کرده بودم خوردم و سپس سیب زمینی پخته را که با روغن، سرخ شده بود و من نجاست آن را نمی دانستم و برای من پاک بود خوردم و همین کار را با نان، سالاد، میوه و دیگر شیرینی ها کردم همه را پاک می

دانستم و خوردم و آنگاه یک لیوان آب و یک فنجان چای که همه شان برایم پاک بودند نوشیدم زیرا حکم شریعت اسلام در همه آن موارد همین است.

حمد و سپاس خدا به جا آوردم و در برابر نعمت های الهی شکرگزاری کردم و سپس چشمانم را بستم تا کمی استراحت کنم و اندکی بعد چشمان خود را گشودم و از پنجره هواپیما به بیرون نگریدم، به آسمان بالا نگاه کردم سبزی و رنگ آبی شفاف دیدم، به پایین نگاه کردم سبزی دریا را دیدم، سبزی از هر سو مرا در میان گرفته بود و در فضای خرم و بی انتها، شناور بودم.

هوایما در ارتفاع سی هزار پا از سطح دریا پرواز می کرد و دو ساعت و نیم دیگر وقت داشتیم تا به فرودگاه دولتی لندن "هیترو" برسیم.

چشم در درون هوایما گراندم، برخی مسافران سرگرم خواندن روزنامه های صبح بودند که مهمانداران برای ایشان آورده بودند تا کمی وقت خود را پر کنند و عده ای هم در خواب عمیقی فرو رفته بودند.

آرام دست دراز کرده و روزنامه صبح را برداشتم. تیتراها با حروف درشت سیاه و رنگی چاپ شده بودند تا نظر خوانندگان را جلب کنند. چشمم بر روی آن تیتراها می گذشت بی آنکه تمرکزی حاصل شود، در این موقع چیزی به ذهنم آمد که در روزهای گذشته همواره به آن مشغول بودم: من هویت فرهنگی خود را در یک کشور بیگانه چگونه حفظ کنم؟

این فکر مدت طولانی مرا به خود مشغول کرده بود که سفر اروپایی را چگونه خواهیم گذراند؟ و از روزی که سفر را آغاز کردم، دلم بدان مشغول بود و هم اکنون نیز همواره مهمترین فکر من همان است و در هر آن به آن می اندیشیدم، آنگاه که بیدار هستم و آنگاه که خواب بر من چیره می شود صبح، عصر و خواه ناخواه این فکر بر من غالب می گردد.

یکبار یکی از دوستانم که قبل از من به لندن سفر کرده بود تلفنی به من زده و توصیه هایی کرده بود. یکبار دیگر به کتابخانه رفتم، کتابی نظر مرا به خود جلب کرد هم این کتاب و هم آن دوست تأکید داشتند که من بر مسئله ای اهتمام و رزم که خلاصه آن این است: آثار منفی مهاجرت به غرب در این خلاصه نمی شود که انسان از اسلام دور می شود و اطلاعات مذهبی اش رو به کاستی می گذارد بلکه گاهی چیزهایی پیش می آید که به مراتب از آن مهمترند و آن این که انسان مسلمان در چنان محیط هایی از هویت اخلاقی و اجتماعی خود دور می شود و از تربیت اسلامی و عادات و آداب آن فاصله می گیرد!

نویسنده افزوده بود: مسلمانی که وادار به مسافرت به کشورهای غربی می شود باید برای خود محیط های سالم دینی به وجود آورد که در غرب یافت نمی شوند. درست است که او نمی تواند محیط های عمومی را عوض کند اما او می تواند محیط ویژه ای برای خود فراهم نماید که در آن فضا زیست کند.

به وجود آوردن محیط مناسب و اسلامی در آن شرایط شبیه واکسینه شدن در برابر یک نوع بیماری است که انسان می خواهد از آن فرار کند و با اقداماتی معقول به پیشگیری می پردازد ما در عین حال که ادعا نمی کنیم چنان چیزی آسان است و با این تمثیلات ساده از کنار آن نمی توان گذشت، در عین حال این امر از اهمیت خسارت یک انسان با ایمان در زمینه تعهدات دینی که اساس هویت و شخصیت او را تشکیل می دهند کم نمی کند پس شایسته است مراقبت کنیم هر چند که چنان کاری در جنبه های دیگر زندگی خسارت ها و ضررهایی را به وجود آورد. ما همان اندازه که آثار منفی آن سفرها را در نظر می گیریم برای رهایی و نجات از آن ضایعات هم باید برنامه داشته باشیم. مسلمانی که برای آینده مادی و دنیایی و در جنبه های علمی و اقتصادی و دیگر امور خویش در کشورهای غربی، تلاش می کند نباید حیات اخروی خود را در این مسیر از دست بدهد. او مانند هر تاجر دیگر نباید شرف و انسانیت خود را در برابر مبالغی پول خسارت دهد، او همانند مریض برای امراز سلامت و تندرستی و تلخی دوا درد سوزن او داغ شدن و امثال آن را تحمل می کند تا مرض، او را از پا در نیارد. پس برای هر مسلمانی که در چنین محیط های آلوده زندگی می کند لازم است که خود را در برابر عوارض و خطرات نامطلوب، نگاهدارد و برای خود محیط و جو دینی مناسب پدید آورد تا در حد امکان از ضرر و زیان های آن محیط های آلوده، بکاهد.^۱

او باید برای خود و خانواده و فرزندان و حتی برادران هم کیش خود چنان محیط های سالم را به وجود آورد تا به کلام خدای تعالی عمل کره باشد که فرمود:

"یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجارة علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون"^۲: ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتشی نگاهدارید که آتشگیره آن مردمان و سنگ است. بر آن فرشتگانی سر سخت و خشمگین مأمورند که از فرمان خدا سرپیچی نمی کنند و هر آنچه به ایشان امر شود، عمل می کنند.

۱. دلیل المسلم فی بلاد الغربیه، ص ۲۷-۲۸.

۲. سوره تحریم، آیه ۶.

و با خدا - برتر از هر گوینده - فرمود:

"المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر"^۳: مردان و زنان با ایمان، سرپرستان یکدیگرند همدیگر را به نیکی فرمان می دهند و از بدی باز می دارند.

و پیامبر اکرم (ص) فرمود: "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ"^۴: همه تان گله بانید و مسئول رعایای خویش هستید. و به هر حال باید فریضه امر به معروف و نهی از منکر مورد عمل قرار بگیرد. و به طور خلاصه ایجاد چنان مصونیتی در خلال چند امر میسر است.

۱- هر روز به اندازه ممکن، برخی سوره های قرآن کریم را با اندیشه و تدبیر تلاوت کند و یا به قرانت یک قاری گوش دهد که در آن آیات، بینش هایی از سوی پروردگار و هدایت و رحمتی برای مردمان با ایمان وجود دارد: "بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون"^۵.

"و اذا قرى القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون"^۶: و وقتی قرآن، تلاوت شد گوش کنید و آرام باشید شاید مشمول رحمت گردید.

زیرا اگر کسی با قرآن همنشین باشد بلند نمی شود مگر با افزونی و یا کاستی، افزونی هدایت و رشاد و کاستی کورزی و ضلالت،^۵ و

بدانید با وجود قرآن، برای احدی، فقر و فاقه نیست و بدون قرآن هیچ کسی دارا نیست، از او برای دردهایتان دارو بطلبید و در سختی ها و گرفتاری ها از او یاری بجوید زیرا در قرآن شفا و بهبودی از بزرگترین درد که کفر و نفاق و گمراهی و گمگشتگی باشد، وجود دارد و از خدا به وسیله قرآن بخواهید و به محبت قرآن به خدا رو کنید و آن را وسیله سؤال از مردم قرار مدهید زیرا بندگان به سوی خدا هیچ وسیله ای مثل قرآن ندارند و بدانید که او شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته است و گوینده ای است که است که سخنش مورد تصدیق می باشد و هر که در روز قیامت قرآن شفاعت کننده او باشد شفاعت آن در حق او پذیرفته است. ۶.

و هر کس در جوانی قرآن بخواند قرآن با گوشت و خون او

۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۴۸.

۳. سوره اعراف، آیه ۲۰۲.

۴. سوره اعراف، آیه ۲۰۴.

۵ و ۶. نگاه کنید: نهج البلاغه، ص ۲۵۲.

در آمیزد و خدا او را با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار، همراه کند و قرآن در روز قیامت مانع او از آتش و عذاب خواهد بود. ۱.

بہتر است او برخی تفسیرهای مختصر را که حمل آن آسان و در مسافرت سودمند است، همراه داشته باشد.

۲- نمازهای واجب را در وقت های معین بخواند بلکه احياناً نمازهای مستحبی را که ممکن است به جا آورد، پیامبر (ص) به عبدالله بن رواحه آن هنگام که برای جنگ موته بیرون می رفت طی وصیتی فرمود: تو به سرزمینی می روی که در آنجا کمتر برای خدا سجده می شود، پس فراوان سجده کنی. ۲.

و زید شحام از امام صادق روایت کرد که پیامبر(ص) فرمود:

"احب الاعمال الى الله الصلوة، و هی آخر وصایا الانبياء"۳: دوست داشتنی ترین اعمال نزد خدا نماز است و آن آخرین سفارشهای پیامبران است. امیر مؤمنان علی (ع) هم نماز را سفارش کرده فرمود: به نماز تعهد داشته باشید و بر آن مراقبت و محافظت کنید و فراوان نماز گزارید و با آن تقرب بجوید که آن برای مؤمنان واجب وقت داری است. آیا جواب دوزخیان را نمی شنوید آن هنگام که از ایشان سؤال شد چه چیزی شما را در سقر و دوزخ وارد کرد؟ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم.

و همانا نماز گناهان را همانند برگهای درخت فرو می ریزد و معاصی را مانند ریسمان پوسیده، رشته، رشته متلاشی می کند و از بین می برد، و رسول خدا (ص) آن را به حمام و آب گرمی تشبیه کرد که دم در خانه آدمی باشد و او در هر روز و شب پنج بار در آن شستشو کند پس از چنین نظافت و و شستشویی چه آلودگی بر او باقی می ماند؟ ۴

۳- خواندن قسمتی از دعاهای، مناجات ها و ذکرها در حد توان، که چنان عملی گناهان را یاد می آورد و به توبه و او می دارد و به پرهیز از کارهای بد فرا می خواند و توشه ای از حسنات و نیکوکاری می شود. مثل دعاهای صحیفه سجاده امام زین العابدین (ع)، دعاهای کمیل بن زیاد، دعاهای ماه رمضان مانند دعاهای ابوحمزه ثمالی و دعاهای سحر و دعاهای هفته و دیگر دعاهای.

و هر مسلمانی به چنین تهذیب و خود سازی نیازمند است به ویژه اگر در کشور غیر اسلامی به سر برد.

۴- به مرکزها و مؤسسه های اسلامی، زیاد رفت و آمد کند که در آنها در ماه رمضان و یا دیگر ماهها و زمانها در عیدهای اسلامی و مناسبت های مذهبی و روزهای ولادت و وفات، مجالس وعظ، ارشاد و تبلیغ تشکیل و به پا می شود و انگهی مسلمانان باید این مناسبت ها را در خانه های خود هم زنده نگاهدارند. آنجا که چنان مجالس و مراکز و مؤسسات عمومی وجود ندارند.

۵- در انجمن ها و کنفرانس های اسلامی که در کشورهای غربی احياناً تشکیل می شود شرکت کند.

۶- کتابها، مجلات و روزنامه های اسلامی را برای بهره جستن از آنها بخواند و به دیگران نیز فایده برساند.

۷- به برخی نوارهای کاست که اساتید با تحمل زحمت و بی خوابی آنها را فراهم کرده اند و در مجالس به عنوان سخنرانی آنها را القاء کرده اند گوش کند که در آنها موعظه و تذکر فراوان خواهد یافت.

۸- از رفتن به جاهای فساد و لهو از دیدن برنامه های بد تلویزیونی به ویژه بعضی کانالها که برنامه هایشان با عقاید دینی و ارزش های مذهبی و منش و تمدن اسلامی سازگاری ندارند خودداری کند.

۹- دوستان صالح در راه خدا به دست آورد که او آنان را ارشاد کند و ایشان هم او را ارشاد کنند. او آنان را از کژی و انحراف باز دارد. و ایشان هم او را، و اوقات فراغت را با کارهای مفید همراه ایشان بگذارند و بدان وسیله از رفیقان ناباب و از انزوا و تنهایی و آثار سوء آنها خلاصی یابد.

امام صادق (ع) از پدرانش، از پیامبر (ص) روایت کرد که فرمود: مسلمانان پس از فایده اسلام، فایده ای مثل برادر دینی و خدایی به دست نیاورده است.

میسر گفت: امام ابو جعفر صادق (ع) به من فرمود: آیا خلوت می کنید و صحبت می کنید و از هر بابی سخن می گوید؟ گفتم: بله به خدا سوگند خلوت می کنیم و با یکدیگر به گفتگو می نشینیم و آنچه گفتنی است می گویم. امام فرمود: به خدا سوگند دوست می دارم در برخی از این اوقات با شما باشم. آگاه باشید به خدا قسم من بوی شما، روحهای شما را دوست می دارم و شما بر دین خدا

فرشتگان او هستند پس با ورع و کوشش، یاری برسانید.

۱۰- انسان همه روزه از خود حساب کشی بکشد و یا هر هفته عملکردهای خود را محاسبه کند اگر کار نیک انجام

۱. اصول کافی، ج ۲ ص ۱۸۷، و بنگرید باب زیارة برادران، ج ۲، ص ۱۷۵ و باب تذاکر و یاد برادران از همان کتاب ص ۱۸۶.

داده خدا را شکر گزارد و افزون کند و اگر عملکردش بد بوده استغفار نموده

و توبه کند و تصمیم بگیرد که بار دیگر آن کار بد را نکند. پیامبر بزرگوار به ابوذر چنین وصیت کرد: ای اباذر، پیش از آنکه به حساب تو

رسیدگی شود خود به حسابت برس چنین کاری برای حساب پس دادن فردا، بهتر است و خودت را قیل از آنکه سنجیده شوی بسنج.

و برای عرضه داشت بزرگ در روزی که بر خدا هیچ امر پنهانی، پوشیده نمی ماند، آماده باش.

ای اباذر، هیچ انسانی پارسا و متقی نمی شود مگر آنکه خود را سخت تر از آنچه شریک، از شریک خود حساب می خواهد، محاسبه

کند او باید بداند که از کجا می خورد و چه می پوشد آیا از حلال است و یا از حرام؟ و امام کاظم فرمود:

"لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنة استزاد الله تعالی و آن عمل سینه استغفر الله منها و تاب": از ما نیست

کسی که خود را هر روز محاسبه نکند اگر کار نیک انجام داده از خدا فزونی بطلبد و اگر کار بد کرده توبه کند و از خدا آمرزش بخواهد.

۱۱- به لغت و زبان عربی که زبان قرآن و تعداد زیادی از کتب و منابع شریعت اسلامی است اهتمام بورزد علاوه آنکه آن، زبان انبوهی

عظیم از مسلمانان و بزرگان دین است و آن را در میان خانواده رواج دهد و اگر دانشجویان در کشورهای غیر اسلامی به آموزش زبان

اجنبی مشغولند همزمان به آموزش زبان عربی هم همت بگمارند تا بدان وسیله به دین و ارزش های مذهبی و تاریخ تمدنشان دست

یابند.

۱۲- به تربیت نسل جدید اهتمام بورزد و آن را از طریق تربیت فرزندان پسر و دختر بر محبت کتاب خدا علاقه به تلاوت آن با تشکیک

مسابقه ها و فعالیت های فرهنگی، پی بگیرد.

کودکان را با ورزیده کردن بر عبادتها و آراستگی به اخلاق فاضله مانند راستی، شجاعت، وفاء به عهد و دوست داشتن دیگران، آماده کند

و همراه خود آنان را به مراکز اسلامی و مؤسسه های دینی ببرد و عادتشان دهد. او دشمنان

اسلام را به ایشان بشناساند و روح اخوت و برادری را در میان آنان تقویت کند و دست آنها را در شرکت کردن

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۹.

۲. جامع السعادت، ج ۳، ص ۹۴.

در مناسبت ها، عیدها و عزاهای بگیرد. او کار کردن و کوشش و فعالیت را برای کودکان دوست داشتنی کند تا بدان وسیله اسلام را بهتر

بفهمند و بر پایه ارزش های دینی در حیات دنیوی نیز رفتاری متناسب داشته باشند.

فکر خود را در اینجا نگاه داشته و به آسمان نگریم در جلو چشم خود انبوهی از ابرهای سفید را مشاهده کردم که از اینجا و آنجا

جمع شده و مانند پنبه حلای شده که بر روی مخملی سبز نهاده شده باشد، جلوه گر بودند، منظره خیلی دلربا بود آن قدر نگریم

تا چشمم سیر شد. پاره های ابر در حرکت بودند، جمع می شدند، توی هم می رفتند، یکی می شدند، از هم جدا می شدند، به

یکدیگر راه می دادند، ذوب می شدند و از بین می رفتند.

باری دیگر سؤال برای من تکرار شد در کشورهای غربی چگونه باید زیست کنم؟ چطور باید رفتار کنم که ویژگی شخصیتی خود را حفظ

کنم بدون آنکه در فرهنگ دیگران ذوب و یا فانی شوم و بی آنکه به بن بست افتم و گرفتار آیم چه باید کنم؟ نگاه از خود پرسیدم اگر در

میان عده ای زندگی کنم چگونه درباره من داوری خواهند کرد؟ من در کشور و شهر خود که دائماً زایران و جهانگردان، در آمد و شد بودند

چنین عادت داشتم که با نوع رفتار مردم به فرهنگ ملتشان پی می بردم. اگر کسی رفتار خوبی داشت می گفتم مردمان همشهری او

مردمان خوبی هستند و اگر مسافر و جهانگردی بد عمل می کرد می گفتم اصولاً فرهنگ اهل آن شهر چنین است و روی این اصل

مردم مغرب زمین هم از نوع رفتار من قضاوت خواهند کرد که مسلمان یعنی همین و آن رفتار را بر عموم مسلمانان تعمیم خواهند داد.

من اگر راستگو و درست کردار باشم، وفا به عهد کنم، امانتدار باشم، خلق خوش نشان بدهم و برابر قوانین اجتماعی نظام رفتار نمایم،

نیازمندان را یاری کنم، با همسایگان خوش رفتار باشم و در نوع رفتار به محمد (ص) تأسی کنم و تعالیم او را اجرا نمایم که به طور کلی

دین در حسن رفتار خلاصه می شود، اگر چنین باشم در معاشرت با مردمان غیر مسلمان، قضاوتشان چنین خواهد بود که دین اسلام

دین مکارم اخلاق است.

و اما اگر دروغ بگویم، خلف وعده کنم و با خلق و خوی بد اطرافیانم را به وحشت اندازم و نظم جامعه را در هم بریزم، با همسایگان بدی

کنم و در معامله فریبکاری و در امانت خیانت روا بدارم، آنان که با من معاشرت می کنند خواهند گفت: اسلام دینی نیست که بتواند به

پیروانش خلقهای نیکو بیاموزد!

در اینجا صدای خلیان هواپیما افکار مرا برید و گفت: ما الآن روی کشور آلمان و به سوی شهر لندن در حرکت هستیم، کیفم را گشودم و

از آن کتابی بیرون آوردم تا از آن یاری بطلبم و پنج روایت از امام صادق (ع) مرا نگاه داشتند.

۱- امام به شیعیان و پیروان خود فرمود:

کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شیئا. حیوانا الی الناس و لا تبغضونا الیهم: برای ما زینت و آبرو باشید. بر ما عیب و ننگ و عار مباد ما را

به مردم دوست داشتنی کنید نه طوری کنید که آنان به وسیله شما ما را دشمن بدانند.

۲- "کونوا من السابِقین بالخیرات ...": از کسانی باشید که با کارهای خیر سبقت می جویند، شاخه ای بی خار باشید که پیشینیان شما شاخ و برگ باشند. به سوی پروردگارتان بخوانید و مردم را به اسلام وارد کنید نه آنکه از اسلام بیرون برده باشید پیشینیان چنین بودند که مردم را به اسلام راعب و به آن وارد می کردند نه آنکه آنان را از اسلام بیزار و از آن خارج کرده باشند.

۳- در این روایت پس از آنکه به عمل کنندگان به حدیث، سلام می فرستند می گوید: شما را به تقوای خدا عزوجلّ توصیه می کنم و این که در دینتان با پروا باشید و برای خدا کوشش کنید، راستگو، امانتدار باشید سجده های طولانی کنید، همسایه خوبی باشید محمد (ص) چنین آیینی آورده است. نسبت به کسی که امانت به شما سپرده نیکوکار باشد یا بدکار، امین باشید. رسول خدا (ص) می فرمود: حتی سوزن و نخ آن را هم پس بدهید، با خویشاوندان پیوند داشته باشید. و بر جنازه های آنها حاضر شوید و بیمارهایشان را عیادت کنید و حقوق ایشان را بپردازید زیرا اگر کسی از شما در دین خود پروا داشت و راستگو و امین بود با مردم خوش اخلاقی کرد گفته می شود: این شخص جعفری است و من از این بابت شاد می شوم و گویند تربیت جعفر چنین است.

اما اگر جز این باشید ننگ و عار و گرفتاری عمل شما دامنگیر من می شود و گویند تعلیم و تربیت جعفر اینگونه است!

به خدا قسم پدرم حدیث کرد که گاهی شخص در میان قبیله ای از شیعیان علی (ع) مایه آبرو است امانتدارترین و در انجام حقوق و وظائف فعالترین و در سخن گفتن راستگوترین بوده و مردم وصیت هایشان را به وی می کردند و امانت هایشان را نزد او می سپردند و وقتی شما از آن قبیله راجع به او سؤال می کردید، می گفتند مانند فلانی یافت نشود، او امانتدارترین و راستگوترین ما می باشد.

۴- "علیکم بالصلوة فی المساجد ...": بر شماست که نماز در مسجدها بخوانید و حسن همجواری داشته باشید و گواهی به پا دارید، بر جنازه ها حضور پیدا کنید و شما ناگزیرید با مردم معاشرت داشته باشید واحدی از شما در طول حیات از مردم بی نیاز نیست و اصولاً مردم به یکدیگر وابسته اند.

۵- در پاسخ پسر وهب که پرسید: شایسته است که در میان خود و با دیگران چگونه باشیم؟ فرمود: به پیشوایانان بنگرید که مقتدایان شما هستند همان کنید که آنان می کنند به خدا سوگند آنان مرضیهای ایشان را عیادت می کنند، بر جنازه هایشان حضور پیدا می کنند، بر له و علیه آنها به هنگام لزوم، شهادت و گواهی می دهند و نسبت به آنان امانتدار می باشند.

تا قرائت این پنج حدیث را به پایان بردم، احساس راحتی کردم که احادیث امام ششم جعفر صادق (ع) با آن وصیت و سفارشش برای شیعیان و پیروان خود بار مرا سبک کرد و برنامه عملی برای من ترسیم و اصول و قواعد صحیح رفتار را برای من مشخص فرمود و تصمیم گرفتم که در دفتر خود مسائل مهمی را که در کشور غربت برایم پیش می آید یادداشت کنم و از کتابهای فقهی و رهنمودهای موجود باری بطلبم و اگر مسئله تازه ای پیش بیاید که جواب آن را ندانم از مرجع تقلید استفتاء کرده و جواب دریافت بدارم با این و آن، مشکلی در کشور غربی نخواهم داشت نه اخلاقی و نه فقهی، آن شاء الله.

بدین ترتیب مسائل شرعی را یکی یکی می نوشتم و آنجا که تحصیل پاسخ از کتب و یادداشت ها برای من مشکل می شد و از روی رساله عملیه به دست نمی آمد، استفتاء می کردم.

و خواه نا خواه کتاب و یادداشت هایم به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم شد. در باب عبادات طی هفت فصل مسائلی را گنجاندم که برای مسلمانان غرب نشین از بقیه، مهمتر است مانند مسائل: مهاجرت و سفر به مغرب زمین، ورود به کشور های غیر اسلامی، مسائل تقلید، طهارت و نجاست، نماز، روزه، حج و شئون میت. و هر فصل دارای یک مقدمه مختصر در آن ارتباط و طرح برخی احکام که در کشورهای غربی بدان، نیز شدید و آنگاه مهمترین استفتائات و پاسخ آنها را آوردم.

باب دوم که مخصوص معاملات است طی یازده فصل دنبال می شود بدین ترتیب: خوردنی ها و نوشیدنی ها، پوشیدنی ها، همزیستی با قوانین اجرای کشورهای مهاجرت شده، کار و گردش سرمایه، روابط اجتماعی، مسائل و شئون پزشکی، امور زنان، مسائل جوانان، احکام موسیقی و آواز خوانی و رقص و فصلی برای مسائل متفرقه مشتمل بر یک مقدمه کوتاه و طرح برخی احکام متناسب آن فصل و سر انجام نمونه هایی از استفتائات مربوطه، می باشد. و در نهایت سه ضمیمه داریم:

یک - نمونه هایی از زیراکس استفتائات و پاسخهای آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه -

دو - لیستی از مواد خوراکی که در برخی موارد به خوراکي ها داخل و یا ضمیمه می شود و خوردن آنها بر مسلمان جایز نمی باشد.

سه - لیست نام و عنوان برخی ماهی های پولک دار که خوردن آنها برای مسلمان حلال است.

و پایانه کتاب مشتمل بر بیان منابع و مصادر کتاب و سپس فهرست تفصیلی آن.

برخی اصطلاحات فقهی

توضیح برخی اصطلاحات فقهی که در پاسخهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - آمده است:

- ۱- احتیاط استحبابی: چیزی که مکلف می تواند آن را به جا نیاورد و ترک کند.
- ۲- احتیاط وجوبی: عملی که مکلف خود را میان فعل و ترک آن و مراجعه به مجتهد دیگر مخیر بداند "الأعلم فالأعلم".
- ۳- احرام به نذر: احرام برای حج جز از میقات و یا محاذی آن، جایز نیست و اگر شخصی بخواهد قبل از رسیدن به میقات، احرام ببندد،

- می تواند با خواندن صیغه، نذر شرعی کند مثلاً بگوید: برای خدا بر عهده من است که در فلان جا محرم شوم.
- بدین ترتیب محرم شدن از چنان جایی جایز می شود اگر چه آنجا، میقات و یا محاذی آن نباشد.
- ۴- احوط اولی: احتیاط مستحبی.
- ۵- احوط لزومی: احتیاط واجب. و به همین معناست جمله "اشکال دارد" و جمله "جای تأمل است".
- ۶- استحاله: تغییر شکل نوعی یک چیز و دگرگونی آن، طوری که عرفاً، چیز اول نباشد. مانند تبدل گوشت به خاکستر.
- ۷- استصحاب: معتبر بودن حکم و یا عنوان پیشین پس از شک در آن، مثلاً می دانستیم که زید عادل است. بعداً عملی از او دیدیم اما یقین نداریم آیا آن عمل، موجب فسق او می شود یا نه؟
- بنابر این باید او را همچنان عادل بشناسیم و عدالتش را که محرز بود، استصحاب کنیم.
- ۸- استهلاك: ذوب شدن چیزی در چیز دیگر طوری که عین و اثری از چیز اول باقی نماند.
- ۹- اطراف شبهه اعلمیت: گروهی از مجتهدین که می دانیم یکی در میان ایشان، داننا از بقیه است و اعلم، از آن گروه خارج نیست.
- ۱۰- اطمینان: گمان نیرومندی که احتمال مخالف آن بسیار ضعیف باشد طوری که عقلا و خردمندان در زندگی خود به آن توجه نمی کنند.
- ۱۱- آلات لهو حرام: ابزار ساخته بشری است که برای لهو حرام وضع شده اند.
- ۱۲- تدلیس: ارائه شخص و یا چیزی به غیر آن وضع و صفتی که در واقع هست به قصد ترغیب مشتری و یا بر انگیزتن شخصی برای ازدواج با وی.
- ۱۳- تذکبه: راه حلال و پاک گشتن و پوست حیوان است با شرایط معین.
- مثلاً تذکبه ماهی، زنده بیرون آوردن آن است از دریا و آب و یا لاقال در داخل تور و ابزار صید مرده باشد نه در بیرون آن و در آب. و همینطور اگر چهار رگ گاو، گوسفند و مرغی را که قابل تذکبه هستند ببرند گوشت و پوست آنها پاک و حلال می شود و حتی اگر حیوان حرام گوشت قابل تذکبه باشد و چهار رگ او قطع شود پاک می گردد هر چند که خوردن گوشت آن حرام است پس تذکبه ماهی، زنده از آب بیرون آوردن آن است و در جز ماهی با بریدن چهار رگ.
- ۱۴- تفسیر در نماز: دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی را در سفر، تقصیر می گویند.
- ۱۵- جاهل قاصر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور است زیرا در فعل و یا ترک چیزی به دلیل و مجتی استناد داشته هر چند که خطای آن آشکار گردیده است.
- ۱۶- جاهل مقصر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور نیست مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی و اهمال کرده است.
- ۱۷- جاهل به حکم: کسی را گویند که حکم شرعی را می داند اما انطباق آن را با موضوع معینی نمی داند و آن دو قسم است: اول: منشأ جهل گستردگی دامنه موضوع است و آن را شبهه موضوعی گویند مانند کسی که معنای دقیق غنا را نمی داند و لذا در حرمت برخی موضوعات غنایی تردید پیدا می کند. دوم: آنکه حال مصداق خارجی معین را نمی داند مثل این که نمی داند مایع موجود در پیش روی او شراب است یا نه؟ و آن را شبهه مصداقی نامند.
- ۱۸- جایز است با اشکال: کاری که انجام آن جایز باشد هر چند احتیاط مستحبی ترک آن است.
- ۱۹- جایز است با تأمل: همانند اصطلاح سابق است.
- ۲۰- جرم حایل: ماده ای که در رسیدن آب به پوست بدن و یا هر جسمی مانع شود. ۲۱- حرج: تنگنایی، مشقت و زحمت فوق العاده.
- ۲۲- حق اختصاص: حق شخصی نسبت به چیزی که مالیت و یا ملکیت آن را شارع مقدس برای احدی نپذیرفته است.
- ۲۳- دیه: مالی است که باید به فرد جنایت شده، پرداخت شود.
- ۲۴- ردّ مظالم: انفاق بر فقراء به نیابت از سوی کسی که او بر انفاق کننده حق مالی داشته است اما شناسایی او و دفع مال به وی، ممکن نمی باشد و حتی به کسان و وارثان شرعی او هم دسترسی ندارد.
- ۲۵- شبهه مفهومی: ندانستن انطباق عنوانی را بر یک موضوع خارجی بدین سبب که حدود موضوع را نمی دانیم، شبهه مفهومی می گویند. مثل این که ندانیم عنوان غنا بر صدای معینی صدق می کند یا نه؟ زیرا حدود و مفهوم غنا را نمی دانیم.
- ۲۶- شرط و یا تعهد ضمنی: چیزی که در عرف عقلا و خردمندان در داد و ستدها مندرج است هر چند که تصریح نشود و در واقع معامله بر آن اساس واقع می شود مثل این که قیمت و ارزش کالاها باید به هم نزدیک باشند پس اگر خریدار و یا فروشنده بفهمند که ارزش جنس فروخته و یا خریداری شده خیلی کمتر و یا بیشتر از آن بوده که معامله روی آن انجام یافته است، او می تواند ادعای غبن کند و معامله را به هم بزند زیرا چنان چیزی در ارتکاز عقلا هست که تفاوت مالیت ها نباید زیاد باشد.
- ۲۷- شک: تردید و دو دلی در امری که هر دو احتمال یکسان و مورد توجه عقلا و خردمندان باشد و یکی را بر دیگری ترجیح نباشد.
- ۲۸- شأن همسر: آنچه شایسته یک زن و مناسب با وضع شوهر است و به عکس وضع و شئون شوهر نسبت به همسر.
- ۲۹- صورت نوعیه: مالیت و شکل و وضع هر چیزی که مردم به آن سبب به آن چیز رغبت می کنند و در برابرش بها می دهند.
- ۳۰- ضرر معتد به (قابل توجه): ضرر و زیانی که عقلا بشر به اجتناب از آن، اهتمام می ورزند.

- ۲۱- ضرورت بر طرف کننده تکلیف: واقع شدن در تنگنای ضرر و زیان قابل توجه و افتادن در مخمصه ای که عادتاً تحمل پذیر نیست.
- ۲۲- عده: زمانی که یک زن به سبب طلاق و یا مرگ شوهرش و یا در اثر وطی شبهه، باید انتظار بکشد و جایز نیست با دیگری ازدواج کند.
- ۲۳- غسل: آبی که از شیء متنجس پس از شستن و آب کشیدن آن، جدا می شود.
- ۲۴- فتنه نوعی: امری که مردم را نوعاً گرفتار می سازد و در حرام می افکند.
- ۲۵- فسخ: نقض و به هم زدن معامله و داد و ستدی را گویند.
- ۲۶- فی حد ذاته: یعنی قطع نظر از عناوین دیگر که چه بسا موجب حکمی مغایر حکم اصلی شود.
- ۲۷- قصد بدلیت و تعویض: کسی بخواهد چیزی را به جای چیز دیگر قرار دهد.
- ۲۸- کافر ذمی: آن کس که ولی امر مسلمین با او عقد ذمه می بندد که امروز وجود خارجی ندارد.
- ۲۹- کافر معاهد: آن کس که با مسلمانان و یا جمعی از ایشان پیمان عدم تعرض می بندد.
- ۴۰- کافر که مال او محترم است: آن کس که نوعی از سوی مسلمانان امان دارد (مستأمن، ذمی، معاهد).
- ۴۱- لحيان: دو استخوان فک که صورت را در بر گرفته و ریش بر آنها می روید.
- ۴۲- متقال صیرفی: مقداری از طلا که در بازار، متعارف و شناخته شده است و فروشندگان طلا، اندازه آن را می دانند.
- ۴۳- مجهول المالک: مال و دارایی که صاحب آن شناخته نیست هر چند که از او گم نشده است.
- ۴۴- محاذات میقات: اگر دو خط متقاطع فرض کنیم که زاویه قائمه نود درجه تشکیل دهند و یکی از آن دو خط در مکه و دومی از میقات گذرد وقتی انسان در نقطه تقاطع رو به قبله و مکه مکرر بایستد او در واقع در محاذات و برابر میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی و برابر میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی، صدق عرفی است و دقت عقلی لازم نمی باشد.
- ۴۵- مشهور: یعنی حکم مزبور، احتیاط وجوبی است.
- ۴۶- ملاک: مصلحت و مفسده ای که احکام بر آن اساس، تشریح شده است.
- ۴۷- موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب: آنچه که مردمان لایبالی در مجالس بزم و عیاشی می نوازند و یا می خوانند.
- ۴۸- نشوز: رعایت نکردن حق دیگری و غالباً میان زوجین و زن و شوهر مطرح می شود.
- ۴۹- نیت قربت مطلق: عملی که با قصد تقرب به خدا به جا آورده می شود بدون تعیین ادا و قضا بودن آن و یا هر خصوصیت دیگر.
- ۵۰- وطی شبهه: اقدام به عمل جنسی و همخوابی با کسی که حلال نیست اما به توهم حلیت و بدون تعدد گناه صورت گرفته باشد و یا وطی به خیال صحت عقدی که در واقع باطل بوده و دارای اثر شرعی نبوده است، واقع گردیده است.
- ۵۱- ولی: کسی که امور طفل صغیر و یا شخص کوتاه فکر و سفیه و یا به طور کلی شئون جامعه ای را مطابق شریعت سرپرستی و اداره می کند.
- ۵۲- واجب می شود با اشکال: به هر حال انجام آن بر مکلف واجب و لازم است. پس فتوای وجوبی است.
- ۵۳- واجب می شود به تأمل: آن نیز فتوای به وجوب شیء است.
- ۵۴- واجب می شود به کفایت: همه باید آن را انجام دهند اما با قیام جمعی از عهده دیگران ساقط می شود ولی اگر همه ترک کنند، سزاوار کیفر شوند.

فصل ۱: عبادات هجرت به مغرب زمین و زندگی در بلاد غیر اسلامی

هر مسلمانی در میهن خویش زاده می شود و خواه و ناخواه از آموزش و ارزش های اسلامی سیراب می گردد و با آداب دینی و از هدایت های خاص الهی بهره مند و از راههای شناخته شده، حرکت می کند. اگر تقدیر چنان می شد که آن مسلمان نیز در بلاد غیر اسلامی به دنیا بیاید، تأثیرات محیط در افکار، آراء و نظرات او به طور طبیعی انعکاس می یافت و قهراً با آداب و عادات این زادگاه رشد می کرد مگر کسی که از سوی پروردگار مصونیت یابد.

تأثیر محیط های غیر اسلامی با وضوح بیشتری در آداب و رفتار نسل دوم یعنی فرزندان آشکار می شود و به همین جهت اسلام برای تعرب پس از هجرت احکامی خاص و موضع گیری ویژه ای دارد و آن در روایات از گناهان کبیره بر شمرده شده است و حتی در برخی، از جمله هشت گناه که از بزرگترین اند، به حساب آمده است.

ابو عبدالله (ع) فرمود: هفت چیز از گناهان کبیره است: آدم کشی قصد و عمدی، شرک به خدا، نسبت زنا به یک زن عفیف و پاکدامن، رباخواری پس از بیته، فرار از میدان جنگ، تعرب پس از هجرت (که همان بازگشت به دامن شرک و کفر^(۱))، عقوق والدین و مال یتیم خوری از روی ظلم و ستم و مفاد تعرب و شرک، یکی است^(۲). و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کرده که گناهان هفت چیز است:

آدم کشی عمدی، نسبت زنا به انسان پاکدامن، فرار از میدان جنگ، تعرب پس از هجرت، خوردن مال یتیم از راه حرام و ستم، رباخواری پس از ثبوت و هر آنچه خدا به انجام آن تهدید به آتش فرموده است.^(۳) و عبید بن زرارة گفت: از امام شنیدم راجع به گناهان کبیره

سؤال کردم

فرمود: آنها در کتاب علی (ع) هفت چیزند: کفر، آدم کشی، عقوق والدین، رباخواری پس از ثبوت، خوردن مال یتیم از راه ظلم و ستم، فرار از میدان جنگ و تعربّ پس از هجرت، راوی در ادامه سخن گفت از امام پرسیدم: آیا گناهان کبیره همین هاینده؟ فرمود: آری. (۴)
و امام رضا (ع) در حدیثی، علت قباحت تعربّ پس از هجرت را چنین بیان کرد: کسی که از دامن اسلام به کفر پناه می برد ایمن از این نیست که دانسته های خود را رها کند و به جهل و جهالت رو نماید و با اهل جاهلیت همراه شود و به جمع نادانان بپیوندد. (۵)
معنای این حدیث آن نیست که ورود به بلاد کفر و کشورهای غیر اسلامی به طور کلی حرام است. به عکس، برخی روایت ها بدین جهت که مسلمان در آنجا به برخی آرمانهای اسلامی می رسد به چنان هجرت، اجر و پاداش وعده داده شده است.
حماد سندی گوید: به امام جعفر بن محمد صادق گفتیم: من به کشورهای مشرکان سفر می کنم و برخی دوستانم می گویند اگر در آنجا بمیری با کافران محشور خواهی شد! امام در پاسخ فرمود: ای حماد، اگر در آنجا و در چنان کشوری به سر بری و مرام ما را رواج دهی و مردم را به سوی حق و حقیقت فراخوانی و در همانجا درگذری به تنهایی، یک امت محشور می شوی و نور تو پیشاپیش می درخشد. (۶) به موجب این روایت و بر اساس ادلّه شرعی دیگر، فقهای ما فتاوی ذیل را صادر کرده اند:

مسئله ۱- مسافرت به بلاد غیر اسلامی به قصد نشر احکام دینی و تبلیغ اسلامی در صورتی که نسبت به دین و ایمان خود و فرزندان خردسالش ایمن باشد، نیکوست. حضرت محمد (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت کند برای تو بهتر از هر آن چیزی است که از شرق تا غرب، آفتاب بر آن می تابد. (۷)
مردی از پیامبر (ص) خواهش کرد که برای او سفارشی بفرماید.

رسول خدا به او فرمود: تو را سفارش می کنم که برای خدا شریک قرار ندهی و ... و مردم را به سوی اسلام فرا بخوانی و بدان که برای تو در برابر هر یک نفری که به دعوت تو به راه می آید و هدایت می یابد، ثواب آزاد کردن یک برده آن هم از فرزندان یعقوب (ع) را خواهند

نوشت. (۸)

مسئله ۲- هر مسلمانی می تواند به هر کشور غیر اسلامی مسافرت کند اگر یقین و یا اطمینان داشته باشد که چنان سفری بر دین او و یا منسوبین وی، اثر منفی و آسیبی ندارد.

مسئله ۳- جایز است مسافرت به هر کشور غیر اسلامی و حتی اقامت گزیدن در آنها هر گاه چنان مسافرتی مانع از انجام مسئولیت های شرعی نسبت به خود و یا عائله اش پیش نیاید چه در حال و چه در آینده.

مسئله ۴- حرام است مسافرت به کشورهای غیر مسلمان اعم از شرق، غرب و به هر نیت اعم از گردش و سیاحت، تجارت و بازرگانی، اقامت دائم و یا موقت و یا جز آنها، اگر چنان مسافرتی موجب نقصان دین او باشد. (۹)

مسئله ۵- اگر همسر شخصی یقین کند که مسافرت به غرب به همراه شوهرش، کاستی در دین او را سبب خواهد شد، چنان سفری برای او حرام می باشد.

مسئله ۶- هر گاه فرزندان بالغ اعم از دختر و یا پسر یقین کنند که مسافرت به کشورهای خارج، همراه پدر و یا مادر، در دین آنان کاستی به وجود می آورد، چنان سفری حرام است.

مسئله ۷- مقصود فقهاء از نقص دین، ارتکاب فعل حرام اعم از گناه صغیره و یا کبیره مانند میخوارگی و زنا کاری، مردار خواری و نوشیدن مایعات حرام و هر کار حرام دیگر است و یا مراد از نقص دین، ترک واجبات است مثل نماز، روزه، حج و یا دیگر واجبات شرعی.

مسئله ۸- اگر ضرورت ایجاب کند یک مسلمان به کشورهای غیر اسلامی سفر کند و آن سفر موجب نقص دین او می شود چنین ضرورتی مثل نجات خود از مرگ حتمی و نظایر آن، مجوز چنان مسافرتی می شود و باید به حد لازم و ضرورتی اکتفا کند و زیاده بر آن روا نیست.

مسئله ۹- مسلمانی که به کشور غیر اسلامی رفته است باید به میهن خود برگردد اگر بداند که ماندن او در کشور به نقصان دین و ایمان او و فرزندان، کشیده می شود. (۱۰) (و نقصان در دین و ایمان، با ترک واجبات و ارتکاب محرمات، تحقق می یابد) مگر آن که برگشتن به میهن اسلامی او را در خطر مرگ و یا زحمت فوق العاده بیندازد

و یا ضرورتی پیش آید که موجب رفع تکلیف شود همانند ضرورت داعی به جواز خوردن مردار برای حفظ جان از خطر مرگ.

مسئله ۱۰- سفری که سفر معصیت محسوب می شود حرام است و مسافر باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را هم در ماه رمضان باید بگیرد.

مسئله ۱۱- اگر پدر و مادر با مسافرت فرزندان به سبب دلسوزی مخالفت کنند و آن مسافرت موجب آزار و اذیت ایشان شود و یا آنان نمی توانند دوری فرزندان را تحمل کنند بدون این که فرزند هم ضرری ببیند، چنان مسافرتی حرام می باشد.

مسئله ۱۲- اگر جان، مال و یا آبروی مسلمانی مورد تعدّی و تجاوز واقع شود و حفظ آن و به دست آوردن حق در پرتو پناهندگی به یک

سازمان رسمی میسر باشد چنین پناهندگی جایز است. ۱

و اینک به برخی استفتانات و پاسخ ها در زمینه مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی توجه کنید.

مسئله ۱۲- معنای تعرب پس از هجرت که از گناهان کبیره است، چیست؟

جواب: برخی فقها فرموده اند در این زمان معنای جمله آن است که انسان در سرزمینی اقامت کند که دین و ایمانش کاستی پذیرد. و منظور آن است که او سرزمین اسلامی را که می توانست معارف دینی و احکام شرعی را بیاموزد و واجبات تکالیف خود را انجام دهد و محرمات را ترک نماید رها و به کشوری برود که همه و یا بعضی آنها را نتواند به جا آورد.

مسئله ۱۳- مسلمانی که در اروپا، و یا آمریکا و یا هر کشور غیر اسلامی سکونت دارد احساس می کند که از محیط دینی که در آن نشأت یافته و تربیت شده، دور می شود نه صدای قرآن به گوشش می خورد و نه آوای اذان می شنود و نه زیارت مشاهد برایش میسر است و به طور کلی از فضاهای روحانی و معنوی محروم می گردد آیا ترک چنین محیط و اوضاع و احوال و مانند آنها مثل عدم شرکت در امور خیریه و عدم توفیق شرکت در کارهای نیکو، نقصان در دین حساب می شود؟

جواب: ترک چنان اموری نقصان در دین محسوب نمی شود اما دوری از فضاهای دینی که کم کم به ضعف ایمان و ترک واجبات و یا انجام برخی محرمات بکشد هر چند حرامهای کوچک، پیش آمدن چنین وضعی در اثر سفر و اقامت در بلاد کفر، موجب حرمت آن می شود.

مسئله ۱۴- برخی مسلمانانی که در اروپا و یا آمریکا سکونت دارند گاهی حرامهایی را مرتکب می شوند که اگر در کشورهای اسلامی خود می بودند آنها را انجام نمی دادند زیرا مظاهر عادی زندگی در غرب احیاناً آنان را به انجام آن کارها می کشاند هر چند که راغب نباشد آیا چنین وضعی نقصان و کاستی در دین به حساب می آید و موجب حرمت سکونت در آن جا می شود؟

جواب: بلی مگر آن که آن سلسله امور از گناهان صغیره باشند و بدون تکرار و گاهی، پیش بیایند.

مسئله ۱۵- معنای تعرب پس از هجرت آن شد که انسان راز کشور اسلامی به بلاد کفر رود و دین و دانش او را به کاستی گذارد و چهل و نا آگاهی اش فزونی یابد در این صورت انسان مهاجر باید مراقبت بیشتری کند تا به مرور زمان دین و ایمانش کاستی نیابد و چهل و نا آگاهی اش افزون نگردد؟

جواب: مراقبت زیاد آنگاه لازم است که ترک آن موجب نقصان دین و ایمان او در حدودی که بیان شد، بشود.

مسئله ۱۶- یک میبغ اسلامی که علاقمند حفظ شئون دینی خویش هم هست اگر زمینه وقوع در گناه برایش فراهم و بیش از پیش آلودگی به گناه پیش آید مانند عملهای برهنگی و فحشائی و دیگر ویژگی های شهرهای مغرب زمین آیا در این صورت واجب است او به میهن اسلامی خود بازگردد و اقامت در بلاد غرب برای او حرام می شود؟

جواب: اگر ارتکاب برخی گناهان صغیره احیاناً برای او پیش آید اقامت در آنجا برایش حرام نمی شود به خصوص اگر اطمینان داشته باشد که تدریجاً به گناهان بزرگتر کشیده شد.

مسئله ۱۷- مسلمانی که از نقصان دین و ایمان فرزندانش بیمناک است اقامت در کشورهای غربی بر او محرام می شود؟

جواب: بلی، همانند بیم از نقصان دین و ایمان خود او.

مسئله ۱۸- آیا بر کسانی که در اروپا و یا آمریکا و امثال آن سکونت دارند واجب است که زبان عربی را که لغت قرآن است به

فرزندانشان یاد دهند بدین سبب که اولاً: آن زبان قرآن کریم است و ثانیاً: ندانستن آن سرانجام به نا آگاهی نسبت به منابع شرع می کشد و در نتیجه شناخت دینی و کم و اسلامیت رو به کاستی و ضعف می گذارد؟

جواب: آموزش زبان عربی آن مقدار که در انجام فرایض دینی، عربی بودن شرط است مثل قرائت نماز و سوره و دیگر ذکرهای نماز واجب می شود و اما بیش از آن واجب نیست در صورتی که بتواند معارف دینی و تکالیف شرعی را که لازم است بدانند به زبان اجنبی بیاموزد. و مستحب است قرآن را به بچه ها بیاموزند بلکه بهتر است که زبان عربی را به طور کلی به آنان یاد بدهند به طور محکم و ریشه دار تا بتوانند از منابع شرع در زمینه معارف اسلامی به کمک لغت عربی، بهره مند شوند و مقدم بر همه آنها قرآن کریم، سنت نبودی و روایات ائمه اهل بیت (ص) می باشند.

مسئله ۱۹- مسلمانی که می تواند به یک کشور اسلامی برود و در آنجا زندگی کند هر چند که از جنبه اقتصادی مشکلاتی برایش

پیش می آید آیا واجب است او مهاجرت کند و بلاد مغرب زمین را ترک گوید؟

جواب: واجب نمی شود مگر زمانی که بر خویشتن از نقصان دین و ایمانش با آن بیان که توضیح دادیم در صورت سکونت در مغرب زمین، ایمن نباشد.

مسئله ۲۰- مسلمانی که می تواند غیر مسلمانان را به اسلام فرا خواند و یا اعتقاد مسلمانان ساکن در یک کشور غیر اسلامی را

محکم کند بی آنکه بر نقصان و کاستی دین و ایمان خود بیمناک باشد آیا بر چنین مسلمانی تبلیغ دین واجب می شود؟

جواب: بلی، بر او و کلیه کسانی که چنان توانایی را دارند تبلیغ دینی واجب کفایی است.

مسئله ۲۱- آیا انسان می تواند گذرنامه شخص دیگری را بخرد و یا عکس آن را عوض کند تا بدان وسیله بتواند به یک کشور غیر

اسلامی برود و سپس به مسئولین آن کشور وضع خود را اعلام کند؟

جواب: چنین کاری، مجاز نمی باشد.

مسئله ۲۳. در غالب کشورهای غیر اسلامی منکرات و فحشاء رواج دارد و مدام در خیابان ها و مدرسه ها و صفحات تلویزیون و امثال آن به چشم می خورد، آیا جایز است در چنین کشورهایی اقامت گزید با این وجود که انتقال به کشور اسلامی میسر است هر چند که مشکلات اقامتی، ضرر و زیان مادی و تنگی معیشت و کاستی رفاه و آسایش پیش خواهد آمد؟

و اگر اقامت در چنان کشور غیر اسلامی جایز باشد به جبران برخی امور می تواند به تبلیغ دین بین مسلمانان اهتمام بورزد، واجبات را تذکر و یاد دهد و محرمات را برای ایشان بشناساند؟

جواب: اگر اقامت در آن کشورها مانع از التزام به وظایف شرعی نسبت به خود و خانواده اش در حال کنونی و یا در آینده نباشد، چنان اقامتی حرام نیست و گرنه اقامت جایز نخواهد بود هر چند که به تبلیغ دینی بپردازد و خدا داناست.

۱. اصلاحی است حدیثی بدین معنا که مسلمان اگر پس از مسلمانی و آشنایی با فرهنگ توحید دوباره به فرهنگ ضد توحید و ارزشهای شرک آلود برگردد گویا پس از هجرت از کفر باز به سوی آن بیرگشته.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۱.
۳. همان، ص ۳۷۷.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۸.
۵. وسائل الشیعه، ۱۵، ص ۱۰۰.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.
۷. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.
۸. رجوع به بخش استفتانات همین فصل شود.
۹. بنگرید بخش استفتانات همین فصل.
۱۰. بنگرید بخش استفتانات همین فصل.

فصل ۲: تقلید

تقلید عبارت است از عمل کردن برابر فتوای یک فقیه جامع الشرایط هر چند که هنگام عمل، استناد به فتوای او نداشته باشد. پس اگر مطابق آنچه به نظر رسیده عمل کند و آنچه را که لازم بوده ترک کند، رها نماید بدون بررسی، تقلید تحقق داشته است. گویا او فتوای مجتهد را همانند فلاده ای بر گردن آویخته و مسئولیت حکم را در برابر خدا به عهده او گذارده است.

و از جمله شرایط یک مرجع تقلید آن است که او داناترین مردم زمان خود بوده و در استنباط احکام شرعی از منابع اسلامی، تواناترین باشد.

مسئله ۲۴. مکلفی که خود نمی تواند احکام شرعی را استنباط کند واجب است از مجتهد اعلم و قادر به استنباط، تقلید نماید. بنا بر این، عمل مکلف غیر مجتهد بدون تقلید و بدون عمل به احتیاط، باطل است.

مسئله ۲۵. مجتهد اعلم کسی است که در میان چند مجتهد، در استخراج و فهم حکم شرعی توانا ترین باشد.

مسئله ۲۶. هر مکلفی می تواند به یکی از سه راه، فتوای مرجع تقلید خود را به دست آورد:

الف - حکم و فتوا را از زبان خود مجتهد بشنود.

ب - از دو مرد عادل و یا یک شخص مورد وثوق که کلامش اطمینان آور است، بشنود.

ج - به رساله عملیه و هر آنچه در حکم رساله است با اعتماد به صحت و درستی آن، مراجعه کند.

مسئله ۲۷. در تعیین مجتهد اعلم باید به اهل خیره رجوع شود و از کسانی باید پرسید که تخصص دارند و رجوع به دیگران جایز نیست.

مسئله ۲۸. هرگاه مجتهد اعلم در مورد یک مسئله فتوا نداشته باشد و یا مقلد نتواند آن را به دست آورد جایز است به هنگام نیاز با مراجعات قاعده الأعلم فالأعلم به مجتهد دیگر رجوع کند.

و اینک برخی استفتانات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در مورد تقلید:

مسئله ۲۹. فقهاء، تقلید اعلم را واجب می دانند و هنگامی که از برخی عالمان دینی در این زمینه سؤال می کنیم تا مجتهد اعلم را شناخته و تقلید نمائیم و راحت شویم به پاسخ قطعی و روشن نمی رسیم و اگر اصرار ورزیم در پاسخ ما می گویند ما اهل خیره

نیستیم و مطالبی از این قبیل. و حتی بعضی از اهل خیره می گفتند تعیین اعلم، محتاج بررسی کتب و آثار فقهاست و چنان کاری،

طولانی، سخت و دشوار است. پس اگر تعیین اعلم در مراکز اسلامی و حوزه های دینی، این اندازه سخت باشد در کشورهای دور

دست مانند آمریکا و کشورهای اروپایی چگونه خواهد بود؟! ما پس از زحمت زیاد جوانان پسر و دختر را در این کشورها ارشاد کرده و با واجبات و محرمات آشنایشان می کنیم و به التزام عملی و ادارشان می نمائیم تا به این سؤال برسیم که از چه کسی تقلید کنیم در

پاسخ این سؤال می رسیم که از چه کسی تقلید کنیم در پاسخ این سؤال در می مانیم آیا این مشکل راه حلی دارد؟

جواب: اگر برخی اهل خیره به هر سببی اظهار نظر نمی کنند و از تعیین اعلم خودداری می کنند، همه آنان چنین نیستند پس از طریق

آنان می توان مجتهد اعلم را شناخت و یا با ارتباط با حوزه ها و یا از رهگذر مبلغانی که به اروپا و امریکا اعزام می شوند می توان پرس و جو کرد و اعلم را شناخت پس تشخیص اعلم هر چند که آسان نیست لیکن آن قدر هم پیچیده نیست که راه حل نداشته باشد.

مسئله ۲۰- چگونه اهل خیره را بشناسیم تا از ایشان به تعیین اعلم برسیم ما که از حوزه های علمی و به طور کلی از مشرق زمین، دور هستیم آیا راه حلی آسان در این زمینه وجود دارد؟

جواب: اهل خیره که اعلم را می شناسند خود مجتهد و در دانش، به او نزدیک هستند و سطح معلوماتشان طوری است که آنان را که شبهه علمیت دارند می شناسند و مهمترین معیار شناخت اعلم سه چیز است:

اول: دانستن راه اثبات صدور روایت و در این راه علم رجال و علم الحدیث با شاخه هایی که دارند مثل کتابشناسی، شناخت حدیث جعلی از غیر آن با اطلاع از انگیزه های جعل و تحریف و نیز تشخیص نسخه های مختلف و تمیز صحیح از صحیحتر و آنچه احیانا پیش آمده که حدیث، با سخن خود راوی در آمیخته است، مؤثرند.

دوم: فهم نص حدیث با تشخیص قواعد عمومی به خصوص روش امامان (علیهم السلام) در بیان احکام و نیز علم اصول و دانشهای ادبی و آشنایی با اقوال فقهای معاصر از عامه در این مورد دخالت کامل دارند.

سوم: استواری و اعتدال فکر در برگرداندن فروغ بر اصول و راه شناخت سطح معلومات کسانی که در اطراف شبهه علمیت قرار دارند و چنین شناختی با بحث و گفتگو با ایشان و رجوع به کتابها و یا تقریرات درسی ایشان میسر می گردد.

و مکلفی که از اعلم جستجو می کند اگر نتواند شخصا او را بشناسد می تواند از طریق مردان دین و یا اشخاصی که به درایت آنان اطمینان دارد، اعلم را بشناسد. و دوری کشورها و شهرها در این عصر ارتباطات، که انواع ابزار و وسایل آسان و سریع وجود دارد، مانع به حساب نمی آید.

مسئله ۲۱- هر گاه آدمی به یک مجتهدی اطمینان خاطر پیدا کرد چنین چیزی در امر تقلید کافی است در صورتی که اهل خیره در تعیین اعلم اختلاف نظر هم دارند؟

جواب: اگر اهل خیره در تعیین اعلم اختلاف داشته باشد سخن کسی را باید سنی که کفایت و خبریتری بیشتر دارد چنانکه در دیگر موارد اختلاف نظر بین اهل خیره، حکم همین است.

مسئله ۲۲- زمانی که اهل خیره در تعیین اعلم اختلاف دارند و یا تقلید از چند مجتهد را کافی می دانند آیا در این صورت می توان در حکمی، از فتوای یک مجتهد و در حکمی دیگر از مجتهد دیگری تقلید کرد تا وقتی که اعلم شناخته شود و از او تقلید به عمل آید؟ جواب: در این جا چند فرض است:

اول: برخی اهل خیره تقلید از یک مجتهد را کافی می دانند چنین نظری اثر شرعی ندارد.

دوم: اهل خیره به برابری دو یا چند مجتهد در دانش و تقوی نظر می دهند در این صورت، مکلف مخیر است در همه مسائل به فتوای هر یک از آنان عمل کند اما احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، جمع بین فتاوا کند مانند جمع میان قصر و اتمام.

سوم: برخی اهل خیره یک مجتهد را اعلم می شناسد و برخی دیگر مجتهدی دیگر را و در این فرض دو حالت وجود دارد. حالت نخست اینکه مکلف می داند یکی از این دو مجتهد اعلم است اما او را به طور معین نمی شناسد، این حالت به ندرت پیش می آید و حکم آن طولانی است، مراجعه به منهاج الصالحین شود. (۱)

حالت دوم: مکلف اعلم بودن یکی از دو مجتهد را نمی داند

به این معنی که احتمالا هر دو برابر باشند بنابر این، فرض دوم پیش می آید که یاد کردیم به شرط آن که با تقواتر بودن یکی نزد او ثابت نشود وگرنه تقلید او متعین خواهد بود.

مسئله ۲۳- هر گاه مسائل تازه ای پیش آید که مکلف، فتوای مرجع تقلیدش را در آن باره نمی داند آیا واجب است او به جستجو بپردازد و فتوای مرجع تقلید خود را به دست آورد و یا از نمایندگان او بپرسد؟ و در صورتی که چنین جستجو و پرسش مثل تماسی تلفنی پر هزینه باشد می تواند فعلا به فتوای مجتهد دیگر عمل کند؟ تا نظر مرجع تقلیدش را بفهمد آنگاه حکم عملهای گذشته او که با فتوای مرجع تقلید او متفاوت بوده چه می شود؟

جواب: لازم است فتوای مرجع تقلیدش را هر چند با ارتباط تلفنی به دست آورد مگر آن که چنان کاری برای او ضرر و زیان فوق العاده ای داشته باشد و اگر به دست آوردن فتوای او از طریق معمولی میسر نباشد می تواند به فتوای مجتهد دیگر عمل کند با مراعات "الاعلم فالاعلم" و فتوای مجتهد دوم برای او کافی است هر چند با فتوای مرجع تقلید اصلی متفاوت باشد.

۱. مسئله نهم.

فصل ۳: طهارت و نجاست

مقدمه

هر مسلمانی، همواره به پاکی تن، جامه و دیگر چیزهایی که به او ارتباط دارند، علاقه مند است او می خواهد ناپاکی و آلودگی از او و پیرامون دور بگذرد. اما زندگی در کشورهای غیر اسلامی برای برخی مسلمانان مشکل به وجود آورده و آن مشکل پرهیز از نجاسات است زیرا آنان با مردم این کشورها که مسلمان نیستند در قهوه خانه ها، آلوده به بول است، دستشویی ها و به طور کلی در اماکن عمومی، برخورد دارند و لذا نیکو است برای خوانندگان گرامی پاره ای از احکام طهارت و نجاست را یاد آوریم.

مسئله ۳۴- همه اشیاء، برای ما پاک هستند مگر آنکه نجاست آنها ثابت شود و این یک قاعده کلی و شرعی است.

مسئله ۳۵- اهل کتاب اعم از یهودی، مسیحی و مجوس در اصل، پاکند مگر آنکه به نجاست و آلودگی آنان علم و یقین پیدا کنیم پس بر اساس طهارت اهل کتاب می توان با آنان معاشرت کرد.

مسئله ۳۶- نجاست، به واسطه رطوبت سرایت کننده، منتقل می شود اما اگر شئ نجس، خشک باشد و یا رطوبت سرایت کننده نباشد، نجاست انتقال نمی یابد بنابر این اگر دست، خشک باشد و به شئ نجس خشک باشد، برخورد، آن، نجس و آلوده نمی شود. مسئله ۳۷- شما هر شخصی را که ملاقات می کنید و با او دست می دهید حتی اگر دست او و یا شما مرطوب باشد او را پاک بدانید تا زمانی که نوع عقیده و دین او را ندانید و احتمال دهید که او مسلمان و یا اهل کتاب باشد هم چنانکه لازم نیست از دین و عقیده او سؤال کنید هر چند که چنان سؤالی چندان سخت نباشد و شما را در تنگنا نیندازد. (۱)

مسئله ۳۸- مایعاتی که بر بدن و یا جامه انسان می چکد و ترشح می کند اعم از آب و یا دیگر مایعات، پاکند مادامی که علم و یقین به نجاست آنها پیدا نکرده اید.

مسئله ۳۹- همه انواع الکلهای صنعتی اعم از آنکه از رب گرفته شده باشد و یا از چیز دیگر، پاکند، پس کلیه داروها، ادکلنها و شکلاتهایی که محتوی الکل صنعتی هستند

پاکند و شما می توانید از آنها استفاده کنید و حتی بخورید اگر درصد الکل جداً بسیار کم، مثلاً ۲ درصد باشد.

مسئله ۴۰- وسایلی را که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته اند می توان بدون تطهیر دوباره مورد استفاده قرار داد مگر آنکه به نجاست سابقه آنها یقین داشته باشیم. (۲)

مسئله ۴۱- قالی، موکت و امثال آنها را اگر با نجاست جرم دار آلوده نشده و اثر عینی، روی آنها نباشد می توان با ریختن یک بار آب بر روی آنها به وسیله آنها به وسیله آفتابه و یا کاسه و مانند آن، تطهیر کرد به این ترتیب که آب روی قسمت منتجس می ریزیم به طوری که همه آن قسمت را فرا گیرد آنگاه با دادن فشار به وسیله دست و یا ماشین برقی و یا گذراندن پارچه پاکیزه از روی آن، غساله را جدا می کنیم و این حکم در مورد همه جامه هایی که جز به بول آلوده شده اند صادق است اما لباس آلوده به بول و یا بول دختر بچه شیرخوار، حکمی دیگر دارد که خواهد آمد.

مسئله ۴۲- اگر بخواهیم شئ منتجسی را با آب شیر که به کر متصل است آب بکشیم و بشوییم نیازی به جدا کردن آب غساله نیست بلکه همین قدر که آب کر روی نجاست و آلودگی را فرا گرفت، آن پاک می شود.

مسئله ۴۳- اگر جامه، فرش، موکت، و یا امثال آنها به انواع نجاساتی آلوده شوند که دارای جرم اند و اثر عینی بر روی آنها باقی مانده است مانند خون، منی، می توان آنها را به ترتیبی که در مسئله ۴۱ گذشت تطهیر کرد به شرط آنکه جرم نجاست با شستن و یا به هر وسیله بر طرف شود با این تفاوت که اگر تطهیر با آب قلیل صورت بگیرد غساله ای که عین نجاست با آن برطرف می شود بنابر فتوی نه احتیاط و جوبی، نجس است. مسئله ۴۴- فرش، موکت و انواع لباسهایی را که با بول پسر و با دختر بچه شیرخوار آلوده شده است می توان با ریختن مقداری آب بر روی مکان منتجس، آن هم یکبار به اندازه ای که محل آلوده به بول را فراگیرد، آب کشید به شرط آنکه بچه جز شیر چیز دیگر نخورد و در پاکی آنها جدا کردن غساله با فشار و یا هر وسیله دیگر شرط نیست.

مسئله ۴۵- جامه منتجس به بول را دوبار با ریختن آب قلیل از آفتابه و یا کاسه و امثال آنها می توان پاک کرد طوری که آب کاملاً جای منتجس را فراگیرد و سپس آن را به طریقی جدا کرد البته غساله ای که از جامه جدا

می شود بنابر احتیاط واجب، نجس است به شرط آنکه عین نجس در آن نباشد وگرنه به حسب فتوی، نجس است.

مسئله ۴۶- اگر بخواهیم جامه منتجس به بول را با آب شیر که به کر متصل است بشوییم ناچار باید آن را دوبار بشوییم ناچار باید آن را دوبار بشوییم بدون نیاز به جدا کردن غساله از آن، چنانکه بدن آلوده به بول هر چند که با آب شیر و کر شسته شود باید دو بار شسته شود.

مسئله ۴۷- دست و لباس آلوده به شراب یا یکبار شستن پاک می شود اما لباسی که با آب قلیل تطهیر می شود باید غساله از آن با فشردن و امثال آن جدا شود.

مسئله ۴۸- ظرف های آلوده به شراب و جز آن، با سه بار شستن با آب قلیل، پاک می شوند و اگر با آب شیر و لوله کشی که متصل به کر است تطهیر شوند بنابر احتیاط واجب نیز سه بار شسته شوند.

مسئله ۴۹- دست و یا جامه ای که به آب دهان سگ آلوده شده اند با یکبار تطهیر، پاک می شوند اما جامه را باید پس از شستن فشار

- داد و غسله را جدا کرد.
- مسئله ۵۰. ظرف هایی که با تماس دهان سگ و آب خوردن او، آلوده شده اند با سه بار شستن پاک می شوند که نخستین آنها با خاکمالی توأم باشد و دو بار دیگر با آب.
- و اینک نمونه هایی از فتاویٰ آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در این باره:
- مسئله ۵۱. زمین که از مهرات است و کف کفش با رکت در روی آن پاک می شود آیا لاستیکهای اتومبیل ها هم با حرکت روی زمین پاک می شوند.
- جواب: خیر، پاک نمی شوند.
- مسئله ۵۲. اگر متنجس، شیئ مایع نباشد آلودگی آن چقدر است؟
- جواب: شیئ آلوده اول، به هر چه بر بخورد آن را متنجس و آلوده می کند و هم چنین است متنجس دوم اما چیز سومی اگر با متنجس دوم برخورد کرده و آلوده شده است با برخورد اشیای دیگر آن را نجس و آلوده نمی کند و در این خصوص فرقی میان مایع و غیر مایع وجود ندارد.
- مسئله ۵۳. اگر سگ به بدن و یا جامه ما دهان زد چگونه آن را پاک کنیم؟
- جواب: با یک بار شستن با آب، پاک می شود البته اگر با آب قلیل تطهیر شود غسله آن باید جدا شود و به همین جهت در مورد جامگان، فشار و خارج کردن غسله لازم است.
- مسئله ۵۴. آیا سیکها هم همانند یهود و نصاری، اهل ادیان آسمانی اند؟
- جواب: سیکها از اهل کتاب، نیستند.
- مسئله ۵۵. بوداییها چطور؟
- جواب: آنها نیز از اهل کتاب نیستند.
- مسئله ۵۶. مسلمانی در یک کشور غربی، خانه ای مفروش با اثاثیه، اجاره می کند آیا او باید همه چیز را پاک بداند مگر آنکه عین نجاست مشاهده کند؟
- و هر گاه پیش از او مستأجر دیگری از اهل کتاب یهود و یا مسیحی و یا حتی اگر بودایی و یا ملحد و منکر خدا و انبیاء و رسل، مستأجر بوده است باز آنجا برای او پاک است؟
- جواب: بلی، او می تواند همه چیز را پاک بداند و به طهارت هر آنچه در خانه است حکم کند مگر آنکه اطمینان داشته باشد که خانه و یا اثاث آن نجس بوده است و گمان نجاست اعتباری ندارد و کافی نیست.
- مسئله ۵۷. بیشتر خانه ها و اطافهایی را که در کشورهای غربی اجاره می دهند مفروش با موکتی است که بر کف اطافها چسبیده است طوری که بلند کردن آنها و نهادن ظرفی در زیر آن برای تطهیر، مشکل است پس تطهیر آنها در صورت آلودگی به خون و بول چگونه است، با آب قلیل و یا کثیر؟ جواب: اگر جدا کردن غسله آن، هر چند با قطعه ای پارچه و یا هر وسیله دیگر، ممکن باشد می توان آن را حتی با آب قلیل تطهیر کرد و اگر ممکن نشد تنها با آب کثیر می توان آن را آب کشید و پاک کرد.
- مسئله ۵۸. در مغرب زمین لباسشویی های عمومی وجود دارد که مسلمان و غیر مسلمان به طور برابر لباسهای پاک و ناپاکشان را در آنها می ریزند و شسته می شود آیا ما می توانیم با جامه ای که در آن لباسشویی در مراحل شستشو به کر متصل بوده است و یا نه و هر چند که لباسها تمیز می شوند آبی پاک هم می شوند؟
- جواب: با جامه ای که قبلاً پاک بوده و یقین به نجاست آن پیدا نکرده اید می توانید نماز بخوانید هم چنین جامگانی که اطمینان به زوال عین نجاست از آنها پیدا کرده اید اگر آب پاک مطلق، به تمام قسمتهای آنها نفوذ کرده باشد با دو بار شستن حتی با آب کر بنا بر احتیاط واجب در صورتی آلودگی به بول و یک بار در صورت آلودگی به غیر بول پاک میشوند البته اگر با آب قلیل شسته شوند باید غسله از آن جدا گردد. و اما اتگر لباس و جامه انداخته شده در آن لباسشویی عمومی قبلاً نجس بوده و بعد، در طهارت و پاکی آن شک کنیم آن لباس در حکم نجس است و نماز با آن جایز نمی باشد.
- مسئله ۵۹. جامه پاکی که با برخی شوینده های مایع، شسته می شود و آنگونه لباسشویی ها از آن غیر مسلمان است آیا مسلمان باید آن را دوباره آب بکشد؟
- جواب: اگر نداند که لباسی در اثر ملاقات با نجاست، آلوده شده، آن لباس محکوم به طهارت است و پاک می باشد.
- مسئله ۶۰. بر روی برخی صابونها نوشته می شود که در آن پی و چربی خوک و یا حیوان تذکبه نشده، به کار رفته است و ما نمی دانیم آیا آن پی و چربی به شیئ دیگر استحاله پیدا کرده است یا نه؟ آیا چنین صابونی پاک است؟
- جواب: اگر بدانیم که در ساختن صابونی پی و یا چربی خوک و یا حیوان مردار و غیر مذکی به کار رفته است چنان صابونی نجس است مگر آن که استحاله آن، مسلم و قطعی باشد و استحاله پی و چربی در چنین صابونی، معلوم و مسلم نیست.
- مسئله ۶۱. خرید و فروش و یا استعمال فرجه مسواکی که از موی خوکفراهم شده است جایز است؟
- جواب: خرید و فروش و حتی استعمال آن جایز است اما دهان بدان وسیله آلوده و نجس می شود و با بیرون آوردن و بر طرف کردن

بقایای آن فرچه، دهان نیز پاک می شود.

مسئله ۶۲- آیا خون موجود در زرده و یا سفیده تخم مرغ، آن را نجس می کند؟ خوردن آن چگونه است و راه حل، کدام است؟
 جواب: خون موجود در درون تخم مرغ، پاک است و اما خوردن آن حرام می باشد پس می توان خون را جدا کرد و از بقیه تخم مرغ استفاده نمود مگر آن که به اندازه ای کم باشد که در کل، مستهکک شده که در این صورت تمام تخم مرغ پاک و حلال است.

مسئله ۶۳- آیا شراب و آبجو پاکند؟

جواب: شکی در نجاست شراب نیست؛ اما آبجو بنا بر احتیاط، نجس است هر چند که خوردن آن نیز حرام می باشد.

مسئله ۶۴- در کشورهای اروپایی، دین، رنگ و ملیت ها، مختلف است اگر از مغازه ای طعامی مرطوب بخریم که صاحب مغازه به آن دست زده و ما دین او را نشناسیم چنین طعامی پاک است؟

جواب: اگر ندانیم که دست صاحب مغازه، نجس و آلوده بوده است طعام خریداری شده پاک است.

مسئله ۶۵- پوستهایی که در برخی کشورهای اروپایی برای فروش عرضه می شود و ما نمی دانیم آنها را از کدام کشور آورده اند. می گویند، آنان، پوستهایی ارزان قیمت از برخی کشورهای اسلامی وارد می کنند و آنها را به شکل صنعتی در می آورند آیا چنین

پوستهایی برای ما پاک است و با آنها می توانیم نماز بگذاریم؟ و اصولاً به چنین احتمالات ضعیف می توان اعتماد کرد؟!

جواب: اگر احتمال این که آن پوستها از حیوان تذکیه شده فراهم گشته است، احتمال ضعیفی باشد که عقلاً به آن ترتیب اثر نمی دهند مثل احتمال ۲ درصد، چنان پوستی محکوم به نجاست است و نمی توان در نماز، از آن استفاده کرد و اما جز در این صورت پاکند و نماز در آنها جایز است.

۱. بنگرید: بخش استفتانات ویژه این فصل.

۲. بنگرید: بخش استفتانات ویژه این فصل.

فصل ۴: نماز

مقدمه

در حدیث آمده است:

"الصلوة عمودُ الدین" (۱) نماز ستون دین است.

و امیر المؤمنان (علیه السلام) پس از آنکه ابن ملجم او را مضرور کرد در وصیتی به امام حسن و حسین (علیهما السلام) فرمود: "اللّٰهُ
 اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَانْهَاهَا عَمُّوْ دِينِكُمْ" (۲) : خدا را، خدا را، در نماز که آن، ستون دین شماست.

سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرد که رسول الله (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

هماره شیطان از مؤمن می ترسد تا زمانی که او بر نمازهای پنجگانه اش مواظبت دارد و هر گاه آنها را ضایع کرد شیطان جرأت پیدا کرده او را به گناهان بزرگ دیگر وا می دارد. (۳)

یزید بن خلیفه گفت شنیدم ابوعبداللّه (علیه السلام) می فرمود: وقتی نماز گزار به نماز می ایستد رحمت الهی از وسط آسمان ها تا زمین بر او ریزش می کند و فرشتگان او را در میان می گیرند و فرشته ای ندا می کند اگر این نماز گزار می دانست که در این نماز چه هست آن را رها نمی کرد. (۴) از همین جا، اهمیت نماز در اسلام معلوم می شود و چون نماز نوعی ورود به محضر الهی است چنانکه در حدیث آمده، نماز خوان گویا در پیشگاه خدا ایستاده است پس او باید دل به سوی خدا کند و چیزی از امور دنیا و شأنی از شئون ناپایدار آن او را مشغول نکند.

و خدا فرمود:

"قد افلح المؤمنون الذين هم في صلواتهم خاشعون" (۵) :

هر آنکه، مؤمنانی که در نمازشان خاضع و خاشع اند رستگار شدند.

و امام علی بن حسین زین العابدین (علیه السلام) وقتی به نماز می ایستاد همانند شاخه درختی که با وزش درختی که با وزش باد برخورد می لرزد، اندامش می لرزد. (۶)

و امامان باقر و صادق (علیهما السلام) وقتی به نماز می ایستادند رنگ رخسارشان گاهی سرخ و دیگر گاه زرد می شد و آنچنان نماز می گزارند که گویا با کسی که او را می بیند حرف می زنند و صحبت می کنند. (۷)

احکام نماز، بسیار زیاد است و ما به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

مسئله ۶۶- فقهاء فرموده اند: نماز به هیچ وجه ساقط نمی شود نه در مسافرت و نه در وطن و اگر وقت نماز تنگ شد، مسلمان باید آن را با جا آورد، در هواپیما، کشتی، اتومبیل، قطار، در حال توقف، یا در حال حرکت، در سالن انتظار، در پارک عمومی، در راه، در کارخانه و در هر جای دیگر.

مسئله ۶۷- اگر مسافری در هواپیما، اتومبیل، قطار و امثال آن، نتوانست ایستاده نماز گزارد نشتسته نماز می خواند و اگر رو به قبله نتوانست بایستد به سمتی که گمان دارد قبله است می ایستد و نماز می گزارد و اگر جهتی را نتوانست ترجیح دهد به سمت و سو که خواست می تواند نماز بخواند و اگر جز در حال تکبیرة الاحرام نتوانست رو به قبله بایستد به همان اندازه کفایت می کند. (۸)

مسئله ۶۸- قبله را می توان از مهماندار هواپیما پرسید که شاید او بتواند از خلبان و کاپیتان سؤال کند. و در صورت اطمینان می توان به سخن او اعتماد کرد هر چند که او کافر باشد هم چنان که می توان به قبله نما و هر وسیله ای که به صحت و درستی آن اطمینان باشد، اعتماد کرد. مسئله ۶۹- اگر مسلمان نمازگزار، نتوانست وضو بگیرد عوض آن، تیمم می کند.

مسئله ۷۰- گاهی درازای شب و روز از شهری تا شهر دیگر فرق می کند در این صورت اگر طلوع و غروب آفتاب واضح باشد مسلمان در شناخت اوقات نماز و روزه می تواند مطابق آن عمل کند هر چند که وقت برخی نمازها به سبب کوتاه بودن روز بسیار به هم نزدیک باشد و یا زمان افطار روزه به جهت کوتاهی شب، بسیار اندک باشد.

مسئله ۷۱- گاهی، چند روز و یا چند ماه، خورشید در کشورهای غروب و یا طلوع نمی کند در چنین کشورهایی، مسلمانان می توانند به اوقات شرعی نزدیکترین سرزمین به این کشورها، رجوع کنند و در هر بیست و چهار ساعت نمازهای پنجگانه را برابر اوقات کشور مجاور به نیت قربت مطلق به جا آورند.

مسئله ۷۲- اگر مسلمانی نتوانست اول فجر و یا وقت زوال و یا غروب آفتاب را بشناسد تا در وقت معین نماز و روزه به جا آورد اما به سخن منجمان و مسئولان رصدها اطمینان دارد می تواند نماز و روزه اش را مطابق نظر آنان در تعیین اوقات، به جا آورد هر چند که مسئولان آن مؤسسه ها مسلمان نباشند به شرط آن که به کار و نظرشان، اطمینان باشد.

مسئله ۷۳- مسلمان مسافر باید نمازش را شکسته بخواند یعنی نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر، عشاء) را دو رکعت بخواند و سفر شرعی طی مسافت چهل و چهار کیلومتر و بیشتر است از ابتدای محل سکونت و آخرین خانه های شهر معمولی، در زمینه شکسته و یا ناشکسته بودن نمازها احکام فراوانی وجود دارد که می توان به رساله های عملیه و نیز به بخش استفتائات همین فصل رجوع کرد.

مسئله ۷۴- نماز جمعه در صورت اجتماع شرایطی که در آن معتبر است از نماز ظهر با فضیلت تر است هم چنانکه خواندن آن از نماز کفایت می کند و با خواندن نماز جمعه نیازی به برگزاری نماز ظهر نمی باشد.

مسئله ۷۵- نماز جماعت از نماز انفرادی با فضیلت تر است و استحباب آن در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بیشتر می باشد و در حدیث آمده است که:

نماز در پشت سر يك عالم ثواب هزار رکعت دارد و نماز در پشت سر قرشی صد برابر و هر چه تعداد مأمومین بیشتر باشد ثواب جماعت فرونتر می گردد.

اینک به نمونه ای از استفتائات و جوابهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی - مدظله العالی - توجه کنید:

مسئله ۷۶- عده ای از مردم پس از گذشت سالها که نماز خوانده، روزه گرفته و حج گزارده اند متوجه می شوند که وضو و غسلشان اشتباه بوده است و هر گاه به آنان گفته شود که نماز و یا حج را دوباره باید به جا آوری، چنان کاری برای او بسیار دشوار است آیا راه حلی وجود دارد که او به همان نماز و روزه و حجتی که انجام داده اکتفا کند در حالی که به صحت آنها معتقد بوده است به ویژه اگر او را به اعاده آن اعمال واردار کنیم به طور کلی ممکن است ترمذ کند و اصلاً نماز و روزه و دیگر واجبات را کنار گذارد که در کشورهای غربی چنین خطری جداً وجود دارد! جواب: اگر انسان، جاهل قاصر بوده باشد و به برخی شرایط خصوصیات عمل، خلل وارد کند مثلاً ترتیب شستن سر و سایر قسمت های بدن را در غسل و یا وضو رعایت نکند و یا با رطوبت غیر وضو مسح بکشد در این وضع، وضو و غسل او صحیح است و در نتیجه نماز و حجش هم صحیح می باشد.

اما اگر او جاهل مقصر باشد و در آموختن مسائل شرعی کوتاهی کرده و یا به چیزهایی خلل وارد کند که آنها در صحت عمل شرط اند مثل این که قسمتهایی از بدن را که در وضو و غسل باید شست، نشوید در این وضع، راهی برای تصحیح نماز حجتی که گزارده است وضو ندارد اما اگر بیم آن می رود که در صورت تذکر مسائل به وی، او کلاً متمرد شده و نماز و روزه و غیره را ترك گوید لازم نیست که به او گفته شود نماز و عبادت های گذشته دیگر را قضا کند شاید خداوند پس از این، گشایشی به وجود آورد.

مسئله ۷۷- برخی از مردم سالها نماز می خوانند و حج می گزارند در حالی که در طول این مدت اصلاً خمس مال خود را نپرداخته اند آیا لازم است که آنان نماز و حجشان را اعاده کنند؟

جواب: اگر نماز و یا طواف حج را با جامه ای خوانده و به جا آورده اند که به عین آن خمس تعلق گرفته بوده قضای چنان نمازها و اعاده حج لازم است. لیکن اگر فقط به جامه احرام، خمس تعلق گرفته و او نسبت به حکم و یا موضوع، جاهل بوده هر چند جاهل مقصر، حج او صحیح است و فقط نماز طواف را باید اعاده کند، هرگاه در جهل خود معذور بوده باشد و احتیاط واجب آن است که به مکه برگردد ولی اگر چنان کاری مشقت داشته و پرزحمت باشد هر جا که ممکن بود، نماز طواف را دوباره بخواند. همچنان که اگر قربانی را با پولی که به عین آن خمس تعلق گرفته، تهیه کند اعاده آن لازم است مگر آنکه با قیمت کلی خریده و خمس در ذمه او بوده باشد نه در عین مال که غالباً چنین است و در این صورت حج و قربانی او صحیح است و اشکالی ندارد. البته او ضامن قیمت قربانی خواهد بود که آن را از مال

خمس دار، پرداخته است.

و همه اینها در صورتی است که او جاهل مقصر بوده است و گرنه نماز و حج جاهل قاصر در این مسئله صحیح است.

مسئله ۷۸. هر گاه مسافری پس از آنکه اذان را مستقیماً شنید از شهری به شهری دیگر و یا از کشوری به کشور دیگر بدون این که نماز خوانده باشد، مسافرت کرد و پس از غروب آفتاب به مقصد رسید آیا او گناه کرده است و واجب است نماز ظهر را مثلاً قضا کند؟
جواب: بلی، او گناه کرده است زیرا از روی عمد و قصد، فریضه را نخوانده است و باید قضا کند.

مسئله ۷۹. آیا جوهر و مرکب خشک مانع از صحت وضو و غسل می شود و یا با آن وجود وضو و غسل صحیح می باشد؟
جواب: اگر جوهر و مرکب دارای جرم نباشد که مانع از وصول آب به پوست بدن شوند وضو و غسل صحیح است و در صورت شك و تردید باید آن را برطرف کرد.

مسئله ۸۰. آیا انسان می تواند فیلمی را تماشا کند تا وقت نماز وارد شود و او همچنان به تماشای فیلم ادامه دهد و آنگاه که مختصری از وقت ماند، به ادا نماز بپردازد؟

جواب: شایسته نیست مسلمان، نماز خود را از وقت فضیلت عقب بیندازد مگر با عذر موجه و آنچه د سؤال آمده است، عذر موجه نیست.

مسئله ۸۱. آیا کرمی که به پوست مالیده می شود مانع رسیدن آب است و به هنگام وضو و غسل، باید آن را پاک کرد؟
جواب: ظاهراً کرم پس از مالیدن بر پوست از بین می رود و آنچه می ماند مختصر چربی، بیش نیست و مانع نفوذ آب نمی شود.
مسئله ۸۲. برخی خانمها ناخنهایشان را به قصد آرایش از حد طبیعی بلندتر می کنند و چون گاهی اوقات آنها می شکنند طبیعیان روکنشی تجویز می کنند که تا پاسی از روز روی ناخنها می ماند و با علم به این که آن روکش و یا لاک و "مانکور" مانع از رسیدن آب به هنگام غسل و وضو به ناخنهاست آیا استفاده خانمها از چنان روکش، لاک و یا مانکور جایز است و وضو و غسل با آن چطور است؟
جواب: غسل و وضو با چنان چیزی که مانع از وصول آب می شود صحیح نیست و ناگزیر باید آنها را برای انجام غسل و وضوی صحیح زایل و پاک کرد و قصد آرایش، مجوز چنان کاری نمی شود.

مسئله ۸۳. چه وقتی نماز را تمام و چه موقع شکسته باید بخوانیم؟

آیا صدق عرفی به این که انسانی در شهری مقیم است کافی است که او نماز را تمام بخواند؟

جواب: شرایط قصر نماز را در رساله های علمیه می توان خواند اما به طور کلی اگر کسی شهری را برای مدت طولانی مثلاً یک سال و نیم اقامتگاه خود قرار دهد و عرفاً هم این شهر را قرار گاه او بدانند نماز او در آنجا، تمام است اما اگر مدت اقامت کوتاه باشد و به او مسافر گفته شود نماز در آنجا شکسته است.

مسئله ۸۴. چگونه نیمه شب را بشناسیم آیا ساعت دوازده و نیم چنانکه در میان مردم شایع است می تواند علامتی باشد؟

جواب: نصف شب همان نیمه ساعات ما بین غروب تا طلوع فجر است پس اگر آفتاب مثلاً در ساعت هفت عصر غروب کند و طلوع فجر در رأس ساعت چهار باشد ساعت یازده و نیم شب، نصف شب خواهد بود و این قاعده کلی است هر چند که با اختلاف زمان و مکان فرق می کند.

مسئله ۸۵. شخصی گمان دارد که اگر بخوابد برای نماز بیدار نخواهد شد آیا بر او واجب است تا وقت نماز بیدار بماند؟ و اگر بخوابد برای نماز بیدار نشود گناه کرده است؟

جواب: او می تواند از کسی بخواهد که او را برای نماز بیدار کند و یا از ساعت زنگ دار استفاده کند و هرگاه چنین کاری ممکن نشد و خوابید گناه نکرده است مگر آن که این کار، نوعی سهل انگاری و بی اعتنائی نسبت به نماز تلقی شود.

مسئله ۸۶. نماز را در هواپیما که نه قبله در آن معلوم است و نه طمأنینه حاصل است چگونه باید خواند؟

جواب: سمت قبله را می توان از کاپیتان و یا مهماندار که پاسخهایشان غالباً اطمینان بخش و ظن آور است پرسید و برابر گفته آنان عمل کرد و طمأنینه، در صورت عدم امکان آن ساقط می شود و به هر حال نماز را از وقت خود نباید عقب انداخت و آن را با رعایت سایر شرایط، باید خواند.

مسئله ۸۷. در قطار و یا اتومبیل چگونه نماز بخوانیم؟ تنها خم شدن کافی است و یا بر چیزی باید سجده کرد؟

جواب: نماز را تا حد توان، باید آنگونه خواند که شخص مختار می خواند پس لازم است در همه حالات نماز، قبله و سایر شرایط را رعایت کند و در صورت عدم امکان، در تکبیرة الاحرام، و اگر در آن حال هم میسر نباشد شرط رو به قبله بودن هم ساقط می شود هم چنان که در صورت امکان باید رکوع و سجود کامل کرد مثلاً در راهرو قطار و اتوبوس نماز گزارد و اگر میسر نشد به اندازه ای که اسم رکوع و سجود صدق کند خم شود کافی است و اگر آن هم ممکن نشد مختصر خم شدن کفایت می کند.

مسئله ۸۸. گاهی، وقت نماز داخل می شود و دانشجو در راه دانشگاهاست و اگر بخواهد به دانشگاه برسد و در آنجا نماز بخواند وقت نماز سپری و قضا خواهد شد آیا او می تواند با وجود جاهای دیگر در اتوبوس نماز بخواند با این احتمال که اگر از اتوبوس پیاده شود و در بیرون نماز بخواند به دانشگاه دیر خواهد رسید.

جواب: دیر رسیدن به دانشگاه مجوز آن نمی شود که نماز را در اتوبوس بخواند و برخی شرایط نماز را رعایت نکند پس باید پیاده شود و

نماز کامل و با شرایط بخواند اما اگر دیر رسیدن به دانشگاه، موجب خسارت و ضرر و زیانی شود که عادتاً تحمل ناپذیر است و یا سبب رنج و دشواری فوق العاده باشد می تواند با فقدان برخی شرایط در اتوبوس نماز بخواند.

مسئله ۸۹. گاهی، وقت نماز فرا می رسد در حالی که کارگر مسلمان در کارخانه مشغول کار است و کارش نیز مهم و لازم است. او اگر برای خواندن نماز از کار دست بکشد ممکن است او را اخراج کنند آیا او می تواند نماز را قضا کند و یا هر چند امکان اخراج او هم در میان باشد باید نماز را ادا بخواند؟

جواب: اگر در آن کارخانه مجبور است کار کند و نمی تواند آنجا را ترک گوید هر طور که میسر است در وقت هر چند با ایما و اشاره به رکوع و سجود، نماز بخواند اما چنین وضعیتی، تنها يك فرض است و به ندرت پیش می آید پس او باید تقوی داشته باشد و از خدا بترسد و این آیه را به یاد داشته باشد که فرمود:

"مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا"

هر کس تقوی پیشه کند خدا برای او راه خروجی قرار می دهد و او را از آنجا که به گمان او نمی آمد روزی می دهد.

مسئله ۹۰. در برخی کشورهای غربی و جز آنها، مؤسسه ها و شرکت هایی وجود دارد که عده ای از مسلمانان به عنوان کارمند دفتری و غیره در آنها مشغول به کار هستند در حالی که وضع ملکی آن شرکت ها و مؤسسه ها، معلوم نیست.

اولاً: نماز خواندن در آنها و وضو با آب آن شرکت ها و مؤسسه ها چگونه است؟

و ثانیاً: نمازهایی که احياناً در آنها خوانده شده چگونه است؟

جواب: انسان تا نمی داند که مکان آن شرکت ها و مؤسسه ها غصبی است و از شخص محترم المال تصرف عدوانی شده است. نماز در آنها صحیح و وضوء هم درست است.

و نمازهای پیشین اگر پس از خوانده شدن، غصبیت آنها معلوم شده باشد آنها هم صحیح می باشند.

مسئله ۹۱. اگر کسی با کمربند پوستی و یا همراه داشتن کیفی که از پوست حیوان مردار و ذبح شرعی نشده، فراهم گشته نماز بخواند و در اثناء و یا پس از نماز متوجه شود چه باید کند؟

جواب: نماز با کمربند و یا کیف پوستی که به احتمال معقول از پوست حیوان تذکبه شرعی شده فراهم آمده است، صحیح است و اما اگر چنان احتمال معقول نباشد و در اثناء متوجه شود فوری آن را از خود جدا می کند و همچنین است اگر فراموش کرده و در اثناء نماز به یاد آورد مگر آن که

فراموشی در اثر اهمال و بیط میالاتی باشد که در این صورت به احتیاط واجب نماز را در وقت اعاده و در خارج آن، قضا می کند.

مسئله ۹۲. امروزه کت هایی به بازار آمده است به نام جیر که در کشورهای غیر اسلامی ساخته می شوند و بر آنها قطعه ای پوست دوخته شده است و ما نمی دانیم آن از پوست حیوان تذکبه شده فراهم آمده یا نه، نماز با چنین لباسی چگونه است؟
جواب: جایز است.

مسئله ۹۳. آیا ادکلن پاک است و می توان پس از استفاده از آن نماز خواند؟

جواب: بلی، صحیح است.

مسئله ۹۴. آیا سجده کردن بر موزائیک و سنگ های معدنی جایز است؟

جواب: بلی، صحیح است.

مسئله ۹۵. بر فرش هایی که از مواد و مشتقات نفت ساخته و بافته می شوند می توان سجده کرد؟

جواب: سجده کردن بر آنها جایز نمی باشد.

مسئله ۹۶. آیا بر کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های کاغذی و امثال آن می توان سجده کرد؟ در حالی که از مواد اصلی آنها بی خبر هستیم و نمی دانیم آنها از اشیای جایز السجود فراهم شده اند یا نه؟

جواب: سجده بر اوراق و کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های کاغذی جایز نیست مگر پس از حصول اطمینان به این که آنها از چیزهای جایز السجود درست شده اند و همچنین سجده بر کاغذهایی که از پنبه و یا کتان و امثال آنها ساخته می شوند جایز می باشد.

مسئله ۹۷. از نوار کاست، صدای قرآن پخش می شود و قاری، آیه سجده می خواند و ما هم می شنویم آیا بر ما سجده کردن واجب می شود؟ جواب: نه، سجده کردن در این صورت واجب نمی شود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۵.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۲۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. سوره مؤمنون، آیه یکم.

۶. قادتنا کیف نعرفهم؟ ج ۶، ص ۱۶۴ و فصل ویژه عبادت‌های امام بنگرید، همان ص ۱۶۳ - ۱۷۲.

۷. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۹۳.

۸. بنگرید: بخش استفتانات ویژه این فصل.

فصل ۵: روزه

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) دراستقبال ماه مبارک رمضان خطابه ای خواند و ازجمله فرمود :

ایمردم! ماه خدا توأم بابرکت، رحمت و آمرزش به سوی شمارو آورده است. این ماه نزد خدا بافضیلت ترین ماههاست. روزها، شبها و ساعات هایش از همه روزها و شبها و ساعات ها با فضیلت تر است.

این ماه، ماهی است که شما در آن ، به میهمانی خدا دعوت شده اید. و در این ماه شما از اهل کرامت و بزرگواری قرار داده شده اید. نفس های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خوابتان عبادت عملکردهایتان در آن پذیرفته است و دعاهایتان در آن ماه مستجاب می‌باشد. پس خدا را بابت های صادق و دل‌های پاک بخوانید تا شما را به روز آن ماه و تلاوت قرآن ، موفق بفرماید زیرا شفی و شور بخت کسی است که از آمرزش در این ماه بزرگ ، محروم باشد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه به روی همه گشوده است پس ، از پروردگار خود بخواهید آن درها را دوباره به روی شما نبندد.

و درهای دوزخ و آتش به روی شما بسته شده است از پروردگار خود بخواهید که آنها را دوباره برای شما نگشاید.

شیطانها در این ماه ، به غل و زنجیر کشیده شده اند از پروردگارتان بخواهید تا دوباره آنها را سلطه نبخشد.

ای مردم! هر کس از شما در این ماه اخلاق خویش را زیبا کند آن، جوازی خواهد بود برای گذشت بر صراط که قدم هادرا آنجا بلغزند و هر کس در این ماه بر زبردستان و بردگان سبک گیرد خود حساب او را سبک فرماید. و هر کس در آن ، شر خود را از مردم ، باز دارد خدا به روز دیدار او، غضب و خشم از وی باز دارد. هر کس یتیمی را در آن گرمی بدارد روز دیدار او، وی را گرمی می‌دارد و هر کس در آن صله رحم کند خدا در روز لقایش به او صله فرماید. و هر کس در آن ، آیه ای تلاوت نماید پروردگار، ثواب ختم قرآن را که در دیگر ماهها خوانده است به او عطا فرماید.

و امام علی (علیه السلام) فرمود: برخی روزه دارها هستند که جز تشنگی برایشان باقی نمی ماند و برخی قیام کنندگان و نمازگزاران ، جز رنج و خستگی چیزی دیگر عایدشان نمی‌شود.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزه، تنها خوداری از خوردن و آشامیدن نیست هرگاه روزه گرفتید زبانهایتان را از دروغ نگاه دارید و

چشم‌هایتان را از آنچه خدا حرام فرموده ببندید، نزاع و کشمکش نکنید به یکدیگر حسد نوزید، غیبت نکنید، فحش و ناسزا مگوئید، به یکدیگر ستم روا مدارید از بدگمانی، دشمنی، دروغ، زورگویی، غیبت، و سخن چینی بپرهیزید، نگران آخرت و منتظر و عده های الهی باشید و برای روز دیدار خدا، توشه بگیرید.

همواره، آرام، متین، خاضع و فروتن باشید و مانند بنده ای باشید که از مولای خویش می‌ترسد و در عین حال به لطف و مهرش

امیدوار است^(۱) به جاست که من در اینجا همراه برخی استفتانات ویژه روزه، بعضی احکام آن را به یاد آورم:

مسئله ۹۸- خوردن و آشامیدن عمدی روزه را باطل می‌کند اما اگر از روی فراموشی باشد روزه صحیح است ، و چیزی بر خورنده نیست. مسئله ۹۹- باقی ماندن بر جنابت در ماه رمضان تا طلوع فجر ، روزه را باطل می‌کند پس کسی که در ماه رمضان عمداً بدون غسل مانده و فجر طلوع کرده است، آن روز از به قصد مافی الذمه، واجب است امساک کند ولی بعداً باید روزه آن روز را باز به قصد مافی الذمه قضا نماید. اما مریضی که نتواند غسل کند تیمم می کند و روزه اش صحیح می‌باشد.

مسئله ۱۰۰- زن پس از قطع خون حیض و نفاس که می‌توانسته قبل از طلوع فجر غسل کند و روزه بگیرد اگر اهمال کرده تا طلوع فجر ناپاک بماند روزه آن روزش باطل است و همانند بقاء عمدی بر جنابت می‌باشد و آن روز را از روی ادب امساک می‌کند و بعد، قضا به جا می‌آورد و اگر غسل ممکن نباشد باید تیمم نماید.

مسئله ۱۰۱- بهتر است شخص روزه دار ، بلغم را که به فضای دهان آمده است فرو نبرد هر چند که بلعیدن آن جایز باشد مثل آنکه با آب دهان قاطی شده باشد.

مسئله ۱۰۲- با محتلم شدن در روز ماه مبارک رمضان ، روزه باطل نمی‌شود اما او باید برای نماز ظهر و عصر، غسل کند اما به هر حال، جنابت و احتلام به روزه او ضرر ندارد.

مسئله ۱۰۳- شستن دهان و دندان با فرچه و خمیر، روزه باطل نمی‌کند مادام که آنچه در اثنای شستشو با آب دهان در آمیخته ، وارد معده نشود اما چیزی اندکی که با آب دهان درمی آمیزد ، کانهی ندارد.

مسئله ۱۰۴- اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می‌کند که در ازای روز و شب رد آنجا ، شش ماه است او باید به شهر و یا کشوری برود که بتواند روزه بگیرد و یا لااقل قضا کند و در صورت عدم امکان، باید عوض هر روز، یک چارک طعام به فقیری بدهد.

مسئله ۱۰۵- اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می کند که طول روز آن، بیست و سه ساعت و طول شب فقط یک ساعت است و یا به عکس ، بر او واجب است در حد توان روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و اگر ممکن نشد روزه ماه رمضان ، از او ساقط می

شود اگر بعداً نتوانست قضا می کند هر چند با انتقال به یک شهر و یا کشور مجاور . و هر گاه قضا هم ممکن نشد برای روزه یک مد طعام برای فقیر بدهد. (۲)

و اینک نمونه هایکاز فتوای آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.

مسئله ۱۰۶- برخی مردمان به نیت خاصی وبه قصدسالها اقامت برای انجام کاری به کشوری میروند بی آنکه از وطن اصلی خود اعراض کرده باشند و پسی از انجام آن کار از کشور بیرون میروند تا هر جا که بخواهند بمانند و آنجا را وطن بگیرند نماز و روزه چنین مردمانی چگونه است ؟

جواب: نماز ها را تمام میخوانند و روزه را اگر یک ماه اقامت داشته اند میگیرند همچنان که در وطن اصلی چنین میکردند.

مسئله ۱۰۷- آیا ما می توانیم به رصدهای فلکی و نظریه های نجومی اروپا را درشناخت ساعات فجر و ظهر ، طلوعو غروب آفتاب در طول سال و حتی ثابته ها را هم ملحوظ میکنند؟

جواب: اگر از سخن آنان اطمینان حاصل شود می توان به آن عمل کرد با علم به این که در تعیین زمان فجر در آنجا اختلاف وجود دارد پس کوششش باید عمل آید تا به رأی و نظر صحیح عمل شود.

مسئله ۱۰۸- در برخی کشورها چیدین روز آفتاب طلوع و یا غروب نمی کند نماز و روزه در این کشورها چگونه است؟

جواب : احتیاط واجب آن است که نماز را با اوقات نزدیکترین کشور و یا شهری که در بیست چهار ساعت دارای شب و روز میباشد تطبیق دهد و نمازهای پنجگانه را برابر اوقات شرعی آنجا بخواند هر چندبا قصد قربت مطلقه.

و اما روزه را باید به کشوری برود که بتواند روزه ماه رمضان را بگیرد که فضیلت بسیار دارد و اگر ممکن نشد در غیر ماه رمضان چنان کند و قضا به جا آورد.

مسئله ۱۰۹- آیا یک مسلمان در ماه رمضان می تواند در کشور غیر اسلامی به غیر مسلمان اطعام کند؟

جواب: اشکالی ندارد.

مسئله ۱۱۰- آیا تنفس مصنوعی روزه را باطل می کند؟

جواب: اگر ماده ای که در تنفس مصنوعی وارد بدن انسان می شود فقط از مجرای تنفس باشد نه از راه معده، اشکال ندارد و روزه را باطل نمی کند.

مسئله ۱۱۱- سرم و یا آمپول خوراکی که از رگ تزریق می شود روزه را باطل می کند اعم از این که مریض ناچار باشد و یا نباشد؟

جواب: در هر دو صورت باطل نمی کند.

مسئله ۱۱۲- آیا استمناء در روز ماه رمضان روزه را باطل می کند؟ اعم از آنکه منی بیرون بیاید یا نه و کفاره آن چیست؟ وانگهی اگر چنان کاری را زنان آنجا دهند حکم آن چیست؟

جواب: اگر به قصد انزال، استمناء کند و انزال هم بشود روزه باطل می شود و بر او قضا و کفاره واجب است (روزه دو ماه پی در پی و یا اطعام شصت فقیر) اما اگر استمناء کند و قصد انزال هم دشاته باشد لیکن منی خارج نشود او باید روزه آن روز را به قصد قربت مطلقه بگیرد آنگاه قضا هم بکند.

و اگر استمناء کند و قصد انزال نداشته باشد و عادت او هم چنان نبوده است که انزال بشود ولی احتمال انزال می داده و اتفاقاً منی هم خارج شود بر او واجب است قضا کند و کفاره واجب نمی شود.

و اما اگر بر خودش مطمئن بوده که منی خارج نخواهد شد از قضا منی بیرون آید نه قضا واجب می شود و نه کفاره و در این مسائل فرقی میان زن و مرد نیست.

مسئله ۱۱۳- شخصی بدون آنکه بداند بقاء بر جنابت روزه را باطل می کند، روزه گرفته است روزه او چطور است؟

جواب: اگر نمی دانسته است که بقاء بر جنابت روزه را باطل می کند و یا اصلاً به این معانی توجه نداشته است روزه او صحیح است و قضا و کفاره ندارد.

مسئله ۱۱۴- آیا اگر هلال در خاور زمین ثابت شود در باختر، هم به ثبوت می رسد و یا اگر هلال در آمریکا دیده شود در اروپا هم ثابت می شود؟ جواب: اگر هلال در خاور زمین ثابت شود برای باختر نشینان هم ثابت می شود به شرط آن که فاصله دو مکان از حیث عرض جغرافیایی زیاد نباشد اما اگر هلال در باختر ثابت شود لازم نیست در خاور هم ثابت گردد هر چند از طریق ماندن هلال در مکان نخست به زمان نسبتاً طولانی که با مکان دوم از جهت وقت طلوع و غروب آفتاب متفاوت است.

مسئله ۱۱۵- به نظر فقها کسی که روزه اش را در ماه رمضان با حرام باطل کرده است براو کفاره جمع ، واجب می شود و در عصر حاضر که برده آزاد کردن میسر کردن نیست و نظام برده داری از میان رفته وظیفه چیست؟

جواب: آزاد کردن برده در صورت عدم امکان ساقط می شود علاوه آنکه به نظر ما در صورت ابطا لروزه با فعل حرام کفاره جمع ، واجب نمی شود و خدا داناست.

در کتاب منهاج الصالحین آمده است که اگر هلال در یک شهر دیده شود در صورت وحدت افق در شهرهای دیگر هم ثابت می شود به این معنی که با رؤیت هلال در آن شهر گویا در دیگر شهرها هم رؤیت شده است و شاید ابر و کوه وامثال آن مانع رؤیت بوده است ودر

این جا چند سؤال پیش می آید که پاسخ می طلبد .
 مسئله ۱۱۶- آیا با رؤیت هلال در سرزمین های خاوری مثل ایران ، احساء ، قطیف ، کسورهای خلیج ، عراق ، سوریه لبنان ، هلال در بلاد باختری مثل انگلستان ، فرانسه ، آلمان اگر مانعی مثل ابر و مه نباشد ، به ثبوت میرسد ؟
 جواب: بلی ، رؤیت هلال در یک مکان که ملازم رؤیت در آن مکان هایی در باختر باشد که از حیث مکان با مکان نخست برابرند و عدم رؤیت فقط در اثر مانع بوده است هلال در هر دو مکان ثابت میشود مگر آن که عرض جغرافیایی آنها بسیار متفاوت باشد.
 مسئله ۱۱۷- به فرض اینکه ثبوت رؤیت هلال در شرق و خاور ملازم ثبوت آن در غرب و باختر باشد اگر هلال در نزد برخی علمای خاور زمین ثابت شود چنان امری می تواند حجت باشد بر کسی که در کشورهای باختری که ساکن است هر گاه او به سبب صاف نبودن هوا نتواند هلال را رؤیت کند؟ جواب: ثبوت رؤیت هلال نزد برخی علمای خاور زمین ، حجت بر مسلمانان باختری نمی شود مگر آنکه ثبوت هلال در خاور زمین موجب حصول اطمینان به رؤیت در دیگر جا ها شود و یا بینه ای بدون معارض در مورد ثبوت هلال در باختر ، تحقق یابد هر چند از طریق حکم حاکم که در این صورت برابراطمینان ، عمل می کند.
 مسئله ۱۱۸- در برخی بلاد شرقی به استناد سخن عده ای شاهد که رؤیت هلال کرده اند اول ماه نزد بعضی علما ثابت می شود با این ویژگی:

- ۱- شهود هر چند سی تن باشند مثلاً در بلاد مختلف پراکنده مثل این که دو تن از اصفهان ، سه تن از قم ، دو تن از یزد چهار تن از کویت ، پنج تن از بحرین ، دو نفر از احساء ، شش نفر از سوریه و همینطور.
 - ۲- افق در برخی سرزمینها ی باختری هم صاف بوده و امکان رؤیت در آنجا ها توسط مؤمنان ، امکان داشته باشد و مانعی از رؤیت نبوده است.
 - ۳- رصد خانه انگلستان اعلام کرده که دیدن هلال در امشب (مثلاً) در انگلستان بدون تلسکوپ و چشم مسلح ممکن نیست اما فردا شب رؤیت بدون وسیله میسر می باشد.
- حکم در این مورد چیست ؟ نظر مبارک را بفرما یید.
- جواب: مهم آن است که انسان شخصاً به رؤیت هلال بپردازد و یا بینه شرعی بدون معارض بر رؤیت هلال اقامه شود اما در حالات مذکور در سؤال و امثال آنها ، غالباً اطمینان حاصل نمی شود بلکه اطمینان به عدم رؤیت بیشتر است و حتی احتمال هست که شهادت و گواهی افراد بر پایه خیال و خطای چشم بوده باشد و خدا داناست.

۱. بنگرید : مفاتیح الجنان و دیگر کتب حدیثی.

۲. بنگرید : بخش فتاوی ویژه این فصل.

فصل ۶: حج و زیارت خانه خدا

حج از واجبات شناخته شده در شریعت اسلامی و قرآن کریم بر وجوب آن صراحت دارد. خدای - عزوجل - در کتاب کریمش فرمود: ((وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)) (۱) : رای خدا بر مردم حج خانه واجب است بر کسی که راه توانای آن را دارد و هر که کفر ورزد خدا از جهانیان بی نیاز است.
 خدای - جل و علا - ترک حج را با کفر قرین ساخت تا اهمیت آن مورد تأکید باشد حجّ یکی از ارکان پنجگانه ای است که اسلام بر آنها استوار است . در حدیث از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده: ((بنی الاسلام علی خمسہ اشیاء: علی صلوة والزکاة . الحج والصوم و الولایة)) (۲) :
 اسلام بر پنج چیز: نماز، زکات ، حج ، روزه و ولایت ، بنا شده است.
 امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن تأکید شده و فرموده است ((لاتترکو احج بیت ربکم فتهلکوا)) (۳) : حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک خواهید شد.
 و امام صادق علیه السلام فرموده : بدانید و آگاه باشید اگر مردم حج و زیارت خانه را ترک کنند عذاب برایشان نازل شود و مهلت دلدی نمی شود (۴) .
 همانا ترک حج با اجتماع شرایط آن ، از روی تسامح و سهل انگاری گناه کبیره است
 در حدیث آمده است اگر شخصی توانایی انجام حج را داشته باشد و حج نگذارد قطعاً شریعتی از شرایع الهی رها کرده است (۵) .
 چنانکه در حدیث دیگر فرموده اند:
 ((من سوف الحج حتی یوموت بعثه الله یوم القیمة یهودياً أو نصرانیا)) (۶) : هر کس امروز و فردا کند و حج را تاخیر اندازد تا بمرد . خدا روز قیامت او را یهودی یا نصرانی بر می انگیزد.
 اکنون مناسب است برخی احکام حج را به یاد آورم.
 مسئله ۱۱۹- هر مسلمانی که توانایی داشته باشد حج براو واجب است و معنای استطاعت و توانایی عبارت است از :

- الف - وقت کافی برای رفت و برگشت به اماکن مقدسه و فرصت انجام اعمال واجب را داشته باشد .
- ب - تندرستی و توانمندی بر رفتن به اماکن مقدسه و اماکن ماندن در آنجا ها به اندازه ادای اعمال وجود داشته باشد .
- ج - راه مکه باز و ایمن باشد طوری که جان یا مال و یا آبروی او را خطری تهدید نکند .
- د - هزینه لازم فراهم باشد و آن چیزی است که حاجی در راه مکه بدان نیاز دارد از خوردنی ، نوشیدنی ، پوشیدنی و دیگر نیازمندی های سفر و همچنین فراهم بودن وسیله نقلیه که بتواند مسافت را طی کند و خود را به مکه برساند آن هم لایق به شأن او.
- هـ - به سبب سفر برای حج و هزینه کردن برای آن ، بیم نداشته باشد که پس از برگشت تهی دست شود و خود و خانواده اش در مانده گردند.
- مسئله ۱۲۰- حج تمتع بر ما مردمی که از مکه دور هستیم و در کشورها ویا شهر های دور زندگی می کنیم ، واجب است واز دو عبادت تشکیل میشود :
- اولی به نام عمره و دومی به نام حج.
- مسئله ۱۲۱- درعمره تمتع پنج عمل واجب است :
- الف - احرام در یکی از مقیبات ها و آنها جاهایی هستند که احرام از آنها باید بسته شود.
- ب - هفت شوط طواف خانه خدا .
- ج - نماز طواف.
- د - سعی میان صفا و مروه ، هفت شوط.
- هـ - تقصیر.
- مسئله ۱۲۲- واجبات حج سیزده عمل است.
- ۱- احرام از مکه .
 - ۲- وقوف در عرفات درروز نهم ماه ذی الحجّه.
 - ۳- وقوف در مزدلفه پاسی از شب عید تا طلوع آفتاب .
 - ۴- رمی جمره عقبه (شیطان بزرگ) در منی به روز عید
 - ۵- نحر یا قربانی در روز دهم و یا ایام تشریق در منی .
 - ۶- تراشیدن سر و یا تقصیره مو برای مردان در منی .
- پس از انجام این شش عمل ، همه آنچه که بر محرم حرام شده بود، حلال میشود جز عمل زناشویی و عطر و هم چنین شکار بنا بر احتیاط واجب.
- ۷- هفت شوط طواف زیارت پس از رجوع از منی به مکه .
- ۸- نماز طواف .
- ۹- سعی میان صفا و مروه هفت شوط .
- ۱۰- هفت شوط طواف نساء
- ۱۱- نماز طواف نسأ.
- ۱۲- بیتوته در منی در شبهای یازده و دوازده و احياناً شب سیزده.
- ۱۳- رمی جمرات سه گانه در روز های یازده و دوازده و گاهی هم روز سیزده.
- و اینک به نمونه ای از استفتانات و پاسخ های حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی توجه کنید:
- مسئله ۱۲۳- فرودگاه زاپران حج ، شهر جدّه می باشد آیا حاجی می تواند از جدّه محرم شود؟
- جواب: شهر جدّه میقات نیست و محاذی یکی از میقات ها هم نمی باشد پس از احرام از آنجا حج و یا عمره صحیح نیست اما اگر حاجی بداند که میان شهر جدّه و حرم ، جایی است که با یکی از میقات ها، محاذی می باشد بعید نیست که احرام از آنجا صحیح باشد همچنانکه احتمال دارد حاجی از محاذات جحفه که یکی از میقات ها نست بگذرد چنان که او می تواند از جدّه با نذر محرم شود .
- مسئله ۱۲۴- اگر سر حاجی به هنگام تراشیدن آن ، رخمی شود و خون آید ، او چه باید باید بکند؟ جواب: هر گاه او د راین رخمی کردن و خون آوردن متعمّد نبوده است چیزیر او نیست .
- مسئله ۱۲۵- هر چند که تکرار حج همه ساله مستحب است اما در بسیاری از کشورها و شهرهای اسلامی مؤمنان بینوایی هستند که حتی به یک لقمه طعام و اندکی لباس ، نیازمند ند. اگر امر دایر باشد بین این که کسی دارایی اش را در حج مستحبی و زیارت امامان معصوم صرف کند و یا احسان و انفاق به این خانواده ها نماید کدام مقدم است ؟
- جواب : البته یاری رساندن به آنگونه مردمان مؤمن و بینوا ، از حج و عمره مستحبی و زیارت عتبات و عالیات مقدسه با فضیلت تر است اما گاهی حج و عمره و زیارت ائمه ، با برخی امور توأم میشود که فضیلت آن به درجه فضیلت انفاق بر مؤمنان تهیدست بلکه بالاتر و ثواب بیشتر میرسد. مسئله ۱۲۶- حکومت عربستان برای حاجیان در عرفات و منی جاها را اختصاص میدهد و ما نمی دانیم آیا آنها در

داخل حدود منی و عرفات هستند که حاجی باید وقوف کند یا خارج اند و آیا پرس و جو در این مورد لازم است؟
 جواب : اگر حدود اعلام شده که دارای علانم نصب شده می باشد نسل به نسل معلوم بوده است پرس و جو لازم نیست.
 مسئله ۱۲۷- گفته می شود که برخی قربانگاهها بلکه همه آنها در خارج از منی قرار دارد آیا بر ما واجب است قبل از قربانی کردن در شناخت قربانگاه ، تلاش و تأکید کنیم با علم به این که جستجوی مکان دیگر و پرس وجو از قربانگاه دوم در روز عید قربان چنانکه میدانید بسیار مشکل است زیرا وقت بسیار تنگ می باشد آیاراه حلی وجود دارد؟
 جواب : حتماً قربانی باید در داخل منبی ذبح شود و اگر به سبب کثرت حاجیان و تنگی وقت ذبح منحصر به روز عید نسیت و آن را تا پایان روزهای تشریح میتوان عقب انداخت.

مسئله ۱۲۸- حاجیان با مشکل قربانی رویرویند و ازاین معنی رنج می برند زیرا گوشت قربانی ها ضایع و هدر می شود با اینکه در بلا د اسلامی بینوایان فراوانی وجود دارد که چندین روز طعم گوشت را نمی چشند در این صورت آیا میتوانیم قربانی رادر شهر خود بکشیمو آیا راه حل دیگری را پیشنهاد می فرمائید؟

جواب: باید وظیفه شرعی را با ذبح قربانی در منی انجام داد و گناه تزییع گوشتها اگر وجود داشته باشد بر عهده مسئولان است .
 مسئله ۱۲۹- اگر دانشجویی در موسم حج ، امتحان دانشگاهی دارد آیا او می تواند حج واجب را به سال آینده بگذارد خصوصاً اگر امتحان درسی برای او جنبه حیاتی داشته باشد و بسیار مهم است ؟
 جواب : اگر اطمینان داشته باشد مه در سال آینده می تواند حج بگذارد چنان کاری جائز است و گرنه حج را نمی تواند تأخیر بیندازد و اگر تأخیر امتحان درسی برای او حرجی باشد و دشوار باشد طوری که عادتاً چنان خسارت و زحمت را نمی توان تحمل کرد در این صورت در سال جاری حج براو واجب نمیشود و مستطیع به حساب نمی آید .

مسئله ۱۳۰- شخص مستطیعی در سالهای گذشته به حج نرفته است آیا او می تواند عمره رجبیه به جا آورد و اگر در ماه رمضان توانست چطور؟ جواب: عمره مفرده او صحیح است اما اگر این عمره سبب شود که در سالی آتی نتواند ، حج بگذارد ، انجام چنان عمره جائز نمی باشد مسئله ۱۳۱- جوان مجردی است که اخیراً مستطیع شده است واما به فکر ازدواج می باشد و اگر حج بگذارد ازدواج او عقب می افتد ، کدامیک را مقدم بدارد؟
 جواب: حج برود و ازدواج را تأخیر بیندازد مگر آنکه تأخیر ازدواج برای او دشوار بوده و زحمت فوق العاده داشته باشد که عادتاً تحمل ناپذیر است، در این صورت ازدواج رامقدم بدارد و خدا داناست.

۱. سوره آل عمران ، آیه ۹۷.

۲. وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۲۰.

۳. همان ، ص ۲۳.

۴. همان ، ص ۲۲.

۵. همان ، ص ۲۸.

۶. من لا یحضره الفقیه ، ج ۲ ، ص ۲۶۶.

فصل ۷: احکام میت

خدای سبحانه و تعالی در کتاب کریمش فرمود:

((کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجور کم یوم القیامة فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحیوة الدنیا الامتاع الغرور)) (۱) : هر انسانی چشنده مرگ است و قطعاً شما پادشاهایان را در روز قیامت به طور کامل دریافت می دارید پس هر کس از آتش دور شود و وارد بهشت گردد رستگار شده است و زندگانی دو نیوی جز وسیله فریب چیزی بیش نیست .

و خدای - برتر از هر گوینده - فرمود: ((و ماتدری نفس ماذاتکسب عدأ و ما تدری نفس بای ارض تموت آن الله علیم خبیر)) (۲) : هیچکس نمی داند فردا چه به دست آورد و هیچ شخص نمی داند در کدامین سرزمین می میرد همانا خدا دانای آگاه است.

و اینک به بیان برخی احکام میت و آداب احتضار ، غسل ، حنوط و کفن و دفن به طور اختصار (۳) می پردازیم.
 مسئله ۱۳۲- بنا بر احتیاط واجب ، مرده را به هنگام مرگ رو به قبله کنند یعنی او را به پشت بخوابانند طوری که پاهایش به سمت قبله باشد که اگر بلند شود و بنشیند رو به قبله باشد و مستحب است شهادتین و اعتراف به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه وآله و امامت امامان به وی تلقین شود .

مسئله ۱۳۳- مستحب است دو چشم و دهان میت ، بسته شوند و هم چنین دو دست او کشیده باشد و ساقهای پا، خم نباشد و بهتر است او را با پارچه ای بیوشانند و نزد او قرآن تلاوت کنند و در اطافی که جنازه در آن است چراغی روشن باشد و مکروه است میت را در اطاق ، تنها بگذارند .

مسئله ۱۳۴- پس از آنکه اندام میت از نجاسات هایی که احياناً به آن چسبیده مانند خون ، منی و غیره ، شسته شد و پاک گردیده او را

سه غسل دهند :

۱- با آب سدر که مقداری در آب خالص ریخته شده است.

۲- با آب و کافور که به اندازه در آب خالص ریخته شده است.

۳- فقط با آب خالص .

و اگر سدر یافت نشد به جای آن با آب خالص ، غسلی داده شود .

وهرگاه کافور هم یافت نگردد احتیاط واجب آن است که به عوض آن ، غسلی دیگر با آب خالص به عمل آید و با سوم به طور مستقل

غسلی با آب خالص انجام دهند و در این حالت های اخیر علاوه بر آن سه غسل ، تیممی هم صورت بگیرد.

مسئله ۱۳۵- غسل میت باید به شکل ترتیبی انجام گیرد یعنی : اول سر و گردن و سپس سمت راست و بعد چپ شسته شود.

مسئله ۱۳۶- غسل دهنده باید هم جنس باشد یعنی مرد را مرد و زن را زن غسل دهد وزن و شوهر می توانند مرده یکدیگر را غسل

دهند و بهتر آن است که غسل از روی پارچه باشد چنانکه بنا بر احتیاط واجب اگر هم جنس پیدا نشود هر کس میتواند محرم خود را

اعم از سببی، نسبی و شیری مانند خواهر و برادر غسل دهد و افضل است که در این صورت ، از پشت پرده ، غسل داده شود اما

طفل را پسر یا دختر همه کس میتواند غسل دهند به شرط آنکه طفل ممیز نبوده باشد.

مسئله ۱۳۷- بنا بر احتیاط واجب ، غسل دهنده باید مؤمن باشد و اگر مسلمان اثنی عشری همانند ، یافت نشد و از محرم های میت نیز

کسی حضور نداشت ، مسلمانان غیر اثنی عشری هم جنس می تواند غسل دهد و اگر او هم یافت نشد، یهودی یا مسیحی هم

جنس در زن و مرد بودن می تواند اقدام به غسل میت کند به شرط آنکه خود غسل دهنده، نخست غسل کرده باشد و آنگاه میت

مسلمان را غسل دهد و اگر کسی از اهل کتاب هم برای غسل دادن یافت نشود ، غسل میت ساقط می شود و او را بدون غسل به

خاک می سپارند.

مسئله ۱۳۸- واجب است میت را پس از حنوط کنند به این ترتیب که بر سجده گاههای هفتگانه اش که عبارت باشد از پیشانی، کفهای

دو دست و دو زانو و انگشت های ایهام پا، پودر کافور تازه که هنوز بویش از بین نرفته است بمالند و افضل آن است که حنوط با دست

صورت بگیرد و از پیشانی آغاز شود .

مسئله ۱۳۹- میت را پس از حنوط کردن در سه قطعه پارچه کفن میکند:

اول : به عنوان شلواری که بنا بر احتیاط واجب میانه ناف و زانو را بپوشاند .

دوم : پیراهنی که بنا بر احتیاط واجب دو شامه تا میان ساق را بگیرد .

سوم : پارچه ای را که تمام اندام را پوشانده و احتیاط واجب آن است پارچه کفن از جهت طول و عرض و از بالا و پائین به اندازه ای بلند

باشد که روی هم سوا رشود.

مسئله ۱۴۰- اگر میت، شش سال و یا بیشتر داشته باشد ، واجب است بر او نماز خوانده شود و بنا بر احتیاط واجب بر طفل ممیزی که

می فهمیده است نماز چیست باید نماز خوانده شود هر چند شش ساله نشده باشد.

مسئله ۱۴۱- نماز میت با پنج تکبیر برگزار میشود . و افضل آن است که پس از تکبیر نخست ، شهادتین را بگویند آنگاه تکبیر دوم را گفته

بر محمد صلی الله علیه و آله و آل اوعلیهم السلام درود و صلوات بفرسند و بعد از تکبیر سوم ، برای عموم مردو زن دعا بکنند و پس از

تکبیر چهارم .

برای میت دعای ویژه بخوانند و آنگاه که تکبیر پنجم را گفتند ، نماز تمام است.

مسئله ۱۴۲- پس از نماز خواندن بر میت مسلمانان ، واجب است او را دفن کرده و او را در دل خاک پنهانش کنند تا از تعرض حیوانات

درنده محفوظ بماند و بوی آن مردم را نیازاردو او را در قبر باید به سمت راست بدنش بخواباند و رویش را به طرف قبله قرار دهند.

مسئله ۱۴۳- جایز نیست مسلمان را در گورستان غیر مسلمان دفن کنند مگر آن که قسمتی از آن به مسلمانان اختصاص داشته باشد

هم چنانکه دفن کردن غیرمسلمانان

در گورستان مسلمانان جایز نمی باشد.

مسئله ۱۴۴- اگر دفن مسلمان در گورستان مسلمان ممکن نشد و نقل جنازه او را به یک کشور اسلامی هم مسیر نگردد تا در آنجا در

گورستان مسلمانان دفن شود او را در همان گورستان کفار می توان به خاک سپرد

مسئله ۱۴۵- از پیغمبر ما محمدصلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: برای مرده :

شبی خست تر از شب اول قبر نیست پس با صدقه دادن ، بر آنها رحم کنید و اگر چیزی نیافتید برای او دو رکعت نماز بگذارید که در

رکعت اول پس از حمد ، آیه الكرسی و در رکعت دوم بعد از قرائت حمد ، ده مرتبه سوره قدر را بخوانید و بعد از سلام نماز بگوئید خدا یا

نواب این نماز را به قبر فلانی برسان و نام میت را بپرد

و اینک نمونه های از فتوهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله که در پاسخ استفتائات فرموده اند:

مسئله ۱۴۶- در برخی کشورهای غربی و غیر اسلامی متداول است که مرده را در صندوقی می نهند و همانطور دفن می کنند، چه

باید کرد؟ جواب: نهادن مرده در صندوق چوبی به هنگام دفن اشکالی ندارد به شر آنکه آداب شرعی دفن مراعات شود از جمله آن است

که او را بر طرف راست رو به قبله بخوابانند.

مسئله ۱۴۷- اگر مسلمانی در کشور غیر اسلامی بمیرد و در آنجا گورستان ویژه مسلمین وجود نداشته باشد و از سوئی، انتقال او به یک کشور اسلامی مستلزم زحمت فوق العاده و هزینه سنگینی باشد آیا همین معنی، مجوز آن می شود که میت را در گورستان کفار دفن کنند؟ جواب: کفایت نمی کند.

مسئله ۱۴۸- اگر مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی، بمیرد و در آنجا گورستان خاص مسلمانان وجود نداشته باشد و از طرفی خانواده او آن اندازه توانایی مالی ندارند که جنازه را به یک کشور اسلامی منتقل کرده و در آنجا به خاک بسپارند آیا بر مراکز اسلامی که متصدی شئون مسلمان هستند واجب است که هزینه انتقال جنازه را بپردازند؟ و آیا بر مسلمانی که در آن شهر وجود دارند پرداخت آن هزینه واجب می شود؟

جواب: اگر دفن مسلمان در غیر گورستان کافران و در مکان شایسته او در خود شهر و کشوری که او در آنجا درگذشته و یا در جایی دیگر، موقوف به صرف هزینه ای باشد و از او میراث و مالی که برای این کار کفایت کند، باقی نمانده و یا ولی او قادر به پرداخت چنان هزینه ای نباشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که آن هزینه را بپردازند و جایز است آن را از وجوه شرعی و یا احسان، حساب کنند.

مسئله ۱۴۹- اگر مسلمان میت در کشور غیر اسلامی ولی و سرپرست نداشته باشد به شئون او چه کسی باید برسد؟ جواب: اگر امکان تماس با ولی او نباشد تا از وی اجازه بگیرند، اذن ولی از اعتبار می افتد و بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به غسل و کفن و دفن او اقدام کنند.

مسئله ۱۵۰- اگر مسلمان مرده ای را ممکن نشد در گورستان شهری که در آنجا مرده است دفن کنند زیرا گورستان اسلامی در آنجا وجود ندارد هزینه نقل و دفن او را در یک کشور اسلامی از کجا باید تأمین کرد از دارایی میت قبل از تقسیم میراث بین وارثان، از ثلث مال و یا از طریق دیگر؟ جواب: هزینه دفن مسلمان در یک جای مناسب، از اصل دارایی او کنار گذاشته می شود مگر آنکه وصیت کند که از ثلث مال او هزینه کنند که در این صورت از ثلث مال صرف می شود.

مسئله ۱۵۱- مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی هر روز بیشتر می شود آیا بر مسلمانانی که توانایی مالی دارند واجب کفایی است که گورستانی ویژه بخرند با علم به این که برخی مسلمانان که در آن کشور از دنیا می روند به سبب نداشتن توانایی مالی برای انتقال جنازه به بلاد اسلامی و یا در اثر تسامح و سهل انگاری، ناگزیر در گورستان اسلامی، مدفون خواهند شد.

جواب: دفن مسلمان در گورستان غیر کفار و در جایی مناسب شأن او، بر ولی او واجب است همانند دیگر اعمال و واجب های مربوط به تجهیز میت و اگر مرده مسلمان، ولی نداشته باشد و یا عاجز و ناتوان باشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به مقدمات چنان کاری از قبیل خریداری قطعه زمین و تلاش در آن مورد، اقدام به عمل آورند.

مسئله ۱۵۲- کدام بهتر است، دفن مسلمان در یک گورستان اسلامی واقع در یک کشور غیر اسلامی که در آنجا، مرده است و یا نقل جنازه او به یک کشور اسلامی که هزینه سنگینی را لازم دارد؟

جواب: اگر کسی هزینه انتقال جنازه را احسان کند و بپردازد اعم از ورثه و یا دیگران و یا اگر ثلث مال و دارایی میت برای این کار کفایت کند به ویژه اگر وصیت برای احسان و نیکوکاری کرده باشد، با فضیلت تر آن است که او را به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مستحبی ببرند و خدا داناست.

مسئله ۱۵۳- هر گاه نقل جنازه مسلمان به یک کشور اسلامی هزینه زیادی لازم داشته باشد آیا می توان او را در گورستان غیر مسلمان از پیروان ادیان آسمانی، به خاک سپرد؟

جواب: دفن کردن مسلمان در گورستان کافران، جایز نیست مگر آن که گورستان منحصر به آن باشد و ضرورتی که تکلیف را بر طرف کند پیش بیاید.

۱. سوره آل عمران ، آیه ۱۸۵.

۲. سوره لقمان ، آیه ۳۴.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید : منهاج الصالحین ، ج ۱ ، ص ۹۵ وبعد و مسائل منتخبه ، ص ۵۰ و بعد.

باب دوم : معاملات « فصل ۱ : خوردنی ها و نوشیدنی ها

مسلمانان معمولاً در خانه ها، شهرها و روستاهای خود و در میان اعضای خانواده و منسوبینشان انواع غذاها، خوردنی ها و نوشیدنی ها را تناول می کنند و به خوردن و نوشیدن آنها عادت کرده اند و محتوای آنها را می شناسند و توجه داند که آنها خالی از هر گونه موادّی هستند که دین و شریعتشان خوردن و یا نوشیدن آنها را حرام کرده است و با چیزی از ارزش های مورد قبول اسلامی در تضاد نمی باشند.

اما وقتی به یک کشور غیر اسلامی می روند و در آنجا اقامت می کنند مشکل خوردن و آشامیدن پیش می آید زیرا اصولاً خوردنی ها و

آشامیدنی ها، آن چیزهایی نیستند که قبلا می شناختند و دوست می داشتند و مطابق میل و مذاقتان بود چون این محیط، غیر اسلامی است و برای خود ارزش هایی ویژه دارد که مردمانش با آنها خو گرفته و به طور طبیعی به شئون اسلامی در زمینه خوردنی ها و نوشیدنی ها تعهدی ندارند.

پس مسلمانی که در چنین شهر و کشوری بخواهد به رستورانی برود و غذا بخورد مشکل حلال و حرام بودن طعام، پاک و ناپاک بودن آن و بالاخره جواز و عدم جواز خوردن و نوشیدن پیش می آید که خود به خود مسائلی به وجود می آورد که پاسخ می طلبد. و اینجا بجاست که مسلمانان، احکام برخی خوراکی ها و نوشیدنی ها را بدانند و از برخی فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه مطلع شوند.

مسئله ۱۵۴- از آنجا که پیروان ادیان و کتابهای آسمانی سابق اعر از یهود، نصاری و مجوس پاکند مشکل عمده خوراکی ها حل می شود و مسلمانی که در میان ایشان زندگی می کند می تواند از طعامهای آنان بخورد هر چند که دست مرطوب به آنها زده باشند مادامی که نداند طعام ایشان در بردارنده چیزی است که خوردن آن بر ما حرام می باشد مثل شراب، ولی گوشت و پی و مشتقات آنها حکمی ویژه دارند که خواهد آمد.

مسئله ۱۵۵- هر مسلمانی می تواند از غذایی که کافر غیر کتابی فراهم کرده بخورد مادام که نداند او دست مرطوب به آن غذا زده است و به شرط آنکه آن غذا محتوی چیز حرامی مانند شراب نباشد و گوشت و پی حکمی ویژه دارد که پس از این خواهد آمد. مسئله ۱۵۶- هر مسلمانی می تواند انواع خوراکیها را که هر سازنده پزنده ای آن را برای خوردن آماده کرده است بخورد اگر نداند که تهیه کننده آن چه دین و آیینی داشته و دارد و مواد آن خوراکی چیست؟

اعم از آنکه سازنده و پزنده آن دست مرطوب به غذا زده باشد و یا نه، به شرط آنکه نداند در آن طعام، چیز حرامی مثل شراب به کار رفته و گوشت و پی، حکمی ویژه دارد که خواهد آمد. علاوه بر این بر مسلمان واجب نیست که از کفر و ایمان فراهم کننده پرس و جو کند و یا بپرسد که آیا او دست مرطوب به آن زده یا نه؟ حتی اگر چنین بررسی و پرس و جویی خیلی سهل و آسان هم بوده باشد.

خلاصه، انواع گوناگون خوردنی ها جز گوشت و پی و مشتقات آنها برای مسلمان پاک و حلال است و او می تواند از آنها تناول کند هر چند که گمان ببرد در محتوای بری از آنها، خوردنی حرامی وجود دارد و یا او ببیند که سازنده آن دست مرطوب به آن زده است. (۱) مسئله ۱۵۸- هر مسلمانی می تواند انواع کنسروها به استثنای کنسرو گوشتی و مشتقات آنها را بخورد حتی اگر گمان ببرد که در محتوای آنها چیزیهست که خوردن آن برای مسلمان جایز نمی باشد و یا گمان ببرد که که سازنده و تهیه کننده آن، دست مرطوب به آن زده است .

به هر حال، واجب نیست او پرس و جو کند تا اطمینان حاصل نماید که محتوا، خالی از شیئی حرام و ناپاک است. (۲) مسئله ۱۵۹- هر مسلمانی می تواند انواع گوشت هایی حلال اند هر چند که شرایط تذکیه در مذهبی تا مذهب دیگر فرق میکند در حال که احتمال بدهد ذبح حیوان، برابر مذهب ما صورت گرفته است. و این ، درغیر رو به قبله بودن است اما درباره رو به قبله قرار گرفتن ذبیحه، رعایت نکردن آن اگر ذابح به آن عقیده نداشته و به وجوب آن معتقد نبوده است ضرری ندارد.

مسئله ۱۶۰- اگر مسلمانی بدانند مطمئن باشد که گوشت حیوان حلال گوشتی مثل گاو، گوسفند، و مرغ که مطابق قانون شریعت اسلام ذبح نشده است در اختیار او قرار گرفته چنان گوشتی مردار است و مسلمان نمیتواند از آن بخورد هر چند که فروشنده آن مسلمان باشد هم چنان که این گوشت نجس است و هر چیزی با رطوبت به آن بخورد نجس میشود .

مسئله ۱۶۱- اگر مسلمانی، گوشتی را از کافری باخريد و یا غیره بگیرد و یا از مسلمانی بگیرد که آن مسلمان از کافریه دست آورده است و به هنگام گرفتن از تذکیه آن پرس و جویند چنان گوشتی حرام است یا نه، هر چند که خوردن آن حرام است اما اگر مسلمان نداند که آیا تذکیه شده است یا نه ، هر چند خوردن آن حرام است لیکن نمی تواند آن را نجس بداند .

مسئله ۱۶۲- در حلیت گوشت هر ماهی دو شرط باید رعایت شود :

اول: ماهی باید پولک داشته باشد.

دوم: مسلمان بداند و یا مطمئن باشد که ماهی زنده از آب بیرون آورده شده است و یا آن ، در تور ماهیگیری مرده است و در حلیت ماهی ، مسلمان بودن صیاد شرط نیست هم چنان که در تذکیه ماهی بسم الله گفتن لازم می باشد . پس اگر کافری ماهی بگیرد و آنرا زنده از آب بیرون آورد و یا در تور و سید صید بگیرد و ماهی فلس و پولک دار باشد خوردن آن حلال است . و مسلمان میتواند در مورد شرط نخست ، ماهی را خود، به طور مستقیم ببیند هرگاه در پیش او قرار دارد و یا اسم آن ، در لیست ماهی های پولک دار آمده باشد. (۳)

و اما شرط دوم: ظاهر آدر همه کشورها تحقق دارد و آنگونه که می گویند همه صیادان ، ماهی را زنده بیرون می آورند و یا آنها در تور ماهیگیر می میرند. بنا بر این ، گوشت ماهی را می توان از کافری گرفت و خورد همانگونه که میشد از مسلمانی گرفت اعم از آنکه کنسرو باشد و یا جز آن. (۴)

مسئله ۱۶۳- خوردن میگو اگر زنده از آب بیرون آورده شود حلال است اما خوردن انواع قورباغه ها، خرچنگ ، لاک پشت و هر حیوان دو

زیستی ، فواقع(مرغ دریایی و شاه میگو، حرام اند. (۵)

مسئله ۱۶۴- تخم ماهی، تابغ خود ماهی است پس تخم های ماهی های حلال گوشت ، حلال و تخم های ماهی های حرام گوشت حرام میباشند.

مسئله ۱۶۵- خوردن آبجو و شراب و هر چیز مستی آور ، مایع باشد و یا جامد مستی و سکر، سبک باشد و یا شدید ، حرام است.

خداى سبحان و تعالى در قرآن کریم فرمود:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)). (۶)

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس شراب بنوشد پس از آن که خدا آن را به زبان حرام کرده است ، شایسته نیست که به هنگام خواستگاری به او زن یا دختر بدهد و اگر شفاعت و وساطت بطلد نباید برای او شفاعت و وساطت کرد و هرگاه سخن بگوید نباید تصدیق کرد و اصولاً نمی توان به امانتداری او اعتماد کرد . (۷)

و در روایت دیگر فرمود : خدا، شراب و کشت کننده و فشارنده و خورنده و خوارنده و فروشنده و خریدار، حمل کننده آنکه به سوی او حمل میشود و خورنده بهای آن را لعن و نفرین کرده است . (۸)

مسئله ۱۶۶- خوردن از سفره که بر آن شراب و مسکرات ، خورده میشود ، حرام است و حتی بنا بر احتیاط واجب ، نشستن بر سر چنان سفره نیز حرام می باشد . (۹)

مسئله ۱۶۷- مسلمانان میتوانند به رستورانهایی که همراه طعام ، شراب می فروشند بروند به شرط آنکه رفتن او ترویج کار این رستورانها نشود بنا بر احتیاط واجب بر سر میزی که شراب نهاده شده نباید بنشینند و یا در آن میز بخورد.

مسئله ۱۶۸- در فصل طهارت و نجاست یاد آوردیم که تمام انواع الکها اعم از آنچه که از چوب گرفته میشود و یا جز آن ، پاکند . بنا بر این ، خوراکی هایی که در داخل و درون آنها الک می باشند.(رجوع به بخش استفتائات شود).

مسئله ۱۶۹- برخی متخصصان پرورش ماهی میگویند ماهیهای که فلس و پولک ندارند غالباً نظیف کنندگان دریا هستند که فضولات دریا میخورند و آلودگی های آنها را برطرف میسازند.

مسئله ۱۷۰- برخی متخصصان میگویند بیرون آوردن خون از حیوان به وسیله ذبح، موجب بهداشتی شدن گوشت آن میشود و نسبت به گوشت حیوان تذکیه نشده پاکیزه تر است و این ، مطلب بعیدی نیست و لذا برخی مردم غیر مسلمان طالب گوشت های ذبح شرعی شده مسلمانان هستند زیرا از نظر بهداشتی بهتر می پسندند.

مسئله ۱۷۱- استعمال و به کار بردن هر چیزی که درحد بالای به انسان ضرر دارد مانند خوردن زهر های کشنده، حرام است هم چنانکه حرام است زن حامله چیزی را بخورد که موجب سقط جنین میشود و جز آنها آنچه که ضرر و زیانش معلوم و یا حتی مظنون و بلکه به احتمال معقول متحمل است و یا چیزی که موجب مرگ و یا از کار افتادن عضو از اعضاء میشود نیز حرام میباشد.
آداب سفره:

مسئله ۱۷۲- آداب سفره و غذا خوردن فراوان است و از آن جمله است:

به هنگام خوردن و شروع به آن ، نام خدا بر زبان آوردن.

با دست راست خوردن.

لقمه ها را کوچک گرفتن .

نشستن طولانی بر سر سفره.

خوب جویدن طعام.

بعد از خوردن حمد و ثنای خدا گفتن.

خو داری از خوردن باوجود سیری .

قبل از سیر شدن دست از طعام کشیدن و شکم را از طعام پر نکردن به هنگام خوردن، به روی مردمان نگاه نکردن .

از جلوی دیگران غذا نکشیدن آنگاه که بر سر سفره ، جمعی نشسته اند .

شروع با نمک و ختم با نمک.

واینک نمونه های از استفتائات ویژه خوردنی ها و نوشیدنی ها همراه پاسخ و فتوای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله العالی.

مسئله ۱۷۳- جمله((ذبح به روش اسلامی)) بر روی گوشتهای تولیدی کشورهای اسلامی توسط شرکت های غیر اسلامی ، نوشته می شود آیا چنان شتهایی را می توان خوردکه در واقع سفارش کننده ، کشوری اسلامی است و یا در یک کشور غیر اسلامی فراهم می گردد وانگهی اگر به طور کلی سفارش کننده و تهیه کننده هر دو ، شرکت و کشور غیر اسلامی باشند چطور میشود؟

جواب: چنان نوشته ای اعتبار ندارد لیکن اگر تولید کننده آن گوشت ها مسلمان باشد و یادر کشوری تولید شود که غالباً مردم آن

، مسلمانند و معلوم نباشد که تولید کننده غیر مسلمان است خوردن چنان گوشتی جایز است و اما اگر تولید کننده آن غیر مسلمان

باشد و یا در کشوری تولید شود که اکثریت مردم آن مسلمان نباشند، خوردن آن گوشت جایز نیست .

مسئله ۱۷۴- وارد برخی بازارهای بزرگ اروپایی می شویم و در آنها کنسروهای گوشت را مشاهده می کنیم که تولیدی شرکت های اروپایی می باشند اما بر روی آنها جمله ((حلال)) و یا ((ذبح به روش اسلامی)) نوشته شده است آیا خرید و خوردن چنین گوشت های جایز است؟ جواب: اگر آن نوشته ها مورد وثوق و اطمینان نباشد اعتبار و اثری ندارد.

مسئله ۱۷۵- برخی شرکت ها مقدار زیادی مرغ یکجا میکشند اگر بر سر ماشین ذبح ، مسلمانی بایستد و هنگام ذبح برای همه شان یکبار و یکجا نام خدا را بر زبان آورد آیا خوردن آنها حلال میشود و اگر در حلیت آنها شک کنیم میتوانیم آنها را پاک بدانیم و بخوریم؟ جواب: اگر مسئول ماشین مادام که ماشین کار میکند به طور مکرر نام خدا را بر زبان آورد کافی است و در صورت شک در حلیت از ناحیه این که آیاسم الله گفته شده است یا نه آنها پاکند و خوردنشان هم حلال میباشد.

مسئله ۱۷۶- آیا می توان گوشتی را از سوپر مارکتی خرید که صاحب آن مسلمان است و به عنوان گوشت تذکبه شده می فروشند با علم به اینکه او شراب هم می فروشد؟

جواب - بلی، جایز است و خوردن آن گوشت حلال می باشد هر چند که قبلا به دست غیر مسلمان بوده، به شرط آنکه احتمال بدهیم که فروشنده مسلمان تذکبه شرعی آن را احراز کرده است اما بدون چنین احتمالی، حلال نیست.

مسئله ۱۷۷- برخی پنیرها که در دولت های غیر اسلامی درست می شود مایه آنها از شکمبه گوساله یا هر حیوان دیگر است و ما نمی دانیم آیا شکمبه برگرفته شده از حیوانی است که به روش اسلامی ذبح شده است و یا از غیر آن؟ و آیا آن مایه اصولاً استحاله پیدا کرده است یا نه، چنین پنیرهایی را می توان خورد؟ جواب - خوردن اینگونه پنیرها از این جهت که گفته شد، اشکال ندارد و خدا داناست.

مسئله ۱۷۸- در غرب، چیزی به نام ژلاتین ساخته می شود و آن را در بسیاری نوشیدنی و خوارکی ها داخل می کنند، ما که نمی دانیم آن ژلاتین از چه چیز گرفته شده است از گیاه یا حیوان؟ و اگر از حیوان گرفته شده باشد آیا آن، از استخوان او بر گرفته شده و یا از بافت های محیط بر استخوان، چنان چیزی را می توانیم بخوریم در حالی که نمی دانیم آن حیوان، حلال گوشت بوده یا حرام گوشت؟ جواب - اگر شک داشته باشیم که آن، از گیاه برگرفته شده و یا از حیوان، خوردن آن جایز است ولی بنا بر احتیاط اگر بدانیم که از حیوان گرفته شده و تذکبه شرعی آن محرز نباشد خوردن آن جایز نیست حتی اگر از استخوان های حیوان فراهم شده باشد. بلی اگر علم و یقین داشته باشیم که مواد آن استحاله پیدا کرده و در ضمن عملیات شیمیایی دگرگون شده است خوردن آن مطلقاً بی اشکال است و می توان آن را خورد. چنانکه می توان مقداری از آن را داخل غذای دیگر کرد که در آن مستهلک شود با وجود شک در تذکبه آن حیوان.

مسئله ۱۷۹- کشتی های بزرگ ماهیگیری، تورهای خود را می اندازند و چند تن ماهی یکجا صید می کنند و در بازارها به فروش می رسانند و معروف شده است که در روش جدید ماهیگیری، ماهی ها را زنده از آب بیرون می آورند و حتی خود شرکت ها برای رعایت بهداشت، ماهی ها مرده را دوباره به دریا می ریزند، آیا ما می توانیم از چنان محل های عرضه ماهی که فروشنده غیر مسلمان است و یا از محل های دیگری که عرضه کننده و فروشنده مسلمان است لیکن ملتفت به مسائل شرعی نیست آنگونه ماهی ها را خریداری کنیم؟ با علم به اینکه محرز نیست آیا ماهیهایی که جلو چشم ماست زنده از آب بیرون کشیده شده اند یا نه و به دست آوردن اطلاع از طریق شاهد مورد وثوق، بسیار دشوار است بلکه عملی نیست.

و آیا در اینجا راه حلی برای مسلمانان وجود دارد که احراز تذکبه گوشت مرغ و گاو و گوسفند برای ایشان مشکل است و لذا به گوشت ماهی پناه می برند؟

جواب - خرید آن گونه ماهی ها از فروشنده مسلمان و یا غیر مسلمان اشکالی ندارد هم چنانکه اگر احراز شود که صید آنها به همان طریق مذکور در سؤال صورت گرفته و ماهی پولک دار می باشد، گوشت آنها حلال است.

مسئله ۱۸۰- گاهی روی قوطی های کنسرو ماهی نام و یا عکس آن چاپ شده است و از همین راه می فهمیم که ماهی درون قوطی ماهی پولک دار است آیا شایسته است که ما به نام و عکس روی قوطی اعتماد کنیم با علم به اینکه دروغ در اینگونه امور شرکت ها را با ضرر و خسارت بزرگ و شاید خیلی سخت تر، روبرو می سازد؟

جواب - اگر به صدق و راستی آنچه در روی قوطی ها نوشته شده است، اعتماد داشته باشیم مطابق آن می توانیم عمل کنیم.

مسئله ۱۸۱- آیا آب گوشت انواع خرچنگ را بدین لحاظ که مانند میگو هستند می توان خورد؟ جواب: خوردن گوشت خرچنگ جایز نمی باشد.

مسئله ۱۸۲- آیا ماهی را می توان از یک مسلمان سنی خرید در حالی که نمی دانیم آن پولک دارد یا نه؟

جواب - خریداری، جایز است لیکن اگر پولک دار بودن آن احراز نشود خوردن آن جایز نیست.

مسئله ۱۸۳- خوردن طعام حلالی که بخار گوشت تذکبه نشده پخته شده است، جایز است؟

جواب - جایز نیست و آن طعام، نجس زیرا با آب و بخار گوشت نجس در آمیخته و نجس شده است.

مسئله ۱۸۴- می دانیم که نشستن بر سر سفره ای که در آن شراب نهاده اند حرام است و مسلمان در چنان مکانی نباید بنشیند اما مقصود از سفره در اینجا چیست؟ آیا از آن، یک مجلس است هر چند که میزها و سفره های متعدد چیده و یا گشود شود و یا این مقصود، سفره و میز واحد است طوری که اگر میزها و سفره ها از یکدیگر فاصله داشته باشند می توان بر سر سفره و یا میزی که در آن

شراب نیست، نشست؟

جواب - یکی بودن سفره و بامیز، معتبر است با علم به اینکه حرمت نشستن بر سر سفره و یا میزی که در آن شراب نهاده اند، مبنی بر احتیاط است بلی خوردن و نوشیدن بر سر چنین میز و سفره ای بنا بر اقوی، حرام است.

مسئله ۱۸۵- اگر مسلمانی وارد قهوه خانه شود و بنشیند تا چای بخورد اتفاقاً کسی بیاید و برای شرابخواری در همان میز ه او نشسته، بنشیند آیا بر او واجب می شود که دست از خوردن چای بکشد و بیرون رود؟

جواب - بلی، همانگونه که گذشت، واجب می شود او از چای خوردن منصرف و از سر آن میز بلند شود.

مسئله ۱۸۶- آبجویی را می توان خورد که روی بطری آن نوشته شده "خالی از الکل است"؟

جواب - خوردن آنچه که موجب سکر و مستی هر چند سبک می شود حلال نیست اما اگر مراد از آن، ماء الشعیر باشد که اصلاً سکر و مستی آور نیست، اشکال ندارد.

مسئله ۱۸۷- الکل در ترکیب بیشتر عقاقیر و دواها وجود دارد آیا آنها را می توان خورد و آیا آنها پاکند؟

جواب - آنها پاکند و چون الکل موجود در آنها، بسیار اندک است خوردن آنها هم جایز می باشد.

مسئله ۱۸۸- سرکه ای از شراب به عمل آمده است بدین معنی که آن، شراب بوده بوده و در کارخانه کاری کرده اند که به سرکه تبدیل شده است و لذا روی بطری آن نوشته می شود (سرکه مویز) تا آن را از سرکه حاصل از جو و دیگر انواع سرکه جدا سازند و از علایم این سرکه آن است که در مغازه ها آن را در ردیف (ویتن) سرکه ها می گذارند نه مشروبات الکلی و ما مکرراً آزمودیم و ندیدیم حتی یکبار و در یکجا آن را کنار مشروبات الکلی گذاشته باشند. فرق این سرکه با سرکه ای که در عراق از خرما، می سازند چیست؟ آیا این شرابی که به سرکه تبدیل شده همانند آن است که خود به خود منقلب شده باشد؟

جواب - اگر عرفاً به آن سرکه گویند چنانکه در سؤال چنان فرض شده است، حکم سرکه را دارد.

مسئله ۱۸۹- سازندگان اغذیه، کنسروها و حلواجات موظف اند ترکیبات و مواد به کار رفته در داخل قوطی را روی آن بنویسند تا خریدار بداند محتویات چیست ، و چون برخی خوراکی ها در معرض فسادند بر آنها جمله((مواد دارنده)) اضافه شده است و خود آن ماده از حیوان گرفته شده است و با علامت اختصاری «E» همراه عدد«E450» و «E472» چاپ می شود و همینطور حکم این کالاها چیست:

الف - مصرف کننده، حقیقت این ترکیبات را نمی داند.

ب - مصرف کننده لیستی را مشاهده می کند و او که چیزی از استحالته نمی داند فقط در آن لیست می خواند که رقم های فلان حرام اند چون از حیوان برگرفته شده است.

ج - نتیجه تحقیقات آن است که برخی از آن مواد و ترکیبات ، در حال نخست باقی نمانده بلکه صورت نوعی اش به چیزی دیگر بدل شده است .

جواب:الف - خوردنیهای که آن ترکیبات را دارند حلال میباشند.

ب - اگر محرز نباشد که آن مواد از حیوان گرفته شده هر چند که ادعا بشود که خوردن آنها جایز است و همچنین است اگر از حیوان بودن محرز باشد لیکن از حیوان مردار ، بودن معلوم نباشد و مقدار اضافه شده بر خوراکی ، آنقدر کم باشد که در خوراکی مستهلک بشود .

ج - و با صدق عنوان استحالته و دگرگونی با تغییر صورت نوعی باقی نماندن ترکیب اولی در پاکی و حلیت آن تردیدی نیست.

مسئله ۱۹۰- آیا ژلاتین، پاک است؟ و اگر شک کنیم که استحالته دگرگونی تحقق یافته است یا نه بدین جهت که درگستردهگی وضعی مفهوم آن، تردید داریم (شبهه مفهومی) آیا استصحاب نجاست ثابت ، جاری میشود؟

جواب : ژلاتین حیوانی اگر نجاست اصل آن ، محرز نباشد مثل آنکه احتمال بدهیم از حیوان تذکیه شده فراهم شده است، محکوم به طهارت و پاکی است اما آن را نمیتوان به خوراکی ها زد مگر به اندازه ای کم باشد که در آن مستهلک شود و یا معلوم باشد که از حیوان حلال گوشت و تذکیه شده گرفته شده و یا استحالته آن محرز باشد و رد اینجا فرق نمیکند که ژلاتین را اعصایی گرفته شده باشد که حیات در آنها حلول میکند مصل غضروف و یا زاعضای فاقد حیات مثل استخوان بنا بر احتیاط در آخری، و اگر نجاست اصل ژلاتین محرز و معلوم باشد که اینک بدانیم آن ، از حیوان نجس العین و یا از غضروف حیوان تذکیه نشده و یا از استخوان آن حیوان ، قبل از شستشو ، به دست آمده است در این صورت ها ژلاتین فراهم شده به سبب ملاقات با نجس مرطوب ، نجس است و جواز استفاده از آن در خوراکها منوط به احراز استحالته است و این ، به عرف برمیگردد و ضابطه آن قبلاً یاد آوری شد.

میمانند استصحاب، و آن هر چند که در موردشبهات مفهومی جاری نمی شود نه در ذرات خود موضوع و نه در وصف موضوع حکم و نه در خود حکم - چنانکه در علم اصول تحقیق شده است - ولی از آنجا که موضوع برای نجاست ، صورت های نوعی عرفی است و بقای آنها به نظر عقلاً، باقی خواص مهم آنجاست پس شک در تحقیق استحالته را جهت شک در مفهوم آن از حیث وسعت وضعی آن، بر میگردد به بقای صورت نوعی به بقای خواص مقوم آن ، و چنان چیزی از امور خارجی است و از اجرای استصحاب در مورد آن مانعی وجود دارند و خدا عالم است.

مسئله ۱۹۱- وارد بازارهایی در کشورهای غربی می شویم که در آنجا انواع خوراکی ها را میفروشند و مانعاً محتویات آنها چیست؟

شاید آنها خالی از چیزی باشند که خوردن و نوشیدن آن حرام است و شاید هم چنان چیزی نباشد آیا برای ما شایسته است بدون در نظر گرفتن محتویات آنها و یا پرس وجو، آنها را بخوریم و یا چنان امری شایسته نمیباشد؟

جواب: مادام که نمی دانیم در آنها مواد گوشتی و یا پیویا چربی و مشتقات آنها وجود دارد خوردن آنها جایز میباشد.

مسئله ۱۹۳- آیا از روغن ماهی که از ماهی های حرام گوشت تهیه میشود و (قواقع) مرغان دریایی در خوراکیها و جز آنها می توان استفاده کرد؟ جواب: خوردن آنها جایز نیست لیکن در غیر موارد خوردن میتوان از آنها استفاده کرد و خدا داناست.

مسئله ۱۹۴- آیا مسلمانی میتواند در مجالسی شرکت کند که در آنها شراب میخورند؟

جواب: خوردن و آشامیدن در چنان مجالسی حرام است اما بنابر احتیاط واجب ، حضور در آنها نیز حرام می باشد مگر آنکه بتواند نهی از منکر کند که به آن قصد ، مانعیندارد و میتواند حضور پیدا کند.

مسئله ۱۹۴- آیا خوردن خرچنگ دریایی، شاه میگو، قواقع دریایی حلال است؟

جواب: از جاندار دریایی جز ماهی پولک دار و آنچه میگو نامیده میشود بغیره اعم از خرچنگ و غیره حرام می باشد

۱. بنگرید : استفتاءات ویژه این فصل و پاسخ آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.
۲. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.
۳. در آخر کتاب لیست ماهیهای پولک دار آمده است ، رجوع شود.
۴. بنگرید : نمونه استفتاءات ویژه این فصل .
۵. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.
۶. سوره مائده آیه ۹۰ و ۹۱: ای مؤمنان! جز این نیست که شراب، قمار و نشان های بتان (انصاب) و تیرهای فال (ازلام) پلید، از کردار شیطان است پس از او اجتناب کنید شاید رستگار شوید. جز این نیست که شیطان میخواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما دشمنی و کین بیندازد و شما را از یاد خدا و از نماز باز بدارد آیا شما رها کننده و دست بردار هستید؟
۷. الکافی ، ج ۶ ، ص ۳۹۶.
۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ، ص ۴. و در اینجا احادیث فراوان وجود دارد بنگرید به کافی و دیگر کتب حدیث و فقهی.
۹. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

باب دوم : معاملات « فصل ۲ : جامگان

پوشیدن پوستین های طبیعی یک مشکل حقیقی است و هر مسلمانی در کشورهای غیر اسلامی با آن روبه رو است . زیرا آنان در ممالک اسلامی خود عادتاً نیازمندی پوستی خود را با خیال آسوده می خردند چون می دانند که آنها از پوست حیواناتی فراهم شده که به طریق شرعی تذکیه شده اند پس بدون هیچ شک و نگرانی آنها را می پوشند و با آنها نماز می گزارند و با رطوبت به آنها دست می زنند . اما در کشورهای غیر اسلامی ، مسئله کاملاً فرق می کند و لذا نیکوست که ما احکام ذیل را در اینجا توضیح دهیم :

مسئله ۱۹۵ - اشیای پوستی ، نجس اند و با آنها نماز نمی توان خواند اگر بدانیم که آنها از پوست جاندارانی تهیه شده اند که برابر مقررات شرعی ، تذکیه و ذبح نشده اند اما اگر چنان علمی نباشد و احتمال بدهیم که آنها از پوست حیوان حلال گوشتی که به طریق اسلامی ذبح و تذکیه شده است ، فراهم گردیده اند ، پاکند و نماز با آنها جایز می باشد .

مسئله ۱۹۶ - نماز با اشیای پوستی ساخته شده از پوست جانداران درنده مانند شیر ، ببر ، پلنگ ، روباه و شغال و امثال آنها ، جایز نیست .

چنانکه بنابر احتیاط واجب با پوست حیوانات حرام گوشت هرچند غیر درنده مثل میمون و فیل ، هرچند که پوست آنها در اثر تذکیه ، پاک باشد و یا احتمال تذکیه شدن را بدهیم نماز خوانده نشود .

بلی ، از کمربند و امثال آن که ستر عورت با آن ممکن نیست واز چنان پوستهایی تهیه شده است می توان استفاده کرد ولی اگر یقین داشته باشیم که آن ، از پوست جانداران تذکیه نشده درست است نجس است و نماز با آن بنابر احتیاط ، جایز نمی باشد اگر چه آن ، کمربند و یا هر چیز دیگری باشد که ستر عورت با آن ممکن نیست و همینطور است اگر احتمال تذکیه حیوان به اندازه ای ضعیف باشد که عقلاً معمولاً به آن اعتنا نمی کنند مانند احتمال ۲٪.

مسئله ۱۹۷ - اشیاء و لوازم پوستی که در کشورهای غیر اسلامی از پوست مارها و تمساح ها ساخته شده اند و در مغازه ها در معرض فروش قرار دارند همگی پاکند و خرید و فروش و استعمال آنها حتی آنجا که طهارت و پاکی شرط است جایز می باشد.

مسئله ۱۹۸ - اشیای تهیه شده از پوست که در کشورهای اسلامی ساخته شده و در کشورهای غیر اسلامی عرضه می شوند پاکند و نماز با آنها جایز می باشد.

مسئله ۱۹۹ - اشیای پوستی ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی که نمی دانیم آیا از پوست طبیعی و یا مصنوعی فراهم شده اند همگی پاکند و نماز با آنها جایز می باشد.

- مسئله ۲۰۰ - کفیش ساخته شده از پوست حیوان تذکیه نشده پا را نجس نمی کند مگر با رطوبت ناقل نجاست پس اگر با عرق کند و جوراب در اثر عرق کردن پا ، خیس شود اما رطوبت به کفیش نجس نرسد، پا و یا جوراب ، آلوده و نجس نمی شوند.
- مسئله ۲۰۱ - نماز با کاپشن و یا با کلاه و یا با کمر بند پوست ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی و آنچه که از محل های خرید و فروش غیر اسلامی خریداری می شود جایز است هر گاه احتمال بدیهیم که این اشیاء ، از پوست حیوان حلال گوشت تذکیه شرعی شده ، ساخته شده اند چنانکه در بخش های سابق گذشت.
- مسئله ۲۰۲ - استفاده از طلا برای مردان جایز نیست اعم از انگشتری، حلقه ازدواج، ساعت مچی و یا جز آنها و اعم از آنکه در نماز باشد و یا غیر آن.
- مسئله ۲۰۳ - مردان نمی توانند پلاتین که طلاک سفیدش نامند، در دست کنند .
- مسئله ۲۰۴ - بانوان در همه حالات می توانند طلا برتن کنند در حال نماز و غیر آن .
- مسئله ۲۰۵ - مردان نمی توانند حریر و ابریشم خالص بپوشند نه در حال نماز و نه در غیر آن حال .مگر در مواردی که جواز آن تصریح شده است .
- مسئله ۲۰۶ - بانوان می توانند همه وقت و در حال نماز و غیر آن حریر و ابریشم بپوشند.
- مسئله ۲۰۷ - مردان می توانند جامه هایی را که حریر و ابریشم بودن آنها مشکوک است و قطعی نیست که آنها ابریشم طبیعی و یا مصنوعی اند برتن کنند.
- بنابراین نماز با چنان جامه هایی ، جایز می باشد.
- هم چنانکه مردان می توانند لباسهای پنبه ای ، پشمی و یا نایلونی را که با ابریشم و غیره آمیخته است بر تن کنند به شرط آنکه حریر و ابریشم قاطبی شده به اندازه ای کم باشد که به آن جامه ، حریر و ابریشم صدق نکند . و همچنین مردان می توانند لباسی را که ممزوج بودن آن با حریر و ابریشم مشکوک است بپوشند و یا آن نماز بخوانند .
- مسئله ۲۰۸ - بنا بر احتیاط واجب ، مرد نمی تواند از مدهای بانوان و کلاه گیس استفاده نماید .
- مسئله ۲۰۹ - بنا بر احتیاط واجب ، جایز نیست مسلمانان ، لباسهای ویژه کافران را بپوشند و به آنها تشبیه کنند.
- و اینک به برخی استفتائات ویژه البسه و لباسهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی توجه کنید .
- مسئله ۲۱۰ - ما مسلمان در کشورهای اروپایی ، کفش ، کمر بند ، و دیگر پوشیدنی هایی را که از پوست درست شده اند میخریم و احتمال هم می دهیم که پوستهای آنها از کشورهای اسلامی وارد گردیده و یا حتی از کشتارگاههای مخصوص مسلمین، تهیه شده اند و چنان احتمال ، ضعیف باشد، پاکند؟
- جواب - اگر این که پوست اشیاء مذکور در سؤال ، به دست مسلمان و یا کشور اسلامی ، فراهم شده به اندازه ای احتمال ضعیف و نا چیزی باشد که عقلا به آن اعتنا نمی کنند مثل ۲٪ که احتمال خلاف ، بیشتر مورد اطمینان است ، به چنان احتمالی ترتیب اثر داده نمی شود و جز در آن صورت می توان آنها را پاک دانست و خدا عالم است .
- مسئله ۲۱۱ - فقها به حرمت پوشیدن حریر و ابریشم طبیعی خالص برای مردان فتوا می دهند ، آیا یک مرد میتواند حریر و ابریشم آمیخته به جز آن را برتن کند مثل کروات . و انگهی بستن کروات برای مردان به طور کلی آن از حریر خالص چطور است؟
- جواب - بستن کروات حتی اگر ابریشم و حریر خالص هم باشد حرام نیست زیرا به آن ، لباس صدق نمی کند و ستر عورت با آن ممکن نیست و اما آنچه حریر و ابریشم خالص نیست و به غیر آن آمیخته است و حریر به آن گفته نمی شود ، پوشیدن آن جایز است و هر چند که با آن ستر عورت ممکن باشد .
- مسئله ۲۱۲ - برخی شرکت ها روی برخی پارچه ها و منسوجات خود می نویسند « ابریشم خالص » با این وجود ، ما در صحت چنان چیزی ، شک داریم چون بهای آنها خیلی ارزان است و حریر و ابریشم به آن ارزانی نیست، پوشیدن آنگونه لباسها چگونه است و می توان با آنها نماز خواند ؟
- جواب - با وجود شک ، می توان آنها را پوشید و نماز هم خواند .
- مسئله ۲۱۳ - پوشیدن جامه هایی که به هدف تبلیغات ، عکس شراب روی آنها چاپ شده جایز است و داد و ستد آنها چطور ؟
- جواب - پوشیدن و داد و ستد آنها حرام می باشد .
- مسئله ۲۱۴ - آیا مردان می توانند ساعتی را که برخی ابزار درونی و یا بند آن طلاست به دست خود ببندند و یا آن نماز بخوانند ؟
- جواب - به دست بستن اولی و نماز با آن جایز است اما با دومی (با ساعت بند طلا) نماز جایز نمی باشد و نباید به دست کرد .

باب دوم : معاملات « فصل ۳ : رفتار و همزیستی با قوانین اجرایی کشورهای غربی

هر کشوری برای اداره شئون زندگی ملت خود، قوانین و مقرراتی تصویب و به اجراء در می آورد. او به انجام کاری فرمان می دهد و یا ترک چیزی را می خواهد. گاهی انجام کاری را محدود و دیگر گاه آن را مفید و مشروط اعلام می کند.

و از جمله آن قوانین و مقررات، سلسله قوانین و مقرراتی است که به اماکن عمومی و در ارتباط با زندگی روز مره مردم در محدوده

- جغرافیایی خاصی، مربوط می شود طوری که تجاوز به آنها، جامعه را به هرج و مرج می کشد. توضیح مسائلی در این زمینه، شایسته و بجاست.
- مسئله ۲۱۵- جایز نیست در سر راه مردمی که از آنجا عبور و مرور می کنند اعم از سواره و یا پیاده، در کشور اسلامی و یا غیر اسلامی، چیزی قرار دهیم و مانع به وجود آوریم و به اصطلاح سد معبر کنیم.
- مسئله ۲۱۶- مسلمان نباید، اعلانات و هر نوع آگهی را بر در و دیوار مردم بچسباند و یا از جایگاه خاص اعلانات، که ملک خاص آنها می باشد استفاده کند مگر با احراز رضایت صاحبان آن.
- مسئله ۲۱۷- مسلمان نباید در مال و کار کسی خیانت کند و چنان عملی، حرام مسلمان نباید در مال و اگر صاحب مال و کار، کافر باشد بلکه بر هر مسلمانی واجب است امانت ها را نگهدارد و به طور کامل به صاحبانشان برگرداند. پس هر که در کارخانه، مغازه و سوپر مارکتی کار می کند و یا حسابدار شرکتی است، حق ندارد خیانت کند و از آنچه در اختیار دارد بردارد. (۱)
- مسئله ۲۱۸- از اموال عمومی و خصوصی کافر و یا مسلمان نمی توان دزدید و یا آنها را تلف نمود بویژه اگر به حیثیت و آبروی اسلام و مسلمین به طور کلی، لطمه وارد سازد.
- مسئله ۲۱۹- از اموال عمومی و خصوصی کافران و یا مسلمان نمی توان دزدید و تلف کرد حتی اگر چه فرضاً چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمین لطمه نزند و لکن چون خیانت و فریبکاری، بر خلاف امانتداری است و مهاجران هنگام ورود به یک کشور و اجازه اقامت در آنجا امین شناخته شده اند پس خیانت در امانت نسبت به هر کس که باشد حرام است و تفاوت دین، عقیده و نژاد در این مسئله فرق نمی کند. (۲)
- مسئله ۲۲۰- مسلمان نمی تواند به هنگام ورود به یک کشور غیر اسلامی اموال و دارایی غیر مسلمانان را بدزدید.
- مسئله ۲۲۱- هیچ مسلمانی نمی تواند، مساعدت های ماهانه را جز از طریق قانونی بگیرد او نمی تواند در این زمینه، اطلاعات نادرست بدهد و پرسشنامه ها را غلط و غیر واقعی، پر کند.
- مسئله ۲۲۲- هر مسلمانی می تواند با شرکت های بیمه، قرار داد ببندد اعم از بیمه عمر، دارایی، آتش سوزی، غرق، دزدی و امثال آن. و چنان قرار داد و معامله ای، محترم و درست است و آن را جز به رضای دو طرف نمی توان به هم زد.
- مسئله ۲۲۳- هیچ مسلمانی نمی تواند برای به دست آوردن مالی که استحقاق آن را ندارد، به شرکت بیمه اطلاعات نادرست بدهد همچنانکه به آن نیت نمی تواند حادثه مصنوعی بیافریند و صحنه سازی کند مانند آتش سوزی عمدی تا مالی را بگیرد. و چنان عملی درست نمی باشد. (۳)
- مسئله ۲۲۴- گاهی مصالح عالیّه مسلمان ایجاب می کند که مسلمانان در یک کشور غیر اسلامی اعضای یک حزب سیاسی باشند یا در کابینه دولتی و یا در وزارتخانه ای وارد شوند و یا به مجلس شورا راه یابند در چنین موقعیتی و بر حسب اقتضای مصالح، برای هر مسلمانی این کارها جایز می شود اما باید در تشخیص آن به افراد آگاه و مورد وثوق مراجعه کنند.
- مسئله ۲۲۵- تقلب در امتحانات مدارس و دانشگاهها جایز نیست اعم از اینکه آن از طریق کمک گرفتن از دانش آموز و پادانشجوی بغل دست باشد و یا از راه پخش ورقه ها به طور پنهانی و یا از طریق اشتباه انداختن و اغفال ناظرین و یا هر وطریق نا مشروع دیگر که بر خلاف نظام است. (۴)
- و اینک به نمونه هایی از استفتائات و پاسخهای آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - می پردازیم:
- مسئله ۲۲۶- اگر مسلمانی بخواهد از ماشین حساب بانکی خود مبلغی از موجودی اش را بکشد اتفاقاً پولی بیشتر در آید و بانک، آن را نداند آیا گرفتن چنین پولی جایز است؟
- جواب: جایز نیست.
- مسئله ۲۲۷- مسلمانی از یک شرکت اجنبی در کشورهای غیراسلامی کالایی خریده است و فروشنده و حاسبدار شرکت اشتباه کرده و پولی بیشتر به او پس داده است آیا جایز است او مبلغ زاید را بگیرد یا باید فروشنده و حسابدار را از اشتباه خود آگاه کند .
- جواب: او نمی تواند مبلغ اضافه را بگیرد و اگر گرفته است واجب است برگرداند.
- مسئله ۲۲۸- کارمندی در یک شرکت اجنبی و متعلق به غیر مسلمان، کار می کند آیا او کم می تواند برخی نیازمندی های خود را بدون اطلاع شرکت، برداشت کند و چنان کاری جایز است ؟
- جواب: چنان عملی، جایز نیست.
- مسئله ۲۲۹- در کشورهای غیر اسلامی، می توان کنتورهای آب و برق و یا گاز را دست کاری کرد و احياناً از کار باز داشت؟ جواب: چنان کاری جایز نیست.
- مسئله ۲۳۰- مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی مدعی می شود که او در مین خود سالها سابقه رانندگی داشته است او سخن خویش را با نامه و استشهادیه ای توأم می کند تا موقعیتش را در خصوص بیمه، بالا ببرد و فایده بیشتری عایدش گردد آیا خلاف حقیقت گفتن در این خصوص هر چند به صورت توریّه جایز است و یاری کردن به چنین شخصی روا می باشد؟

جواب - دروغ گفتن به آن نیت جایز نیست هم چنانکه پول به دست آوردن به آن طریق و یاری کردن به چنان کسی جایز نمی باشد و از موارد اعانت بر اثم و گناه محسوب می گردد.

مسئله ۲۳۱- آیا می توان شرکتهای بیمه را در کشورهای غیر اسلامی، فریب داد با علم به این که چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه ای نمی زند؟

جواب - جایز نیست.

مسئله ۲۳۲- مسلمانی در اثر سهل انگار، نوعی آتش سوزی عمدی به وجود می آورد تا از شرکت بیمه در کشور غیر اسلامی، مبالغی دریافت کند آیا چنین کاری جایز است و آیا او چنان پولی را مالک می شود؟

جواب - تلف کردن و هدر دادن مال، جایز نیست و دروغ گفتن و خلاف حقیقت وانمود کردن هم جایز نمی باشد و گرفتن چنان مال و پولی حلال نمی باشد.

مسئله ۲۳۳- آیا در مدارس دولتی در اروپا و یا آمریکا، می توان تقلب کرد؟ در مدارس غیر دولتی چطور؟ اعم از اسلامی و غیر اسلامی؟ جواب - به طور کلی، تقلب در هیچ جا و در هیچ موردی، صحیح و جایز نمی باشد.

مسئله ۲۳۴- در برخی اتوبوس ها و دیگر وسایل نقلیه نوشته می شود "استعمال دخانیات ممنوع است" آیا سیگار کشیدن در چنین اماکنی جایز است؟ جواب - اگر این امر به منزله شرط ضمنی باشد که سوار شونده به آن وسیله، پذیرفته است و یا چنان چیزی قانون دولتی می باشد که پس از ورود به کشور ملتزم شده است که آنها را رعایت کند لازم است مطابق تهد، عمل کند و مخالفت جایز نیست.

مسئله ۲۳۵- کسی که از یک کشور غیر اسلامی ویزا گرفته و به آنجا سفر کرده است آیا موظف است که قوانین و مقررات آنجا از جمله قوانین و مقررات رانندگی را رعایت کند؟

جواب - اگر به آنان هر چند ضمنی، تعهد داده است، باید تا آنجا که با قوانین شریعت اسلامی منافعی نباشد وفا کند و مقررات راهنمایی و رانندگی چیزی است که تعهد به آن، لازم می باشد بخصوص که مراعات نکردن آنها معمولاً به اشخاص که مال و جانیشان محترم است، ضرر و آسیب می رساند.

مسئله ۲۳۶- برخی دولت های غربی برای مهاجران و یا پناهندگان، مساعدتهایی می کنند به شرط آنکه آنان بیکار باشند و در آمدی نداشته باشند آیا جایز است در صورت کار کردن و داشتن در آمد، آن مستمری را بگیرند و آیا مالک چنان پولی می شود؟ جواب - آنان می توانند کارکنند و با دستمزدی که می گیرند زندگی کنند اما جایز نیست آن مساعدت و مستمری را با وجود کار کردن، بگیرند مگر آنکه دولت و یا اداره آن را مطلع کرده و آنان بدانند که او کار می کند و مستمری هم می گیرد.

مسئله ۲۳۷- آیا مسلمان می تواند در یک کشور اروپایی و یا آمریکایی از دارایی کفار بدزدد؟ و آیا او می تواند برای به دست آوردن پول از راههایی که نزد خود آنان معمول است، چاره اندیشی کند؟ و بدان وسایل توسل جوید؟

جواب - به طور کلی سرقت اموال عمومی و خصوصی جایز نیست؛ و نیز تلف کردن آن هم جایز نیست حتی اگر چنان عملی به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه وارد نسازد ولی نسبت به تعهد ضمنی ای که هنگام گرفتن ویزا از آن دولت داده است خیانت و فریبکاری و بر خلاف امانتداری محسوب گردد،

زیرا عهدشکنی و فریبکاری به هر کس و به هر صورت باشد، حرام است.

مسئله ۲۳۸- آیا مسلمانان می توانند به نیت دستیابی بر مزابا و تسهیلات مادی و معنوی از راههای قانونی پذیرفته شده در نزد کشورهای غیر اسلامی، اطلاعات نادرستی به ادارات دولتی کشورهای مزبور بدهند؟

جواب - چنان کاری جایز نیست زیرا دروغ می باشد و آنچه در سؤال فرض شده است از موارد تجویز دروغ به حساب نمی آید.

۱. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۲. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۳. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۴. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

باب دوم : معاملات « فصل ۴ : کار و گردش سر ماهیه

هرمسلمانی حق دارد به فعالیت های حیاتی مختلف بپردازد و به انواع کارو کوشش و سرمایه گذاری در زمینه های متفاوت و انجام کار مفید برای آنان که به مصالح ایشان گرچه مسلمان نباشد ، تلاش میکند ، دست یازد تا سود خود را ببرد و مردمان دیگر نیز از عملکرد او بهرمنند شوند به شرط آنکه :

۱- چنان کاری در شریعت اسلامی، حرام و ممنوع نبوده باشد. ۲- در اثر آن کار و کوشش، آسیب و ضرر نبیند.

۳- چنان کار و تلاشی در خدمت به اجرای نقشه های دشمنان اسلام و مسلمین، نبوده باشد پس بجا و نیکوست که ما به بیان برخی

احکام شرعی در این زمینه برداریم.

مسئله ۲۳۹- هیچ مسلمانی نباید خود را در برابر انسان دیگر اعم از این که او مسلمان باشد و یا غیر مسلمان خوار و زبون سازد، پس کاری که يك مسلمان انجام میدهد اگر او را در مقابل شخص نامسلمانی خفیف و بی مقدار کند پرداختن به چنان کار خفت بار، جایز نمیباشد.

مسئله ۲۴۰- برای هر مسلمانی جایز است گوشتهای حیوان تذکبه شرعی نشده را در اختیار کسانی که آنگونه گوشتها را حلال میپندارند اعم از یهودی، مسیحی و دیگران - بگذارد. هم چنان که برای هر مسلمانی جایز است در جایی که چنین گوشت های تهیه میشود و یا آنها را میبزند و میفروشند، کار کند و این عده کارگران برای توجیه مالکیت خود نسبت به پولی که از راه این کار به دست میآورند میتوانند آن را بابت کنار رفتن از حق اختصاص خود به سود کفار تلقی نماید .

مسئله ۲۴۱- هیچ مسلمانی نمیتواند گوشت خوک را به کسانی که آن را حلال میشمارند مسیحی باشند و یا جزآنان، بفروشد و احتیاط واجب آن است که چنان گوشتی را هر چند از طریق فروش، در اختیار آنان هم قرار ندهد. (۱)

مسئله ۲۴۲- برای هیچ مسلمانی جایز نیست شراب را حتی برای کسانی که آن را حلال میشمارند تقدیم بداردچنانکه شستشوی پیاله ها، جام ها و به طور کلی خدمت در زمینه شرابخواری که مقدمه آن محسوب باشد، جایز نمیباشد. (۲)

مسئله ۲۴۳- جایز نیست مسلمان خود را برای شراب فروشی و سرو کردن آن در رستوران هاو یا برای نطافت و شستشوی ظروف و جام های شراب، اجیر کند چنانکه گرفتن دستمزد برای چنین کاری حرام میباشد و توجیه برخی به این که آنان به پول نیازمند و چنان کاری را ضرورت قلمداد میکنند توجیه منطقی نیست و پذیرفته نمی باشد. خدای صبحانه و تعالی فرموده:

((وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)) (۳) : هر کس تقوای الهی پیشه داشته باشد خدا برای او راه خرجی قرار میدهد و از آنجا که به گمان نمیآید، او را روزی میدهد و هر کس برخداتوکل کند خدا او رابس است.

و باز خدای - برتر از هر گوینده ای - فرمود:

((إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا)) (۴). همانا کسانی را که فرشتگان روح آنان را میگیرند در حالی که برخویشتن ستم کرده بودند فرشتگان گفتند: شما کجا بودید؟ گفتند: مادر

زمین، مستضعف و ناتوان بودیم. گفتند: آیا زمین خدا گسترده است نبود تا در آن به مهاجرت بپردازید؟ پناهگاه ایشان جهنم باشد و چه مصیر بدی است. جز مردان، زنان و کودکان ضعیف و ناتوانی که چاره ای ندارند راه برای نجات پیدا نمیکنند.

از پیامبر اکرم محمد (صلی الله علیه و آله) روایت شده که در حجةالوداع درخطابه ای فرمود: بدانید روح الامین برمن وحی کرد که هیچ انسانی نمیمیرد مگر آنکه بهره اش را از رزق و روزی، به کمال دریابد پس تقوا پیشه کنید و به جستجوی نیکو و پسندیده بپردازید و تأخیر

روزی، شما را بر آن واندارد که روزی را از راه معصیت خدا طلب کنید زیرا خدای تبارک و تعالی روزی را در میان خلق به صورت حلال تقسیم کرده نه حرام، پس هر کس پارسایکند روزی او از راه حلال میرسد و هر کس پرده را بدرد و آن را از طریق حرام بجوید از روزی

حلالش بریده میشود ودر روز قیامت از او حسابرسی به عمل میآید. (۵)

مسئله ۲۴۴- جایز نیست مسلمان در جاهای لهو و لعب و به طور کلی اماکن معصیت و فساد که بالاخره به حرام کشیده میشود کار کند. (۶)

مسئله ۲۴۵- هر مسلمانی میتواند در زمینه انواع دادو سندها و بازرگانی های حلال در شریعت اسلام (خریدو فروش، واردات

، صادرات، بیمان نامه هاو غیره) باغیر مسلمان اعم از یهودی و مسیحی، شریک باشد.

مسئله ۲۴۶- برای هر مسلمانی جایز است در بانکهای غیر اسلامی اعم از دولتی و یا خصوصی حساب باز کندو پول به ودیعت بنهد هر چند به نیت سود زیرا گرفتن ربا از نا مسلمان جایزاست .

مسئله ۲۴۷- اگر مسلمانی بخواهد از بانکهای غیر مسلمین وام با بهره، بگیرد نباید با چنان نیتی اقدام کند زیرا سود دادن به کافر، حرام است بلکه پول را به قصد استنقاذ (۷)، بگیرد هر چند که میداند آن پول را با اصل و فرع پس خواهند گرفت.

مسئله ۲۴۸- هر مسلمانی میتواند به دیگری اجازه دهد تا از نام و اعتبار او در خرید سهام بانک یا شرکت و یا هر موسسه ای، استفاده کند و در برابر آن مبلغی بدهد و یادبگیرد که طرفین برآن رضایت.

مسئله ۲۴۹- هیچ مسلمانی نمیتواند از محصولات يك کشور غیر اسلامی که در حال جنگ با مسلمین است مثل اسرائیل بخرد. (۸)

مسئله ۲۵۰- برای هر مسلمانی جایز است هر نوع ارزی را به قیمت بازار، تبدیل کنده کم و یا به زیاد، بدون این که میان نقد و نسیه فرقی باشد. مسئله ۲۵۱- داد و ستد با پولهای تقلبی و جعلی ویآنچه که از اعتبار ساقط شده است حرام میباشد اگر طرف معامله بیاطلاع باشد زیرا چنان کاری، فریبکاری است.

مسئله ۲۵۲- هیچ مسلمانی نمیتواند به قصد دستیابی به جایزه انواع بلیط های بخت آزمایی را خریداری کند اما به نیت شرکت در امر خیری مثل ساختن بیمارستان، پرورشگاه ایتام، و امثال آن که مورد رضایت اسلام است، خرید آنها جایز است لیکن چنین فرضی

درکشورهای غیر اسلامی، بعید است زیرا بسیاری از کارهای حرام در شریعت اسلامی را در آن کشورها از جمله کارهای خیر تلقی

میکنند. به هر حال، گرفتن جایز از دست کافر پس از برنده شدن جایز است آن هم از باب استنقاذ مال از کافر. (۹)
 مسئله ۲۵۳. خرید و فروش جانداران حرام گوشت مثل ببر ، کفتار روباه، فیل ، شیر، خرس، گریه، و انواع ماهی ها جایز است اگر دارای فایده حلال بوده باشند که در بازار هر چند در نزد متخصصان ، ارزش دارند از این حکم کلی خوک و سگ غیر شکاری استثناست. (۱۰)
 مسئله ۲۵۴. خرید و فروش ظرفهای طلا و نقره به قصد زینت و آرایش خانه، جایز است لیکن استفاده از آنها در خوردن و نوشیدن حرام است.

مسئله ۲۵۵. بورسیه و حواله بانکی ارسالی از يك دولت اسلامی و در کشور اسلامی به حساب يك شخص مادام که به دست او نرسیده است خمس ندارد هر چند که از هزینه سالانه اش بیشتر باشد. (۱۱)
 و اینک نمونه های از استفتائات و پاسخهای آیت الله العظمی سیستانی ویژه مسائل این فصل:

مسئله ۲۵۶. آیا هر مسلمانی میتواند در کشورهای غیر اسلامی انواع حساب های بانکی که دارای سودهای بالا و یا پائین ، هستند باز کند و آیا انسان میتواند حسابی با سود بسیار بالا باز کند به شرط آنکه اگر بانک چنان سودی را به وی نپرداخت، مطالبه نکند و اگر گشودن چنین حسابی جایز نباشد چه راه حلی وجود دارد با علم به اینکه انسان در ته دل به دنبال سود است؟
 جواب: مسلمان میتواند در بانک ، هر نوع حسابی را بگشاید و مبالغی را در آن حساب، سپرده کند و شرط سود بنماید اگر آن بانک دولتی باشد و یا مردمی و خصوصی که سرمایه آن غیر مسلمان اند.

مسئله ۲۵۷. بانک ها در کشورهای غربی، به کسانی که پول کافی برای خرید خانه ندارند وام میدهند و آن را با سود بالا طی اقساط پس میگیرند مورکز پول کافی برای خرید خانه مسکونی ندارد ؟

جواب: هر مسلمانی میتواند از بانک های کشوره های غربی اعم از دولتی و یا ملی که سرمایه گذاران آن مردمان غیر مسلمانند ، مال و پولی بگیرد اما نه به قصد وام بلکه به نیت استنقاذ و علم به این که بانک اصل و فرع آن پول را پس خواهد گرفت، ضرری ندارد.

مسئله ۲۵۸. برخی دولتها خود را موظف میدانند خانه هایی را تحت شرایط خاصی برای اقامت کنندگان نیازمند ، فراهم کنند آیا يك مسلمان میتواند برای خود خانه ای بخرد و مدت کوتاهی در آن سکونت کند تا خمس از گردنش ساقط شود سپس آنجا را اجاره دهد و در خانه ای که دولت اجاره میدهد ساکن شود؟

جواب: با سکونت کوتاه مدت در آن خانه خریداری شده ، خمس ساقط نمیشود اگر در واقع به آن خانه نیاز نداشته است چنانکه در سؤال چنین فرض شده است.

مسئله ۲۵۹. برخی شرکت های بازرگانی و صنعتی از بانکهای ملی و یا دولتی اسلامی و یا غیر اسلامی وام ها بهره دار روی میگیرند و در اثر کار کردن با بانک ها سودهای کلان به دست میآورند ، آیا ما میتوانیم از چنان شرکت هایی سهام بخریم و یا در پروژه های آنها شرکت کنیم ؟ جواب: اگر خرید سهام و یا شرکت در پروژه ها ، نوعی شرکت در داد و ستدهای ربوی باشد چنان عملی جایز نیست ، بلی اگر شرکت از آن مسلمانان باشد و آنان از بانک های غیر اسلامی سودهای را به دست میآورند از این جهت مانعی نیست.
 مسئله ۲۶۰. برخی دولت ها و یا شرکت ها در کشورهای غیر اسلامی و حتی اسلامی ، حقوق ماهانه کارمندانشان را به طور مستقیم به شماره حساب خاص آنان میریزند و کارمند پول را نقد دریافت نمیکند ولی میتوان از حساب خود برداشت کند. اگر مبلغ پول واریز شده از هزینه سالانه او بیشتر باشد ، خمس به آن پول تعلق میگیرد یا نه؟

جواب: کلیه درآمد های زاید از هزینه سال ، خمس دارد مگر آنکه شخص، کارمند يك دولت اسلامی باشد و حقوق ماهانه او به بانک دولتی و یا نیمه دولتی حواله میشود در این صورت تا او پول را نگرفته است خمس ندارد و با اجازه حاکم شرع آن را مالک میشود پس آن، از درآمدهای سالی حساب میشود که در آن سال آن را گرفته است و اگر زاید بر هزینه سالانه اش باشد ، باید خمس آن را بپردازد.
 مسئله ۲۶۱. مسلمانی از يك مسلمان دیگر وام گرفته است پس از مدتی ارزش پول در بازار پائین آمده است در این صورت وامدار چقدر باید بپردازد؟ همانقدر که گرفته است یا برابر بهای روز پرداخت و آیا اگر وام دهنده کافر باشد چه طور است؟

جواب: او همان مبلغی را که وام گرفته است باید بپردازد و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.
 مسئله ۲۶۲. آیا مسلمان می تواند در شرکت هایی سهام بگیرد که از جمله شراب تولید می کنند؟ با این فرض که مال از مال دیگران جدا نیست و امکان جدایی وجود ندارد؟

جواب - مسلمان نباید در تولید و خرید و فروش شراب، شرکت کند.
 مسئله ۲۶۳. به بتا و یا بساز بفروشی مسلمان در يك کشور غیر اسلامی، پیشنهاد ساختن معبد و امثال آن می شود آیا او می تواند بپذیرد اقدام کند؟

جواب - جایز نیست چون کاری ترویج ادیان باطله است.
 مسئله ۲۶۴. خطاط و هنرمند مسلمان می تواند تابلویی بنویسد و یا رسم کند که در آن، نوعی شراب و یا مجلس رقص و یا گوشت خوک اعلان و آگهی می شود؟

جواب - چنین کاری برای او جایز نیست چون آن، اشاعه گناه و ترویج فساد و تباهی است.
 مسئله ۲۶۵. آیا جایز است از مغازه هایی خرید کرد که آنها قسمتی از سود کار خود را برای کمک به اسرائیل اختصاص داده اند؟ جواب -

جایز نیست.

مسئله ۲۶۶- يك مسلمان، ساختمانی را خریده است که در آن، مغازه شراب فروشی وجود دارد و او نمیتواند آن را تعطیل و مستأجر را بیرون کند لطفاً به چند سؤال در آن زمینه پاسخ بفرمایید:

اولاً: گرفتن کرایه و وجه الاجاره از میخانه جایز است

و ثانیاً: اگر چنان کاری جایز نباشد و خود آن شخص نتواند وجه الاجاره دریافت کند آیا با اجازه حاکم شرع چطور و به چه عنوان؟ وثالثاً: آیا او میتواند با علم به وجود میخانه در این ساختمان و عدم اخراج او، آن را بفروشد؟

جواب: اولاً: اونمیواندبابت اجاره میخانه، وجه الاجاره بگیرد. وثانیاً: او به اندازه اجرةالمثل چنان مکانی برای مقاصد حلال، استحقاق گرفتن وجه الجاره را دارد اما به قصد تقاص (۱۲) آنچه به عنوان کرایه میخانه به او میپردازد هم چنانکه او میتواند وجه الاجاره را به قصد استنقاذ دریافت بدارد آنجا که مستأجر و پرداخت کننده وجه الاجاره مسلمان نباشد.

وثالثاً: او میتواند آن ساختمان را با علم به وجود مستأجر می فروش و عدم امکان اخراج او، به فروش میرساند.

مسئله ۲۶۷- آیا جایز است يك کارفرمای مسلمان، شخص غیر مسلمان را به کار مشغول کند در حالی که در میان مسلمان، مردمان بیگار و نیازمند درآمد دارد؟

جواب: چنین علمی در حد ذات خود جایز است لیکن بهتر آن است که همکیشان مسلمان را مقدم بدارد و حق برادری اسلامی را رعایت کند و تا آنجا که ممکن است نا مسلمان را بر مسلمان جلو نیندازد.

مسئله ۲۶۸- آیا در برخی مجله فروشی ها و محل های دیگر که نشریه ها و مجله هایی با صور قبیحه و عکس های برهنه و نیمه برهنه، به فروش میرسد ، میتوان کار کرد و اصولاً داد و ستد آنها و چاپ چنان نشریاتی جایز است؟

جواب: هیچکدام از آن کارها، جایز نمیباشد زیرا آنها ترویج حرام و اشاعه فساد است.

مسئله ۲۶۹- در کشورهای غربی خرید و فروش سگ ، بازاربزه ای وجود دارد آیا خرید و فروش سگ فقط برای مأنوس شدن و زندگی همراه آن، جایز است؟ جواب: جایز نیست.

مسئله ۲۷۰- آیا خرید و فروش و یا کرایه سگ نگهبان و یا سگانی که برخی بانوان غربی برای ایمنی و آرامش ،همراه خود دارند جایز است؟

جواب: خرید و فروش سگ جایز نیست لیکن آن کس که چنان سگی را دارد حق اختصاص پیدا کرده است دراین صورت مانعی نیست که او دربرابر دریافت مبلغی از آن حق صرف نظر کندو پرداخت کننده وجه ، صاحب آن حق شناخته میشود وسگ به او اختصاص پیدامیکند هم چنانکه اگر سگ دارای منافع حلال باشد که حراست و نگهداری از آن جمله است ، اجاره دادن آن مانعی ندارد.

مسئله ۲۷۱- آیا داد و ستد سگانی که درمغرب رمین تعلیم دیده میشوندو نابینایان را در خیابان ها و راهها ، همراهی میکنند، جایز است ؟ جواب: پاسخ این سؤال همانند سؤال پیشین است.

مسئله ۲۷۲- مسلمانی در يك کشور غیر اسلامی و در يك دفتر و یا اداره دولتی ، به طور رسمی و ساعتی کار میکندو یا در موسسه ای به صورت قرار دادی مشغول کار است و حقوق و دستمزد میگیرد آیا او میتواند کم کار کند وبایستی کم کارنماید کن کار کند و یا سستی و کم کاری نماید و هر گاه چنین کرد تمام حقوق و دستمزد را مستحق میشود؟

جواب: چنان کاری جایزنیست و اگر کم کاری کرد، همه حقوق و دستمزد را استحقاق پیدا نمیکند.

مسئله ۲۷۳- عده ای از مسلمانان، برخی نسخه های نفیس خطی قرآن کریم را از کشورهای اسلامی به کشوری غیر اسلامی می برند و می فروشند، آیا چنین کاری جایز است؟ و اگر فروش قرآن به کافر، مشکل است آیا بدون فید خرید و فروش مشکل حل می شود؟ و بر فرض جواز، راه حل چیست؟

جواب - هرگز به چنین کاری اجازه نمی دهیم زیرا آن، آسیب زن به میراث و ذخایر اسلامی است.

مسئله ۲۷۴- آیا بازرگانی با خرید و فروش کتب خطی و اثار باستانی اسلامی و اشیای عتیقه، جایز است؟ به این صورت که آنها را از کشورهای اسلامی بیرون ببرند و در بازارهای اروپایی با قیمت های گران به فروش برسانند؟ و یا چنین کاری ضرر به ثروت اسلامی است و جایز نمی باشد؟ جواب - به همان علت که گذشت، به چنین کاری اجازه نمی دهیم.

مسئله ۲۷۵- در بعضی شب ها میخانه ها از مردمان کافر پر می شود و آنگاه که همه سرمست شدند بیرون آمده و به دنبال طعام و خوراکی هستند، آیا يك مسلمان می تواند از این فرصت استفاده کند و رستورانی بازکند و در آن، همین مردمان مست و خمار و دیگران را از طعام حلال، سیر کند؟ آیا چنین کاری با وجود حلال بودن طعام گناه است با این که می گویند این طعام اثر شراب را در وجود آنان می کاهد. و امثال این.

جواب - این کار، در حد ذات خود مانعی ندارد.

مسئله ۲۷۶- آیا فروش گوشت خوک برای یهود و نصاری و به طور کلی اهل کتاب که آن را حلال می پندارند، جایز است؟

جواب - کسب و کار با گوشت خوک به طور کلی جایز نمی باشد.

مسئله ۲۷۷- انسان یقین دارد که روزی چیز حرامی از تلویزیون و یا ویدیو خواهد دید در این صورت خریداری آن جایز است؟

جواب - از دیدگاه عقل لازم است چنان چیزی فراهم و تهیه نشود.

مسئله ۲۷۸- آیا جایز است در يك مغازه قصابی که گوشت خوک می فروشد کار کرد؟ حتی در این حد که مسلمانی به یکی از کارگزارانش دستور بدهد که به فلان مشتری گوشت خوک خوک بده؟

جواب - فروش گوشت خوک حتی برای کسانی که آن را حلال می انگارند جایز نیست و فرق نمی کند با واسطه و یا بی واسطه باشد و اما بدون فروش و فقط در اختیار گذاشتن گوشت خوک برای کسی که آن را حلال می داند آن هم اشکال دارد و احتیاط واجب ترك آن است.

مسئله ۲۷۹- فرمودید خرید بلیط بخت آزمایی به قصد کمک به يك موسسه خیریه و بدون نیت برنده شدن و دستیابی به جایزه، اشکال ندارد اگر يك مسلمان با قسمتی از بهای بلیط چنین نیتی کند و با قسمتی دیگر قصد برنده شدن نماید آیا خرید بلیط بخت آزمایی به این شکل چطور است؟ جواب - جایز نیست.

مسئله ۲۸۰- آیا يك مسلمان بالغ می تواند بچه ای را وادارد که بلیط بخت آزمایی بخرد و به او بدهد؟ و یا يك شخص کتابی (بیهود، نصاری و غیره) را به چنین کاری وادار کند و قصدش آن باشد که برنده شود؟

جواب - حرمت خرید بلیط بخت آزمایی با این کارها بر طرف نمی شود و وکیل کردن همانند خرید و اقدام مستقیم است.

مسئله ۲۸۱- آیا می توان عسلی را خرید که روی آن برگ بخت آزمایی چسبانده اند و احتمال دارد که در صرت خرید، برنده شویم؟ جواب - اگر تمام بها را در مقابل عسل بپردازد نه به قصد عوض جایزه احتمالی چنان کاری حلال است.

مسئله ۲۸۲- یکی از مسلمانان بلیط بخت آزمایی خریده و برنده شده است و قرار گذاشته است که قسمتی از آن را اگر به دست رسیده در راه خیر به مصرف برساند آیا آن خیریه چنان مالی را می تواند بگیرد و آن را در مصالح مسلمین خرج کند؟ و اگر چنین تصمیمی را پیش از خرید بلیط داشته باشد، مسئله فرق می کند؟

جواب - اگر آن مال و پول به اشخاصی بر می گردد که اموالش محترم نیست تصرف در چنان مال و پولی جایز می باشد.

مسئله ۲۸۳- اگر مسلمانی با خریدن بلیط بخت آزمایی و برنده شدن حج بگذارد و آن مبلغ را پس از رد مطالب آن به يك فقیر مسلمان، در حج هزینه کند، آیا چنان حجی صحیح است؟

جواب - پاسخ این مسئله از جواب مسئله پیش، معلوم می شود.

مسئله ۲۸۴- اگر يك مقام مسئول غاصب و ستمگر، هزینه حج کسی را بذل کند، حکم چنان حجی چیست؟

جواب - اگر غصبت عین مال بذل شده، معلوم نباشد، ظالم بودن باذل، ضرری به حج او نمی رساند.

مسئله ۲۸۵- در برخی کشورهای اروپایی، فروشگاههایی وجود دارد که لوازم منزل می فروشند و مشتری حق دارد دو هفته پس از خرید اگر خواست آن را پس آورد. آیا مشتری به نیت استفاده دو هفته و نه قصد خرید چنان کاری را می تواند انجام دهد و سپس آن را پس دهد؟ که در واقع قصد او خرید نبوده است. و اگر صاحب فروشگاه، مسلمان باشد، مسئله فرق می کند؟ و در صورت جواز به چه نیت و قصد، صحیح می باشد؟

جواب - اگر مالك فروشگاه مسلمان باشد چنان کاری جایز نمی باشد، و اما با غیر مسلمان می توان چنان رفتار رد به شرط آنکه قصد خرید نکند بلکه به قصد استنقاذ از کافر، آن را انجام دهد و از ضرر و اسیب هم ایمن باشد.

مسئله ۲۸۶- آیا می توان در رستورانی که به مشتریان، مشروبات الکلی سرو می شود، کار کرد بخصوص اگر شخصاً شراب برای مشتری نمی آورد بلکه فقط در زمینه شستشوی جامها و پیاله ها کار می کند؟

جواب - نظافت جام ها و پیاله ها از مقدمه شریخواری باشد، شرعاً حرام است.

مسئله ۲۸۷- مسلمانی که علاقمند به حفظ دین و ایمان خویش است ناگزیر می شود در اداره ای کار کند که احیاناً فعل حرام مرتکب می شود اما ممکن است او در همان اداره در آینده موقعیتی پیدا کند که بدان وسیله خدمتی اساسی به دین خود انجام دهد که آن خدمت را به مراتب از آن حرامهای ارتکابی، مهمتر می داند آیا کار کردن در چنین جایی و با این ویژگی جایز است؟

جواب - انجام فعل حرام، تنها به امید آینده، جایز نمی شود.

مسئله ۲۸۸- آیا کسی که دارای دکترای حقوق است می تواند رد يك کشور غیر اسلامی وکالت بپذیرد که با قوانین آن کشور داورى بعمل می آید و او در میان مردمان غیر مسلمان به قضاوت بپردازد و هم و غم او فقط قضاوت و داورى باشد هر چه شد؟

جواب - اگر وکالت و داورى او تزییع حق کسی نباشد و دروغ و یا حرام دیگری را به دنبال نداشته باشد مانعی ندارد.

مسئله ۲۸۹- آیا کسی که گواهینامه حقوقی دارد و کارشناس امور قضایی است می تواند رد يك کشور غیر اسلامی با قوانین موجود آنها میان مردم قضاوت و داورى کند؟

جواب - کسی که برای قضاوت شایستگی ندارد نباید قضاوت کند و جز با قوانین اسلامی، نمی توان قضاوت و داورى کرد.

مسئله ۲۹۰- يك مهندس برق در کشور اروپایی برای اصلاح و تعمیر بلندگو و دیگر لوازم صوتی و برقی فراخوانده می شود و احیاناً آن مکان، جای لهو و لعب است آیا او می تواند در چنان جایی به تعمیر و اصلاح بپردازد با علم به اینکه اگر یکی دوبار، دعوت به کار را نپذیرد از زندگی ساقط می شود و مشتری های خود را از دست می دهد؟

جواب - جایز است.

مسئله ۳۹۱- شخصی در يك رستورانی کار می کند که گاهی گوشت غیر حلال و دیگر گاه گوشت خوک برای مشتری غیر مسلمان، سرو می کند جواب بخش نخست را فرموده اید سؤال در بخش دوم است و آن سرو کردن گوشت خوک است در کنار گوشت حرام دیگر آیا چنین کاری جایز است و اگر او از این کار خودداری کند ممکن است از کار و تلاش بر کنار و رانده شود؟

جواب - گوشت خوک را هر چند برای کسی که آن را حلال می انگارد نمی توان، سرو کرد و احتیاط ترك آن است.

مسئله ۳۹۲- آیا برای يك مسلمان جایز است در يك بقالی و یا سوپر مارکتی که در گوشه ای از آن شراب فروخته می شود، کار کند در حالی که او فقط صندوقداری گرفتن پول است؟

جواب - اگر خریدار و فروشنده هر دو نامسلمان باشند او می تواند در چنان جایی کار کند و بهای شراب و غیر آن را بگیرد.

مسئله ۳۹۳- چاپخانه ای در يك کشور غیر اسلامی لیست خوارکی های رستورانی را چاپ می کند که در میان آنها گوشت خوک هم دیده می شود آیا کار در چنان چاپخانه ای جایز است؟ و آیا او می تواند آگهی های تبلیغاتی برای معرفی میخانه ها و محل های فساد دیگر، چاپ کند؟ با علم به این که اگر این کارها را نکند، از نظر کار متضرر خواهد شد؟

جواب - جایز نیست چنان چیزهایی را چاپ کند اگر چه به تعطیلی محل کار بینجامد.

۱. بنگرید : بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.

۲. بنگرید : بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.

۳. سوره طلاق ، آیات ۲ و ۳.

۴. سوره نساء آیات ۹۷ و ۹۸.

۵. وسایل الشیعه ، ج ۱۷ ، ص ۴۴.

۶. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۷. معنای لغوی استنفاذ ، خلاص و رها کردن چیزی است و گویا او مال خود را که در بند افتاده است رها می کند.

۸. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۹. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۰. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۱. بنگرید : بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۲. تقاص به معنای قیچی کردن و بریدن است گویا او حق خود را به نحوی از طرف می برد.

باب دوم : معاملات « فصل ۵: روابط اجتماعی

هر جامعه ای فضای ویژه خود را دارد، سنت ها، عرف ها، عادت ها و ارزش ها از محیطی تا محیط دیگر فرق می کند و طبیعی است که جامعه های اسلامی با محیط های اروپایی از جهات مزبور تفاوت داشته باشد. و همین امر ره مسلمان را با این سؤال روبه رو می کند که چه کاری رواست و چه کاری نارواست؟ او در این محیط و جامعه نو با مجموعه ای از ارزشها زندگی می کند که کاملاً با ارزشها زادگاهش در تباين و تضاد می باشد.

این از یک سو و از دیگر سو زندگی در چنین محیط ها با ارزشهای نا شناخته و شگفت، ره فردی را که زا یک کشور اسلامی به آنجا آمده است تا بانوعی مبارزه در زمینه آن ارزش های تازه مواجه می سازد تا خود و فرزندانش تدریجاً در آن فرهنگ ذوب نشوند و بدیهی است که چنین امری ، کوشش فراوان لازم دارد تا بدان وسیله او خود، خانواده و فرزندانش را از آثار ویرانگرآن، نگاه دارد.

مسئله ۲۹۴- صله رحم و پیوند با خویشاوندان برهر مسلمانی ، واجب و قطع رحم از گناهان کبیره است.

و بعد از آن که دانستیم صله رحم واجب و قطع رحم از گناهان کبیره ای است که خدا بر آن وعده آتش داده این مسئله در کشورهای

مغرب زمین از اهمیت فراوانی بر خوردار است و مراعات آن لازم تر می باشد زیرا در آنجا برادران دینی اندکند و خانواده ها را همدیگر

گسسته و دور می باشد و به همان اندازه که ارزش های مادی در حد طغیان اند انگیزه های دینی با تأکید بیشتری باید مطرح باشند.

خداي سبحانه و تعالی از قطع رحم نهی فرموده است و در قرآن محکم فرمود:

((فهل عسیتم أن تولیتم أن تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم)) : شاید اگر پشت

کرید در روی زمین فساد کنید و از خویشاوندان خود بریدید. اینان را خدا نفرین کرده، گوشه‌هایشان کر و چشمانشان را نابینا ساخته است.

و امام علی (علیه اسلام) فرمود: گاهی ، خانواده ای با آنکه بدکار و اهل فسق و فجور هستند ولی در کنار هم قرار دارند و با مسوات

زندگی می کنند هدا هم به ایشان روزی می دهد و دیگر گاه ، خانواده ای به سبب پراکندگی و بریدن از یکدیگر با این که پارسا و پاکند،

از رزق خدامحروم می شوند.

واز امام باقر (علیه اسلام) روایت شده است که فرمود: در کتاب علی (علیه اسلام) چنین آمده است:

دارنده سه خصلت نمی میرد مگر آنکه آن که اثر آن سه خصلت را در دنیا ببیند، ستم، قطع رحم و قسم دروغ. چنین شخصی گویا با خدا به جنگ برخاسته است همچنانکه سریعترین پادشاه، پاداش صله رحم است گاهی اوقات مردمانی فاسق و نابکار چون با همدیگر صله رحم می کنند و پیوند دارند دارایی هایشان رشد کرده و ثروتمندتر می شوند و همانا قسم دروغ و قطع رحم سرزمین ها را از سکنه خالی می کند.

مسئله ۲۹۵- قطع رحم، حرام است حتی اگر چه او جلوتر بریده باشد، نمازخوان نباشد، شرابخوار هم باشد و یا به برخی احکام دینی بی اعتنا باشد مثل حجاب و جز آن، طوری که موعظه و ارشاد و راهنمایی هم سود نبخشد، البته به شرط آنکه چنان صله رحم و پیوندی، موجب نشود که او برکار حرام تأیید و تشویق شود.

پیامبر بزرگوار ما (صلی الله علیه و آله) فرمود:

((افضل الفضائل أن تصل من قطعك، و تعطي من حرمك، و تغفو عن ظلمك)): با فضیلت ترین ارزشها و خصلت های خوب آن است که با خویشاوند نزدیک که از تو بریده است پیوند بر قرار کنی و به کسی که تو را محروم ساخته، عطا و بخشش کنی و از شخصی که به تو ستم روا داشته، در گذری .

و باز فرمود: ((لا تقطع رحمك و آن قطعك)) از خویشاوند خود مبر هر چند که او پیشتر از تو بریده است.

مسئله ۲۹۶- شاید کمترین عملی که یک مسلمان بدان وسیله می تواند با خویشاوندان نزدیک خود در صوت امکان، صله و پیوند برقرار کند زیارت و دیدار ایشان باشد که با آنان ملاقات کند، احوالپرسی نماید هر چند از راه دور.

پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: سریعترین پاداش یک عمل خیر و نیک، پاداش صله رحم است.

و امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: صله ارحام کنید هر چند با سلام گفتن، خدای سبحانه و تعالی فرمود:

" و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً " : از خدایی پروا کنید که به سیله او از یکدیگر می پرسید و درخواست می کنید و از خدا در مورد ارحام و خویشاوندان نزدیک خود پروا کنید و از ایشان میرید که همانا خدا مراقب شماست.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا صله رحم و نیکی، دو عملی هستند که حساب را آسان می کنند، و از گناهان باز می دارند پس با خویشاوندان خود پیوند داشته باشید و به برادران دینیان احسان و نیکی کنید هر چند با یک سلام و جواب سلام زیبا و خوب.

مسئله ۲۹۷- بدترین نوع قطع رحم عاق والدین شدن است همان والدین و پدر و مادری که خدای - عزّ و جلّ - نکویی و احسان به ایشان را سفارش کرده آنجا که در قرآن کریم فرمود - عز من قائل - :

" و قضی ربک الّا آیه و بالو الدین احساناً امّا یبلغنّ عندک الکبر احدثهما او کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهرهما قل لهما قولا کریماً " :

پروردگار تو چنان حکم کرده و فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر، احسان و نیکی کنید اگر آنان نزد تو به کهنسالی برسند یکی از ایشان یا هر دو، به آنان اف مگو و با ایشان، تندی مکن و بر ایشان سخنی بزرگوارانه بگو .

و امام (علیه السلام) فرمود : حد اقل و کمترین مرتبه عقوق، گفتن کلمه "اف" است و اگر خدای عزوجل چیزی، کمتر از آن می دانست از آن نهی و منع می فرمود.

امام ابو جعفر (علیه السلام) فرمود: نگاه پدرم به شخصی افتاد که همراه پسرش راه می رفتند و فرزند بر زانوی پدر تکیه داده بود پدرم آن اندازه از او بدش آمد که تا آخر عمر با او سخن نگفت.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود که هر کس با نگاه خشم الود به پدر و مارش بنگرد هر چند در حق او ستم کرده باشند خدا برای او نمازی را نمی پذیرد.

مسئله ۲۹۸- در برابر عقوق والدین نکویی و احسان به ایشان قرار دارد که آن با فضیلت ترین کارهای قرب آمیز به خدای تعالی است. خدا - عزّ من قائل - در قرآن کریم فرمود:

" و اخفض لهما جنا الذلّ من الرّحمة و قل ربّ ارحمهما کما ربّانی صغیراً " : بال تواضع مهربانی برای ایشان بگستر و بگو : پروردگارا به

ایشان رحم فرما که مرا در خردسالی پروردند.

ابراهیم بن شعیب به امام ابو عبدالله (علیه السلام) گفت: پدرم، بسیار پیر شده و ناتوان گشته است و ما او را به هنگام قضای حاجت، به دوش می کشیم.

امام فرمود: آنچه که می کنی ادامه بده و با دست خود غذا را لقمه لقمه به دهان او بگذار که فردا برای تو سپهر و مانع بلا خواهد شد. در احادیث شریف، صله مادریش از صله پدر مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی نزد رسول الله (صلی

الله علیه و آله) آمد و گفت : ای رسول خدا، به چه کسی نکویی کنم؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله): به مادرت.

مرد: سپس به چه کسی.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) : به مادرت.

مرد بار سوم پرسید: باز به چه کسی نکویی کنم؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) : به مادرت.

مرد در مرتبه چهارم که پرسید به چه کسی نکویی کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به پدرت نکویی کن.

مسئله ۳۹۹- به مفاد برخی روایات، برادر بزرگ بر برادر کوچک، حق دارد و لازم است آن را نگهدارد و بدان اهتمام بورزد تا رشته های مهر و محبت در درون خانواده محکم گشته و مراتب لطف و صفا در شرایط استثنایی که پیش می آید، دوام یابد.

از محمد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود: حق برادر بزرگ بر برادران کوچک، همانند حق پدر است بر فرزندان.

مسئله ۳۰۰- جز ولی طفل و یا کسی که از سوی او اجازه دارد نمی تواند به قصد تربیت، طفلی را به سبب انجام کار حرام و نادرست و یا فراهم کردن اسباب زحمت دیگران، بزند و اما ولی^۳ طفل و یا آن کس که از طرف او اجازه دارد، طفل را به هدف تربیت و به طور آرام که بدن اوسرخ نشودمی تواند بزند به شرط آنیکه بیش از سه بار نباشد آن هم در صورتی که راه تربیت صحیح، فقط زدن باشد بنا بر این برادر جوان نمی توان برادر خردسالش را بزند مگر آن که ولی^۳ او و یا مجاز از سوی او باشد و به طور قطع آموزگاران و اولیای مدرسه بدون اجازه ولی^۳ طفل نمی توانند با زدن او را تربیت و ادب کنند.

مسئله ۳۰۱- بنا بر احتیاط واجب، انسان بالغ را برای بازداشتن ازمنکر و فعل حرام، نمی توان زد مگر برابر قوانین امر به معروف نهی از منکر و با اجازه حاکم شرع.

مسئله ۳۰۲- پیامبر بزرگوار، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ما را به احترام و بزرگداشت پیرها و سالمندان فراخوانده و فرموده است : ((من عرف فضل شیخ کبیر فوقره لسنه آمنه الله من فزع یوم القیمه)) هر کس ارزش کهنسالی را بشناسد و او را به سبب کبر سن احترام بگذارد خدا او را از هول و هراس روز قیامت ایمن گرداند. و باز فرمود: احترام و بزرگداشت مؤمن ریش سفید، بخشی از بزرگداشت خدا. عزوجل - است.

مسئله ۳۰۳- در باره ای از روایات شریف نسبت به دیدار و مهربانی میان مردم مؤمن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) ترغیب و تشویق فراوانی رسیده است و همچنین بر دلشاد کردن و رفع نیاز و حاجت و عیادت بیمار و تشییع جنازه و در خوشی و نا خوشی با مردم بودن، تأکید زیاد شده است.

امام صادق (علیهم السلام) فرمود: هر کس برای خدا برادر دینی اش را دیدار کند و به زیارت او بشتابد خدا. عز و جل - فرماید: مرا زیارت کردی و پاداش تو بر عهده من است و برای تو کمتر از بهشت را خشنود نمی شوم.

همان امام همام به خیمه فرمود: به دوستان ما سلام برسان و آنان را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و بگو داراها، فقیران را و توانمندان، ضعیفان را عیادت کنند و این که زندها بر جنازه مرده ها، حضور یابند و درخانه هایشان به دیدار هم بشتابند.

مسئله ۳۰۴- حق همسایه، به حق رحم، بسیار نزدیک است اعم از آنکه همسایه مسلمان، یا نا مسلمان باشد. رسول خدا چنان حقی را برای همسایه نا مسلمان اثبات کرده است. آنجا که فرمود: همسایگان سه قسمند، برخی دارای سه حقتند: حق اسلام، حق همسایگی و حق خویشاوندی، و برخی دیگر دارای دو حقتند: حق اسلام و حق همسایگی، و قسم سوم فقط یک حق دارند و آن شخص کافر است که حق همسایگی اش محفوظ است.

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: با هر کس همسایه شدی همسایگی نیکو کن قطعاً مؤمن خواهی بود.

و امام علی (علیهم السلام) به امام حسن و امام حسین (علیه السلام) پس از آنکه توسط ابن ملجم لعین مضروب شد همسایگان راسفارش کرد و فرمود: خدارا، خدا رادرباره همسایگانتان که آن وصیت پیامبر شماسست و همواره آنان راسفارش می کرد به حدی که ما پنداشتیم برای آنان ارث قائل خواهد شد

و امام صادق (علیهم السلام) فرمود: ملعون، ملعون است هر آنکه همسایه اش را بیازارد. و فرمود: از ما نیست هر کس که با همسایه اش همسایگی نکو نکند

مسئله ۳۰۵- از صفات مردمان مومن و صالح آن است که برای تاسی و پیروی از پیامبر بزرگوار، محمد (صلی الله علیه و آله) با مکارم اخلاق موصوف باشند همان خلق هایی که خدا - سبحان و تعالی - در قرآن کریم او را توصیف کرد و فرمود:

((وانک لعلی خلق عظیم)).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به روز قیامت در ترازوی اعمال، چیزی با ارزشتر از خلق و خوی نیک، نهاده نمی شود. و در حدیثی از آن بزرگوار پرسیدند: در میان مردمان مؤمن کدام با فضیلت تر است، فرمود: هر کدامتان که خوش اخلاق تر هستید.

مسئله ۳۰۶- از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری و وفای به عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که فرمود:

از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری و وفای به عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که فرمود:

"آه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً". همانا او راست وعده و فرستاده و پیامبر بود.

و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد اگر به کسی وعده داده است باید وفا کند.

اهمیت راستی و صدق وعده آنگاه آشکار می شود که ما بدانیم بسیاری از غیر مسلمانان از نوع رفتار مسلمین، در باره اسلام قضاوت می کنند و چه بسا از خلال حسن رفتار و کردار یک مسلمان اسلام برای نا مسلمانان زیبا شناسانده شود و بر عکس، از سوء رفتار و عملکرد یک مسلمان بی تعهد، اسلام بد معرفی می شود.

مسئله ۳۰۷- از صفات نیک یک همسر صالحه آن است که او وهرش را نیازارد و با او بد رفتاری نکند و او را از خود نرنجاند هم چنانکه از صفات خوب یک شوهر شایسته آن است که او همسرش را آزار و اذیت نکند و به وی بدی نکرده و رنجش ندهد رسول خدا فرمود: هر زنی که شوهرش را می آزارد خداوند نماز و هیچ کار نیک را از او نپذیرد هر چند که همه روزه ، روزه بگیرد و تمام شب را به نماز ایستد و بنده ها آزاد کند و ثروت زیادی در راه خدا خرج و انفاق نماید و او اولین کس باشد که وارد آتش شود.

رسول خدا سپس فرمود: سرنوشت شوهر بد نیز همین طور است اگر او همسرش را آزار دهد و به وی ستم کند.

مسئله ۳۰۸- هر سملمانی می تواند با غیر مسلمان دوست و آشنا گردد که در میانشان اخلاص حکمفرما باشد و در بر آوردن نیازهای دنیویین یکدیگر را یاری برسانند.

خدا - سبحانه و تعالی - در قرآن کریم فرمود:

"لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین"; خدا شما را از دوستی و نیک رفتاری و احسان با کسانی که با شما نجنگیده اند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نرانده اند، منع و نهی نمی فرماید همانا خدا اهل عدالت و قسط را دوست می دارد.

اگر از چنین صداقت ها و دوستی ها درست بهره برداری شود کافی است که ما اسلام و ارزش های دینی را به آن دوست، همسایه و رفیق و شریک غیر مسلمان معرفی کنیم و هر چه بیشتر او را به دین اسلام نزدیکتر سازیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت فرماید برای تو بهتر از هر آن چیزی است که در شرق و غرب آفتاب بر آن می تابد.

مسئله ۳۰۹- می توان به افراد یهودی، مسیحی و دیگر اهل کتاب و حتی کفار غیر اهل کتاب در مناسبت هایی مانند سال نو، میلاد حضرت مسیح و عید الفصح، عید گذر و یا نجات، تبریک و تهنیت گفت.

مسئله ۳۱۰- امر به معروف و نهی از منکر دو تکلیف عبادی هستند که بر هر مرد و زن مومن هر گاه شرایط جمع باشند، واجب می شود، خدا - سبحانه و تعالی - در قرآن کریم خود فرمود:

"و لکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون" ک باید از میان شما مردمی باشند که به خیر و نیکی فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند واینان رستگارانند.

و باز خدای - جلّ و علا - فرمود:

"و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یدمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر" : مردان و زنان با ایمان، اولیاء و دوستداران یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: امت من همواره بر خیر و نیکی اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نیکی همدیگر را یاری می نمایند هر گاه چنان نکنند برکات از ایشان بررفته می شود و بعضی بر بعض دیگر سلطه می یابند آن وقت است که نه در آسمان و نه در زمین یآوری بر ایشان نیست.

و از امام جعفر صادق (علیه السلام) و جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده است: چگونه اید آن زمان که زنانان فاسد شوند و جوانانان رو به فسق و فجور گذارند و شما امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید.

پرسیدند: یا رسول الله، چنین چیزی می شود؟

فرمود: بلی از آن هم بدتر می شود! چگونه اید آن هنگام که به بدی امر می کنید و از خوبی و نیکی منع و نهی به عمل می آورید؟ پرسیدند: مگر چنان وضعیتی پیش می آید؟

فرمود: بلی، از آن هم بدتر می شود. چگونه هستید زمانی که خوبی را بدی و بدی را خوبی بدانید.

این دو فریضه و واجب شرعی، آنگاه که ترک کننده واجب و یا انجام دهنده منکر و حرام، یک از اعضای خانواده باشد با تأکید بیشتری مطرح اند. شما در میان خانواده خود فردی را می بینید که وضوی درست و صحیح نمی گیرد و یا با طرز تیمّم آشنا نیست و یا قرائت حمد و سوره و یا ذکر های واجبات نماز را نمی داند و یا خمس و زکات مال و دارایی اش را نمی دهد و حتی در میان اعضای خانواده شما ممکن است اشخاصی پیدا شوند که برخی گناهان را مرتکب می شوند مثل استمناء، قمار بازی، گوش دادن به موسیقی حرام و نوشیدن شراب، خوردن گوشت مردار و حرامن خیانت و مال مردم خوری و یا دزدی.

و در میان بانوان یک خانواده ممکن است کسانی یافت شوند که حجاب درست و حسابی نداشته باشند و موهای خود را خوب

نپوشانند و یا به هنگام وضو لاک بر انگشتان خود داشته و آن را پاک نکنند و یا برای غیر شوهران خود عطر زنند و یا پسر عمو، پسر عمه، پسر خاله، پسر دایی، برادر شوهر و دوست شوهر به این بهانه که با آنان در یک خانه زندگی می کنند اندام و یا موی سر را نپوشانند و آنان را برادر خود پندارند و عذرهای واهی و سست دیگر آورند.

اری گاهی در میان اعضای یک خانواده، کسانی پیدا می شوند که دروغ می گویند و غیبت می کنند و به حقوق دیگران تجاوز می نمایند و اسراف و ولخرجی کرده و به ستمگران یاری می رسانند و همسایه را می آزارند و ... وقتی با چنین منکرات و گناهایی مواجه می شوید امر به معروف و نهی از منکر کنید البته از مراتب پایین تر شروع کنید اول اظهار کراهت کنید و با زبان جلوهگیری نمایی و در

مرحله آخر با اجازه حاکم شرع، به منع عملی و بدی بپردازید. و آن نیز خود دارای مراحل است ه به تدریج به شدت عمل می رسد نه آنکه از اول، شدت عمل نشان دهید.

و اگر کسی نسبت به حکم و مسئله ای جاهل باشد واجب است او را آموزش داد اگر در صدد آموختن و عمل به آن باشد. مسئله ۳۱۱- مدارا کردن و سازگاری با مردم از مستحبات شرعی است و دین استوار ما به آن ترغیب کرده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پروردگار من مرا به سازگاری با مردم فرمان داده است هم چنانکه به انجام فرایض و واجبات دستور داده است. و باز فرمود: سه چیز است که اگر در انسان نباشد، عمل او کامل نیست: تقوا و پارسایی که او را از معصیت و نافرمانی خدا باز بدارد و خلق نیکویی که بدان وسیله با مردم بسازد و حلم و نرمشی که با آن جهل جاهلان و نابخردان را رد کند. و سازگاری با مردم، عمومی است و اختصاص به مردم مسلمان ندارد بلکه با غیر مسلمانان نیز باید مدارا کرد و رفتار متناسب داشت. روایت شده که علی امیر المؤمنین (علیه السلام) روزی در راه کوفه با یک شخص غیر مسلمانی همراه شده بود به یک دو راهی رسیدند که می بایستی از همدیگر جدا شوند امیرمؤمنان چند قدم با آن شخص همراهی کرد، آن شخص پرسید: مگر شما به کوفه نمی رفتید؟ امیر المؤمنین پاسخ داد: چرا، ولی حق همصحبتی آن است که انسان چند قدمی رفیق خود را بدرقه کند و این، کمال مصاحبت و همراهی است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ما چنین دستوری داده است. در اثر این رفتار خوب، آن مرد به اسلام گروید و مسلمان شد.

و از شگفت ترین چیزهایی که در باره عدالت امیر مؤمنان در ارتباط با مردم غیر مسلمان نقل شده چیزی است که شعبی روایت کرده است.

روزی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - رضوان خدا بر او - به بازار رفت، اتفاقاً یک مرد نصرانی را دید که زرهی می فروخت. علی (علیه السلام) زره را شناخت و فرمود: این زره مال من است و داور میان من و تو قاضی شهر باشد. گویند قاضی در آن زمان، شریح بود و خود علی (علیه السلام) او را بر کرسی قضاوت نشانده بود، وقتی در نزد قاضی حضور یافتند شریح پرسید یا علی چه می فرماید؟ علی (علیه السلام): این، زره مال من است مدتی است که از من دزدیده شده و اکنون در دست این مرد می بینم. شریح: هان، تو چه می گویی؟

مرد نصرانی: من علی را دروغگو نمی شناسم اما زره مال خود من است.

شریح: یا علی! زره در دست اوست آیا شما شاهد و گواهی بر گفتار خود دارید؟

علی (علیه السلام): شاهد و گواهی ندارم.

مرد نصرانی: من شهادت می دهم که اینگونه قضاوت و داوری فقط از پیامبران ساخته است امیر نزد قاضی حاضر می شود و قاضی بر ضد او حکم می کند. یا امیر المؤمنین به خدا سوگند این زره مال شماست و من هنگامی که شما در اردو و سپاه خویش حرکت می کردید شما را دنبال کردم و آن را که از روی شتر خاکستری افتاد برداشتم و اکنون به وحدانیت خدا و رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) گواهی می دهم.

علی (علیه السلام) فرمود: حالا که مسلمان شدی آن زره مال تو باشد و علاوه بر آن او را بر یک اسب نجیب هم سوار کرد.

شعبی گفت: آن مرد را دیدم که با مشرکان می جنگید و این حدیث ابوزکریاست.

از امیر مؤمنان (علیه السلام) چیزی نقل شده است که پیشینه تاریخی قانون تأمین اجتماعی به حساب می آید، همان که امروزه در کشورهای غربی مورد عمل است و علی (علیه السلام) در آن قانون میان شهروند مسلمان و غیر مسلمان فرق نگذاشته است.

راوی گفت: مرد سالخورده و نابینایی از مردم سؤال می کرد و کمک می خواست. علی (علیه السلام) گفت: چیه؟ گفتند: ردی نصرانی است. علی (علیه السلام) گفت: از او کار کنشیدید وقتی پیر شد او را رها کردید؟! از بیت المال برای او مستمری بدهید.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: حتی یک نفر یهودی هم اگر با تو همنشین شد با او نیکو همنشینی کن.

مسئله ۳۱۲- برای اصلاح میان مردم و حل اختلافات ایشان و تعمیم مهر و محبت در میان انسانها و برطرف کردن اختلافات و دشمنی ها، ثواب فراوانی وعده شده است.

در کشورهای غربت که مردم از میهن و خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور هستند ساماندهی امور و توسعه مهر و صفا، تأکید بیشتری دارد. و طبعاً ثواب بیشتری دارد امیرالمؤمنین، به فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) اندکی قبل از شهادتش آنگاه که ابن ملجم لعین خارجی آن حضرت را مضراب کرد چندین وصیت فرمود که از آن جمله است توصیه به تقوای الهی، نظم امور و اصلاح ذات البین، و درباره سفارش اخیر فرمود: شنیدم جد شما (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

"صلاح ذات البین افضل من عامّة الصلوة و الصیام".

سامان دادن میان انسانها از عموم نماز و روزه با فضیلت تر است.

مسئله ۳۱۳- نصیحت و خیرخواهی و خواستن ماندگاری صفات الهی برای برادران دینی و کراهت رسیدن بدی به ایشان و تلاش در زمینه راهنمایی آنان به آنچه خیر و صلاح و سعادتشان در آن است، از کارهای دوست داشتنی نزد خدا - عزّ و جلّ - است و احادیث در این باره، بسیار زیاد است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

"ان اعظم الناس منزلة عند الله يوم القيمة امشاهم في ارضه بالنصيحة لخلقه": منزلت و رتبه آن کسی نزد خدا به روز قیامت بزرگتر است که او در روی زمین برای خیرخواهی خلق خدا، بیشتر قدم برداشته است. و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: یکی از شما باید آنگونه خیر خواه برادر دینی اش باشد که خیرخواه خویشتن است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از حقوق واجب انسان مؤمن بر برادر دینی اش آن است که در حضور و غیاب خیرخواه او باشد. و امام ششم باز فرمود: برای خدا خیرخواه مردم باش که هیچ عملی را در ملاقات خدا بهتر از آن نخواهی یافت. مسئله ۳۱۴- جستجو گری و دنبال کردن آنچه را که یک مسلمان آن را پوشیده می دارد و دریدن پرده اسرار و رازهای پنهانی مردم در شریعت اسلامی، حرام می باشد.

خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود فرمود:

((يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا)) : ای مردمان با ایمان از بسیاری گمان ها اجتناب کنید که برخی از گمانها، گناه است و تجسس مکنید.

یکی از یاران امام صادق به نام اسحاق بن عمار می گوید: شنیدم ابو عبدالله گفت، رسول خدا فرموده است: ای کسانی که به زبان مسلمان گشته اید لیکن ایمان خالص به دلہایتان راه نیافته است، مسلمانان را نکوهش نکنید و اسرار و رازهای آنان را فاش نسازید و هرکس چنان کند خدا اسرار و رازهای او را فاش کند و در خانه اش هم باشد او را رسوا فرماید.

مسئله ۳۱۵- غیبت آن است که انسان مؤمنی را به داشتن عیبی در غیاب او یاد کنی اعم از آنکه قصد عیب جوی باشد یا نه و اعم از آنکه چنان عیبی در اندام، نسب، خلقت، عملکرد، سخن، دین، دنیا، و یا دیگر امور باشد، به هر حال، چیزی است که از مردم پوشیده است چنانکه فرق ندارد یاد آن عیب و نقص از راه گفتار باشد یا عمل مشعر بر وجود آن.

خدا چنین عمل زشت را در قرآن کریم خود، مورد نکوهش قرار داده و آن را به شکلی چندش آور به تصویر کشیده است. خدا. جل و علا. فرمود: ((و لا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتا فکر هتموه)) : بعضی از شما غیبت دیگری را نکند آیا یکی از شما دوست می دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ شما چنان کاری را خوش نداشته اید.

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: از غیبت کردن بپرهیزید که آن از زنا بدتر و سخت تر است زیرا شخص گاهی زنا می کند و توبه می نماید و خدا او را می آمرزد اما غیبت کننده آمرزیده نشود تا غیبت شونده او را ببخشد. و نیکو نیست که انسان به غیبت برادر دینی اش گوش کند بلکه بر اساس احادیث نبوی و روایات امامان معصوم - علیهم افضل الصلوة و السلام - بر شونده را غیبت واجب است که غیبت شونده را یاری کرده و از او دفاع نماید و اگر چنان نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار و زیون سازد و او گناهی به همان اندازه گناه غیبت کننده دارد.

مسئله ۳۱۶- تا سخن از غیبت به میان می آید عادتاً یک عمل زشت دیگر هم به ذهن می آید و آن نامی و سخن چینی است که کسی به دیگری بگوید "فلانی درباره شما چنین و چنان می گفت" و هدف سخن چین آن است که ارتباط با صفای دو برادر ایمانی را تیره سازد و یا تیرگی را عمیق تر کند.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود:

"الا اتینکم بشرارکم...؟": آیا به شما خبر دهم که بدترین ها کیستند؟

فرمود: کسانی هستند که برای سخن چینی راه می افتند و میان دوستان جدایی می افکنند.

و امام باقر (علیه السلام) فرمود: بهشت بر غیبت کنندگان و سخن چینیان حرام است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه تن وارد بهشت نشود: بسیار خونریز، دائم الخمر، و سخن چین.

مسئله ۳۱۷- خدا سبحانه و تعالی ما را از سوء ظنّ و بدگمانی هم نهی کرده است و در کتاب محکم و کریم خود فرمود: ای مؤمنان از بسیاری گمان ها اجتناب کنید که برخی از آنها گناه است.

به مفاد این آیه قرآن، هیچ مؤمنی حق ندارد بدون دلیل کافی و روشن، به برادر دینی خود گمان بد ببرد که از درون دلها فقط خدا آگاه است بس، و ما تا می توانیم باید کار انسان مؤمن را به صورت صحیح آن حمل کنیم مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

امیر مؤمنان فرمود: کار برادر ایمانی خود را حمل بر صحت کن مگر دلیلی داشته باشی که تو را از آن برگرداند و به هر کلامی که از دهان یک فرد مؤمن بیرون می آید گمان بد میر در حالی که تو می توانی محمل صحیح برای آن بیابی.

مسئله ۳۱۸- اسراف و تلف کردن مال و دارایی دو رفتار بسیار بدی هستند که خدا سبحانه و تعالی آنها را سخت مورد نکوهش قرار داده و او که برتر از هر گوینده است فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کننده گان را دوست نمی دارد.

و در نکوهش تلف کنندگان و ریخت و پاش کنندگان اموال، فرمود:

"انّ المبدّرین كانوا اخوان الشّیاطین و كان الشّیطان لربّه کفوراً": همانا آنان که اهل تبذیر و ریخت و پاش هستند همانها برادران شیطان هستند و شیطان برای پروردگارش، بسیار ناسپاس است.

و امیر مؤمنان در نامه ای به زیاد درباره نکوهش اسراف از جمله چنین نوشت: راه اقتضاد و صرفه جویی پیش بگیر و اسراف را رها کن و

در هر روز، فردا را یاد بیاور و از مال به اندازه لازم و ضروری، نگاهدار و مازادی برای فردای نیازمندی، ذخیره کن و پیش فرست، آیا تو امید آن داری که خدا برای توپاداش فروتتان عطا کند در حالی که تو نزد او از مستکبران می باشی و طمع به لطف و پاداش تصدیق کنندگان داری در حالی که در میان نعمت ها غرق می باشی اما ضعفا و بیوه ها را از آن باز می داری ؟ جز این نیست هر انسانی به آنچه پیش فرستاده و بر آنچه که قبلاً فراهم آورده است پاداش و جزا می بیند.

مسئله ۳۱۹. خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود ما را به انفاق در راه تشویق فرموده است و آن را بازرگانی و داد و ستدی پر منفعت، توصیف فرموده است:

((ان الذين يتلون كتاب الله و اقامه صلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانية يرحون تجارة لئن تبور ليوقيهم اجورهمو يزيدهم من فضله انه غفور شكور)) : همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز به پا می دارند و از آنچه ما روزیشان کرده ایم آشکار و پنهان، انفاق می نمایند امید به تجارت و داد و ستدی دارند که زیان و ضرر ندارد تا پاداش ایشان را به طور کامل بدهد و از فضل خویش بر ایشان بیفزاید که او آموخته و سپاسگزار است.

و در سوره دیگر خدای - جل و علا - فرمود: ((من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له)) : کیست به خدا قرض دهد قرضی نیکو و خدا برای او چندین برابر کند و برای او پاداشی بزرگوارانه هست روزی که زناسسن و مردان با ایمان را می بینی که نورشان پیشاپیشو از سمت راست شان می درخشد، مزده باد شما را امروز بهشت هایی که از زیر درختان آن جویهاروان است ، و در آنها جاویدانید و رستگاری بزرگ همین است.

خدا در سومین آیه انسان را به شتاب در امر انفاق و احسان پیش از فوت فرصت فرمان می دهد:

((و انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي احدكم الموت فيقول رب لولا اخر تنى الى اجل قريب فاصدق واكن من الصالحين ولن يوخره الله نفساً اذا جاء اجلها والله خبير بما تعملون)) : از آنچه شما را روزی داده ایم انفاق و احسان کنید قبل از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما بیاید آنگاه او بگوید پروردگارا چرا اجل مرا کمی تأخیر نیداختی تا صدقه داده و احسان می کردم و از صالحان می بودم ولی خدا اجل هیچ انسانی را وقتی که فرا رسد عقب نمی اندازد و خدا به آنچه می کنی آگاه است.

سپس خدا سر انجام کسانی را که ثروت اندوزی کرده در راه خدا اصلاً انفاق نمی کنند و گنج و طلا و نقره فراهم می نمایند مورد توجه قرار داده و فرمود:

((والذين يكنزون الذهب و الفضة و لا ينفقونها في سبيل الله فيسئروهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكذبون)) : و کسانی که طلا و نقره را گنج می کنند و آن را در راه خدا انفاق و خروج نمی کنند عذاب دردناکی را به ایشان بشارت بده! روزی که بر همانها که با آتش جهنم گرم شده اند ، پیشانی ها، پهلوها و پشت هایشان داغ می شود و این است آن چیزی که برای خود می اندوختید پس به کیفر آنچه می اندوختید، عذاب را بچشد.

وامیر مؤمنان علی (علیه اسلام) مبادی بزرگ اسلام را تجسم بخشید. پس آنچه در دست داشت از این دنیای فانی کرد و برای زهد و اعراض از این زریوزیرها، آن روز که بیت المال در اختیار او بود توجهی نکرد و در بیان حال خود، فرمود: ((ولو شئت لاهتدیت الطريق الى مصفى هذا العسل ولباب هذا القمح كئ نسانج هذا القز و لكن هيهات ان يغلبني هواي و يقودني جشعي الى تخير الاطعمه و لعل بالحاجز او القيامه من لا طمع له في القرص و لا عهد له بالشبع او ابیت مبطانا و حولي بطون غرثي و اكباد حري ، او اكون كما قال القائل:

و حسبك داء ان تبيت ببطنة

و حولك اكباد تحن الى القدر))

اگر می خواستم راه به انتخاب این عسل مصفا و مغز گندم و بافته ابریشمی داشتم اما هرگز هوای من بر من غلبه نکند و مرا به گزینش خوراکی ها نکشاند و شاید در حجاز و یا پامامه کسانی سر به بالین گذارند کخ یک شکم سیر نخوردند و به یک تکه نان نیازمندند و یا من با شکم پر بخوابم در حالی که در اطراف من شکمهای خالی و جگرهای تشنه وجود دارد و چنان باشم که شاعر گفت: چه دردی از این بالاتر که تو با شکم پر بخوابی و در اطراف تو کسانی باشد که سخت گرسنه و به تکه گوشتی نیازمند باشد.

در احادیث نبوی و روایات امامان معصوم به صراحت آمده است که آثار دنیوی انفاق برای کسی که در راه خدا خرج می کند در همین حیات دنیوی آشکار می شود اما در آخرت پاداشی عظیم را باید انتظار بکشد.

((يوم لا ينفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سليم)) : روزی که نه درایی ها و نه فرزندان سود نبخشند مگر آنکه انسان با دلی پاک و سالم خدا را دیدن کند.

از جمله آثار دنیوی انفاق، وسعت روزی برای خود انفاق کننده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((استنزلوا الرزق

بالصدقه)) : روزی را با دادن صدقه، پایین آورید، و از جمله آثار انفاق در راه خدا شفای مریضها بدن وسیله است، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((داووا مرضاكم بالصدقه)) بیمارهایتان را با دادن صدقه مداوا کنید. و از جمله آثار دنیوی انفاق و صدقه عبارت است از طول عمر و دفع مرگ بد. امام باقر (علیه اسلام) فرمود: همانا احسان و نكو كاری و صدقه دادن، فقر و ناداری را بر طرف می کند و بر عمر می افزاید و احسان کننده و صدقه دهنده را از هفتاد نوع مرگ بدرجام رهایی می بخشند.

و از دیگر آثار مثبت دنیوی صدقه و احسان، برکت مال و توفیق پرداخت قرضهاست، از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود ((الصدقه تقضى الدين و تخلف البركة)): صدقه، پرداخت وام را فراهم می کند و برکت باقی می گذارد.

و همچنین صدقه آینده فرزندان انسان را تأمین می کند. امام صادق فرمود: هیچ بنده ای در دنیا به طریق نیکو صدقه نداد مگر آن که خدا پس از او در مورد فرزندان، به نكویی جانشین ساخت.

و امام باقر (علیه السلام) فرمود: این که من خانواده ای مسلمان را کفالت کنم و شکم آنان را سیر کنم و اندامشان را ببوشانم و مانع از آن باشم که دست به سوی مردم دراز کنند، دوست داشتنی تر است در نزد من از این که دهها بلکه هفتاد بار حج بگذارم.

مسئله ۲۲۰. رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) بزرگان و سرپرستار خانواده ها را تشویق فرموده است که برای اهل و عیال خود هدایایی بدهند و بدان وسیله دل آنان را شاد کنند. ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به بازار رود و هدیه ای بخرد و آن را به اهل عیال خود ببرد مانند آن است که صدقه ای را برای مردم نیازمند حمل کرده است.

مسئله ۲۲۱. اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان از چیزهای است که شریعت اسلام به آن تشویق و مردم را به سوی آن فراخوانده است. رسول خدا فرموده: ((من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم)) : هر که سب را سحر کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نوزیده است مسلمان نیست.

و نیز فرمود: هر که صبح کند در حالی که در سر، اهتمام به امور مسلمانان را ندارد از آنان نیست.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - که ویژه این فصل است.

مسئله ۲۲۲. آیامی توان در تشیع جنازه همسایه غیر مسلمان، شرکت جست؟

جواب: هرگاه او و کسان و منسوبینش به عدوات مسلمانان و اسلام معروف نباشد، مانعی از شرکت نیست ولی افضل آن است که به دنبال جنازه حرکت کند نه جلوتر.

مسئله ۲۲۳. آیا با یک شخص غیر مسلمان اگر او همسایه، شریک و امثال آن بود می توان طرح دوستی ریخت؟

جواب: اگر او با اسلام و مسلمین دشمنی نمی ورزد و با کلام و یا در عمل، خصومت، آشکار نمی کند مانعی نیست که با او به مهر و محبت برخورد شود و در حقش احسان و نکویی به عمل آید خدای متعال فرمود:

((لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین)) : خدا شما را از احسان و نکویی به کسانی که با شما نجنگیده و شما را از میهن و خانه و کاشانه تان بیرون نکرده اند، نهی نمی کند زیرا خدا اهل قسط و عدالت را دوست می دارد.

مسئله ۲۲۴. آیا پیروان ادیان و کتابهای آسمانی و یا دیگر کفار که اهل کتاب نیستند، می توانند وارد مساجد و دیگر اماکن عبادت و مشاهد مقدس شوند و بر فرض جواز ورود، آیا بانوان بی حجاب ایشان را به رعایت حجاب باید الزام کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، ورود آنان به مساجد جایز نیست اما دیگر اماکن مقدس، مانعی ندارد و زنان باید به رعایت حجاب و پوشش اسلامی معتقد باشند در صورتی که بی حجابی آنان نوعی بی احترامی تلقی شود.

مسئله ۲۲۵. آیا همسایه یهودی، مسیحی و یا همسایه دیگری را که اصلاً دین ندارد و به آیینی دلبستگی ندارد می توان آزار داد؟

جواب: بدون سبب، جایز نیست او را آزار رسانید.

مسئله ۲۲۶. آیا به بینوایان کافر اعم از کتابی و غیر کتابی، صدقه می توان داد چنان کاری ثواب دارد؟

جواب: به هر کسی که با حق مردم محق، سرعناد و دشمنی ندارد می توان صدقه داد و خدا به چنان عملی، پاداش می دهد.

مسئله ۲۲۷. آیا امر به معروف و نهی از منکر با وجود احتمال تأثیر و ایمنی از ضرر در مورد کسی که از دوستان اهل بیت نیست و یا کافر است، واجب است؟

جواب: بلی، اگر همه شرایط فراهم باشد واجب است. و از جمله شرایط آن است که شخص در ارتکاب منکر و یا ترک واجب، معذور نبوده باشد و جاهل مقصر و معذور نیست پس او را نخست باید ارشاد و راهنمایی کرد سپس اگر مخالفت ورزید مورد امر و نهی قرار داد.

و این، در صورتی است که منکر از چیزهایی نباشد که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به وقوع آن نیست مثل فساد در روی زمین و آدم کشی و خونریزی و امثال آن و گرنه جلو آنگونه کارها باید گرفته شود هر چند که کننده، جاهل قاصر بوده باشد.

مسئله ۲۲۸. در یک مدرسه اروپایی، در جلو شاگردان، خدا را انکار می کند، آیا جایز است بچه های مسلمان در چنان مدرسه درس بخوانند در حالی که تأثیرات القانات آن معلم بسیار جدی است؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اولیای اطفال مسئولیت کامل دارند.

مسئله ۲۲۹. آیا در دبیرستانها، دختر و پسر می توانند مختلط باشند با علم به اینکه چنان اختلاطی، روزی به فعل حرام می کشد هر چند که آن، نگاه حرام باشد.

جواب: در آن صورت جایز نیست.

مسئله ۲۳۰. آیا یک شخص مسلمان می تواند به استخرهای شنا برود که مردوزن در آن مختلط اند و خصوصاً زنان در آنجا آنچنان پرده حیا را بریده که به تذکر اعتنا نمی کنند؟

جواب: حضور در چنان جاهایی بنابر احتیاط، مطلقاً جایز نیست هر چند که نگاه بدون لذت جنسی به زنان که پوشش ندارند و پس از نهي هم خودداری نمی کنند، جایز می باشد.

مسئله ۲۳۱. کسانی که در کشورهای غربی سکونت دارند، می توانند دختر با حجاب خود را برای آموزش اجباری به مدارس مختلط بفرستند با علم به اینکه مدارس غیر مختلط هم وجود دارد هر چند در مکانی دور و گران، و یا در سطح آموزش پایین؟

جواب: اگر اخلاق دختران در آن مدرسه فاسد شود تا چه رسد که اعتقادات و باورهای دینی را از دست بدهند که عادتاً چنین است، رفتن به آن مدارس جایز نمی باشد.

مسئله ۲۳۲. دخترانی که در دانشگاههای کشورهای بیگانه درس می خوانند می توانند با پسران مسلمان در سفرهای تفریحی و گردش های علمی همراهی کنند؟ جواب: جایز نیست مگر آنکه از وقوع در حرام ایمن باشند.

مسئله ۲۳۳. آیا یک صحنه عشقی طبیعی را می توان در خیابان تماشا کرد؟

جواب: احتیاط آن است که به طور مطلق به چنین صحنه هایی نگاه نکند هر چند که اگر با نظر شهوت و لذت جنسی همراه نباشد می توان نگریست.

مسئله ۲۳۴. آیا می توان به سینماهای مختلط و دیگر اماکن لهو و نا مشروع رفت با این وجود که مطمئن نیستیم در حرام نیفتیم؟

جواب: جایز نیست.

مسئله ۲۳۵. آیا شنا در استخر مختلط که هدف، لذت نمی باشد، جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط، رفتن به اماکن لهو و فساد، به طور مطلق جایز نمی باشد.

مسئله ۲۳۶. آیا در روزهای آفتابی، می توان به کنار دریا و یا پارکهای عمومی رفت در حالی که در آنجا صحنه های خلاف عفت عمومی وجود دارد؟ جواب: با وجود عدم اطمینان و خوف و وقوع در حرام، جایز نیست.

مسئله ۲۳۷. در کشورهای اروپایی، توالی های بهداشتی متناسب با معیارهای خود می سازند و هرگز رو به قبله و یا پشت بع قبله بودن را که ما در ساختمانهای خود در میهن اسلامی، رعایت می کنیم ملحوظ نمی کنند. آیا از چنان توالی های می توان استفاده کرد به خصوص که سمت قبله را ندانیم و اگر سمت قبله را بدانیم چطور؟ راه چاره چیست؟

جواب: در صورت نخست، بنابر احتیاط، از چنان توالی های استفاده نشود مگر آنکه از شناخت سمت قبله نومید شود و نتواند انتظار کشد و یا منتظر ماندن برای اورنج آور و پر زحمت و یا آسیب زا باشد و اما در صورت دوم بنابر احتیاط رو به قبله و یا پشت به قبله ننشینید و در موقع ضرورت و ناچارگی پشت به قبله بودن را برگزیند.

مسئله ۲۳۸. اگر یک مسلمان در کشورهای اروپایی و یا آمریکایی و امثال آنها، جامه دانی پیدا کند که دارای علامت است و بدان وسیله می توان صاحب آن را شناخت و یا اصلاً دارای علامت نباشد، تکلیف چیست؟

جواب: جامه دان معمولاً دارای علامتی است که بدان وسیله صاحب آن را می توان شناخت، پس اگر معلوم شود که صاحب آن مسلمان و یا در حکم مسلمان است که داراییشان محترم می باشد و یا چنین چیزی محتمل به احتمال، معقول و در خور توجه باشد لازم است یک سال صبر کند و آن را معرفی نموده و پس از آنکه از یافتن صاحب آن نومیصدی حاصل شد آن را صدقه داد و اما اگر معلوم گردد که صاحب آن، غیر مسلمان است جایز است آن را تملک نمود مگر آنکه کشور از کشورهایی باشد که مسلمانان تعهد داده تحت شرایط پیشنهادی آنان زندگی کند و از جمله است تحویل یافته ها و گمشده ها به صاحبانشان که در این صورت تملک آن جایز نیست و باید مطابق تعهدات قانونی عمل کرد.

مسئله ۲۳۹. هرگاه مبلغ زیادی پول در یک کشور اروپایی پیدا کنیم و علامتی هم نداشته باشد می توانیم آن را تملک کنیم؟

جواب: اگر آن پول دارای علامت نباشد که بدان وسیله صاحبش را شناسایی کنیم هر چند آن علامت، مقدار و مبلغ آن باشد می توان آن را تملک کرد مگر آنکه مورد از مسائلی باشد که در پیش گفتیم که در آن صورت برابر مقررات قانونی آن کشور باید عمل شود.

مسئله ۲۴۰. در کشورهای غربی، هرگاه لوازم گران قیمت را باقیمت های خیلی پایین و ارزان، در معرض فروش می گذارند طوری که انسان مطمئن می شود که آن مال، مال دزدی است، اگر یقین و گمان قوی داشته باشیم که آن، مال دزدی است اعم از آنکه از مسلمان دزدیده شده و یا از کافر، فروشنده مسلمان باشد یا کافر، خرید و فروش چنان مالی جایز است؟

جواب: اگر انسان بداند و یا اطمینان داشته باشد که آن مال از یک شخصی که مالش محترم است دزدیده شده اعم از آنکه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، خرید و فروش و تملک چنان مالی، جایز نمی باشد.

مسئله ۲۴۱. قیمت سیگار در کشورهای غربی و اروپایی، بسیار گران است، آیا خرید آن از باب حرمت اسراف و تبذیر حرام است به ویژه آنکه می دانیم سیگار فایده های ندارد که هیچ، ضرر هم ندارد.

جواب: خرید آن، جایز است و تنها بدان علت که در سؤال فرض شده، استعمال آن حرام نمی شود، بلی اگر سیگار کشیدن برای شخصی به طور جدی ضرر کند و ترک آن، برایش آسیبی نرساند و یا ضرر ترک سیگار از ضرر خود سیگار کشیدن کمتر باشد، در این صورت اجتناب لازم است.

مسئله ۲۴۲. برای طبیب مکالمه های تلفنی اشخاص، دستگاههایی اختراع کرده اند که بدون توجه صحبت کننده، سخنان او طبیب می

شود تا به هنگام لزوم و نیاز به آنها احتجاج و استشهاد شود. آیا چنین کاری جایز است؟
 جواب: در طبط سخنان کسی که در پشت تلفن صحبت می کند اجازه گرفتن واجب نیست اما پخش آنها و به اطلاع دیگران رساندن، اگر اهانت به مؤمن و افشای راز او محسوب می شود جایز نیست مگر این که آن هم با واجبی دیگر برابر و یا مهمتر، تزامم پیدا کند.
 مسئله ۲۴۳. عکس برداری را به مجلس جشن عروسی که در آن شراب می خورند دعوت می کنند آیا پذیرفتن چنین دعوتی جایز است؟
 جواب: جایز نیست از صحنه های شرایخواری وامثال آن که از محرومات اند، فیلمبرداری شود.

مسئله ۲۴۴. حدود اطاعت از پدر و مادر چیست؟

جواب: فرزند در برابر پدر و مادر دو نوع واجب دارد:

اول: نکویی و انفاق به ایشان اگر بینوا و تهیدست اند و تأمین نیازمندی های زندگیشان و برآوردن خواسته های مشروعان در حدود شئون عادی زندگانی آنگونه که فطرت سالم ایجاب می کند. و ترک این وظیفه نوعی انکار نکویی های ایشان است.
 و این نکویی بر حسب اختلاف حال پدر و مادر از حیث تنگنایی و گشایش و نیرو و ضعف فرق می کند.
 دوم: نیک رفتاری و خود داری از بد رفتاری در سخن و عمل اگر چه به او ستم کرده باشد و در روایت آمده است که اگر پدر و مادرت تورا زدند نباید به آنان تندی کنی بلکه باید بگویی خدا شما را بیامزد.

این دو وظیفه نسبت به شئون پدر مادر است و اما در شئون فرزند نیز امر دو نوع است :

اول: ادیت شدن پدر و مادر از این ناحیه باشد که دلسوز فرزندشان هستند و از کاری که او انجام می دهد هر چند در ارتباط با ایشان نباشد، رنج می کشند، فرزند، چنین کاری را نباید بکند اعم از اینکه او را نهی کنند و یا نه.

دوم: اذیت شدن پدر و مادر از این جهت باشد که آنان برخی خصلت های نکوهیده دارند مثلاً دوست نمی دارند فرزندانشان به دنبال خیر دنیا باشد چنین اذیت شدنی اثری برای فرزند ندارد و واجب نیست فرزند در مقابل این نوع توقعات تسلیم آنان باشد. و از همین مطلب معلوم می شود که اطاعت از پدر و مادر در خصوص او امر و نواهی شخصی شان در حد ذات خود واجب نیست. و خدا عالم و داناست.

مسئله ۲۴۵. برخی پدران می ترسند فرزندانشان امر به معروف و نهی از منکر کنند میباید زبانی به آنان رسد، آیا اطاعت آنان در این موارد واجب می شود با علم فرزند به اینکه عمل او مؤثر واقع می شود و بیم ضرر هم برخورد نمی برد؟

جواب : اگر چنان کاری با شرایط، بر فرزند واجب باشد لازم است انجام دهد و نباید به خاطر اطاعت مخلوق، نا فرمانی خالق کند.

مسئله ۲۴۶. پسری با پدر و مادرش هر روز در یک امر حیاتی بگو مگوی تندی می کنند طوری که پدر و مادر می رنجند. آیا جایز است

فرزندانش چنین کنند و حدود چنین رفتاری چیست فرزند تا کجا باید آن حدود را رعایت نماید؟

جواب: هر فرزندی می توان درباره نظرات پدر و مادر که به صحبت آنها عقیده ندارد بحث و گفتگو کند اما باید آرامش داشته باشد و ادب را رعایت نماید و به آنان تندتویز ننگرد و صدایش را برآنان بلند نکند تا چه رسد به کار بردن کلمه های رکیک و خشن که هرگز جایز نیست.

مسئله ۲۴۷. مادری به فرزندش می گوید برو همسرت را طلاق بده و گرنه عاقبت می کنم چون او با عروس خود نمی سازد آیا اطاعت

مادر در این خصوص واجب است؟

جواب: اطاعت از مادر در این مورد واجب نیست و آن کلام که تورا عاق می کنم، بی اثر است البته باید از بد گفتاری با مادر اجتناب کرد.

مسئله ۲۴۸. پدری فرزند خود را طوری زده است که بدن او را سرخ و یا سیاه کرده است آیا بر پدر، دیه واجب می شود و اگر جز پدر

کسی دیگر بزند حکم فرق می کند؟

جواب: دیه واجب می شود اعم از آنکه زنده، پدر باشد و یا دیگری .

مسئله ۲۴۹. مسلمانی اطمینان دارد که پدرش از ته قلب به خارج مسافرت کردن او راضی نیست اما او آن را از زبان پدر نشنیده است

آیا در این صورت سفر را که به مصلحت او هم هست باید ترک کرد؟

جواب: اگر نکویی به پدر در همان حدی که در مسائل گذشته اشاره کردیم چنان کاری را ایجاب کند و یا پدر از مسافرت فرزندش به سبب

دلسوزی، اذیت می شود لازم است او چنان مسافرتی را رها کند مگر آن که از ترک آن سفر ضرر و زیان ببیند که در این صورت لازم

نیست ترک سفر کند تا آنان نرنجند.

مسئله ۲۵۰. آیا زن به پدر و مادر و برادر و خواهر شوهر باید نکویی و خدمت کند و یا شوهر لازم است که به پدر، مادر، برادر و خواهر

همسرش خدمت و نیکی کند خصوصاً در سرزمین های غریب؟

جواب: در این که چنان کاری، احسان و نیکی و نکویی به زن و شوهر به حساب، می آید خوب است، با این وجود واجب نیست.

باب دوم : معاملات « فصل ۶: مسائل پزشکی

نظر به پیشرفت علم و تکنولوژی در کشورهای غربی و آمریکایی، بیشتر مسلمانان بای دیدن دوره تخصص های پزشکی به آن کشورها وارد می شوند هم چنانکه مسلمانان ساکن در آن کشورها همانند دیگر شهروندان، آنجا که سلامتیشان ایجاب کند نیازمند معالجه و مراجعه به مراکز پزشکی می شوند و به همین سبب، نیکوست که ما برخی احکام شرعی را توضیح دهیم.

مسئله ۲۵۱. تشریح اندام مسلمان به قصد آموزش و دیگر اغراض، جایز نیست اما اگر حیات یک مسلمان هر چند در آینده به آن

عمل، موقوف باشد، چنان کاری، جایز می شود.

مسئله ۲۵۲. جایز است عضوی از اعضای یک حیوان و حتی سگ و خوک را به بدن انسان پیوند بزنند و برآن عضو پیوندی آثار و احکام بدن خود انسان مترتب است یعنی: آن، پاک است و نماز با آن جایز می باشد. بعد از آن که حیات در آن عضو حلول کرده باشد، و عضو بدن انسان به حساب آید.

مسئله ۲۵۳. هیچ پزشکی نمی تواند دستگاهی را که برای ادامه حیات یک مریض مسلمان کار گذاشته شده و ضربان قلب او را راه انداخته است هر چند که حیات گیاهی بوده و اگر چه مغز از کار افتاده باشد بکشد و از کار بیندازد زیرا جان مسلمان احترام دارد. همچنین هیچ پزشکی نباید به تقاضا و در خواست مریض و یا خویشاوندان او از کمک و معالجه مریض مسلمان خودداری کند و اگر پزشکی آن دستگاه را راه بیندازد و مریض بمیرد، آن پزشک قاتل شناخته می شود.

مسئله ۲۵۴. شایسته نیست دانشجوی پزشکی، به هنگام آموزش به آلت تناسلی کسی نگاه کند مگر زمانی که با نگاه او، ضرر و آسیبی بزرگ از مسلمانی هر چند در آینده، برطرف می شود.

مسئله ۲۵۵. واجب نیست مسلمان قبل از خوردن دوا جستجو کند که آیا آن دوا مشتمل بر مواد حرام هست یا نه هر چند که چنان تفحصی سهل و آسان باشد.

و اینک برخی استفتائهای ویژه این فصل و پاسخ های حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام الظله.

مسئله ۲۵۶. معروف است که مواد مخدر به استعمال کننده آن و یا به طور کلی بر جامعه ضرر و زیان قابل توجه دارد اعم از اعتیاد دایم یا جز آن. و لذا پزشکان و خانه های بهداشت یک صدا به آن حمله می کنند و قوانین اجتماعی و کشوری هم با عا ملهای آن به مبارزه بر می خیزند، نظر شریف شما در آن باره چیست؟

جواب: استعمال مواد مخدر که دارای ضرر و زیان قابل توجهی است اعم از آنکه ضرر از ناحیه اعتیاد دائم باشد و یا جز آن حرام است. بلکه احتیاط واجب، آن است که به طور کلی از آنها پرهیز شود مگر در هنگام ضرورت های پزشکی وامثال آن، پس به همان اندازه ضروری تجویز می شود و خدا داناست.

مسئله ۲۵۷. توصیه های پزشکی می گوید سیگار کشیدن عامل اصلی بیماری های قلبی و سرطان است و گاهی هم سبب کوتاهی عمر می شود پس حکم سیگار کشیدن بالنسبه به اشخاص ذیل چیست؟

۱- کسی که تازه شروع کرده است.

۲- به سیگار کشیدن معتاد شده است.

۳- در کنار کسی نشسته ایم که او سیگار می کشد و پزشکان می گویند آن کس که در کنار شخص سیگاری می نشیند ضرری قابل توجه، به او می رسد.

جواب:

۱- کشیدن سیگار اگر موجب ضرر و زیان می شود هر چند در آینده و اعم از اینکه آن ضرر معلوم باشد و یا گمان وجود داشته باشد طوری عقلاً بر سلامت شخص بیمناک باشند، حرام است. و اما اگر ایمن از ضرر و زیان شدید باشد هر چند بدین جهت که کمتر می کشد، مانعی ندارد.

۲- اگر ادامه کشیدن سیگار ضرر شدیدی می آورد باید دست برداردمگر آنکه ترک سیگار موجب ضرر دیگری شود مثل ضرر حاصل از سیگار کشیدن و یا سخت تر از آن و یا اینکه ترک سیگار برای او حرجی باشد طوری که عادتاً تحمل ناپذیر است.

۳- چنین شخصی همانند شخص مبتدی است، و جواب بخش اول شامل حال او هم می شود.

مسئله ۲۵۸. به عقیده بعضی، مرگ مغز برابر با مرگ انسان است، هر چند که نبض او بزند اما پس از مدتی نبض هم می ایستد - آنگونه که پزشکان می گویند - آیا چنان انسانی مرده حساب می شود و یا باید نبض از حرکت باز ایستد؟

جواب: در صدق عنوان ((مرده)) که موضوع عده ای از احکام شرعی است، نظر عرف شرط است که او را مرده نامند و در فرض سؤال چنین نیست.

مسئله ۲۵۹. کار طبابت ایجاب می کند که پزشکان بعضی خانمهای بیمار را با دقت معاینه کنند و چون در کشورهای اروپایی در آوردن لباسهای رویی به هنگام معاینه، معمولی است آیا پرداختن به شغل پزشکی در آنجاها و به این صورت جایز است؟

جواب: با اجتناب از نگاه کردن و دست زدن که حرام می باشند جایز است، مگر به مقداری که تشخیص بیماری به آن بستگی دارد.

مسئله ۲۶۰. گاهی پزشک معالج، لازم می بیند که بخشی از بدن زن نامحرم را باز کند و احیاناً ممکن است آنجا، از جاهای حساس باشد جز آلت تناسلی آیا باز کردن بدن نامحرم به هنگام معاینه و یا معالجه جایز است؟

اولاً: با وجود پزشک زن هر چند با پرداخت ویزیت گران؟

ثانیاً: بیماری چندان مهم نیست ولی به هر حال او مریض شده و به پزشک مراجعه کرده است.

ثالثاً: اگر پزشک بخواهد به آلت تناسلی نگاه کند حکم آن چیست؟

جواب:

۱- با وجود پزشک زن، مراجعه به پزشک مرد جایز نیست مگر آنکه حق ویزیت آنقدر زیاد باشد که او از عهده پرداخت آن نتواند بیرون آید.
 ۲- و اگر در آن صورت ترک معالجه به ضرر و زیان افتد و یا به رنجی گرفتار شود که تحمل پذیر نیست، جایز است.
 ۳- به هر تقدیر باید به اندازه ضرورت و ناچارگی اکتفا شود و اگر معالجه بدون نگاه مستقیم میسر باشد مانند نگاه در صفحه تلویزیون و یا در آینه، احتیاط ترک نشود.

مسئله ۳۶۱- در دانش ژنتیک برخی دانشمندان مدعی اند که می توانند نوع انسان را به واسطه تغییر ژنها و تأثیر بر آنها، زیباتر کنند. اولاً: زشتی صورت را برطرف می کنند و ثانیاً به جای آن، زیبایی فرامی دهند و ثالثاً: هر دو کار را انجام می دهند. آیا دانشمندان حق چنین کاری را دارند و آیامسلمان حق دارد ابه پزشک اجازه دهد که ژن های ارثی را، زیبا سازد؟
 جواب: اگر مشکل جانبی نداشته باشد چنان عملی در حد ذات خود بلامانع است.

مسئله ۳۶۲- برخی شرکت های غریبی ، دواهایی را قبل از آنکه رسماً به بازار آید تجربه می کنند. آیا یک پزشک می تواند چنان دواایی را به وسیله مریض خود بیازماید بدون اینکه مریض بداند بخصوص اگر پزشک گمان دارد که پیش از حصول نتیجه نهایی برای آن شرکت دربرای مریض مفید خواهد افتاد؟
 جواب: باید بیمار را مطلع ساخت و موافقت او را در تجربه دوا به دست آورد مگر آنکه پزشک مطمئن باشد که آن دوا بر مریض، اثر جانبی ندارد و همین اندازه که فقط در مفید بودن آن شک دارد.

مسئله ۳۶۳- برخی اداره ها (پزشکی قانونی) در مواردی می خواهند جنازه ای را برای فهم علت مرگ و یا قتل، تشریح کنند آیا چنین اجازه ای هست یانه و چه موقعی جایز نمی باشد؟

جواب: ولی میت، نمی تواند به تشریح جنازه مرده ای برای مقصد یاد شده، اجازه دهد. و در صورت امکان، باید از آن جلو گیری به عمل آورد. مسئله ۳۶۴- هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا با وصیت مرده ای برای زنده اعم از مسلمان برای کافر و یا به عکس، جایز است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟

جواب: بخشیدن عضوی از شخص زنده برای زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگریش سالم است و کار می کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند. و همچنین بریدن عضوی از اندام مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هر گاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد. زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در غیر این دوصورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی ، اشکال هست اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی شود.

مسئله ۳۶۵- اگر عضوی را از بدن ملحدی به بدن مسلمانی پیوند بزنند آیا پس از عمل پیوند و بعد از آنکه عضو بدن مسلمان شد، آن عضو پاک است؟ جواب: عضوی که از بدن زنده جدا می شود بدون فرق میان مسلمان و غیر مسلمان نجس است و پس از آنکه جزئی از بدن مسلمان و یا کسی که در حکم مسلمان است، گردید و روح در آن حلول کرد محکوم به طهارت و پاکی است.

مسئله ۳۶۶- ماده انسولین که در معالجه بیماری قند تزریق می شود احیاناً از بنکر بایس خوک، گرفته می شود آیا استعمال آن جایز است؟ جواب: مانعی نیست که در عضله یا رگ یا زیر پوست با سوزن، تزریق شود.

مسئله ۳۶۷- آیا پیوند کلیه خوک به انسان جایز است؟

جواب: جایز است و خدا عالم است.

مسئله ۳۶۸- آیا کشت نطفه جایز است بدین معنی که تخمک زن و نطفه مرد را منتقل می کنند و تخمک را در بیرون رحم تلحیح کرده و آنگاه در داخل بدن قرار می دهند ؟!

جواب: این کار در حد ذات خود جایز است.

مسئله ۳۶۹- برخی بیماری های ارثی هستند که از پدران به فرزندان انتقال می یابد و زندگانی آنها را به مخاطره می اندازد. علم جدید راه نجات برخی از مرضها را یافته است بدین ترتیب که تخمک زن را در لوله خارجی کشت می کنند و جنین های به وجود آمده را کنترل می کنند و سالم را از بین آنها انتخاب و در رحم مادر کشت می کنند، بقیه را از میان می برند آیا چنین عملی شرعاً جایز است؟

جواب: مانعی ندارد

مسئله ۳۷۰- در عمل تلقیح تخمک در داخل دستگاه مصنوعی ، گاهی چندین جنین شکل می یابد و چه بسا کشت همه آنها در رحم مادر برای او مرگ آور و یا خطر ناک است آیا می توان یک جنین را برگزید و بقیه را تلف کرد؟

جواب: کشت تخمک پرورده شده که در دستگاه آزمایش، به عمل می آید واجب نیست پس در فرض سؤال می توان یکی را برگزید و بقیه را تلف کرد و از بین برد.

مسئله ۳۷۱- آیا می توان با عمل جراحی ، صورت و یا قسمت های دیگر بدن را زیبا ساخت؟

جواب: با پرهیز از لمس و نظر حرام، جایز است.

بیماری ایدز (Aids) و یا ضعف سیستم ایمنی بدن از خطرناکترین بیماری های بشری است که بر حسب آمار ۱۹۹۶، هشت میلیون قربانی در جهان داشته است و فعلاً بیست و دو میلیون انسان حامل ویروس این بیماری وجود دارد و آمارهای اخیر نشان می دهد که

تلفات این بیماری در سال ۱۹۹۶ به یک میلیون و نیم انسان بالغ شده است و بنابر این آمار، تعداد مرگ و میر حاصل از ایدز تا ۱۹۹۸ به شش میلیون نفر می رسد و همین رقم را سازمان بهداشت جهانی به مناسبت روز جهانی ایدز که مصادف با ۱۳/۱/۱۹۹۶ است اعلام کرده است.

پزشکان راههای عمده سرایت این بیماری را به فرار زیر اعلام کرده اند:

الف - ارتباط جنسی میان افراد هم جنس و یا از دو جنس و این خطرناکترین و سیله شیوع بیماری ایدز است و ابتلا از این طریق ۸۰٪ می باشد.

ب - ورود میکروب از راه خون اعم از طریق آمپولهای آلوده و خصوصاً آلوده به مواد مخدر و یا از طریق زخم های قابل نفوذ و پیوند اعضا و حتی در عملیات جراحی اگر ابزار جراحی کاملاً ضد عفونی نشده باشند.

ج - از طریق مادر مبتلا هنگام بارداری و یا در موقع زایمان، ویروس به جنین انتقال می یابد.

آمارهای ، گویای این حقیقت هستند که تمام کشورهای جهان به این بیماری مبتلا هستند و ملتی از آسیب آن، در امان نیست هم چنان که شماره بیماران به طور مرتب بالا می رود و بیشتر در میان جنس مرد است و هم چنین از آثار بداین بیماری (ایدز) شیوع برخی بیماری هایی است که در حال ریشه کن شدن در عالم بوده اند مثل سل ریه.

پس از این مقدمه، برخی استفتاءها را تقدیم می کنیم:

مسئله ۲۷۲. کسی که به بیماری ایدز مبتلاست آیا واجب است شخصاً خود را منزوی کند و یا خانواده اش او را منزوی نمایند؟

جواب: بر او واجب نیست که خود را منزوی کند و بر خانواده او نیز واجب نمی باشد که او را منزوی نمایند بلکه اگر خطر سرایت به دیگران نباشد نمی توان او را از حضور در مساجد و دیگر اماکن عمومی منع کرده بلی واجب است در خصوص راههای سرایت قطعی و یا احتمالی مراقبت و پیشگیری به عمل آید.

مسئله ۲۷۳. حکم سرایت دادن عمدی چیست؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اگر آن عمل موجب مرگ شخص سرایت شده، شود هر چند پس از مدتی ، ولی مرده می تواند نقل کننده عمدی را قصاص کند به خصوص اگر می دانست که چنان کاری به مرگ طرف می کشد و اما اگر جاهل بوده و یا از اثر آن غفلت داشته است فقط دیه و كفاره واجب می شود و بس. مسئله ۲۷۴. آیا شخص مبتلا به بیماری ایدز می تواند با شخص سالم ازدواج کند؟ جواب: آری ، ولی نمی تواند طرف را فریب دهد یعنی خود را به هنگام خواستگاری سالم معرفی کند با این که خود می دانسته است که بیمار است. همچنانکه بر او جایز نیست با همسرش مقاربت کند که به سرایت ویروس منتهی می شود و اما مجرد احتمال سرایت با وجود عدم یقین، اجتناب از نزدیکی واجب نیست البته پس از توافق و تحصیل رضایت طرف.

مسئله ۲۷۵. حکم ازدواج کسانی که هر دو حامل ویروس ایدز هستند چه طور است؟

جواب: مانعی ندارد اما اگر روابط جنسی میان آنها سبب تشدید بیماری در حد خطرناک باشد، اجتناب، لازم است.

مسئله ۲۷۶. مجامعت با کسی که به بیماری ایدز مبتلاست چگونه است؟ آیا شخص سالم باید از او اجتناب و دوری کند زیرا معاشرت، یکی از عمده ترین راههای سرایت ویروس این بیماری است؟

جواب: همسری که سالم است می تواند از شوهرش که مبتلا به ایدز است و مقاربت موجب سرایت ویروس می شود هر چند که احتمالاً، تمکین نکند بلکه واجب است او از عمل مقاربت که موجب انتقال ویروس ایدز به وی می شود خود داری کند.

و اگر ممکن باشد، احتمال سرایت را هر چند با استعمال کاندوم و یا دیگر وسایل پیشگیری تا ۲٪ پائین آورد جلوگیری از بارداری جایز می شود بلکه بنابر احتیاط خود داری از مقاربت جنسی جایز نمی باشد.

و از همین مسئله حکم شوهر سالم نسبت به همسر مبتلا به ایدز معلوم می شود، یعنی مرد نمی تواند با همسرش که مبتلا به ایدز است نزدیکی کند با احتمال سرایت ویروس به وی ، البته با ید این احتمال معقول و قابل قبول باشد و حق شرعی مقاربت در هر چهار ماه ساقط می شود مگر اینکه

بتوانند از وسایل ایمنی استفاده کنند و جلو سرایت را بگیرند.

مسئله ۲۷۷. زن و یا شوهری که سالم است حق دارد طلاق و جدای را مطرح کند؟

جواب: اگر به هنگام عقد، فریب صورت گرفته باشد یعنی در وقت خواستگاری و عقد خوانی زن و یا مرد خود را سالم معرفی کرده است و عقد مبنی بر سلامت طرفین واقع شده است در این صورت آن کس که فریب خورده حق دارد عقد را بهم بزند و فریبی که موجب حق اختیار می شود، تنها با سکوت زن و یا ولی او ثابت نمی شود اگر مرد عقیده داشته که بیماری وجود ندارد. اما اگر فریب کاری در میان

نبوده و یا مرض او بعد از عقد پیدا شود مرد می تواند همسرش را مرض ایدز دارد طلاق دهد و اما همسر سالم آیا به مجرد این که

شوهرش مریض است و با او نمی تواند مقاربت کند، می تواند طلاق بخواهد؟ در این مسئله دو وجه است. احتیاط ترک نشود البته

اگر شوهری به کلی همسرش را ترک کند طوری که او بلا تکلیف بماند او می تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و شوهرش را به یکی از دو امر الزام کند یا طلاقش دهد و یا به کلی او را ترک نکند.

مسئله ۲۷۸. وقتی که شوهر به بیماری ایدز مبتلا باشد حکم طلاق از سوی زن چگونه است ؟

جواب : پاسخ این سوال گذشت (زن می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و تقاضای طلاق دهد...) مسئله ۳۷۹: آیا زنی که به بیماری ایدز مبتلاست می تواند سقط جنین کند ؟ جواب: این کار جایز نیست بخصوص پس از آنکه روح به جنین دمیده شده اما اگر ادامه حاملگی برای مادر ضرر داشته باشد قبل از حلول روح در جنین، اسقاط آن جایز است اما پس از آن نه.

مسئله ۳۸۰: حق حضانت طفل سالم برای مادر مبتلا به ایدز و دادن شیر آغوز و یا جز آن چیست؟ جواب: حق حضانت و سرپرستی مادر نسبت به فرزندش، ساقط نمی شود لیکن لازم است، مراقبت به عمل آید تا از سرایت بیماری پیشگیری شود و اگر احتمال سرایت ویروس، احتمالی معقول باشد و شیر خوردن مستقیم از پستان مادر برای طفل خطرناک باشد، اجتناب لازم است.

مسئله ۳۸۱: آیا می توان بیمار ایدز را بیماری مرگ تلقی کرد؟ جواب: چون دوران این مرض، خیلی طولانی است و زمان زیادی طول می کشد، نمی توان آن را مرض موت حساب کرده اما مرحله های پایانی آن که مرگ بیمار نزدیک می شود مانند مرحله شدت هیجان، و فقدان کامل نیروی دفاعی و یا عوارض عصبی کشنده دیگر، آن را مرض موت می توان تلقی نمود.

مسئله ۳۸۲: آیا برای پزشک جایز و یا واجب است که بیماری ایدز را به کسان بیمار مانند همسران و شوهران، آشکار بیان کند و آنان را مطلع سازد؟

جواب: هر گاه بیمار و یا ولی او اجازه دهند اعلام مرض و بیماری توسط پزشک جایز است. و اگر تأمین حیات برای او به مدت طولانی موقوف به اعلام مرض باشد چنان که نگفتن آن ممکن است عوارضی را به دنبال داشته باشد مانند ترک احتیاط لازم و سرایت مرض، در این صورت اعلام مرض برای کسان بیمار واجب می شود و خدا داناست.

مسئله ۳۸۳: اگر مسلمانی بداند که او به مرض ایدز مسری، گرفتار است آیا جایز است او با همسرش، عمل زناشویی انجام دهد و آیا واجب است او را مطلع سازد؟

جواب: هرگاه او بداند که با عمل زناشویی، ویروس مرض به همسرش سرایت می کند زناشویی به طور مطلق جایز نیست و همچنین است اگر چنان امری را احتمال دهد و آن احتمال قابل توجه باشد. مگر آنکه همسرش از بیماری شوهر مطلع باشد و با رضایت خود، تمکین کند.

باب دوم : معاملات « فصل ۷: ازدواج

در باره زناشویی و ازدواج در شریعت اسلامی، قوانین و مقررات ویژه ای وجود دارد که همگی جنبه حیاتی دارند و از این نظر که نیاز های مختلفی را از انسان رفع می کنند هر یک حاوی نکته های کلی و جزئی می باشند و تأمین کننده بسیاری از خواسته هایی هستند که با زندگی فردی و جمعی او پیوند پیدا می کنند. احکام در رابطه بامسائل جنسی مرد و زن، بسیار است و ما به آن اندازه که به زندگی یک مسلمان در یک کشور غیر اسلامی ارتباط زیاد دارد و دانستن آنها برای او مهم و لازم است، می پردازیم . مسئله ۳۸۴: ازدواج از مستحبات مؤکد است از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است که فرمود: هر کس ازدواج کرد نیمی از دین خود را حفظ کرد.

و در روایت دیگر فرمود: هر کس می خواهد از سنت من پیروی کند، نکاح از سنت من است. و در حدیث سوم فرمود: هیچ مسلمانی، پس از اسلام، همانند همسر مسلمانی که به هنگام نگاه، او را شاد کند و از دستوراتش فرمان برد و در عیاب حافظ ناموس وی باشد، بهره ای به دست نیاورده است.

مسئله ۳۸۵: شایسته است مردی که می خواهد همسر برگزیند برخی صفات را در نظر بگیرد و جز با زن عقیف، پاکدامن، بزرگوار، ریشه دار و صالحه ای که در امور دین و دنیا یار و یاور او باشد، ازدواج نکند و سزاوار نیست که مرد فقط به جمال ظاهری بسنده کند در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله و علیه و آله) فرمود: از سیزی مزبله بپرهیزید. پرسیدند: مراد شما چیست؟ فرمود زن زیبای بد تربیت.

مسئله ۳۸۶: شایسته آن است که زن و اولیای دختر که او می خواهد ازدواج کند، مردی دارای صفات ذیل را برای شوهری انتخاب کند و جز مرد متدین، عقیف و پاک نظر، خوش اخلاق که هرگز لب به شراب نزده و به منکرات و گناهان کبیره آلوده نشده است را انتخاب نکند. مسئله ۳۸۷: بهتر است اگر خواستگار، مردی متدین و خوش اخلاق است جواب رد به وی داده نشود رسول خدا فرمود: اگر کسی به خواستگاری شما آمد و از دین و اخلاق او خوشنود بودید با او ازدواج کنید و اگر نکند در روی زمین فتنه و فساد بزرگ روز خواهد داد.

مسئله ۳۸۸: مستحب است هر انسانی در امر ازدواج دیگران وساطت کند و طرفین را بدان امر راضی کند.

مسئله ۳۸۹: مردی که می خواهد با دختر یا زنی ازدواج کند قبل از خواستگاری می تواند به زیبایی های او نظر اندازد و با وی هم صحبت شود و از جمله زیبایی های : صورت، مو، گردن، دست، پا، بازو، و دیگر جاهای زیبایی به شرط اینکه به فسد لذت جنسی نباشد.

مسئله ۳۹۰: ازدواج در شریعت اسلامی دو نوع است ۱- دائم ۲- موقت

ازدواج دائم آن است که مدت تعیین نمی شود و همسر دائمی است. ولی در ازدواج موقت، زمان معین می شود مثل یک سال، بیشتر و

یا کمتر، چنین همسر، همسر موقت و یا متعه نامیده می شود.

مسئله ۳۹۱- در هر دو نوع ازدواج باید صیغه عقد خوانده شود در ازدواج دایم، زن به طور مستقیم می گوید خود را به عقد ازدواج شما در آورم با فلان مهر (و مقدار مهر ذکر شود) و مرد می گوید پذیرفتم.

و در عقد موقت زن می گوید: خود را برای فلان مهری و برای فلان مدت به ازدواج تو در آورده ام و مرد می گوید پذیرفتم.

مسئله ۳۹۲- کسی که نمی تواند صیغه ازدواج را با زبان عربی بخواند با هر زبانی که قابل فهم باشد می تواند بخواند هر چندکه وکیل او بتواند صیغه را به عربی اجرا کند.

مسئله ۳۹۳- زن و مرد می توانند صیغه عقد خود بخوانند و یا به کسی وکالت دهند و حضور شهود در مجلس عقد، شرط نیست هم چنانکه حضور عالم دینی هم شرط صحت عقد ازدواج نمی باشد.

مسئله ۳۹۴- هر مسلمانی می تواند بازن یهودی یا مسیحی به طور موقت ازدواج کند و احتیاط واجب آن است که با غیر مسلمان، ازدواج دایم نکند، چنانکه ازدواج با زن کافر غیر کتابی به طور مطلق جایز نمی باشد و بنا بر احتیاط واجب، با زن مجوسیه هم ازدواج نکند هر چند، موقت باشد. اما زن مسلمان به طور قطع و یقین با هیچ مرد کافر - کتابی و غیره - نمی تواند ازدواج کند.

مسئله ۳۹۵- در ازدواج دوشیزه مسلمان با اهل کتاب، موافقت پدر و یا جد پدری در صورتی که در امور زندگی مستقل و مالک امور خویش نباشد، شرط است و بنا بر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد، رضایت و موافقت یکی از آن دو (پدر یا جد پدری) را جلب کند اما اجازه و رضایت مادر، برادر خواهر و دیگر خویشاوندان نزدیک، شرط نمی باشد.

مسئله ۳۹۶- در ازدواج دوشیزه بالغ و رشید اگر پدر و یا جد، او را از ازدواج با همگن خود باز می دارند شرط مزبور، منتفی است و نیز اگر خود را به طور کلی از زندگانی آن دوشیزه کنار بکشد و یا دوشیزه دسترسی به ایشان نداشته و تحصیل اجازه آن میسر نگردد چنان شرطی ساقط است پس او می تواند با مردی همگن است بدون اجازه پدر و یا جد پدری ازدواج کند.

مسئله ۳۹۷- اجازه پدر و یا جد پدری در مورد ازدواج دختری که قبلاً ازدواج شرعی نموده شرط نمی باشد اما اگر آن دختر، بکارت خود را در اثر زنا یا به وسیله دیگر از دست داده باشد، اجازه پدر و یا جد پدری هم چنان شرط است.

مسئله ۳۹۸- در کشورهایی که کافر کتابی و غیر کتابی و ملحد وجود دارد مسلمانی که می خواهد با دختری ازدواج کند باید از دین و مذهب او سؤال کند تا اطمینان پیدا کند که او با دختری بی دین ازدواج نمی کند و نکاح او باطل نمی باشد و در این خصوص، سخن آن دختر پذیرفته است.

مسئله ۳۹۹- مسلمانی که با یک زن مسلمان ازدواج نموده است نمی تواند بدون اجازه او با یک زن دیگر کتابی مانند یهودی و یا مسیحی، ازدواج مجدد کند و بنا بر احتیاط واجب ازدواج موقت هم بپرهیزد هر چندکه همسر او اجازه داده باشد و در این مسئله میان دور بودن و یا همراه بودن همسرش فرقی نیست.

مسئله ۴۰۰- هیچ مرد مسلمانی با یک زن کتابی مثل یهودی و یا مسیحی، نمی تواند بدون ازدواج قانونی عمل جنسی انجام دهد هر چندکه دولت متبوع آن زن کتابی، در حال جنگ با مسلمانان باشد.

مسئله ۴۰۱- بنا بر احتیاط واجب انسان با کسی که به زنا مشهور است، ازدواج نکند مگر پس از توبه او هم چنانکه بنا بر احتیاط واجب مرد زنا کار با زنی که با او زنا کرده، ازدواج ننماید مگر بعد از توبه آن زن.

مسئله ۴۰۲- ازدواج غیر مسلمان که مطابق قوانین دین و آیین خود آنان صورت گرفته است، ازدواجی صحیح می باشد اعم از آنکه زن و شوهر هر دو کتابی باشند مثل یهودی و مسیحی و یا غیر کتابی باشند مانند گروه های کفار و یا یکی کتابی و دیگری غیر کتابی باشد حتی اگر آنان در یک زمان هر دو مسلمان گشتند، نیازی به عقد مجدد نیست و ازدواج سابقشان به فوت خود باقی می ماند.

مسئله ۴۰۳- وقتی پدری ولایت خود را از دخترش برداشت و او را در سن هیجده سالگی در شئون زندگی، خود مختار و در تصرف امور، مستقل کرد چنانکه در برخی کشورهای اروپایی و یا آمریکایی و یا غیر آنها چنین وضعیتی حاکم است، و در این صورت دوشیزه می تواند بدون اجازه پدر و جلب رضایت او ازدواج کند.

مسئله ۴۰۴- هر یک از زن و شوهر می توانند به ظاهر و باطن اندام یکدیگر نظر اندازند حتی آلت تناسلی و نیز می توانند به هر عضوی از اعضای یکدیگر دست بزنند با لذت و بدون آن.

مسئله ۴۰۵- در ازدواج دایم هزینه زندگی زن به عهده شوهر است به شرط آنکه او در اموری که باید از شوهر اطاعت کند، فرمان ببرد پس شوهر باید خوراک، پوشاک و مسکن و دیگر ملزومات زندگی او را از قبیل وسایل گرم و سرد کننده و یا فرش و اثاث و غیر آنها مطابق شئون همسر بالنسبه به شوهر، فراهم سازد و این امر، با اختلاف زمان و مکان و حال و عرف و عادت و سطح زندگی اشخاص، فرق می کند.

مسئله ۴۰۶- بر شوهر واجب است که هزینه سفرهایی را که همسرش با وی همراه است، بپردازد همچنین اگر او تنها سفر رود و آن سفر، ضروری بوده و خارج از شئون زندگی هم نباشد مثل آنکه مریض باشد و احتیاج به هزینه پیدا کند و یا لازم باشد که به پزشک مراجعه نماید در این صورت بر شوهر واجب است که همه هزینه ها را بپردازد.

مسئله ۴۰۷- جایز نیست با زن جوان بیش از چهار ماه ترک هم خوابی شود مگر در صورت داشتن عذر مانند حرج و ضرر و یا آنکه

همسرش راضی باشد و با در حین عقد، آن را شرط کرده باشد و بنا بر احتیاط این حکم به زن دایم اختصاص ندارد پس زن موقت هم، چنین است هم چنان که این حکم به وطن اختصاص ندارد در سفر نیز آن حکم صادق است پس مرد نمی تواند بدون عذر شرعی ، سفری طولانی رود طوری که حق همسرش ضایع شود خصوصاً اگر چنان سفری ، ضرورت هم نداشته باشد مانند آنکه برای تفریح و گردش می رود.

مسئله ۴۰۸. هیچ زن مسلمانی نمی تواند با یک مرد کافر به طور دایم و یا موقت، ازدواج کند.

مسئله ۴۰۹. اگر شوهری بدون دلیل شرعی ، همسرش را اذیت و آزار کند او می تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا شوهر، ملزم به حسن رفتار گردد و اگر سودمند واقع نشد به هر گونه که حاکم صلاح بداند او را تنبیه می نماید و اگر آن هم فایده نبخشید، زن می تواند درخواست طلاق کند و اگر شوهر، او را طلاق نداد و اجبار به حسن معاشرت، میسر نشد، حاکم شرع آن زن را طلاق می دهد.

مسئله ۴۱۰. جایز است منی شوهر را به همسرش تلقیح مصنوعی کنند به شرط آنکه این کار مستلزم فعل حرام نشود مانند نگاه کردن به جاهایی که حرام است و امثال آن.

مسئله ۴۱۱. زن می تواند با استفاده از داروهای گیاهی و پزشکی مانع بارداری شود به شرط آنکه ضرر و زیان جدی پیش نیاید و در این کار رضایت و عدم رضایت شوهر، شرط نمی باشد.

مسئله ۴۱۲. هر زنی می تواند با استفاده از aud و یا هر وسیله دیگر مانع از بارداری شود به شرط آنکه استفاده از آن، موجب ضرر و زیان جدی نگردد و قراردادن آن، مستلزم فعل حرام نباشد مثل نگاه و لمس نامحرم به بدن زن و همچنین نگاه و لمس بدون دستکش توسط زنی که این دستگاه را در بدن زن دیگر قرار می دهد که همه اینها فعل حرام می باشد و دیگر اینکه قرار دادن آن دستگاه موجب سقط جنین نشود.

مسئله ۴۱۳. زن نمی تواند جنینی را که روح در آن حلول کرده است به هیچ عنوانی بیندازد.

مسئله ۴۱۴. اگر مادری جنین خود را ساقط کند باید دیه بپردازد و همچنین است پدر و یا هر شخص دیگر مانند پزشک که حق ندارد سقط جنین کند و اگر کردند دیه بر آنان لازم می شود.

واینک نمونه ای از استفتانات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در این خصوص.

مسئله ۴۱۵. آیا سهم امام (علیه السلام) را می توان به عنوان مساعدت در امر ازدواج یک جوان در کشور غربی به مصرف رسانید؟ با علم به این که با ارز پرداختی در این کشور امر ازدواج بیش از یک یا دو مؤمن را که در کشور های اسلامی زندگی می کنند و نیازمند هم هستند، می توان سامان داد و آیا شایسته نیست از آن سهم امام (علیه السلام) چندین شخص مستحق بهرمنند گردند؟

جواب: ترویج مردان مؤمن و محتاج هر چند که از جمله مصارف سهم امام (علیه السلام) است اما صرف آن جز با اجازه مرجع و یا نماینده او جایز نیست و هزینه کردن آن، در باره چندین نفر واجب نمی باشد بلکه اهم و مهم و یا الاهم فالاهم را باید مراعات کرد و این، با اختلاف موارد فرق می کند.

مسئله ۴۱۶. آیا خواندن صیغه ازدواج با زبان عربی توسط غیر عرب کافی است؟ بدون آن که معانی آن کلمات را بداند با علم به این که در حقیقت، مقصود اجرای عقد ازدواج است؟ و آنچه صیغه ازدواج را با لغت و زبان غیر عربی نمی توان خواند؟

جواب: توجه اجمالی به مفاد معنای صیغه، کافی است و بنا بر احتیاط، اجرای آن با لغت و زبان دیگر جایز نمی باشد.

مسئله ۴۱۷. آیا عقد ازدواج را با تلفن می توان خواند؟

جواب: صحیح است.

مسئله ۴۱۸. آیا شهادت و گواهی به وسیله تلفن، فاکس و نامه پستی ممکن است؟

جواب: احکامی برای شهادت نزد قاضی قابل اثبات است که حضوری باشد اما نقل و حکایت آن به هروسبیله ممکن است و از آن جمله است تلفن امثال آن به شرط آنکه از اشتباه و تقلب کاری ایمن باشیم.

مسئله ۴۱۹. آیا به اندام کسی که می خواهیم با ازدواج کنیم، می توانیم با دقت تمام با قصد لذت و یا بدون آن، جز آلت تناسلی ، نگاه کنیم؟ جواب: می توان به زیبایی های مانند صورت، مو، دست ها، بدون قصد لذت، نگاه کرد هر چند بداند که چنان لذتی نا خود آگاه حاصل خواهد شد پس از آنکه وضع را بایک نگاه فهمید، تکرار جایز نیست.

مسئله ۴۲۰. در برخی کشورهای غربی ، دختران پس از شانزده سالگی ، استقلال مالی و سکنی دارند و عملاً از خانه پدر جدا می شوند و شخصاً به اداره شئون زندگی می پردازند و اگر احیاناً با پدر و یا مادر در برخی مسائل مشورت کنند فقط به عنوان ادب است آیا این چنین دوشیزاه ای می تواند بدون اذن پدر به طور دائم و یا موقت ازدواج کند؟

جواب: این وضع زندگی اگر به این معناست که پدر به او اجازه ازدواج با هر مردی را داده است و یا نوعی کناره گیری از دخالت در شئون زندگی دختر تلقی می شود پس او می تواند ازدواج کند و گرنه، جایز نیست.

مسئله ۴۲۱. زنی که سن او از سی سال گذشته است و هنوز دوشیزه باقی مانده است به هنگام ازدواج همچنان اجازه ولی خود نیاز دارد؟

جواب: اگر در شئون زندگی مستقل نیست، اجازه لازم است بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد باز اجازه بگیرد.

مسئله ۴۲۳. آیا دوشیزه گان می توانند با آرایش خفیف و استفاده از بودرهای زیبایی برای جلب توجه بانوان در مجالس ویژه و یا برای زیبایی بیشتر، حاضر شوند و قصدشان آن باشد که خواستگار پیدا شود و آیا چنین کاری عیب پوشی به حساب می آید؟
 جواب: آن چنان آرایشی را جایز است انجام دهند و آن، پنهان کردن عیوب، محسوب نمی شود با این وجود اگر عیب پوشی هم به حساب آید باز هم حرام نیست مگر آنکه فریبکاری برای خواستگاران تلقی شود.

مسئله ۴۲۳. چه زمانی ، زن می تواند از حاکم شرع، در خواست طلاق کند؟
 آیا زنی که شوهرش دائم با او بدرفتاری می کند و یا نیاز جنسی او را ارضاء نمی کند به طوری که بیم آن می رود که به او نگاه افتد، می تواند پیشنهاد طلاق دهد و آیا در چنین صورت، طلاق داده می شود؟

جواب: اگر شوهری از انجام حقوق همسرش خود داری کند و پس از اجبار حاکم شرع به رعایت یکی از دو امر (طلاق و یا حسن معاشرت)، نتیجه گرفته نشود زن می تواند از حاکم شرع در خواست طلاق کند و مواردی که زن می تواند از حاکم شرع در خواست طلاق کند به فرار ذیل است:

۱- موقعی که شوهر، نفقه و هزینه زندگی همسرش را نپردازد و حاضر به طلاق دادن هم نشود و همچنین اگر شوهری قادر به پرداخت هزینه نباشد و ازدیگر سو، طلاق هم ندهد.

۲- اگر شوهری همسرش را بیازارد و برابر دستور خدا با وی رفتار نیکو کند.

۳- هرگاه مردی همسرش را رها کرده و او بلا تکلیف گذارد طوری که گویا شوهر ندارد.

و اما در صورتی که مرد فقط نیاز جنسی همسرش را نمی تواند بطور کامل برآورده سازد و بیم آن رود که زن به گناه افتد هر چند که بنا بر احتیاط واجب شوهر هر طور که شده از نظر مسائل جنسی همسرش را ارضاء کند و یا او را طلاق دهد با این وجود اگر چنین نکرد بهتر آن است که زن شیوه صبر و انتظار پیشه کند.

مسئله ۴۲۴. زن مسلمانی مدت زمانی است که از شوهرش جدا زندگی می کند و معلوم نیست که این وضع تا چه وقت ادامه داشته باشد مضافاً بر این که اگر زن در مغرب زمین، تنها و بدون شوهر بماند برجان خود از دزدان و آدم ربایان و هجوم به خانه اش ایمن نمی باشد آیا او در این صورت می تواند در خواست طلاق کند و با ازدواج مجدد، با یک شوهر دیگر به آرامی زندگی کند؟

جواب: اگر شوهر او را رها کرده و تنهائش گذاشته است او می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و درخواست طلاق کند و حاکم شرع شوهر را مجبور می کند تا با وی زندگی کند و یا آزادش کند تا او همسری دیگر برگزیند اگر شوهر به یکی از این دو وظیفه عمل نکند زن می تواند به حاکم شرع رجوع نماید و طلاق خود را مطرح سازد.

و اما اگر زنی بدون مجوز شرعی، شوهرش را رها کند و جدا از او زندگی نمایند در این صورت زن چنان حقی را ندارد و حاکم شرع هم نمی تواند او را طلاق بدهد.

مسئله ۴۲۵. برای یک مرد مسلمانی چنان پیش آمده که مدت زمان طولانی جدا از همسرش زندگی می کند آیا او می تواند با یک زن کتابی ازدواج دائم کند بدون آنکه همسر مسلمانش را آگاه سازد و اگر همسرش را مطلع کرد و او از اجازه گرفت، چنین ازدواجی صحیح می باشد؟

جواب: یک مرد مسلمان نمی تواند با یک زن کتابی به طور دائم ازدواج کند اما ازدواج موقت در صورت نداشتن همسر، مجاز است و با وجود همسر مسلمان بدون اجازه او ازدواج موقت نیز جایز نیست و بنا بر احتیاط واجب در صورت اجاره همسر هم از آن کار خود داری کند.

مسئله ۴۲۶. مسلمانی که دارای همسر مسلمان می باشد سالهاست از کشور خود مهاجرت کرده و نیاز به ازدواج دارد آیا پس از طلاق همسرش در زمان عده طلاق، می تواند با یک زن کتابی ازدواج ممتع نماید؟
 جواب: چنان ممتع ای باطل است زیرا زن در زمان عده طلاق رجعی ، در حکم همسر است و در مسائل پیش گفتیم که ممتع زن کتابی با وجود همسر مسلمان، جایز نمی باشد.

مسئله ۴۲۷. آیا واجب است کسی را که می خواهد با یک زن کتابی و یا حتی مسلمان، ازدواج کند او را مطلع می سازیم که آن زن در عده همسر سابقش می باشد و یا اصلاً عده نگاه نداشته است؟
 جواب: اطلاع دادن، واجب نیست.

مسئله ۴۲۸. آیا یک مرد مسلمان می تواند با زن کافری که همسر یک مرد کافری است، ازدواج کند؟ و آیا اگر آن زن از شوهر کافر گرف، عده دارد؟ و زمان عده چقدر است؟ و آیا جایز است در زمان عده، با او همبستر شود اگر آن زن، مسلمان شد برای ازدواج با یک مرد مسلمان، چقدر باید عده نگاه دارد؟

جواب: مرد مسلمان نمی تواند با زن کافری که دارای شوهر قانونی و برابر شریعت خود می باشد، ازدواج کند زیرا او شوهر دار است اما پس از طلاق وانقضای عده - و نه قبل از آن - ازدواج موقت جایز است و زمان عده زن غیر مسلمان همانند عده زن مسلمان می باشد و هر گاه آن زن، مسلمان شود پس از آنکه با شوهر غیر مسلمان همبستر شده بوده و شوهرش مسلمان نگردیده احتیاط آن است که قبل از انقضای عده با آن زن ازدواج نشود اما اگر آن زن قبل از همبستر شدن با آن شوهر غیر مسلمان به اسلام بگردد، عقد ازدواج خود

به خود فسخ می شود وعده ندارد.

مسئله ۴۲۹. معنی رعایت عدالت میان همسران چیست؟

جواب: عدالتی که رعایت آن واجب است، تقسیم وقت و شیهاست بدین معنی که اگر یک شب با یکی بود شب بعد با همسر دیگر باشد در هر چهار شب، و اما عدالت مستحبی عبارت از آن است که در هزینه کردن و توجه نمودن و در برآوردن نیاز جنسی و با روی باز و خندان رویه رو شدن برابر عمل کند. مسئله ۴۳۰. اگر یک زن مسلمانی زنا کند شوهرش می تواند او را به قتل برساند؟
جواب: بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست او را به قتل برساند هر چند که او را در حال زنا کردن ببیند.

مسئله ۴۳۱. در رساله های علمیه، جمله ((زن مشهور به زنا)) آمده است معنای آن جمله چیست؟

جواب: معنای آن جمله این است که آن زن در میان مردم به عمل زنا شناخته شده و بدان صفت مشهورگشته است.
مسئله ۴۳۲. آیا با زن مشهور به زنا می توان ازدواج موقت کرد؟ در صورتی که یک جوان به شدت به ازدواج نیاز دارد و جز آن زن زنی دیگر نیست.

جواب: بنا بر احتیاط واجب بازن مشهور به زنا قبل از توبه، ازدواج نشود.

مسئله ۴۳۳. معنای این که فقها می گویند زن زنا کار بعد از عمل زنا، عده ندارد چیست؟

جواب: معنای جمله آن است که زن زناکار بعد از زنا می تواند ازدواج کند و عده نگاه ندارد و اگر آن زن زناکار شوهر دار باشد، می تواند همبستر شوند بی آنکه به سبب زنا عده نگاه دارد مگر آنکه وطی به شبهه صورت بگیرد که نگاه داشتن عده در این وقت لازم است.
مسئله ۴۳۴. مردی با یک زن بدون عقد شرعی، به قصد ازدواج بعدی، همبستر می شود و دارای فرزند می گردد و سپس او را به عقد شرعی در می آورد آیا روابط گذشته آنان، مشمول عقد شرعی می شود و آیا عقد بعدی عطف به ما سبق می شود؟ به هر حال وضع بچه ای که در حال ارتباط بدون عقد شرعی به وجود آمده است چیست؟

جواب: در تحقق ازدواج، علاقه زن و شوهری با ایجاب و قبول لفظی انشاء می شود و هیچ چیز دیگر هر چند که به ایجاب و قبول دلالت نماید جای عقد لفظی را نمی گیرد. نتیجه آنکه چنین ازدواجی صحیح نمی باشد مگر پس از اجرای عقد لفظی و اثر آن به زمان پیش برنمی گردد. و فرزند حاصل از چنین ازدواجی در صورت جهالت و نادانی پدر و مادر، حلال زاده است زیرا همبستری از روی اشتباه رخ داده است و اما اگر هر دو می دانسته اند، عملشان زنا و فرزند نیز و لذت ناشناخته می شود اگر یکی از آنان بداند و دیگری نداند فقط نسبت به آن کس که نمی دانسته، فرزند حلال زاده محسوب می شود.

مسئله ۴۳۵. برخی اوقات، زن و شوهر به تلقیح مصنوعی که پزشکی آن را اجراء می کند نیاز پیدا می کنند و آن عمل، مستلزم دیدن آلت تناسلی آنان توسط پزشک است آیا چنین عملی جایز است؟

جواب: دیدن آلت تناسلی و مشاهده آن توسط فرد نامحرم، تنها به سبب یاد شده در سؤال، جایز نمی باشد و اما اگر نیاز به فرزند، ضروری باشد و آن، به دیدن آلت تناسلی موقوف باشد در آن صورت جایز می شود و از موارد ضرورت آن است که پدر و مادر آنچنان برای فرزند داشتن بی صبری می کنند که تحمل آن وضع برایشان فوق العاده دشوار و طاقت فرساست.

مسئله ۴۳۶. زنی که نمی خواهد فرزند دار بشود به پزشک مراجعه کرده و از او می خواهد تا لوله های رحم او را بندد اعم از آن که باز کردن آن لوله ها بعداً ممکن باشد و یانه و اعم از آنکه شوهر راضی باشد یا نه، آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: چنان عملی برای زن جایز است به شرط آن که اگر به دست زدن و نگاه نامحرم نکشد اعم از آن که باز کردن لوله ها بعداً امکان داشته باشد یا نه. و اجازه شوهر از این جهت که بستن لوله های رحم، از فرزندداری، مانع می شود، لازم نیست بلی گاهی اجازه شوهر لازم می شود و آن، جهت خروج از خانه برای مراجعه به پزشک می باشد زیرا خروج از خانه بدون اجازه شوهر جایز نیست.
مسئله ۴۳۷. در برخی کشورهای غربی چنان رایج شده که تخمک زن را از نطفه مرد می گیرند و آن را در یک رحم مصنوعی می کارند و سپس جنین بارور شده را به رحم مادر صاحب تخمک منتقل می سازند و آن گاه جنین در رحم مادر بزرگ، پرورش یافته و وضع حمل پیش می آید.

اولاً: آیا کشت جنین در رحم مادر بزرگ جایز است؟

و ثانیاً مادر شرعی این طفل کیست؟

جواب: جواز این کار مشکل است قطع نظر از این که چنان عملی احیاناً به دست زدن و نگاه نامحرم موقوف می شود و اگر تلقیح مصنوعی، عملی شد در این که مادر نسبی آن طفل کیست؟ دو احتمال وجود دارد و نسبت به هر دو، زن صاحب تخمک و مادراو، احتیاط ترک نشود.

مسئله ۴۳۸. گاهی منی یک مرد را در بانک ویژه، نگاهداری می کنند آیا یک زن مسلمان طلاق گرفتن می تواند منی مرد بیگانه ای را با اجازه او وبدون عقد، برای خود تلقیح کند؟

و اگر آن منی، از شوهر قبلی خود او باشدو این کار در ایام عده صورت بگیرد جایز است و پس از پایان عده چطور؟

جواب: تلقیح منی یک مرد بیگانه، برای زن جایز نمی باشد اما منی شوهر در ایام عده رجعی، جایز است و پس از انقضای عده جایز نمی باشد.

مسئله ۴۳۹- شخصی بین راضی نگاه داشتن خانواده و همسرش به مشکل برخورد است آیا او برای رضایت خانواده اش می تواند همسر خود را طلاق دهد و یا به عکس، شوهر برای رضایت خاطر همسرش خانواده خود را رها سازد ؟
 جواب: باید به آنچه صلاح دین و دنیاوی او ایجاب می کند عمل نماید و عدالت و انصاف را پیش بگیرد و از ظلم و تعدی و تضییع حقوق دیگران، اجتناب ورزد.

مسئله ۴۴۰- مقصود از هزینه و نفقه ای که هر شوهر برای همسرش باید بپردازد چیست؟ آیا آن، باید با وضع اجتماعی شوهر متناسب باشد؟ و یا با موقعیت خانوداگی همسر مطابق باشد؟ و یا، نه آن است و نه این؟
 جواب: ملاک، شئون زن است به نسبت موقعیت شوهر.

مسئله ۴۴۱- هر زنی برعهده شوهرش حقوقی دارد که باید آنها را ادا کند پس اگر شوهری از انجام آنها سر باز زد آیا زن می تواند مانع همبستر شدن وی شود؟

جواب: زن چنان حقی را ندارد اما اگر پند و هشدار برای مرد مفید واقع نشود زن به حکم حاکم شرع رجوع می کند و از او تعیین و تکلیف می خواهد. مسئله ۴۴۲- آیا جایز است مسافر مسلمان به هنگام سفر، در تودیع و استقبال، همسرش را در انتظار مردم بیوسد و یا بغل کند؟

جواب: اگر تحریک کننده نباشد و حجاب و پوشش رعایت شود، چنان کاری حرام نیست ما بهتر آن است که به طور کلی اجتناب شود.
 مسئله ۴۴۳- یک زن و شوهر در کشور غیر اسلامی برابر مقررات آن کشور طلاق قانونی گرفته اند اما مرد، حق قانونی و شرعی همسرش را نمی دهد و حرف واسطه ها را نمی پذیرد تکلیف چنین زنی چیست با علم به این که صبر و شکیبایی بر این وضع برای او فوق العاده طاقت فرسا می باشد؟

جواب: آن زن به حاکم شرع و یانماینده او مراجعه می کند و آنان شوهر را به رعایت یکی از دو کار الزام می کنند یا هزینه بپردازد و یا طلاق شرعی دهد هر چند با وکالت دادن به یک شخص ثالث. و هر گاه شوهر از هر دو کار خود درای کرد و پرداخت نفقه، از دارایی شوهر امکان نداشت حاکم شرع و یا نماینده او، وی را طلاق می دهند.
 مسئله ۴۴۴- آیا همبستر شدن با یک زن کافر - اعم از کتابی و غیر کتابی - بدون عقد شرعی و قانونی جایز است؟ با علم به این کشور متبوع آن زن مستقیم و یا غیر مستقیم در حال جنگ با مسلمان است؟
 جواب: جایز نیست.

مسئله ۴۴۵- همسری از شوهر خود اطاعت نمی کند و به مسئولیت ها و وظایف شرعی خود در برابر شوهر عمل نمی نماید. و همچنین بدون اجازه شوهر از خانه خارج شده و تا هفت ماه در خانه پدری به سر می برد و از همانجا به جای پناه آوردن به احکام اسلامی به یک دادگاه غیر اسلامی ، مراجعه می کند تا هزینه زندگی خود و فرزندان را بگیرد ضمن آن که از شوهرش طلاق هم می خواهد، آیا اینگونه همسری، دارای حق هست؟ و آیا با این وضع، از شوهرش حقی طلب دارد؟ به ویژه آن که به یک دادگاه غیر اسلامی رجوع کرده و تقاضای طلاق و حق و حقوق خود و فرزندان را کرده است، چنین بانویی استحقاق همه حقوق شرعی یک همسر را دارد؟

جواب: چنان همسری که در سؤال اشاره شده، مستحق هزینه و نفقه شرعی نیست و اما مهریه و حق حضانت و سرپرستی فرزندان را در دو سال کامل دارد و آنها با نشوز و نافرمانی ساقط نمی شوند.

مسئله ۴۴۶- زن جوانی با عمل جراحی، رحم خود را بیرون آورده و در نتیجه از عادت ماهانه افتاده است و مدت پانزده سال است که حیض نمی بیند. او برای مدتی متعه کسی شده است آیا عده نگاه داشتن بر او پس از انقضای مدت، واجب است و زمان عده او چقدر است؟

جواب: اگر او در سن و سال زنانی باشد که حیض می بیند باید عده نگاهدارد و زمان آن، چهل و پنج روز می باشد.

مسئله ۴۴۷- گاهی یک زن غیر مسلمان به قصد ازدواج با مردی مسلمان، شهادتین می گوید بدون آن که ما یقین داشته باشیم که آن شهادتین قلبی است. آیا شنونده آن شهادتین می تواند او را مسلمان بداند؟

جواب: بلی. بر چنان شهادتین، آثار مثبت بار می شود مگر آنکه سخن و یا عمل منافی از او سر بزند.

مسئله ۴۴۸- گاهی طی عمل جراحی تخمک یک زن را به زن دیگر تلقیح می کنند آیا چنان عملی جایز است و اگر آن زن، بار دار شد طفل از آن کدامیک است؟

جواب: با اجتناب از لمس و نگاه حرام، چنان عملی مانع ندارد اما این که مادر جنین کدام است؟ (صاحب تخمک و یا رحم) در احتمال وجود دارد و بنا بر احتیاط واجب هر دو جانب احتیاط را رعایت کنند.

مسئله ۴۴۹- جنین در رحم مادر در میان مایعی شناور است که به هنگام ولادت و یا قبل از آن، خارج می شود گاهی همراه با خون است آیا این مایع اگر بدون خون باشد پاک است؟

جواب: بلی، در صورتی همراه خون نباشد پاک است.

مسئله ۴۵۰- چه موقعی سقط جنین جایز است؟ آیا برای آن سن خاصی مطرح است؟

جواب: پس از انعقاد نطفه، سقط جنین به هیچ وجه جایز نمی باشد مگر زمانی که مادر بر جان خود بترسد و یا ماندن جنین در شکم او ان قدر پر زحمت باشد که غیر قابل تحمل گردد و خلاصی از آن، جز سقط جنین راهی دیگری ندارد، در این صورت تا روح در جنین دمیده نشده است سقط، جایز است و اما پس از دمیده شدن روح در جنین سقط آن به هیچ وجه جایز نیست.

مسئله ۴۵۱- گاهی پزشکان، چنان تشخیص می دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود اوناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را در آورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

جواب: تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواند بود، مجوز سقط جنین نمی شود پس مادر نمی تواند اجازه جنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.

مسئله ۴۵۲- آیا مادری که فرزند نمی خواهد می تواند جنین خود را قبل از حلول روح ببندازد در حالی که ماندن جنین، خطری جدی برای مادر ندارد؟ جواب: او چنان حقی را ندارد مگر آن که بقای جنین برای مادر موجب زحمت فوق العاده و طاقت فرسا باشد.

باب دوم : معاملات « فصل ۸ : مسائل جوانان

بسیاری از جوانان مسلمان به قصد تحصیل، به برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی وارد می شوند و به طور موقت و یا دایم در آنجا می مانند. و چون هر جوان مسلمان خود را متعهد می داند خواه ناخواه با مشکلات و سؤالات خاصی رو به رو می شود و خواهان پاسخ مناسب است. و به همین سبب، من پاره ای احکام شرعی را برای آن جوانان متعهد که در کشورهای غربی زندگی می کنند، توضیح می دهم.

مسئله ۴۵۳- فقها به صراحت فرموده اند: به زنان نامحرم نمی توان به قصد ربه و لذت نگرست، و منظورشان از لذت، نگاه شهوت آلود و مرادشان از ربه، بیم وقوع در حرام است.

مسئله ۴۵۴- نگاه کردن به زنان بی حجابی که اگر آنان منع شوند، اعتنا نمی نمایند، جایز است اما نه به قصد لذت جنسی. پس می توان به رو، دو دست، دو پا و هر عضوی از اندام را که معمولاً باز می گذارند، اگر چه باز هم باشد نمی توان نگرست. وانگهی نگاه نباید از روی شهوت و میل جنسی باشد و بیننده، بیم وقوع در گناه، نداشته باشد.

مسئله ۴۵۵- مرد به مرد و زن به زن نمی توانند از روی شهوت جنسی بنگرند.

مسئله ۴۵۶- لواط و هم جنس بازی حرام است چنانکه مساحقه که هم جنس بازی زنان است، حرام می باشد.

مسئله ۴۵۷- استمناء، به هر وسیله باشد حرام است.

مسئله ۴۵۸- بنا بر احتیاط واجب، نگاه به عکس های قبیح و فیلم های باز اگر چه با لذت جنسی و یا ربه هم نباشد، حرام است.

مسئله ۴۵۹- خانه های فساد، دستگاهی تولید کرده اند که ویژگی های دستگاه تناسلی زن را دارد و مرد می تواند آن را به هنگام خواب روی آلت تناسلی خود قرار دهد و با آن مانوس شود بنا بر احتیاط واجب آن را استعمال نکند اگر چه قصد انزال هم نداشته باشد و در این مسئله همسر داشتن و نداشتن فرق نمی کند.

مسئله ۴۶۰- مرد می تواند برای جلوگیری از بارداری همسرش از کاندوم (کاپوت) استفاده کند اما بنا بر احتیاط واجب، باید رضایت او را به دست آورد.

مسئله ۴۶۱- هیچ مرد مسلمانی نمی تواند به استخرهای مختلط و یا دیگر اماکن فساد برود در صورتی که گناه به دنبال آن باشد بلکه بنا بر احتیاط واجب هر چند حرام هم به دنبال نداشته باشد از رفتن به آنگونه جاها خودداری کند.

مسئله ۴۶۲- هیچ مرد مسلمانی نمی تواند با یک زن نامحرم دست بدهد مگر با مانعی مثل دستکش و غیره، و اگر دست ندادن، وی را به ضرر و زحمت غیر قابل تحمل ببندازد در این صورت مصاحفه و دست دادن، فقط به اندازه ضروری جایز می شود.

مسئله ۴۶۳- یک مرد جوان می تواند خواهر جوان و یا خاله، عمه و یا دختران کوچک را از روی مهر و محبت و بدون شهوت بیوسد اما توأم با شهوت، جایز نمی باشد.

مسئله ۴۶۴- بازی با شطرنج حرام است اعم از آنکه با پول و برد و باخت باشد و یا بدون آن. و همچنین بازی مزبور به وسیله دستگاه کامپیوتر در صورتی که هر دو طرف بازی، دستگاه باشند حرام می باشد و بنا بر احتیاط واجب اگر یک طرف بازی شخص و طرف دیگر دستگاه کامپیوتر باشد باز چنان بازی، ترک شود.

مسئله ۴۶۵- بازی با همه انواع آلات قمار، حرام است مانند ورق، اگر گرو در میان بگذارند و بنا بر احتیاط واجب اگر چه گرو هم در میان نباشد باز، ترک شود.

مسئله ۴۶۶- بازی و مشاهده ورزش هایی مثل فوتبال، بسکتبال، والیبال، کایت، پینگ پونگ و جز آنها چه در میدان های ورزش، باشگاهها و استادیوم ها و یا بر روی صفحه تلویزیون جایز است اعم از آن که پولی پرداخت شود و یا نه به شرط آن که چنان کاری، به عمل حرام نکشد مثل نگاه شهوت و هوس آلود و یا ترک نماز.

- مسئله ۴۶۷- تمرین کشتی و بوکس، بدون گرو و با پول اگر موجب ضرر و آسیب بدنی نباشد جایز است.
- مسئله ۴۶۸- بنا بر احتیاط واجب، مرد نباید ریش خود را بتراشد هم چنانکه جایز نیست موی چانه را نگاهدارد و بقیه موی صورت را بتراشد هم. مسئله ۴۶۹- مرد اگر به قصد معالجه و امثال آن و یا به سبب ضرر و زیان و یا زحمت فوق العاده و یا استهزاء و مسخره مردم که غیر قابل تحمل است، ناچار شود ریش خود را بتراشد، چنان کاری جایز است.
- و اینک نمونه هایی از استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سبستانی دام ظلّه العالی:
- مسئله ۴۷۰- پدری به دوست فرزند خود می سپارد که رفتار او را زیر نظر بگیرد و پس از مدتی از آن دوست راجع به نوع رفتار فرزندش سؤال می کند آیا آن دوست جایز است برخی خصوصیات پسر را که دوست ندارد پدر از آنها آگاه شود برای پدر وی بازگو کند؟ جواب: جایز نیست مگر زمانی که آن خصوصیات، گناهی باشد که جلوگیری از آن واجب است و با کمتر از افشای راز میسر نباشد.
- مسئله ۴۷۱- مقصود از این جمله که گویند: "نگاه اول برای تو و نگاه دوم به ضرر تو می باشد" چیست؟ و آیا نگاه نخست را می توان طول داد و در زن دقت کرد طوری که هنوز نگاه اول باشد چنانکه برخی می پندارد؟ جواب: ظاهراً، مقصود از آن جمله فرق گذاشتن میان دو نوع نگاه است به این معنی که نگاه اول معمولاً اتفاقی و گذراست و هرگز به هدف لذت جویی نیست بر خلاف نظر دوم که هدف دار و همراه نوعی شهوت است و بدین جهت مضرّ می باشد چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگاه پس از نگاه، در دل تخم شهوت افشاند و بیننده را به فتنه اندازد و به هر حال مقصود از نگاه اول، اول عددی نیست هر چند در شروع هدف دار بوده باشد چنانکه منظور از نگاه دوم نگاهی است که به هدف چشم چرانی و معصیت صورت بگیرد نه آنکه یک لحظه به دور از شهوت بنگرد.
- مسئله ۴۷۲- در حرمت نگاه به زن نامحرم عبارت هایی به کار می رود که لا اقل برای عده ای چندان واضح نیستند مثل ریه، لذت و شهوت، لطفاً توضیح دهید آیا همه این عبارت به یک معنی است؟ جواب: مقصود از کلمه های لذت و شهوت، لذت جویی و شهوت جنسی است و نه هر لذت و شهوت طبیعی که از نگاه به منظر های زیبا و دل انگیز حاصل می شود و منظور از ریه، بیم گرفتاری به گناه است.
- مسئله ۴۷۳- مرز لذت حرام چیست؟ جواب: پایین ترین مرز لذت حرام، نخستین مرتبه احساس جنسی است.
- مسئله ۴۷۴- در مدارس رسمی انگلستان و شاید برخی کشورهای غربی دیگر برای دختران و پسران جوان، ماده درسی ویژه ای در زمینه مسائل جنسی می گنجاندند آن را با تصویرومانکن آلت تناسلی همراه می کنند آیا شاگردان جوان در چنین کلاسی می توانند حاضر شوند و آیا والدین باید جلو فرزندان را بگیرند هرگاه جوان خودبه شرکت در آن کلاس رغبت نشان دهد و بپندارد که این اطلاعات در آینده برای او مفید خواهد بود؟ جواب: اگر حضور در این کلاس همراه با حرام نباشد مانند نگاه شهوانی و یا در اثر آموزش جنسی به انحراف اخلاقی کشیده نشود مانعی ندارد.
- مسئله ۴۷۵- آیا در مجالس بانوان و در حضور آنان می توان غزل های عاشقانه خواند اعم از آنکه هدف عشق بازی با آنان باشد یا نه؟ و بجزه اگر آن زنان دارای همسر نباشند و آن اشعار غزلی در وجود آنان موثر واقع شود؟ جواب: چنان کاری جایز نیست.
- مسئله ۴۷۶- آیا جایز است با بانوان، عاشقانه بدون لذت جنسی و یا ریه و یا فرخوانی به فعل حرام، صحبت کرد؟ جواب: بنا بر احتیاط جایز نیست.
- مسئله ۴۷۷- آیا غزل سرایی به شعر و یا غیر شعر، با یک زن معین و یا عموم زنان، جایز است؟ جواب: اگر در آن غزلها، درخواست حرام نباشد و یا مفسده دیگر را در پی نداشته باشد، اشکالی ندارد.
- مسئله ۴۷۸- آیا جایز است با بانوانی بدون لذت جنسی هم صحبت شد به آن قصد که نسبت به یکی از ایشان شناخت پیدا کند و سپس پیشنهاد ازدواج موقت دهد؟ جواب: اگر صحبت، از اندازه خارج نباشد و طوری نشود که با زن بیگانه و نامحرم آنگونه صحبت نمی کنند، مانعی ندارد.
- مسئله ۴۷۹- در اروپا چنان مد شده است که مردان گوشواره های زنانه در یک و یا هر دو گوش می آویزند آیا چنین عملی، جایز است؟ جواب: اگر طلا باشد جایز نیست و بنا بر احتیاط، به طور مطلق جایز نمی باشد.
- مسئله ۴۸۰- اگر کسی اولین بار ریش خود را بتراشد و حرام مرتکب شود آیا او در نوبت های بعدی می تواند تیغ بر صورتش بگذارد؟ جواب: احتیاط واجب ترک آن است.
- مسئله ۴۸۱- گاهی برخی شرکت های اروپایی برای استخدام در شرکت خود امتیازی برای افراد ریش تراشیده قابل می شوند آیا جایز است برای استخدام در آن شرکت، ریش را تراشید؟ جواب: بنا بر حرمت ریش تراشی، چنانکه مقتضای احتیاط است مطلب فرضی سؤال، جایز نمی شود.
- مسئله ۴۸۲- آیا تراشیدن موی صورت و باقی گذاشتن مو بر چانه حرام است؟

جواب: بنا بر احتیاط، ریش تراشی حرام است و تراشیدن موهای صورت که بر روی دو فک روییده مشمول حکم ریش تراشی است اما تراشیدن موی گونه ها، اشکال ندارد.

مسئله ۴۸۲- آیا انواع قمار را می توان با ماشین حساب و یا کامپیوتر، بازی کرد بدون برد و باخت و یا حتی با وجود برد و باخت؟ جواب: جایز نیست و آن در حکم قمار بازی با وسایل معمولی است.

مسئله ۴۸۴- برخی بازی های حلال و از آن جمله بازی زر، جایز است؟
جواب: اگر "زر" از وسایل مخصوص قمار نباشد مانعی ندارد که بدانوسیله بازی کنند.

مسئله ۴۸۵- آیا نگاه کردن به قسمت هایی از اندام زنان غیر مسلمان که در تابستان عادت به پوشاندن آن ندارد جایز است؟
جواب: اگر لذت جنسی و یا خوف وقوع در حرام نباشد، مانعی ندارد.

مسئله ۴۸۶- آیا نگاه کردن به عکس زن با حجابی که در عکس بدون حجاب است، جایز است؟
جواب: احتیاط آن است که به غیر از صورت و دو دست از آن عکس نگاه نشود و اما صورت و دو دست بدون ریه و لذت جنسی، جایز می باشد.

مسئله ۴۸۷- آیا نگاه به تصویر تلویزیونی و غیر تلویزیونی زنان غیر مسلمانی که پوشش ندارد و برهنه و یا شبه برهنه هستند جایز است؟ آن هم به قصد کنجکاوی و امثال آن، یا این که اطمینان نداریم لذت جنسی حاصل شود. و در خیابان ها نگاه به زنان نه به آن قصد که گذشت بلکه به تبت تحریک شدن مرد نسبت به همسر خود، چطور است؟
جواب: نگاه کردن به صحنه های برهنه، به طور مستقیم و یا در صفحه تلویزیون و امثال آن جایز نیست بلکه احتیاط واجب آن است به طور مطلق به آن مناظر نگاه نکند.

مسئله ۴۸۸- آیا دیدن میان پرده های تحریک کننده با این که مطمئن نیستیم در ما اثر نگذارد جایز است؟
جواب: اگر در آن میان پرده ها، برهنه باشند بنا بر احتیاط نگاه نشود.

مسئله ۴۸۹- آیا به فیلم های جنسی بدون لذت جنسی می توان نگریست؟
جواب: به طور مطلق جایز نیست.

مسئله ۴۹۰- در برخی کشورها، ایستگاههای تلویزیونی ویژه ای وجود دارد با کانالهای اختصاصی که ماهانه حق اشتراک دریافت می کنند و در غیر نیمه شب برنامه هایی که به فساد اختصاص ندارد ارائه می دهند اما از نیمه شب به بعد فیلمهای باز و برهنه پخش می کنند آیا شرکت در چنان امر و پرداخت حق اشتراک جایز است؟
جواب: جایز نیست مگر آن که به خود و دیگران اطمینان داشته باشد که برنامه های فاسد را نگاه نخواهند کرد.

مسئله ۴۹۱- در برخی کشورها کسی که وارد مجلسی می شود با همه و حتی بانوان بدون لذت جنسی دست می دهد و اگر از دست دادن با زنان خودداری کند چنان رفتاری خارج از نزاکت به حساب آمده و غالباً توهین به زن و تحقیر اوشمرده می شود و به نظر ایشان عکس العمل منفی به دنبال دارد آیا در این صورت دست دادن با زنان نا محرم جایز است؟
جواب: جایز نیست و باید موقعیت را بسنجد یا با هیچ کس دست ندهد و یا دستکش به دست کند و اگر چنین چیزی ممکن نشد و امتناع از دست دادن هم رحمت فوق العاده ایجاد کرد در این صورت جایز است و همه این حرف ها در جایی است که حضور در چنان مجلسی لازم و ضروری باشد و در غیر این صورت حضور در آن مجلس که مستلزم فعل حرام است، جایز نمی باشد.

مسئله ۴۹۲- در کشورهای اروپایی دست دادن به عنوان سلام و درود مطرح است گاهی ترک آن کار به محرومیت و اخراج از کارخانه و مدرسه و امثال آن می کشند، آیا یک مرد و یا یک زن مسلمان می تواند در چنین حالات استثنایی دست بدهد؟
جواب: اگر با پوشیدن دستکش و امثال آن نمی شود از آن مشکل رهایی یافت جایز است مرد و یا زن مسلمان با دیگری مصافحه کند آنجا که ترک چنان کاری موجب ضرر و زیان طاقت رسا می شود.

مسئله ۴۹۳- آیا مسلمانی که در اروپا زندگی می کند می تواند با یک زن غیر مسلمان ازدواج کند آنجا که زن مسلمان پیدا نمی شود و اختلاف زبان، دین و تعلیم و تربیت و ارزش ها و عادت و آداب اجتماعی فراوان فرق می کند؟
جواب: بنا بر احتیاط، ازدواج دائم با زن کتابی جایز نیست و اما ازدواج موقت هر چند که جایز است اما توصیه می کنیم که آن نیز ترک شود زیرا به تولید مثل منتهی می شود و این در صورتی است که او دارای همسر مسلمان نباشد اعم از حضور و یا غیاب. وگرنه بدون اجازه از ازدواج موقت هم جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر همسرش اجازه هم بدهد باز جایز نمی باشد.

مسئله ۴۹۴- بعضی شرکت ها، دستگاهی ساخته اند مانند آلت تناسلی زن که بعضی مردان به هنگام خواب و به قصد لذت جنسی آن را روی آلت تناسلی خود می گذارند آیا این کار نوعی استمنای حرام به حساب می آید؟
جواب: اگر عادتاً موجب خروج منی می شود و یا مقصود او خروج منی باشد و منی بیرون آید حرام است بلکه احتیاط واجب آن است که با وجود اطمینان به عدم خروج منی باز اجتناب شود.

مسئله ۴۹۵- ربوبوسی و معانقه مردان با یکدیگر از روی شهوت جنسی چطور است؟ و اگر مسئله از این حد هم بگذرد و به برخی

کارهای ناشایست برسد چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است هر چند که درجه حرمت ها، متفاوت می باشد.

باب دوم : معاملات « فصل ۹ : مسائل بانوان

در شریعت اسلام برای بانوان احکام ویژه ای وجود دارد که در کتابهای مفصل فقهی طی بابهای مختلف آمده است. و در نتیجه زندگی کردن بانوان در یک محیط غیر اسلامی آنگونه که در آمریکا و اروپا هم اکنون پیش آمده شرایط تازه ای به وجود آورده است که مسائل نو و پاسخهای متناسب می طلبد و من الآن برخی از آنها را ذکر می کنیم شاید خوانندگان محترم از آنها بهره ببرند.

مسئله ۴۹۶- هر زنی می تواند صورت و دو دست خود را در مقابل مرد نامحرم باز بگذارد به شرط آنکه خوف وقوع در حرام نباشد تحریک نامحرمان به نگاه و به طور کلی فتنه انگیزی هدف نباشد وگرنه پوشاندن آنها حتی از محرمان نیز واجب می شود.

مسئله ۴۹۷- زن نمی تواند روی پاهای خود را برای نامحرم باز کند اما در نماز رو و کف هر دو پا را اگر مرد بیگانه ای نبیند می تواند باز بگذارد.

مسئله ۴۹۸- زنان می توانند بر چشمان خود سرمه بکشند و در دست خود انگشتر کنند به شرط آنکه قصد و نیتشان از این کار تحریک شهوت مردان بیگانه نباشد و نیز از وقوع در حرام ایمن باشند وگرنه واجب است آنها را حتی از محرمان نیز بپوشانند.

مسئله ۴۹۹- زنان می توانند برای انجام کارهایی از خانه بیرون روند و از عطر برای خوشبو کردن بدن خود استفاده کنند هر چند که ممکن است مردان نامحرم بو را استشمام کنند به شرط آن که چنان کاری، مردان بیگانه را تحریک نکند و یا قصد زنان، جلب توجه مردان و گرفتار کردن آنان نباشد.

مسئله ۵۰۰- زن می تواند به تنهایی سوار اتومبیلی شود که راننده آن مرد بیگانه ای است به شرط آن که از افتادن در شر و فتنه ایمن باشد.

مسئله ۵۰۱- جایز نیست زن با آلت تناسلی خود بازی کند تا به اوج لذت جنسی برسد و انزال کند و اگر چنین کرد غسل بر او واجب می شود به شرط رسیدن به اوج لذت و خروج مایع به بیرون و آن غسل از وضو کفایت می کند.

مسئله ۵۰۲- زن نازا نمی تواند آلت تناسلی خود را پیش پزشک باز کند مگر آن که ضرورت ایجاب کند و اولاد دار شدن مستلزم چنان کاری باشد و یا بی فرزندگی او را در زحمت طاقت فرسای که تکلیف از میان می برد بیندازد.

مسئله ۵۰۳- شایسته است که بچه از شیر مادر تغذیه کند و در حدیث آمده است شیری که طفل از پستان مادر می نوشد از هر چیزی برایش با برکت تر است و نیکو آن است که طفل بیست و یک ماه شیر مادر بخورد و سزاوار نیست که کمتر از آن باشد و چنانکه سزاوار نیست دوران شیرخوارگی بیشتر از دو سال باشد و اگر پدر و مادر توافق کنند که طفل را قبل دو سالگی از شیر بگیرند، بهتر است.

مسئله ۵۰۴- کارهایی مثل آشپزی، خیاطی و نظافت و شستن جامه ها که ربطی به مسائل جنسی ندارد بر همسر واجب نمی باشد بلی مستحب است او به چنان کارها و آماده سازی خانه برای زندگی بپردازد.

مسئله ۵۰۵- شنیدن صدای زن نامحرم بدون لذت شهوانی و نبودن ریبه و خوف واقع شدن در حرام جایز است. و هم چنین زن می تواند صدایش را به گوش مردان نامحرم برساند به شرط آنکه خوف وقوع در حرام در میان نباشد ولی زن نمی تواند صدایش را نازک و زیبا سازد طوری که برای شنونده تحریک کننده باشد هر چند برای محارمش.

مسئله ۵۰۶- اگر زنی برای درمان بیماری اش ناچار شود که به پزشک حاذق مرد مراجعه کند و آن مستلزم نگاه و لمس باشد چنان کاری جایز است و در صور امکان کفایت کردن به یکی، دومی جایز نمی باشد.

مسئله ۵۰۷- بعضی از علما برای مصلحت زن و شوهر و خانواده و برای آنکه لذت های جنسی را در چهارچوب خانواده، مهار کنند، حجاب و پوشش را برای بانوان لازم می دانند.

مسئله ۵۰۸- فیلمساز مشهور جهانی (آلفرد هیچکاک) می گوید: زن شرقی ذاتاً جاذبه جنسی بیشتری دارد و این جاذبه مایه نیرومندی او گشته است اما در اثر کوششهایی که زن شرقی خواسته است بدان وسیله خود را همانند زن غربی کند و کم کم حجاب را کنار گذاشته به همان نسبت که از حجاب فاصله گرفته از جاذبه جنسی اش کاسته شده است.

مسئله ۵۰۹- ویل دو رانت در بررسی اصول رفتار جنسی زن می گوید:

زن از اول دانست که نباید خود را دست کم گرفته و خویشتن را خوار و زیون قلمداد کند و همین را به دخترانش یاد داد پس زن با تمایل غربی به عفت و حیا و پوشاندن اندام خویش، ارزش خود را بالا برد و در نظر مردان، عزیز و دارای موقعیت گردید.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.

مسئله ۵۱۰- در آغوش گرفتن، بوسیدن و بازی به قصد لذت جنسی، زنی با هم جنس خودش، چه حکمی دارد؟ و اگر کار از این مراحل بگذرد و به کارهای ناشایست دیگر برسد چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است با اختلاف و شدت و ضعف در درجات حرمت.

- مسئله ۵۱۱. بیشتر اوقات، بانوان نیاز به پرسش مسائل از یک عالم دینی پیدا می کنند آیا آنان می توانند با صراحت و بی پرده سؤال کنند؟ و آیا آن عالم هم حق دارد صریح، جواب دهد؟
- جواب: بلی هر دو طرف به قصد آموزش مسائل شرعی می توانند سؤال و جواب صریح و بی پرده مطرح کنند اما بر هر دو واجب است که صدق نیت داشته و عفت کلام را حفظ کنند.
- مسئله ۵۱۲. از آلت تناسلی زن، به هنگام ملاعبه، مایعی لزج و چسبنده ترشح می شود که اگر بازی ادامه پیدا کند چه به اوج هیجان جنسی که به عربی آن را "قذف" نامند می رسد و ترشح آن مایع رو به فزونی می نهد آیا در اولین مرحله ترشح، غسل بر او واجب می شود؟ و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب می شود آیا آن غسل، کفایت از وضو می کند؟
- جواب: به مجرد جریان مایع لزج، غسل بر او واجب نمی شود و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب است، آن غسل در مواردی که طهارت از جنابت شرط است، از وضو کفایت می کند.
- مسئله ۵۱۳. در موسم حج، برخی بانوان، داروهای طبی می خورند تا عادت ماهانه را با تأخیر اندازد اما در همان روز های عادت، به طور منقطع خون می بینند آیا چنان خونی، حیض است؟
- جواب: اگر سه روز پی در پی خون ببیند اگر چه در درون رحم باشد حیض است وگرنه احکام حیض را ندارد.
- مسئله ۵۱۴. عده ای از زنان با حجاب مسلمان، عادت کرده اند که جان و قسمتی از زیر چانه را باز می گذارند اما گردن را می پوشانند. آیا چنین کاری جایز است؟ و چه اندازه ای از صورت را می توان باز گذاشت و آیا گوشها را هم می توان بیرون گذاشت.
- جواب: صورت شامل دو گوش نمی شود، پس پوشاندن آنها واجب است اما چانه و مقدار اندکی از زیر چانه، در حکم صورت می باشد.
- مسئله ۵۱۵. آیا با پیر زنان بیگانه و کهنسال که امیدی با ازدواج ندارند، می توان دست داد؟ و عمر تقریبی باز نشستگی زنان چیست؟
- جواب: دست زدن به بدن زن بیگانه به طور مطلق مگر به هنگام ضرورت، جایز نیست و بازنشستگی، زمان تقریبی ندارد و آن بستگی به حالات زنان دارد ولی ملاک باز نشستگی در قرآن کریم، نومیدی از نکاح و زناشویی به علت کهنسالی است.
- مسئله ۵۱۶. اگر پوششیه و نقاب زدن بر چهره در یک شهری مایه شگفتی و پرس و جو شود و لباس شهرت تلقی گردد واجب است آن را کنار گذاشت؟ جواب: واجب نمی شود مگر زمانی که پوششیه زدن بر صورت توجه بیشتری را جلب کند و یا مردم شهر آن را زشت و غیر عادی بشمارند و لباس شهرت به حساب آید که کنار گذاشتن آن واجب است.
- مسئله ۵۱۷. آیا زن با حجاب تنها می تواند از مرد نامحرم رانندگی یاد بگیرد در صورتی که هنگام آموزش، بیم وقوع در حرام هم نباشد؟
- جواب: با وجود ایمنی از فساد، جایز است.
- مسئله ۵۱۸. برخی آرایشگاههای زنانه به کارگر زن، احتیاج دارند آیا یک زن مسلمان می تواند در چنین آرایشگاهی مشغول کار شود و زنان بی حجاب را اعم از مسلمان و غیر مسلمان که در برابر مردان نامحرم، آرایش کرده ظاهر می شوند، آرایش کند؟
- جواب: اگر آرایش کردن آنان، نوعی ترویج فساد و اشاعه گناه، محسوب گردد او چنان حقی را ندارد اما تحقق این عنوان، بعید به نظر می رسد.
- مسئله ۵۱۹. زنی که روی خود را نمی گیرد می تواند موهای صورت و ابروان را بردارد و پودر طبیعی و سبک بر صورت بزند؟
- جواب: برداشتن موی صورت، و باریک کردن ابروان، مانع از بازگذاشتن رو نمی شود به شرط آنکه از وقوع در حرام، ایمن باشد و بازگذاشتن صورت به انگیزه نگاه نامحرمان، نباشد اما پس از به کار بردن پودر و وسایل آرایشی، پوشاندن صورت واجب است.
- مسئله ۵۲۰. رنگ کردن همه و یا قسمتی از مو به نیت جلب توجه در مجالس بانوان برای ازدواج، جایز است؟
- جواب: اگر، تنها برای آرایش باشد و جنبه فریبکاری و عیب پوشی و یا کم نشان دادن سن نباشد، مانعی ندارد.
- مسئله ۵۲۱. اگر زنی کلاه گیس بر سر گذارد و بدانوسیله موی حقیقی را بپوشاند آیا او می تواند صورت خود را به نیت آرایش و استتار، گرم کند و خود را به غیر آنچه هست نشان دهد؟
- جواب: استفاده از کلاه گیس به نیت زینت به شرط آن که آن را از نامحرمان بپوشاند جایز است.
- مسئله ۵۲۲. آیا یک زن جوان می تواند جوراب نایلون به رنگ پا که ساق پا را زیباتر نشان می دهد به عنوان حجاب بپوشد؟
- جواب: پوشیدن چنان جورابی اشکالی ندارد اما اگر آن، زینت به حساب آید باید آن را از دید نامحرمان بپوشاند.
- مسئله ۵۲۳. آیا پوشیدن جورابی که ساتر است اما پا را مجسم می کند، جایز است؟
- جواب: پوشیدن چنان جورابی فی حد ذاته جایز است.
- مسئله ۵۲۴. پرستاری مسلمان، در یک کلینیک کار می کند و به مقتضای شغلش به اندام مردان اعم از مسلمان و غیر مسلمان دست می زند آیا چنین عملی جایز است؟ یا علم به اینکه او ناگزیر است کار کند و کار، کمتر پیدا می شود وانگهی آیا فرقی میان لمس اندام مسلمان و غیر مسلمان، هست؟
- جواب: جایز نیست زن به اندام مرد نامحرم دست بزند اعم از مسلمان و غیر مسلمان مگر آنکه ضرورتی پیش آید که برطرف کننده حرمت باشد.
- مسئله ۵۲۵. بانویی کفش پاشنه بلند می پوشد و به هنگام راه رفتن، صدا تولید می کند و توجه بر انگیز است آیا پوشیدن چنین

کفشی جایز است؟ جواب: اگر به انگیزه توجه مردان و یا فتنه انگیزی باشد، جایز نیست.

مسئله ۵۲۶- آیا زن می تواند از انگشتر زینتی و یا دست بند و یا گردن بند به قصد آرایش استفاده کند و آیا چنان کاری حلال است یا حرام؟ جواب: چنان کاری حلال است اما پوشاندن آنها از نامحرم، واجب می باشد مگر انگشتر و النگو به شرط ایمن بودن از وقوع در حرام و یا آشکار کردن آنها به انگیزه جلب توجه نامحرم نباشد.

مسئله ۵۲۷- در کشورهای غربی متدوال شده که لنزهای رنگی بر چشم می چسبانند آیا چنان کاری به قصد آرایش و آشکار شدن در برابر انظار مردان نامحرم، جایز است؟

جواب: اگر زینت حساب شود جایز نیست.

مسئله ۵۲۸- آیا خرید و فروش تخمک زن، جایز است؟

جواب: جایز است.

مسئله ۵۲۹- موی سر برخی بانوان در شرایطی می ریزد آیا آنان می توانند به پزشک مرد مراجعه کنند و به قصد درمان، موهای خود را به او نشان دهند اعم از آنکه ریزش مو برایشان زحمت داشته باشد و یا فقط به نیت زیبایی مراجعه کنند؟

جواب: با وجود زحمت طاقت فرسا جایز است والا جایز نمی باشد.

مسئله ۵۳۰- آیا یک زن مسلمان می تواند در مغرب زمین به دانشگاههایی برود که میان دختران و پسران، روابط آزاد وجود دارد؟

جواب: اگر او مطمئن است که می تواند دین خود را حفظ کند و به مسئولیت های شرعی از جمله: حجاب، و دوری از لمس حرام و تأثیر ناپذیر از محیط فاسد و انحراف، مواظبت نماید، جایز است وگرنه جایز نمی باشد.

مسئله ۵۳۱- در برخی کشورهای غربی، صورتگرانی در آرایش دریافت مبلغی، با دقت در چهره اشخاص تصویر آنها را رسم می کنند آیا یک زن باحجاب می تواند در مقابل چنین صورتگرانی قرار بگیرد تا با دقت در چهره او صورتش را ترسیم کنند؟

جواب: شایسته نیست یک زن با حجاب چنان کند.

مسئله ۵۳۲- آیا بانوان می توانند به انواع مختلف ورزش کشتی بپردازند و آیا آنان می توانند اندام لخت کشتی گیران را مستقیم و یا در صفحه تلویزیون بدون لذت جنسی تماشا کنند؟

جواب: هر چیزی که به انسان ضرر بزند حرام است و بنابر احتیاط واجب، زن، اندام مرد نامحرم را بدون لذت حتی در صفحه تلویزیون هم ننگرد مگر دست و پا آنچه که معمولاً پوشانده نمی شود.

مسئله ۵۳۳- آیا بانوان می توانند اندام مردانی را که برای عزاداری (سینه زنی و زنجیر زنی) لباس خود را در می آورند، نگاه کنند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان نکنند.

مسئله ۵۳۴- کسی برای رضای خدادختر خردسالی راسرپرستی کرده و اکنون او به سن بلوغ رسیده است آیا دختر برای این مرد نامحرم است؟

جواب: بلی، او همانند دیگر زنان اجنبی برای او نامحرم است.

مسئله ۵۳۵- بارداری نا مشروع یک دختر برای او بسیار سخت و احیاناً به آبروی خانوادگی او لطمه وارد می کند آیا او می تواند جنین را سقط کند؟ جواب: اگر بارداری به اندازه ای زحمت داشته باشد که طاقت فرسا شده و راه نجاتی جز سقط جنین، وجود نداشته باشد قبل از حلول روح در جنین، چنان عملی جایز است.

مسئله ۵۳۶- آیا یک زن می تواند کت و شلوار بپوشد و در خیابانها و بازارها راه بیفتد؟

جواب: اگر آن جامه بر جستگی های اندام او را مشخص کند و یا سبب فتنه انگیز شود، جایز نمی باشد.

مسئله ۵۳۷- بر سر گذاشتن کلاه گیس به نیت خوشگل تر شدن و مورد توجه بانوان قرار گرفتن در مجالس ویژه خانمها جهت پیدا شدن خواستگار، جایز است؟ و آیا چنان کاری عیب پوشی به حساب می آید؟

جواب: اگر تنها به نیت آرایش باشد و نه فریبکاری و عیب پوشی از چشم خواستگاران، چنان کاری اشکال ندارد.

مسئله ۵۳۸- آیا بانوان حائض می توانند بیشتر از هفت آیه از قرآن بخوانند به جز آیات سجده و اگر چنان کاری جایز و مکروه باشد معنی کراهت آن چیست؟

جواب: تلاوت بیش از هفت آیه به جز آیات سجده که به کلی نیست کراهت دارد و معنای کراهت در اینجا کمتر بودن ثواب می باشد.

باب دوم : معاملات « فصل ۱۰ : احکام موسیقی

برخی از مردمان مسلمان در کشورهای غیر اسلامی و حتی احیاناً در خود کشورهای اسلامی معمولاً به آهنگ ها، موسیقی ها، آوازهای

خوانندگان، پایکوبی رقاصان در گوشه و کنار خیابان ها، مدرسه ها، خانه های همسایگان و در اتومبیل ها و اتوبوسها در حال حرکت، گوش می کنند و چون گاهی اوقات، آن صدا ها گوش خراش است خودبه خود این سؤال پیش می آید آیا این آهنگها آوازها را می توان گوش کرد؟ آیا رقص برای ماجایز است؟

مادر ذیل، به این سؤالات پاسخ می دهیم.

مسئله ۵۳۹. موسیقی، هنر وفنی است از هنرها و فنون بشری و در زمان های اخیر رواج بیشتری دارد. برخی از انواع آن حلال است و می توان به آن گوش داد و برخی دیگر حرام می باشد و گوش دادن به آن جایز نمی باشد.

مسئله ۵۴۰. موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب متناسب ندارد و به عکس آن، موسیقی حرام به موسیقی ای گفته می شود که با مجالس لهو و لعب هماهنگی دارد.

مسئله ۵۴۱. مقصود از جمله (متناسب با مجالس لهو و لعب) این نیست که آن موجب آرامش روحی و تغییر حال و وضع انسان می شود که چنان چیزی خوب است و احیاناً موسیقی و آواز حلال نیز آن وضع را به وجود می آورد بلکه مقصود از آن، این است که شنونده آن خصوصاً اگر با هنر و فن موسیقی آشنا باشد می داند که کدامیک با مجالس لهو و لعب و مشابه آنها، متناسب دارد و آنها یک ندارد.

مسئله ۵۴۲. رفت و آمد به جاهایی که در آنها موسیقی حلال پخش می شود، جایز است و گوش دادن به آن حتی مدت طولانی، مادام که به حرام نینجامد بی اشکال می باشد.

مسئله ۵۴۳. به اماکن عمومی که در آنها موسیقی حرام پخش می شود، می توان رفت و آمد کرد به شرط آنکه به آن موسیقی از روی عمد و قصد، گوش ندهند مانند سالن ها استقبال و بدرقه مسافران، پابون ها، پارک های عمومی، رستوران ها، قهوه خانه ها، و امثال آنها، زیرا گوش دادن به موسیقی حرام، ممنوع است نه کشیدن هر صدایی هر چند که از روی عمد گوش ندهیم، حرام باشد.

مسئله ۵۴۴. موسیقی حلال رادآموزشگاههای ویژه و یادگیر جاهای مناسب، می توان آموخت.

اعم از آنکه یادگیرنده بزرگسال باشد و یا کوچک به شرط آنکه آمد و رفت به آن اماکن در تربیت و بنیاد دینی او اثر منفی نگذارد.

مسئله ۵۴۵. غنا و آواز خوانی حرام است و گوش دادن و کاسب کاری به وسیله آن نیز حرام می باشد و مقصود از غنا و آواز خوانی حرام، آن سخنان لهوی است که به آهنگ های مبتذل در نزد اهل لهو و لعب، می انجامد.

مسئله ۵۴۶. خواندن قرآن، دعا، ذکر و ورد با آهنگ های شناخته شده در نزد اهل لهو و لعب، جایز نیست و بنا بر احتیاط واجب، جز آنها نیز به صورت شعر و نثر با همان آهنگ، خوانده نشود.

مسئله ۵۴۷. حرمت استماع موسیقی و غنای حرام در سنت نبوی مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا در یک حدیث شریف فرمود: خواننده، زناکار، نی نواز، دف زن، همگی کر و کور و لال از قبر به عرصات محشر وارد می شوند. و فرمود: هر کس به لهو و غنای حرام گوش دهد در گوش او به روز قیامت مس مذاب، می ریزند.

و باز فرمود: غنا و موسیقی حرام و مبتذل، وسیله و راهی به سوی زناست.

مسئله ۵۴۸. زن در برابر شوهرش به قصد لذت و تحریک او و جز آن، جایز است بر قصد اما در مقابل مردان دیگر نباید رقص کند و بنا بر احتیاط واجب در برابر زنان نیز نرقصد.

مسئله ۵۴۹. دست و کف زدن در جشن ها، عروسی ها و میلادیه های مذهبی برای همه زنان و مردان جایز است.

و اینک به نمونه های از استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی توجه کنید:

مسئله ۵۵۰. راجع به موسیقی حلال و موسیقی حرام، سؤال فراوان می شود. آیا می توانیم بگوییم:

موسیقی ای که غریزه جنسی را تحریک می کند و مبتذل و شهوت بر انگیز است، حرام می باشد و اما موسیقی ای که آرام بخش اعصاب بوده و روح و روان را راحتی بخشد و یا آهنگ هایی که با فیلم ها همراه است (موسیقی متن) و موسیقی های حماسی و رزمی، موسیقی حلال می باشد؟

جواب: موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب مناسب نیست هر چند که ممکن است آرام بخش اعصاب نباشد مانند مارش نظامی و عزا.

مسئله ۵۵۱. هم چنانکه از موسیقی حلال و حرام سؤال فراوان می شود از آواز خوانی حلال و حرام نیز پرسش فراوان به عملی آید آیا در این باره نیز می توان گفت: آواز خوانی ای که غریزه جنسی و شهوانی را برمی انگیزد و در سطح گسترده به ارضای شهوت جنسی بینجامد، آن آواز خوانی حرام است و اما آواز خوانی هایی که غرائز سلیم خفته را بیدار می کند و نفوس آدمی و افکار انسان را در سطح بالایی ارتقا می بخشد مثل آوازهای دینی، که سیره نبوی و ستایش امامان را زمزمه می کند و یا آوازهای حماسی و سرودهای نشاط آور و سازنده اخلاقی، عرفانی، حلال می باشند؟

جواب: غنا و آواز خوانی به طور کلی حرام است و آن بنا بر نظر و رأی برگزیده ما، عبارت است از کلام بیهوده و لهوی که با آواز و آهنگ متناسب در نزد اهل لهو و لعب، اجرا می شود و تلاوت قرآن، دعا و ثنای انبیاء و اولیاء و امامان اهل بیت هم با همین وضع و آهنگ حرام است و خواندن چیزهای دیگر از انواع کلمات غیر لهوی مانند سرودهای حماسی، رزمی با همان لحن و آهنگ غنایی که یاد شد، بنا بر احتیاط واجب حرام است. و اما آوازهایی که تعریف ما بر آن صدق نکند، ذاتاً حرام نمی باشد.

مسئله ۵۵۲. آیا به آواز خوانی های دینی و مدح و ثنای امامان که همراه موسیقی اجرا می شود می توان گوش داد؟

جواب: حکم این سؤال از حکم مسئله قبل، معلوم می شود.

مسئله ۵۵۳. آیا به قرآنت فارسی که صدایش را ترجیح می دهد و می لرزاند، بدون قصد لذت می توان گوش داد؟

- جواب: اگر آهنگی که در قرانت، از آن آهنگ استفاده می شود از نوع غنای حرام نباشد شنیدن آن، مانعی ندارد.
- مسئله ۵۵۴- برخی خوانندگان و سرودخوانان، آهنگ و لحن مردمان فاسق و فاجر را تقلید می کنند و قصیده هایی در مدح امامان معصوم می خوانند پس مضمون، مخالف آن چیزی است که اهل فسق و فجور بدان مأنوس اند لیکن اصل لحن و آهنگ مربوط به آنان است آیا چنین آواز خوانی جایز است و گوش دادن به آن چطور است؟
- جواب: بنابر احتیاط، حرام است.
- مسئله ۵۵۵- آیا بانوان در شب زفاف و عروسی می توانند با هر نوع آهنگی آواز خوانی کنند حتی با آهنگ های متناسب مجالس لهو و لعب؟ و آیا آنان می توانند از آلات و ابزار موسیقی استفاده کنند؟ و آیا آن وضع را می توان در مجلس عقد خوانی، شب حنابندان و یا مناسبت های دیگر، تکرار کرد یا مخصوص شب عروسی است؟
- جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان آواز خوانی ها حتی در شب زفاف و عروسی هم ترک شود تا چه رسد به شبها و مناسبت های دیگر و حکم موسیقی و آواز خوانی حلال و حرام در مسائل قبل توضیح داده شد.
- مسئله ۵۵۶- آیا به سرودهای انقلابی همراه پیانو، ساز، دف و نی و پیانو برقی می توان گوش داد؟
- جواب: اگر موسیقی و آهنگ پخش شده، از نوع موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب، باشد، گوش کردن به آن، جایز نیست.
- مسئله ۵۵۷- مقصود از جمله "متعارف نزد اهل فسق و فجور" چیست؟
- جواب: این جمله، در فتاویٰ ما نیامده است و آنچه ما در تعریف غنا و آهنگ گفتم عبارت از جمله "آهنگ شناخته شده نزد اهل لهو و لعب" است و معنای آن، واضح است.
- مسئله ۵۵۸- مسلمانان، سهل انگار بوده و اکنون، ملتزم و متعهد گشته است. آیا او می تواند، تنها و یا با دوستانش همانند گذشته بعضی آوازها و موسیقی ها را که گوش می داده همچنان گوش دهد و آنها را زمزمه کند؟
- جواب: با صدق عنوان موسیقی و آواز خوانی حرام، جایز نیست.
- مسئله ۵۵۹- آوازهایی هستند با لغت بیگانه و با صدای اجنبی و استادان زبان می گویند که یادگیری زبان همراه آن آواز و موسیقی، آسیان تر است آیا به هدف آموزش زبان به چنان موسیقی و آواز می توان گوش داد؟
- جواب: اگر غنا و موسیقی حرام بر آن صدق کند گوش دادن به آن، جایز نمی باشد.
- مسئله ۵۶۰- ابزار و آلات موسیقی، بسیار فراوان و گوناگونند. و در مجالس موسیقی و خوانندگانی مورد استفاده قرار می گیرند و گاهی هم، فقط برای راحتی و آرامش روحی نواخته می شوند آیا ساختن و خرید و فروش و نواختن آنها به قصد آرامش روحی و گوش دادن به نوازندگی آن کس که بر آنها می نوازند جایز است؟
- جواب: داد و ستد آلات و ابزار موسیقی حرام و ساختن و گرفتن دستمزد بر آنها، جایز نمی باشد و مقصود از آلت لهو حرام آن است که آن، برای چنان کاری ساخته شده و مالیت آن بستگی به چیزی دارد که به آن هدف ساخته شده و جز در لهو حرام مصرف ندارد.
- مسئله ۵۶۱- آیا ساختن و خرید و فروش آلات موسیقی که برای بازی بچه ها و آرام کردن آنها فراهم گشته است جایز است؟ و آیا بزرگسالان می توانند از آنها استفاده کنند؟
- جواب: اگر موسیقی حاصل از آنها، همان موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب باشد داد و ستد آنها جایز نیست و افراد بالغ و مکلف نمی توانند از آنها استفاده کنند.
- مسئله ۵۶۲- در برخی مدارس رسمی انگلستان برای دانش آموزان رقص یاد می دهند و آن را روی آهنگ موزیکی تنظیم و همراه می کنند که حرکت رقص کننده را به هنگام رقص توجیه می کند آیا در چنین کلاس درسی می توان حاضر شد؟ و اگر دختر و یا پسر جوان برای شرکت در چنان کلاسی، شوق و رغبت نشان دهند بر پدر و مادر واجب است که آنان را منع کنند؟
- جواب: حضور دانش آموزان نوجوان، در چنین کلاسهایی اگر بر تربیت دینی آنان اثر منفی باقی بگذارد که غالباً چنین است، جایز نمی باشد بلکه بنابر احتیاط، به طور مطلق جایز نیست.
- مسئله ۵۶۳- آیا یادگیری هنر رقص جایز است؟
- جواب: بنابر احتیاط به طور مطلق جایز نمی باشد.
- مسئله ۵۶۴- آیا می توان مجالس رقصی به پا کرد که در آنها زن و شوهر با هم و با آهنگ موزیک آرام و جامه های رسمی، می رقصند؟
- جواب: جایز نیست.
- مسئله ۵۶۵- آیا رقص زنان در جلوی زنان و مردان در جلوی مردان در یک جشن، آن هم جداگانه با موزیک و یا بدون آن، جایز است؟
- جواب: رقص زن و یا مرد به طور کلی، محل اشکال است و احتیاط در ترک آن است و حکم موزیک در مسائل قبل، گفته شد.
- مسئله ۵۶۶- آیا زن می تواند در برابر شوهرش با موزیک و یا بدون آن، برقصد؟
- جواب: بدون موزیک، جایز می باشد.
- مسئله ۵۶۷- در برخی کشورهای غربی دانش آموزان دختر و پسر را به آموختن هنر رقص، مجبور می کنند و این گونه رقص با موزیک متعارف همراه نیست و جنبه لهوی ندارد فقط ماده درسی محسوب است آیا پدران و مادران می توانند به فرزندان دختر و یا پسر خود

اجازه حضور در آن کلاسها را بدهند؟

جواب: اگر چنان کاری با تعلیم و تربیت دینی فرزندان، منافات داشته جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط و با فرض بلوغ فرزندان، اجازه حضور در چنان کلاسی به طور مطلق حرام می باشد مگر آنکه آنان برای خود حجّت شرعی داشته باشند مثلاً از کسی تقلید کنند که او حضور در چنان کلاسی را جایز می شمرد در این صورت، دادن اجازه حضور بلامانع است.

باب دوم : معاملات « فصل ۱۱ : مسائل متفرقه

شما خواننده گرامی در این فصل برخی مسائل و استفتائات شرعی در امور مختلف حیاتی را می خوانید که در فصول گذشته کتاب، کمتر می گنجید زیرا تناسبی با آن فصلها نداشت و به همین سبب آنها را در عنوان مسائل متفرقه آوردیم.

مسئله ۵۶۸- مستحبّ است فرزندان خود را با نامهایی که بندگی خدا - عزّ و جلّ - را یاد می آورد، بنامیم. هم چنانکه نامگذاری با نام محمد (صلی الله علیه و آله) و نام های دیگر پیامبران و رسولان و نام علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، حمزه، و فاطمه، استحباب دارد و نامگذاری با نام دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) کراهت دارد.

مسئله ۵۶۹- سر پرستی طفل، دختر باشد و یا پسر تا دو سال هجری، حق مشترک پدر و مادر است پس هیچ پدری در طول دو سال اوّل زندگی نمی تواند طفل را از مادرش جدا کند پس از دو سال حق سرپرستی متعلّق به پدر است و بنا بر احتیاط مستحبی، طفل تا هفت سالگی از مادر جدا نشود.

مسئله ۵۷۰- اگر پدر و مادر یک طفل با فسخ عقد و یا طلاق، از همدیگر جدا شوند تا فرزندان آنان اعم از دختر و یا پسر دو ساله نشده اند، حق حضانت و سرپرستی مادر، تا شوهر نکرده باشد، ساقط نمی شود و پدر و مادر هر دو در حق سرپرستی مشترکند و به شکلی که به توافق برسند آن را اعمال می کنند.

مسئله ۵۷۱- اگر مادر طفل، پس از طلاق و جدایی از شوهر قبلی، شوهری دیگر اختیار کند حق سرپرستی او ساقط می شود و آن، به عهده پدر می باشد.

مسئله ۵۷۲- حق سرپرستی بر طفل، با بلوغ و رشد او پایان می یابد و پس از آن، هیچ کس حق سرپرستی او را ندارد و فرزند چه پسر باشد و یا دختر، مستقل است و مالک جان خود می باشد و پدر و مادر و هیچ کس مدعی حقّی بر او نیست پس او با هر کس بخواهد، پدر، مادر و یا شخص ثالث، می تواند زندگی کند مگر آنکه جدایی او از پدر و مادر موجب اذیت و آزار آنان شود و به سبب محبت و دلسوزی که نسبت به وی دارند، رنجیده خاطر شوند که در این صورت مخالفت آنان جایز نیست و اگر پدر و مادر در این خصوص نیز اختلاف کنند مادر بر پدر مقدم است.

مسئله ۵۷۳- اگر پدر، بمیرد حق سرپرستی طفل به مادر می رسد تا او به سن بلوغ و رشد برسد و هیچ کس بر او مقدم نیست.

مسئله ۵۷۴- اگر مادر، در زمانی که حق حضانت و سرپرستی طفل را داشته از دنیا برود، پدر به سرپرستی طفل میپردازد.

مسئله ۵۷۵- سرپرستی، وظیفه پدر و مادر است و حق فرزند به حساب می آید و اگر آنان از سرپرستی طفل سرباز زنند به قبول چنان مسئولیتی وادار می شوند.

مسئله ۵۷۶- اگر طفلی پدر و مادر را یکجا از دست بدهد، حق سرپرستی او به جدّ پدری می رسد.

مسئله ۵۷۷- پدر، مادر و هر کسی که حق سرپرستی طفل را دارد میتواند آن را به شخص دیگر که مورد اطمینان است، واگذارد تا او به وظایف و مسئولیت های شرعی، قیام کند.

مسئله ۵۷۸- کسی که سرپرستی طفلی را به عهده می گیرد اعم از پدر، مادر و یا شخص ثالث، باید مسلمان، عاقل و امین بر سلامت طفل باشد پس اگر پدر، کافر و مادر مسلمان و طفل محکوم به اسلام بود، حق سرپرستی به مادر اختصاص پیدا می کند و به عکس، اگر مادر کافر باشد و پدر مسلمان، آن حق، از آن پدر می شود.

مسئله ۵۷۹- بر پسر واجب است که هزینه زندگی پدر و مادرش را بپردازد.

مسئله ۵۸۰- بر پدر واجب است که هزینه زندگی فرزند خود را پسر باشد و یا دختر بپردازد.

مسئله ۵۸۱- در وجوب انفاق بر رحم و خویشاوند نزدیک، فقر و ناداری شرط است به این معنا که او نیازمندی های زندگی را فعلاً نداشته باشد مثل خورد و خوراک، جامه، مسکن، رختخواب، لحاف و امثال آنها.

مسئله ۵۸۲- نفقه واجب شرعی، اندازه معینی ندارد بلکه مقدار واجب آن است که زندگی او در زمینه های خورد و خوراک، لباس، مسکن، و دیگر نیازمندی ها برابر شئون او و به تناسب زمان و مکان، فراهم باشد.

مسئله ۵۸۳- کسی که نفقه و هزینه زندگی او بر عهده دیگری واجب است، اگر او از پرداخت آن، خودداری کند، صاحب حق می تواند او را به پرداخت آن حق، وادارد دعوی را نزد حاکم و زمامدار وقت ببرد هر چند که او حاکم جائز باشد و اگر از آن طریق به حق خود نرسید هر گاه، مالی نزد او بود می تواند به اذن حاکم شرع و به اندازه نیاز خود از آن، برداشت کند و اگر آن هم میسر نگردد به اجازه حاکم، از سوی آن شخص که نفقه بر او واجب است، وام می گیرد آنگاه ذمه او به آن وام مشغول می شود و او باید آن را بپردازد و هر گاه مراجعه به حاکم به طور کلی ممکن نبود به برخی مومنان عادل و دادگر مراجعه می کند تا او برایش قرض کند و آن شخص مسئول که از

پرداختن نفقه خودداری کرده است، باید وام را بپردازد.

مسئله ۵۸۴- اگر حفظ دین حنیف و احکام مقدسه آن و صیانت نوامیس مسلمین و نگاهبانی بلاد اسلامی موقوف بر این باشد که شخص و یا اشخاصی از دارایی خود، چنان خرج و انفاق می شود و او نمی تواند از کسی، عوض بطلبد، و اینک برخی استفتانات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه:

مسئله ۵۸۵- صورتگری و یا صحنه سازی از زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله) و یا دیگر پیامبران گذشته و یا معصومین (علیهم السلام) و یا هر راز و رمز مقدس تاریخی و نشان دادن آنها بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون و یا تئاتر و غیره جایز است؟
جواب: اگر اصل حرمت و بزرگداشت آنان رعایت شود و شخصیت مقدس آنان را در اذهان مردم خدشه دار نکند مانعی ندارد.

مسئله ۵۸۶- آیا قرآن، دعاها و ذکرهای ویژه محافظت، روزی و یا عافیت و سلامت را می توان به کافران هدیه داد؟
جواب: اگر جانب احترام رعایت شود و آنها در معرض بی حرمتی قرار نگیرند، مانعی ندارد.

مسئله ۵۸۷- بر روی برخی ورقه های کاغذ نامهای جلاله، اسامی معصومین (علیهم السلام) و یا برخی آیه های قرآنی نوشته شده است و ما نمی توانیم آنها را به دریا و رودخانه بریزیم آنها را چه کنیم؟ با علم به این که نمی دانیم با کیسه های زیاله چه می شود و آنها را کجا می ریزند؟

جواب: ریختن آنها در کیسه های زیاله جایز نیست که بی احترامی به حساب می آید اما می توان نوشته ها را هر چند با مواد شیمیایی، از بین برد و یا در جایی پاک دفن کرد و یا بسیار خرد کرد مانند خاک.

مسئله ۵۸۸- آیا استخاره به طریقی که امروزه در میان ما متداول است، شرعاً وارد و پسندیده است؟ و آیا تکرار آن ضرری دارد اگر با تصدق همراه شود تا با خواسته استخاره کننده، برابر گردد؟

جواب: استخاره به هنگام حیرت و تساوی احتمالات و رجحان نداشتن یک احتمال، به قصد رجاء انجام می شود آن هم پس از فکر و مشورت، اما تکرار آن به سبب حیرت، صحیح نیست مگر در صورت تغییر موضوع و دادن صدقه به مقدار از مال.

مسئله ۵۸۹- حدود مبلغی که به وکلای خود اجازه می دهید از وجوه شرعی، به مصرف برسانند چقدر است؟

جواب: آنچه در اجازه های ما آمده است یک سوّم و یا نصف است که مجاز به مصرف آن می باشند و معنای جمله آن نیست که آن سهم مذکور، به مجاز اختصاص دارد بلکه آن در مصارف مقررّه باید هزینه شود که گاهی خود او مورد آن مصرف نیست مثل این که شخص مجاز، علوی است و زکات اشخاص غیر علوی را گرفته است. و در پرتو این بیان، اگر شخص مجاز، بین خود و خدا خوشستن را مورد مصرف آن سهم دید و مطابق ضوابط شرعی، عمل کرد مثل اینکه او فقیر به معنای شرعی کلمه است و یا او از مصارف زکات یا سهم سادات و یا رد مظالم باشد می تواند به اندازه احتیاج و در شأن خود برداشت و هزینه کند نه زیادت. م به این ترتیب اگر او خدمت شرعی کرده و در اعلاّی کلمه دین کوشیده است به تناسب عملکرد و خدمت دینی اش استحقاق دریافت سهم امام (ع) را دارد. اما اگر او استحقاق وجهی را که دریافت کرده است نداشته باشد فقط می تواند سهم تعیین شده در اجازه نامه را در موارد مقررّه شرعی به مصرف برساند.

مسئله ۵۹۰- اگر اطمینان انسان نسبت به نماینده یک مرجع تقلید به سبب خطاهایی که در مصرف وجوه شرعی به او منسوب می دارند متزلزل شود.

اولاً جایز ایستن چنان چیزی را با مردم در میان گذاشت و در آن باره صحبت کرد؟ در حال که صحت آن نسبت ها معلوم نیست و اگر صحت و درستی آنها به دست آمد چطور؟

و ثانیاً تا اطمینان به صحت آن نسبت ها حاصل نشده می توان وجوه شرعی را به او داد؟

جواب: درباره قسمت اول سؤال باید گفت: در هر دو صورت، جایز نیست و در صورت دوم بعین احراز صحت نسبتها، او می تواند به طور مستقیم، آن هم با پنهان کاری تمام مرجع تقلید را در جریان بگذارد تا او را به نماینده ای بدهد که پاک و صحت عمل او برابر اجازه نامه محرز است یعنی او مقداری را در مصارف مقرر در اجازه نامه هزینه می کند و باقیمانده را به مرجع تقلید می رساند.

مسئله ۵۹۱- آیا بدون اجازه مرجع تقلید، می توان مقداری از سهم امام را برای مصرفی که امام (ع) بدان خشنود است، هزینه کرد؟
جواب: چنان کاری، جایز نیست و احراز رضای امام (ع) در زمینه مصرف سهم او بدون اجازه گرفتن از مرجع تقلید اعلم با احتمال دخالت اذن او در رضای امام، ممکن نمی باشد.

مسئله ۵۹۲- آیا سهم امام (ع) را می توان در بنیادهای خیریه خرج کرد در حالی که دهها هزار از مسلمانان به پاره ای نان و یک دست لباس برای پوشاندن اندام خود محتاجند؟

جواب: در مصرف سهم امام (ع) باید الا همّ فالاهمّ را مراعات کرد و تشخیص آن بنا بر احتیاط موقوف به تشخیص فقیه اعلم است که از جهات عمومی، مطلع می باشد.

مسئله ۵۹۳- گاهی دانه ای برنج به هنگام شستشوی ظروف در راه فاضلاب می ریزد آیا چنین کاری جایز است و یا اجتناب از آن، کم باشد و یا زیاد، واجب می باشد با علم به اینکه اجتناب از چنین عملی بسیار دشوار است؟

جواب: اگر مقدار برنج تزییع شده به اندازه ای است که می توان حتی حیوانی را با آن تغذیه کرد چنان عملی جایز نیست اما اگر

بسیار اندک و یا کثیف باشد ، ریختن آنها در آشغال دانی هرگاه اهانت و بی حرمتی به نعمت های الهی نباشد ، اشکال ندارد .
مسئله ۵۹۴- آیا شاعری می تواند مجلس شعر خوانی (شب شعر) برای خود ترتیب دهد در حالی که او می داند در چنان مجلسی بانوانی برای شنیدن اشعار او بی حجاب و نیمه برهنه حضور خواهند یافت ؟
جواب : این کار در حد ذات خود مانعی ندارد اما بر آن شاعر لازم است که امر به معروف و نهی از منکر کند هرگاه شرایط چنان تکلیفی فراهم باشد .

مسئله ۵۹۵- در مدرسه ها از دانش آموزان می خواهند که انسان و حیوان را رسم و نقاشی کنند طوری که دانش آموز نمی تواند مخالفت کند آیا چنین کاری جایز است و اگر موضوع ، مجسمه سازی و پیکر تراشی باشد چه طور است ؟
جواب : صورتگری و نقاشی به طوری مطلق جایز است ، و بنا بر احتیاط واجب ، مجسمه سازی و پیکر تراشی در زمینه موجودات جاندار ، ترک شود و تکلیف دبستانی در مورد عملی که به احتیاط واجب باید ترک شود ، مجوز محسوب نمی گردد ، مگر آنکه صورت ایجاد کند مثل این که ارگ چنان نکتند او را از مدرسه بیرون می کنند و آن برای او کار پرزحمتی است که معمولاً نمی توان تحمل کرد .
مسئله ۵۹۶- آیا خرید مجسمه آدمی و برهنه اعم از مجسمه زن و یا مرد جایز است ؟ و خرید مجسمه و تندیس حیوانات که برای زینت می تراشند چه طور است ؟

جواب : دومی بی اشکال است اما اولی اگر ترویج فساد باشد ، جایز نیست .
مسئله ۵۹۷- کف و یا فال فنجان بین ، پیشگویی هایی می کند و می گوید که برای شخص در حال و آینده چه پیش خواهد آمد ؟ آیا چنین کاری جایز است به ویژه اگر صاحب فنجان به آنچه گفته می شود ترتیب اثر بدهد ؟
جواب : چنان پیشگویی هایی اعتبار ندارد و او هم نباید به طور جزم و یقین ، سخنی بگوید هم چنانکه دیگران هم در مواردی که وجود حجت شرعی و عقلی لازم است ، نباید بر آن پیشگویی ها ، اثر بار کنند .
مسئله ۵۹۸- خویا مغناطیسی و احضار ارواح جایز است ؟

جواب : هر آنچه به انسانی که نباید به او صدمه زد ضرر و آسیب می رساند ، حرام است و جایز نمی باشد .
مسئله ۵۹۹- آیا تسخیر جن برای حل مشکل مردمان مؤمن ، جایز است ؟
جواب : حکم این سؤال همانند حکم سؤال پیشین است .

مسئله ۶۰۰- راه انداختن جنگ خروس و یا گاو بازی در صورتی که موافقت صاحبان و مالکان آنها به دست آمده است جایز است ؟
جواب : اگر تزیین مال محسوب نشود ، مکروه است .

مسئله ۶۰۱- حرجی که موجب رفع حرمت می شود چیست و اندازه آن چقدر است ؟ و آیا گرانی قیمت با وجود قدرت بر تهیه ، هر چند با زحمت و قرض ، موضوع حرام را حرجی می کند و آن را شرعاً جایز می سازد ؟
جواب : حالات متفاوت است و معیار ، زحمت فوق العاده است که معمولاً نمی توان آن را تحمل کرد .
مسئله ۶۰۲- وزن یک پنخود با معیار مثقال و یا گرم که در سنجش طلا در زمان ما به کار می رود چقدر است ؟
جواب : یک نخود یک جزء از بیست و چهار جزء از مثقال صیرفی است و مقدار آن معلوم می باشد .

لیست مواد خوراکی حرام

شریعت مقدس اسلام خوردن تعدادی از خوردنی ها و نوشیدنی ها را بر مسلمانان حرام کرده است. و چون شرکتها و مؤسسه غیر اسلامی و سازنده انواع مواد غذایی طبعاً خود را متعهد نمی دانند و از وارد کردن آن مواد حرام در تولیداتشان خودداری نمی کنند شایسته است که مسلمانان ضمن رعایت حدود شرعی، از تولیدات و کنسروهای ساخته شده به وسیله غیر مسلمانان اجتناب کنند و در ذیل، برخی اطلاعاتی را که در زمینه مواد خوراکی حرام به دست آورده ایم به خوانندگان تقدیم می داریم و ترجیح دادیم که در آن باره سخن را طولانی نکنیم تا مسلمانی که گرفتار زندگی های مغرب زمین است در حد امکان به مشکل برنخورد زیرا شریعت اسلام با دقت و سخت گیری هایی که احیاناً دارد در عین حال سهل و آسان باقی بماند. نخست تذکر دو نکته مهم، سودمند است:

- ۱- برخی مواد اولیه که در ترکیب قسمتی از خوردنی ها و نوشیدنی ها وارد می شوند گاهی در اثر تحولات شیمیایی، خصوصیت اولیه خود را به طور کلی از دست می دهند، طوری که عرفاً مواد جدید به حساب می آیند و همین دگرگونی، آنها را اگرچه در اصل حرام بوده اند از حرمت بیرون می آورد، و این همان استحاله ای است که در رساله عملیه عنوان شده و یکی از مظهرات و پاک کننده ها به حساب می آید. مثلاً یک ماده اصلی حیوانی که خوردن آن حرام می باشد، اگر به ماده دیگری تحول پیدا کنند حلال می گردد.
- ۲- در اینجا مواد اولیه ای وجود دارد که در صنعت غذایی مورد استفاده اند و درباره آن احتمال داده می شود که قسمتی از آنها حلال و قسمتی دیگر حرام می باشد، در این صورت با نبود علم و یقین به اصل این ماده، جستجو واجب نیست و خوردن چنین ماده مشکوک جایز است (این حکم در مورد گوشت که در تذکیر و عدم آن، شک داریم صادق نمی باشد).

مثلاً اگر در ترکیب بعضی از کنسروها، ماده (Mono et diglycerides) که ممکن است از روغن حیوانی گرفته شده و احتمال هم دارد که از روغن نباتی به دست آمده باشد، در اینجا مادامی که یقین نکنیم که از روغن حیوانی گرفته شده است، پرس و جو از حقیقت آن واجب نیست و آن محکوم به حلیت است و اکنون برخی اطلاعات مربوط به مواد حرام را که به معنای انگلیسی و فرانسوی آنها هم احیاناً اشاره خواهیم کرد یادآوری می‌کنم.

روغن های حیوانی و نباتی:

دو کلمه (Shortening) و (Fat) انگلیسی و واژه (grasses Matieres) فرانسوی به معنای روغن و یا چربی است و معمولاً بر حسب عرف، به روغن های آمیخته با چند نوع روغن حیوانی اطلاق می‌گردد که به آن مخلوط، به نسبت معینی روغن نباتی هم احیاناً اضافه می‌شود.

البته روغن گرفته گرفته شده از خوک در انگلیسی (Lard) و در فرانسه (Saindoux) نام دارد.

در مورد برخی محصولات آمریکایی عبارت:

(Vegetable shortening)

دیده می‌شود که معادل عربی آن سمن نباتی یا دهن نباتی (روغن نباتی) است. این جمله، اطمینان بخش است زیرا برابر قانون آمریکا شرکت های تولیدی، کافی است که هشتاد تا نود درصد از روغن نباتی استفاده کرده و بقیه را روغن حیوانی قاطی کنند و با این وجود اسم آن، روغن نباتی است.

و اما جمله ای که بیشتر موجب اطمینان است عبارت است از:

Pure vegetable shortening یا Pure vegetable Ghee

و آن به معنای روغن نباتی خالص است.

در حالی که روغن نباتی خالص به (Pure vegetable oil) تعبیر می‌کنند. و سودمند است به این نکته اشاره کنم که روغن نباتی در اصل روغنی است مایع و لکن آن را با هیدروژن غنی می‌کنند تا از مایع بودن به جامد تبدیل می‌شود.

و اما کره یا روغن برگرفته از شیر که به انگلیسی (Butter) و به فرانسه (Beurre) گفته می‌شود و کره ای که در بازارها عرضه می‌شود فقط کره برگرفته از شیر است آنها اشکال ندارند و نوعی دیگر هم وجود ندارد.

اما انواع پنیرها:

در ساختن آنها روغن خوک وارد نمی‌شود آنگونه که برخی می‌پندارند اما در به عمل آوردن آن، از مایه بهره می‌گیرند و آن چیزی است که از معده برخی حیوانات مثل گاو، گوساله و خوک گرفته می‌شود و در انگلیسی به آن (Rennen)، (Renin)، (Pepsin) و در فرانسه: (Presure) گفته می‌شود.

و مایه خوک حرام است. اما مایه به دست آمده از گاو و یا گوساله مردار و تذکیه نشده هرچند دراصل پاک است و استعمال آن جایز می‌باشد ولی طرف آن (شکمبه، سیرابی) با ملاقات آن نجس می‌شود. چون سایر اعضای حیوان مرطوب و خیس بوده است. اگر ندانیم که طرف منتجس، در ساختن پنیر، مورد استفاده قرار گرفته مانعی از خوردن آن نیست و شایسته است که به انواع دیگری از آنچه که در ساختن پنیر مورد استفاده قرار می‌گیرد توجه کرد که برخی از آنها نباتی و برخی دیگر شیمیایی (آنزیم میکربی) است. و در حلیت و پاکی آنها تردیدی نیست و هنگامی که در ماده به کار رفته در ساختن چنین پنیرهایی شک و تردید کنیم که آیا از مایه طبیعی حرام و یا ناپاک تهیه شده و یا دیگر اشیاء بنا بر حلیت آن، می‌گذاریم، اما زله ای که در ساختن ژلاتین مورد استفاده قرار می‌گیرد آن نیز ماده ای است از اصل حیوانی. اما می‌ماند سؤال از نوع خاصی از زله که در ساختن آن برخی ماده ها که از نباتات و گیاهان دریایی به دست می‌آید به کار می‌رود. اما نوشابه های گازداری که دارای الکل نمی‌باشند مانند کوکا کولا، پپسی کولا، سون آپ و کانادا درای، در آنها هیچ گونه ماده حیوانی و یا الکی به کار نرفته است.

در اینجا تذکر دو نکته مهم است:

الف - در تهیه این لیست به طور اساسی به سخنان دکتر احمد حسین صقر رئیس دانشگاه شرق و غرب در شیکاگو، آمریکا، اعتماد کرده ایم.

ب - در فراهم کردن این ستون به منابع ذیل مراجعه شده است:

۱- موسوعه ای در علوم طبیعی، ادوارد غالب (ج ۱ و ۲) بیروت ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶.

۲- Le Guide marabout de la peche en mer Michel van Havre -1982 - FRANCE

.Les Poissons Deau Douce - Jiri Cihar 1976 FRANCE -۲

.Guide des Poissons D'eau Douce et Pe'che Bent J. Muvs et Preben Dahistrom 1981 - SUISSE -۴

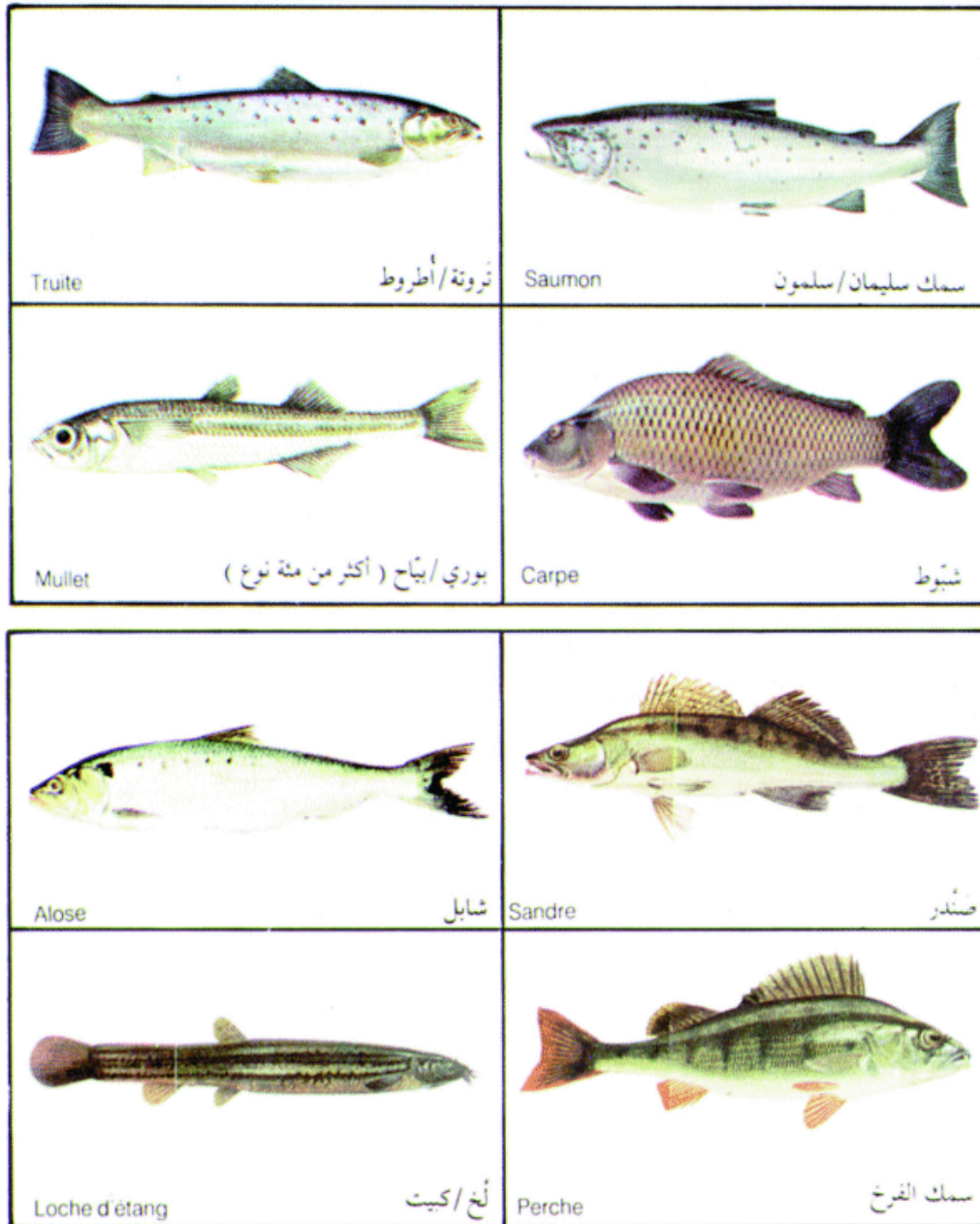
.Encyclopedie Illustree des Poissons Stanislav Frank PARIS -۵





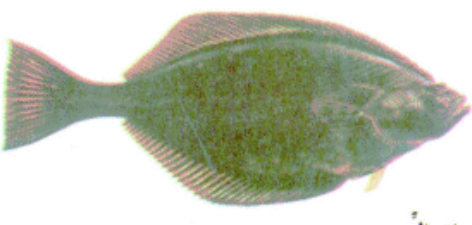







.Encyclopedie du Monde Animal Tome 4 (Les Poissons 1 et Les reptiles) Maurice Burton. Bibliotheque Marabout PARIS -۶

لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال

نام علمی (به لاتین)	نام انگلیسی	نام فرانسوی	نام عربی
ardina , Clupea Sardina	Sardine	Sardines - Sarda	سردین
-----	Pilchard	Pilchard -célan	البلیشار (نوعی شبیه سردین)
-----	Coal Fish	Colin - Lieu noir	نازلی
Cyprinus - Carpio	Carp	Carpe	شبوط
Mugil	Mugil - Grey , Mulet	Muge - Mulet , Mullet	بوری/ بیاح (بیشتر از صد نوع)
Thynnus , Alaionga	Tunny - Tuna	Thon	تن / تون / طون
Thynnua Alaionga	White Tunny Fish	Thon Blanc Germon	تون ابیض / طون ابیض / کعد / کعد
Salmo Saiar	Salmon	Saumon	سمک سلیمان / سلمون
Trutta	Trout	Truite	تروت / اطروط
Solea	Sole	Sole	سمک موسی
Clupea	Herring	Hareng	رنکه
Perca fluviatilis	Perch	Perche	سمک الفرخ
Gadus	cod - codfish	Morue - Gede	غادس / غدس / غیدس / موره
-----	Cod	Cabillaud	غادس أسمر
Platycephalus	Flathead	Platycéphale	راقود
Morone Labrax	Sea Bass	Bar - Loup Louvine Loubine	قاروس / قروس
Cobitis - Fossilis	Pond Loach	Loche D'étang	لخ / کبیت
Lucioperca , Lucioperca	Pike - Perch	Sandre	صندر
osmerus , Eperlanus	Smelt	Eperlan	سمک البنفسخ
Thymallus , Thymallus	Graylig	Ombre	عتوم
Alosa	Allice Shad	Alose	شاپل
Priacanthus	Catalufa Bigeye	Priacantha	حسرم / حمور / أبو عین
Tinca Tinca	Tench	Tanche	کمهة
Barbus Barbus	Barbel - Barbus	Barbeau Commun , Barbot	بني / بربیس
rdinius , Eryhopthalmus	Rudd	Rotengle	یرعان أحمر
rhodeus Amarus , Bloch	Bitterling	Bouvière	قنومة
Leucespius , delineatus	Rain - Bleak	Able de , Stymphale	سمكة بيضاء
Alburnoides Bipunctatus	Stream - Bleak	Ablette Rivière spirilin	سمكة بيضاء (نوع دوم)
Alburnus Alburnus	Bleak	Ablette	سمكة بيضاء (نوع دیگر)
Rutilus Pigus	Danube Roach	Gardon Galant	یرعان (دانوبی)
Pelecus Cultratus	Sabre Carp	Rasoir	-----
Abramis - Ballerus	Zope	Zope	-----
Chrysophrys	Gilt - Head	Daurade	ریاک
Platichthys - Flesus	Flounder	Flet	سمک التیس
-----	Brill	Barbue	سمک البریل
Aspius - Aspius	-----	Aspe	مطوقة / ام حسرد
Acerina Cernua	Ruffe - Pope	Grémille	فرخ عجمی

Chondrostoma Nanus	Common Nose	Nase Commun	-----
Micropterus Salmoidea	Black - Bass	Black - Bass	فرخ أسود
Squaalius - Leuciscus	Dase	Vandoise	فاندوازة
Pagrus	Porgy	Pagre	قجاج
Rutilus - rutilus	Roach	Gardon Commun	برعان
Abramis Vimba	Zaerthe	Zahrte	---
Leuciscus Idus Idus Idus	Ide	Ide - Mélanote	سمك الارحوان
Phoxinus Phoxinus	Minnow	Vairon	فیرون
lius Cephalus Leuciscuc Cephalus	Chub	Chevine Chevenne	سمك الطحان
Scomber Scombrus	Maquerel Mackerel	Maquereau	إسقمري/ طراخور
Abramis- Brama	Abramis - Bream	Braine - Bremr	ابرامیس/ برامیس
Pagellus	Braise - Braize Red Porgy	Pageul - pageau Pageul	فریدی
Sargus	Sargo - Sargue	Sargue	سرغوس



 <p>Bouvière</p>	 <p>Barbeau Commun</p>
 <p>Rotengle</p>	 <p>Tanche</p>
 <p>Flet</p>	 <p>Zope</p>
 <p>Rasoir</p>	 <p>Spirilin</p>
 <p>Gardon Commun</p>	 <p>Black-bass</p>
 <p>Vandoise</p>	 <p>Aspe</p>

